کارگران

دوشنبه بیست و دوم شهریور ماه ۲۵۳۵ شماره بیست ویکم بها :ده‌ریال

21

COLLECTION
OF
TAHEREN FOUNDATION

برای رفع خستگی کوکاکولا بنوشید

کوکا کولا

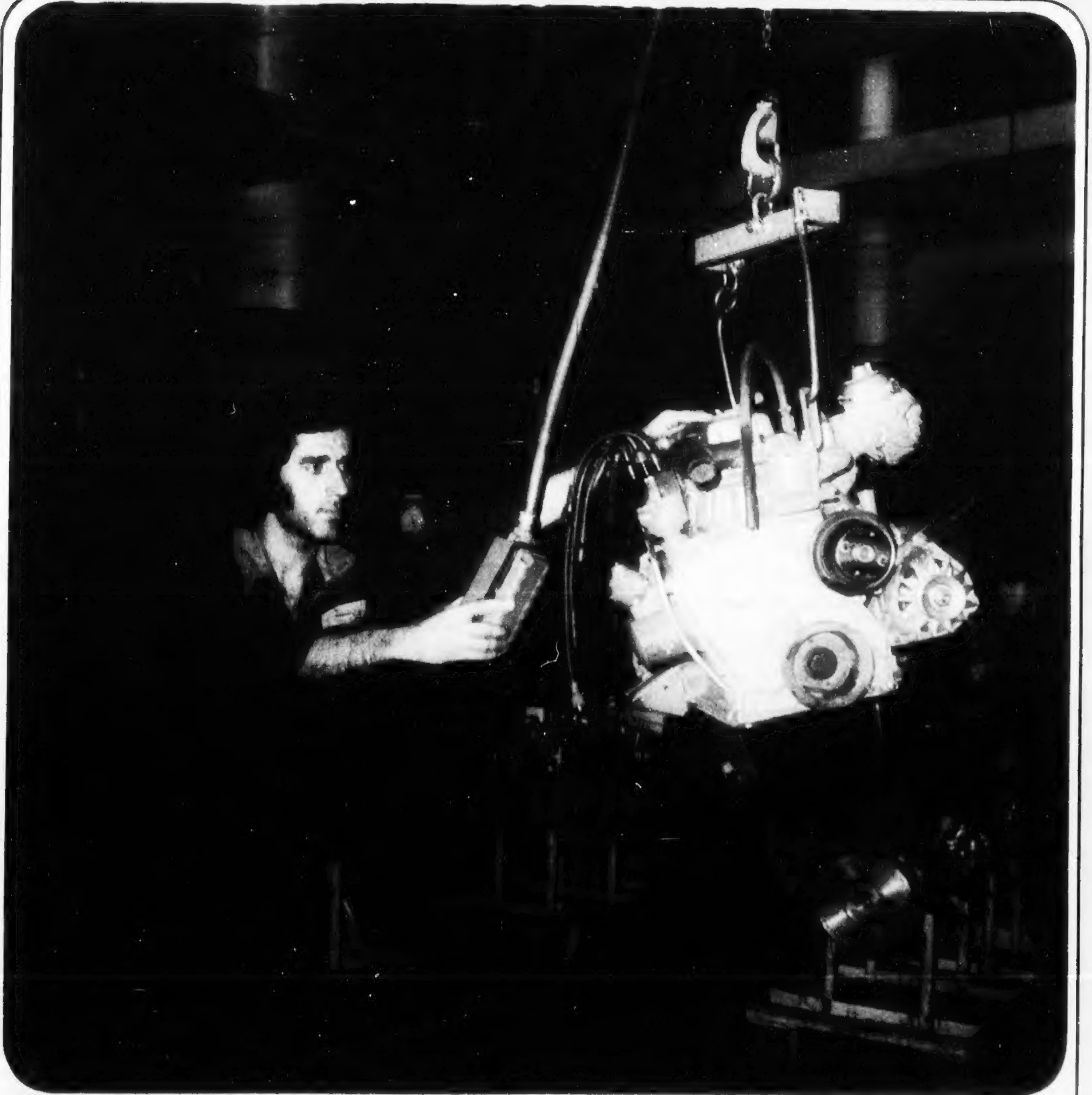

روی جلد:

سرگذشت اتومبیل از ورقه های آهن تا حرکت در خیابانها...

هم اکنون در ایران هرسال حدود ۳۷۵۰۰۰ دستگاه اتومبیل تولید میشود و به بازارهای داخلی و خارجی عرضه میگردد. کارگران صنعت اتومبیل‌سازی در ایران، خیلی زود توانسته‌اند اندیشه و بازوان توانای خود را با گردش چرخهای عظیم این صنعت آشنا سازند و هماهنگ سرود رستاخیز وطنمان، حرکت مداوم و پربرکت شبانه روز این چرخها را، تضمین کنند.

دراین شماره، رپرتاژی جالب ازسرگذشت اتومبیل می‌خوانید، ازهنگامی که ورقه های آهن را به کارخانه ها حمل می کنند، تا آن زمان که به صورت اتومبیل از کارخانه خارج میشود و درجاده‌ها به حرکت درمی‌آیند...

صفحات ۶—۷—۸—۹

رستاخیز کارگران

دوشنبه بیست و دوم شهریورماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی — شماره بیست و یکم

«نشریه حزب رستاخیز ملت ایران» این نشریه ماهی دوبار منتشر میشود

مدیر مسئول: محمد حسین کردبچه

نشانی: خیابان وصال شیرازی چهارراه بزرگمهر پلاک ۱/۱۴۸

تلفن مدیر مسئول و سردبیر ۶۴۰۴۲۲ هیئت تحریریه ۶۶۳۷۵۵

تلفنخانه ۶۶۶۰۴۴-۶۶۷۱۵۹-۶۴۰۷۹۹

...و این روز نشاند ارتاریخ ما

هم اکنون که دفتر ایام باگردش زمان ورق میخورد وروبروی خود « بیست وپنج شهریور » را می بینیم که درخشان و سربلند ، یک سروگردن بلندتر از روز های دیگر به تقویم و تاریخ زینت می دهد ، یکبار دیگر ، گوئی همین دیروز بود که اتومبیل شاه تازه ، شاه جوان ، ازمیان انبوهی ازمردم پایتخت ، دربستری از پرنیان امید ها وآرزوها و دعا ها ، عبورمیکرد وبخانه ملت نزدیک می شد.....

و این کار بهمین سادگی‌ها نبود که می‌نویسیم و می گوئیم ومی‌شنویم،

مملکتی در عین آرامش و پیشرفت و حرکت و امید و آسایش برهم خورده و بهم ریخته بود ، از هرطرف ارتش های بیگانه به آن هجوم آورده و خود را به شهر ها و حتی پایتخت آرام و شادمانش رسانیده‌بودند.

پادشاهی مقتدر و کاردان و وطن دوست و دلسوز رادرشدر سائل پیش بینی نشده واجبار ها قرارداده ووادار به کناره‌گیری اتی کرده بودند ، کسی به کسی نبود و جواب هیچ مسئله‌ای را کسی نمیدانست و یا نمیگفت ، ارتش وسرمایهٔ امنیت مملکت از هم گسیخته و در واقع محکوم به خود کشی شده بود ، صدای نامأنوس هواپیماهای بیگانه برفراز آسمان شهرها و بیابانهای کشور نعرهٔ مرگ و تهدید می کشید ، از درودیوار ترس و نومیدی وبی‌خبری و نگرانی و دلهره و هرآن چه که نهال زندگی را می‌خشکاند فرو میریخت ، همه چیز به بیهودگی می گرائید و از دورو نزدیک بوی اضمحلال و انقراض به مشام می‌رسید ، کلمه «هیچ و پوچ» معنی پیدا میکرد وشکل میگرفت ، آنان که جز این آب و خاك امیدی نداشتند و پدرانشان را دراینجا بخاك سپرده‌ودل بهمین کشوربسته بودند ، یعنی خون ایرانی دررگها یشان می جوشید ، خون میخوردند ، ومشتی فرصت طلب وماجراجو که برایشان خودی وبیگانه تفاوتی نداشته وازدرهر خانه‌ای که بوی طعامی بشنوند به آن سوی کشانیده می‌شوند وسربر آستانه‌آنخانه‌میسایند ، چشم براه بیگانه بودند تا آخرین رمق این سرزمین هم ازآن گرفته شود وآنان همچون لاشخوران ومردارخواران چنگال ننگین خود را ازخون و گوشت ایرانیان رنگین سازند...

در چنان شرایطی ولیعهد رضاشاه کبیر ، مسئولیت و رسالت قانونی خود را بعهده میگرفت و میرفت که در مجلس شورای ملی سوگند یاد کند و از گسیختن رشته حیات ملت و مملکت جلوگیری نماید......

والاحضرت محمد رضا پهلوی ولیعهد ایران ، عنوان رسمی و قانونی اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی بخود میگرفت و درمیان آنهمه گرفتاریها وحوادث تندو تلخ شانهٔ جوان خود را بزیر بار

بقیه درصفحه ۹۴

در این شماره

طلاوجواهر...و کارگران جواهرساز

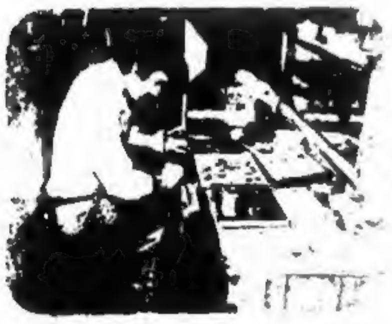

در جواهر فروشیهای تهران ، حدود . . . نفر کارگر جواهر ساز کار می کنند که وسایل زینتی ما را با هنرخویش شکل می دهند . این کارگران هنرمند ، دستمزدهای متفاوتی دارند ، که گاه به . . . . . ریال در روز میرسد . حرفه جواهرسازی وجواهر فروشی نیز ویژگیهائی دارد ، که همه کس با آنها آشنائی ندارد . مشتریان جواهر ، انتقادهائی می گیرند ، و جواهر فروشان نیز پاسخهائی به این انتقادها دارند... شما دراین رپرتاژ ، همهٔ مطالب مربوط به حرفه جواهرسازی وجواهرفروشی رامی خوانید...

صفحات ۱۴—۱۵—۱۶—۱۷

میزگرد رستاخیز کارگران

در میزگرد این شماره « رستاخیز کارگران » ، که با شرکت چند تن از نمایندگان کارگر در مجلس شورایملی ، نماینده سازمان خدمات درمانی ، و نمایندگان کارگران کارخانه‌های « شمس » ، « تخکار » و سیتا » تشکیل گردید ، مسائل گوناگون کارگران این سه کارخانه مطرح شد و مورد بحث قرارگرفت...

دراین جلسه میزگرد ، با طرح مشکل مسکن ، اظهار اطمینان گردید با اوامری که شاهنشاه آریامهر درمورد تأمین مسکن عموم ، به ویژه کارگران صادرفرموده‌اند ، این مشکل حل خواهدشد.

صفحات ۲۲—۲۳

صفحه خودمون

«رستاخیز کارگران» ، ارگان کارگران حزب رستاخیزملت ایران ، یعنی آئینه زندگی‌وافکاروخواست‌های عموم خواهران‌و برادران‌شریف کارگراست. تمام صفحات این مجله ، سال شماست‌و پیوسته آمادهٔ همکاری شما خوانندگان عزیز بامجله خودتان‌هستیم. بااینهمه ، «رستاخیز کارگران» ، مدتهاست که دوصفحه را برای انعکاس آثارکوتاهو متنوع خواهران‌وبرادران کارگر اختصاص داده است ، ودراین دوصفحه که «صفحه‌خودمون» نام گذاشته‌ایم هرهفته ، آثارگوناگونی ازنظم‌ونثر دوستان کارگر خود رامطالعه می کنید ، ازشماهم می‌خواهیم برای چاپ در«صفحه‌خودمون» ، شعر ، لطیفه‌وداستان کوتاه‌برای‌ما بفرستید.

صفحات ۳۲—۳۳

روزنامه رستاخیز کارگران

روزنامه
رستاخیز
کارگران

روزنامه رستاخیز کارگران دراین شماره‌به انعکاس چند خبرمهم درزمینه کارگری و گفتگو با رئیس سازمان کارگران درمورد انتخابات انجمن‌های دمکراتیک و درج گفتگوی نماینده اول مردم تهران دراین زمینه پرداخته است.

همچنین دراین شماره مجموعه خبری مجله رستاخیز کارگران خبرهائی ازفعالیت کارگران درشهرستانها ومعرفی چندین سندیکای کارگری وزندگی‌نامه یک کارگرمبتکر که باسعی و کوشش و بهره‌گری ازاستعداد خود توانسته است وسیله‌ای رابسازد که با بکارگرفتن نیروی [illegible] بدهد ، منعکس شده است.

صفحات ۴۳ تا ۵۸

کارگران خودساخته

شما ، درهرشماره« رستاخیز کارگران » ، زندگینامه یکی ازخودساخته‌های جهان کارگری را خوانده‌اید ، زندگینامه افرادی که از هیچ آغاز کردند ، ودرپرتواندیشه و کوشش خویش ، ازپله های پیشرفت وتعالی ، صعود نمودند

دراین شماره ، سرگذشت « جوزف هنری » ، فیزیکدان بزرگ را مطالعه می کنید ، که درآغازچوپان‌زاده فقیری بود ، اما توانست درسایه تلاش بزرگ خود به آرزوئی که داشت ، دست یابد..

صفحات ۶۸—۶۹

دراین شماره« رستاخیز کارگران » بجزمطالب بالا ، ده‌ها خبر ومطلب‌جالب‌می‌خوانید...

چاپ از: مؤسسه کیهان

شاهنشاه آریامهر در نهمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی فرمودند:

آرزوی ما اینست که هر ایرانی کاری را که بدهد، حالا استاد د

نهمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی در پیشگاه شاهنشاه آریامهـــر و علیاحضرت شهبانو در رامسر گشایش یافت. شاهنشاه آریامهر در نخستین جلســه کنفرانس، پس از استماع گزارش نخست وزیر، وزیر علوم و آموزش عالی، وزیـــر آموزش و پرورش و معاون وزارت دربار شاهنشاهی بیانات مهمی ایراد فرمودند، کــه در محافل داخلی و خارجی بازتابی وسیع داشت.

هفته گذشته در پیشگاه شاهنشاه آریامهر وعلیاحضرت شهبانو، نهمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی در شهر زیبای رامسر گشایش یافت. در اولین روز این کنفرانس رهبر کشورمان طی بیانات جامع ومهمی یکبار دیگر لزوم توجه هرچه بیشتر به امر آموزش را در سطوح مختلف مورد تأکید قرار دادند و بلند پایگان و دست اندر کاران مسائل آموزشی را در جهت دست‌یابی باین مهم ارشاد فرمودند. فرمایشات ملوکانه و بیانات علیاحضرت شهبانو در این دوره از کنفرانس بطور گسترده‌ای در وسایل ارتباط جمعی کشورمان و دیگر کشورهای جهان انعکاس یافت. وشما کارگران عزیز از آن آگاه شدید. «رستاخیز کارگران» در این شماره ضمن گزارشی از این دوره از کنفرانس شما را از فعالیتهای چندساله این کنفرانس وهدفهای آن آگاه می کند. با هم بخوانیم:

اصل دوازدهم انقلاب

اولین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی، در چهاردهم مهرماه سال ۲۵۲۶ شاهنشاهی آغاز بکار کرد و در همان سال دوازدهمین اصل از اصول انقلاب شاه و ملت، بفرمان شاهنشاه آریامهر، بعنوان انقلاب آموزشی تعیین شد، و یکسال بعد در پانزدهم مردادماه سال ۲۵۲۷ شاهنشاهی مجریان امور که فرمان انقلاب را در یکسال پیش دریافت کرده بودند، در پیشگاه شاهانه حضور یافتند واز عملکردهای خود سخن گفتند و رهبر انقلاب با بیاناتی حکیمانه فرمان بررسی اصول و خطمشی اساسی انقلاب در سطح آموزش عالی را صادر فرمودند. باین ترتیب در سال های گذشته هشت کنفرانس بمنظور ارزشیابی کارهای انجام شده در زمینه آموزش تشکیل گردید و هربار شاهنشاه آریامهر با بیاناتی شیوا و گویا در جلسات افتتاحیه این کنفرانس خطوط اصلی هدفهای انقلاب آموزشی را برای مجریان امور ترسیم فرمودند.

برای اولین بار گروههای مختلف در کنفرانس

کنفرانس امسال با کنفرانس سالهای قبل این تفاوت را داشت، که در آن نمایندگان دانش آموزان و دانشجویان، معلمان و کارگران سراسر کشور شرکت داشتند و نکته قابل توجه دیگر اینکه نظرات مردم که از طریق حزب رستاخیز ملت ایران جمع آوری شده بود، در هزار صفحه به کنفرانس تقدیم شد و این نظرات در کنفرانس بطور کامل مطرح گردید.

کیفیت آموزشی بهتر لازمه عصر رستاخیز

در این دوره از کنفرانس که فضای برآمده از رستاخیز جنب و جوشی همه‌جانبه را در تمام سطوح برانداخته است، روشن است که جامعه ما از نظام سنتی و قالبهای فکری گذشته بیرون آمده و جویای نظام جدیدی است که برپایه فرهنگ اصیل‌مان و اصول علمی پویا استوار باشد. برای شناخت روند اجتماعی و آموزشی جامعه‌مان بیک سیستم تفکر علمی که برتحقیق و بررسی علمی استوار باشد، نیاز داریم که بتواند برپای خود بایستد و فرهنگ چند هزار سال خود را پایدار نگاهدارد. هدف از انقلاب آموزشی ایران که بفرمان رهبر خردمندمان باید در مؤسسات آموزش عالی و مراکز علمی و تحقیقاتی مورد نظر باشد، در مرحله اول آن است که وسایل تربیت و رشد کلیه افراد و طبقات ایران بطور همه جانبه فراهم شود، تا در دنیای آینده سرنوشت ملت ما در دست انسان‌هائی رسیده و کامل قرار گیرد. طرح‌ریزی آموزشی باید با دیده وسیع و انقلابی انجام گیرد، و با پرورش انسانهائی بیدار و آگاه و کاردان پایه گذاری آینده ایران را براساسی استوار انجام دهد. واینکه به‌مسئله آموزش و برنامه ریزی آموزشی در جامعه انقلابی ما و در عصر رستاخیز این همه توجه میشود بی‌اساس نیست، چرا که بدون داشتن تعداد کافی مردان و زنان متخصص کارآمدوباوجدان ومیهن پرست اجرای هیچ یک از برنامه های انقلابی کشور نمی‌تواند نتایج کاملا موردنظر را ببار آورد. درحقیقت پیشرفتهای آینده جامعه مادرگرو میزان معلومات وتخصص افراد ودیعه وطن پرستی و وجدان اجتماعی آنها است، همچنانکه پیشرفتهای فعلی نیز باتکیه برهمین عوامل بدست آمده است.

معهذا از آنجا که برنامه‌های آینده کشورمان ازنظر عظمت ونوع حجم به هیچ وجه باآنچه تا کنون انجام گرفته است قابل مقایسه

انجام میدهد بتواند به وجه احسن، انجام
انشگاه باشد یا یک جوشکار

نیست ، بهمین جهت برنامه‌های آموزشی نیز نمی‌تواند در روند و کیفیت کنونی جوابگوی نیازهای فردا باشد ، در حقیقت هرسال با برگزاری کنفرانس انقلاب آموزشی نکات انقلابی تازه‌ای برما مشکوف میشود واین بهترین تاثیر را در راه اصلاح نظام آموزشی درجهت تحقق هدفهای انقلابی جامعه ما خواهد داشت و همانطور که گفته شد امسال به دلایل متعدد میتوان به کنفرانس رامسر امیدهای بیشتری داشت .

حضور نمایندگان گروههای اجتماعی که باامر آموزش رابطه مستقیم دارند وتجربه‌ای که از ۸ سال گذشته بدست آمده ومهمتر ، فضای برآمده از رستاخیز است که نهمین کنفرانس رامسرمتمایزمی کند ویقین است که کنفرانس رامسر موجب خواهد شد کمبودی که در جامعه ما ازنظر افراد متخصص درهمه سطوح ، از پزشک ومهندس و مدرس دانشگاهی تا کارگر برقکار ، بنا و نجار و تعمیر کار اتومبیل و لوله کش وجود دارد ازبین برود .

استماع گزارشها

شاهنشاه آریامهر در پایان نخستین جلسه کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی پس از استماع گزارش‌های نخست‌وزیر ، وزیرعلوم و آموزش‌عالی ، وزیر آموزش‌وپرورش ومعاون وزیر دربارشاهنشاهی بیانات مشروحی خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس ایراد فرمودند ، همانطور که در این گزارش یادآور گردید ، بیانات ملوکانه بطوروسیعی در وسایل ارتباط جمعی ایران وجهان انعکاس یافت و همگان از آن برخوردار شدند . در اینجا قسمتهائی از بیانات شاهنشاه آریامهر ، خطاب به‌اعضای نهمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی کشوررامی‌خوانیم .

چه هستیم وچه می‌خواهیم باشیم ؟

شاهنشاه در قسمتی از بیانات مهم خود ضمن اشاره به موقعیت کشور، فرمودند.

« ما الان چه هستیم وبعداً چه می‌خواهیم باشیم ؟ الان یک مملکتی هستیم که پنجاه درصد جمعیت ما زیر ۵۱ سال ، حتی در سالهای ابتدائی آموزشی است . اینها غیرقابل استفاده‌اند ، برای اینکه مشغول آموزش هستند . پس کمبود شدید جمعیت تقریباً در همه شئون زندگی است ، از راننده کامیون تا افراد عالی‌مقام علمی ، اما ناچارشده‌ایم که از خارج دعوت بکنیم به مملکتمان برای اینکه کمبود شدیدی محسوس است ، ولی ضمناً چه هستیم . مملکتی هستیم که‌مشغول ساختن سدها هستیم ، مشغول ساختن کارخانجات برق هستیم ، برق که می‌گویم برق عادی هم‌جنین ، برق اتمیک ــ فردا فکر انرژی آفتاب خواهد بود ، فردا فکر انرژی ژئوترمیک خواهد بود ، فردا موضوع پلاسما خواهد بود ، فردا موضوع درست بعکس انرژی اتمیک است ، انرژی اتمیک شکستن هسته است وفرارازمرکزاست، انرژی جدید جمع کردن ذرات به یک نقطه مرکزی است ، ما دراین زمینه فکر می کنیم و فردا در این زمینه بایدوارد بشویم ، برای اینکه بتوانیم وارد بشویم ، باید ایرانی‌ها را در این رشته‌ها تربیت کنیم ، لازمه این کار همان تشخیص استعدادهای نهفته ایرانی است ، که قبلا بدان اشاره کردیم وباید همانطور که گفتیم از راهنمائی به بعد بتوانیم این تشخیص را بدهیم که هرفرد ایرانی درچه رشته‌ای بیشتراستعداد دارد،این راهم‌قبلا گفتم باید دراین کنفرانس با خود دانش‌آموزان و دانشجویان مشورت بکنند ، تا معلوم شود استعداد آنها را به چه وجهی وطریقی میتوان به بهترین شکل تشخیص داد . در این زمینه شاید لازم باشد با اولیای این دانشجویان مشورت کرد ، مباحثه کرد ، سئوال کرد و از خصوصیات زندگی آنها و از اخلاقشان یک چیزهائی فهمید ، زیرا شاید بهترین استعدادها فقط سر کلاس درس ممکن نباشد . شاید احتیاج به دانستن خیلی مطالب دیگری هم باشد . حتی می‌شود گفت شاید در میدان ورزش هم بشود یک قسمت از استعداد دانشجوئی یا دانش‌آموزی را حس کرد ، در تعلیمات پیش‌آهنگی نیز شاید بشود این موارد را تشخیص داد ، همین طور در جوانهای شیروخورشید و دراردوهای تفریحی یا آموزشی ، یا حتی در تعطیلات این جوانان می‌شود استعدادهای آنان را تشخیص داد . »

حداکثر احترام به‌آموزش دهنده

شاهنشاه افزودند : « حالا رود است که بگویم دوران تمدن بزرگ چیست و هر ایرانی در این دوران چه وظائفی دارد . مرحله‌ای نیست ولی تکراراین مطلب چه در گذشته چه حالا ، چه همیشه لازم است که بگویم آرزوی ما این است که هرنفرایرانی آن کاری را که انجام می‌دهد بتواند بوجه احسن انجام بدهد ، حالا این یک استاد دانشگاه باشد یا یک جوشکار باشد ، یا حتی یک ورزشکار . در تمام این چیزها حس‌وطن‌پرستی ، حس غیرت و حس اینکه انسان خودش راضی باشد ، موجود است والا کامل و ایده‌آل نخواهد بود . پس مادر واقع تا بحال بعضی اوقات درست مطالب را ازهم تفکیک نکرده‌ایم .

انقلاب آموزشی به نظر ما این بود که حداکثر احترام را به آموزش دهنده بگذاریم ، کرنش به آنان بکنیم ، تعظیم به آنان بکنیم ، تمام رفاه زندگیشان را در نظر بگیریم حاصل آموزششان هم سال بسال ثمر بشود ؟ و همینطور وسیله فراهم کردن زندگی بهتر . ــــ مخالف این چیز نیستیم . باید زندگی بهتر بشود ، ولی بشرطی که نتیجه‌اش را هم بدهد ساختمان هامی زیباتر ، هی‌لوکس تر می‌شوند ولی بقول معروف وسائلی در داخل آن هست که به کرات همان وسائل را تکرار کرده‌اند یا اصلا شاید در خیلی ازمواقع از آن وسائل استفاده هم نمی‌توانند بکنند .

خرجی که برای وسائل آموزش وپرورش می‌شود خیلی کم نیست ، ولی آیا به بهترین وجهی این خرج می‌شود ، نتیجه‌گیری می کنیم . از سرمایه گذاری که درآموزش مملکت انجام می‌دهیم ؟ اینها مطالبی است که می‌تواند مورد بحث واقع بشود و گفتم چون کنفرانس با شرکت همه گروههاست ساید امیدوارم که بهرصورت بطور عملی نرمی معین و روشن بشود بنحوی که بتوان روی آن تصمیم اتخاذ کرد . اینست که در این قسمت ها فقط به ذکر کلیات می‌پردازیم تا مطالب در کمیسیون‌ــ های مختلف بررسی بشود . روز آخر که گزارشات کمیسیون ها را هم به این مطالبی که ذکر کردیم داده شد ، آن وقت می‌شود که تصمیمات قاطعی گرفت یا احیاناً به آن تصمیمات کمیسیون شاهنشاهی هم مراجعه بکنیم تا بازهم مطالعات مجددی گزارش بدهند که بشود تصمیمات نهائی را گرفت . »

باآرامش خاطر ، مسائل رابررسی کنید

شاهنشاه در پایان بیانات خود فرمودند .

« بهر صورت تصمیمات نهائی باید زودتر گرفته شود برای اینکه سال آموزشی مملکت شروع میشود و باید زودتر تکلیف روشن بشود تا اگر احیاناً تغییراتی لازم است در بر داشت کار هر چه زودتر این تغییرات در اختیار مسئولان باشد . امیدوارم که نتیجه کارزحمات شما تا روز پنجشنبه که روز آخر کنفرانس است معلوم بشود . این‌جا محیط آرام و خوبی است ومیتوانید حقیقتاً باآرامش دراین قسمت‌ها بررسی بکنید وحتی‌المقدور با همدیگر آمیزش داشته باشید . گروه گروه نشوید با هم قاطی بشوید و این شراکتی را که ما اساس انقلاب ایران قرار داده‌ایم در این جا هم بخوبی نشان بدهید . »

کارگران و کنفرانس رامسر

در کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی که هفته گذشته در رامسر برگذار شد ، علاوه بر گروههای مختلفی که درسالهای پیشین شرکت داشتند ، امسال برای نخستین‌بار پنج تن از نمایندگان کارگران سراسر کشور وده تن از نمایندگان دانش‌آموزان نیز شرکت جسته بودند، که پیشنهادهای سازنده‌ی به کمیته های پنجگانه تسلیم کردند.

کارگران شرکت کننده عبارت بودند از: علی خاقانی ، ایرج مظفری ، محمود نورشیبانی، غلامحسین حسینی ، وحید‌خانبابائی

* گزارشگران رستاخیز کارگران بمناسبت برگذار نهمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی با چند نفراز کارگران کشورگفتگوهائی به عمل آورده‌اند و نظرات وعقایدآنها را پیرامون مسائل آموزشی و درتحلیل نهائی نقش آموزش دربالابردن سطح دانش و نیروی سازندگی کشورجویا شده‌اند ، آنچه درپی می‌خوانید حاصل گفتگوهائی است که با این کارگران انجام داده‌ایم

* آقای ابوالفضل تهرانی کارگرصنایع الکتریک پیرامون این کنفرانس گفت : برنامه‌ریزی آموزشی درتمامی سطوح بایستی منطبق با نیازهای کشورباشد و با توجه به اینکه هدف مهم آموزش ایجاد مهارت در دانش آموخته برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است ، باید بین نیازهای ویژه هر منطقه واحتیاجات بازار کار از یک طرف و برنامه های آموزشی ازسوی دیگر، رابطه منطقی ومعقول بوجود آید.»

* ناصر توکلی کارگر کارخانه نساجی درمورد برنامه های آموزشی عقیده دارد : « آموزش فقط درکلاس درس و پشت میزهای مدارس و دانشگاه فراهم نمیشود بلکه باید آموزش تئوری را باآموزش عملی همراه کرد ، به خصوص برای تربیت افراد متخصص که قصد دارند درواحدهای تولیدی وصنعتی کار کنند . » او اضافه و تأکید می کند برنامه های آموزشی نباید درچهارچوب آموزش رسمی کشورمحدود گردد ، بلکه باید با ایجاد مراکزمتعدد و تنوع آموزش در کنار کارخانه‌ها و کارگاهها وسازمانهای مختلف درکلیه نقاط کشورترتیبی اتخاذ کرد که به همه افراد امکان داده‌شود به مقتضای نیازواقعی منطقه و بازار کاربه آموختن حرفه وفن مورد علاقه خود بپردازند.

*سیروس گروسیان تکنیسین برق با اشاره به اهمیت کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی‌میگوید: « اگر برنامه‌ریزان آموزشی با بینش و آگاهی کامل به نیازهای روزافزون کشور توجه نمایند و مقدمات یک طرح وسیع آموزشی را کــه قابل اجرا هم باشد ، پیاده کنند ، بـــدون شک بعد ازچندسال دیگر، به جائی خواهیم رسید که نه تنها ازنظرپزشک ومهندس کمبود نخواهیم داشت ، بلکه کارگرماهر ومتخصص نیز افزایش خواهد یافت و نیازما به کارگران خارجی از بین میرود . »

*منصور باقری کارگری ازشهرصنعتی البرز دراین خصوص میگوید : « بی تردید گسترش مراکز بزرگ آموزشی و مجتمع های آموزشی یکی ازراههائی است که ما را توفیق خواهد داد باامکاناتی که انقلاب فرا روی ما نهاده است ازقبیل برخورداری از تغذیه رایگان ، تحصیل رایگان وبیمه ، دانش آموزان امروز ایران میتوانند بعد از چند سال کمبود نیروهای انسانی ماهر را در سطوح مختلف برطرف سازند ، به شرطی که کیفیت آموزش ما به روال منطقی و اصولی پایه‌ریزی شود و مربیان آموزشی با علاقه‌ای زیاد ووجدان کار، به‌طورمداوم فعالیت نمایند.

گزارش از:
محمدعلی عرفی نژاد
اسلایدها از: علی اکبر رهبر

سرگذشت اتومبیل

از ورقه های آهن تا حرکت در خیابانها...

صنعت اتومبیل سازی ایران، با تولید سالیانه ۱۳۷۵۰۰ دستگاه، در مسیر پیشرفت است.

هفت هزار کارگر کار می کنند تا یک اتومبیل به بازار عرضه شود.

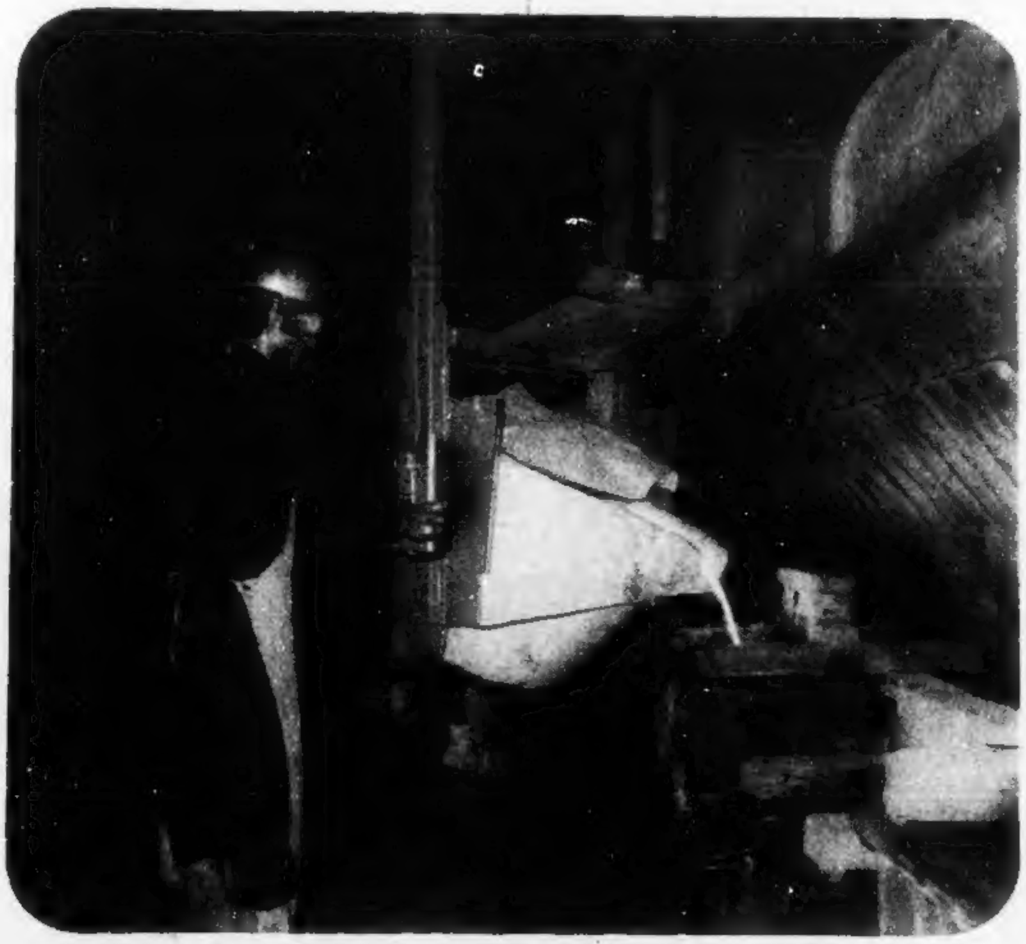

کوره ذوب چدن

نمائی از درون یکی از کارخانه های اتومبیل سازی ایران

کارگران در اوقات فراغت از تاسیسات ورزشی استفاده می کنند.... این عکس چند تن از کارگران را در استخر نشان می دهد.

اندیشه‌و دستهای پرتوان کارگر ایرانی، درصنعت اتومبیل‌سازی

ازسنگ به آتش، وازآتش به فلز تغییر یافتن، واز عمق سکوت سنگی، به حرکت نشستن هیچگاه این چنین ممکن نبوده است، که بنشینی در یک مدار متحرك تبدیل فلز را که لحظه به لحظه شکل تازه‌ای میبابد نگاه کنی. ازرفتن ورقه‌های نقره‌ای آهنی بزیر پرسهای ۲۵ تنی و بعد تبدیل قطعات از آنجا که در لحظه‌های متفاوت می‌بینی، شکل دیگری آغازمیشود و بگونه یک عروس زیر دست مشاطه بزیبائی میرسد تا حرکت‌وصل شدن قطعات انرژی دهنده رنگ‌-گیری و در پایان است که در آخرین لحظه گردش به وصف زیبائی و حرکت زبان بازمیکنی و در نهایت شگفتی تک خلقت ماشینی را که با دست بشر پیوند یافته است، نگاه‌می کنی.

و بعد سیل خروشان حرکت اتومبیل‌ها، اتومبیل تازه‌ای به میدان میاید که‌جان تازه‌ای گرفته و سالها جان خواهد داشت و اگر فکر کنی که برای تبدیل فلز بی‌خاصیت اولیه به اتومبیل زیر بایست بیشتر از هفت هزار نفر بکار و کوشش میپردازند تا روی تسک‌ها بنشینی و با فشار یک پدال، حرکت را آغاز کنی بی‌اغراق باین صنعت با احترام نگاه‌خواهی کرد.

حرکت انسان، حرکت‌ماشین

اتومبیل ازدیرباز به کشورما راه باز کرده است از آن زمان که مظفرالدین شاه اولین اتومبیل‌را بایران وارد کرد تا زمانیکه تک و توك آدمهای پولدار و دوله‌ها و سلطنه‌ها برای رقابت و چشم و هم چشمی با لباسهای گرانقیمت اولین اتومبیل را که از اروپا وارد شده بود، سوار شدند و دیگران این جاندار فلزی را نگاه کردند، و بعد اتومبیل جای همه چیزهای دیگر را درزندگی گرفت. و بعد میرسیم به تاریخ مونتاژ اتومبیل درایران، که چند کمپانی برای فروش بیشتر، کارخانجات مونتاژ اتومبیل را درایران دایر کردند و سپس درعصری که کشورما به انقلاب دست یافت و صنعت چهره تازه‌ای را نشان داد، صنایع اتومبیل سازی نیز درایران آغازشد. فصل، فصل حرکت بود و فصل استفاده از صنایع داخلی، استفاده از دست و توان کارگر ایرانی. در یک دیدارلذت بخش، کارگری که تا قبل ازاین فقط آرزوهایش را درخود میخورد و به لذت زندگی دیگران چشم دوخته بود، بزندگی تازه‌ای دست یافت. درهمه جای ایران گروه‌های مختلف نیروی انسانی به کار گرفته شدند، و این آغاز کاربود وحالا ۴۹ درصد سهام کارخانجات دراختیار آنان قرار دارد. این حرکت عظیم نیروی ایرانی، برای ایرانی بود، که ما نباید می‌نشستیم و به پیشرفت دیگران نگاه‌میکردیم. دوره تنبلی و کاهلی وافسردگی بپایان رسیده بود و اکنون ارزش دست، ارزش فکر و ارزش حرکت، بالا رفته است. دست کارگری که با آچار و چکش کارمیکند، بهمان ظرافت دست یک جواهرساز، با دقت به فلز جان میبخشد و سرود رستاخیزی این حرکت مداوم و پربرکت روزوشب درفضای، کارخانه‌ها درتق تق مدام ماشینها و نقاله‌ها بگوش میرسد.

آخرین کارها بروی اتومبیل صورت می‌گیرد...

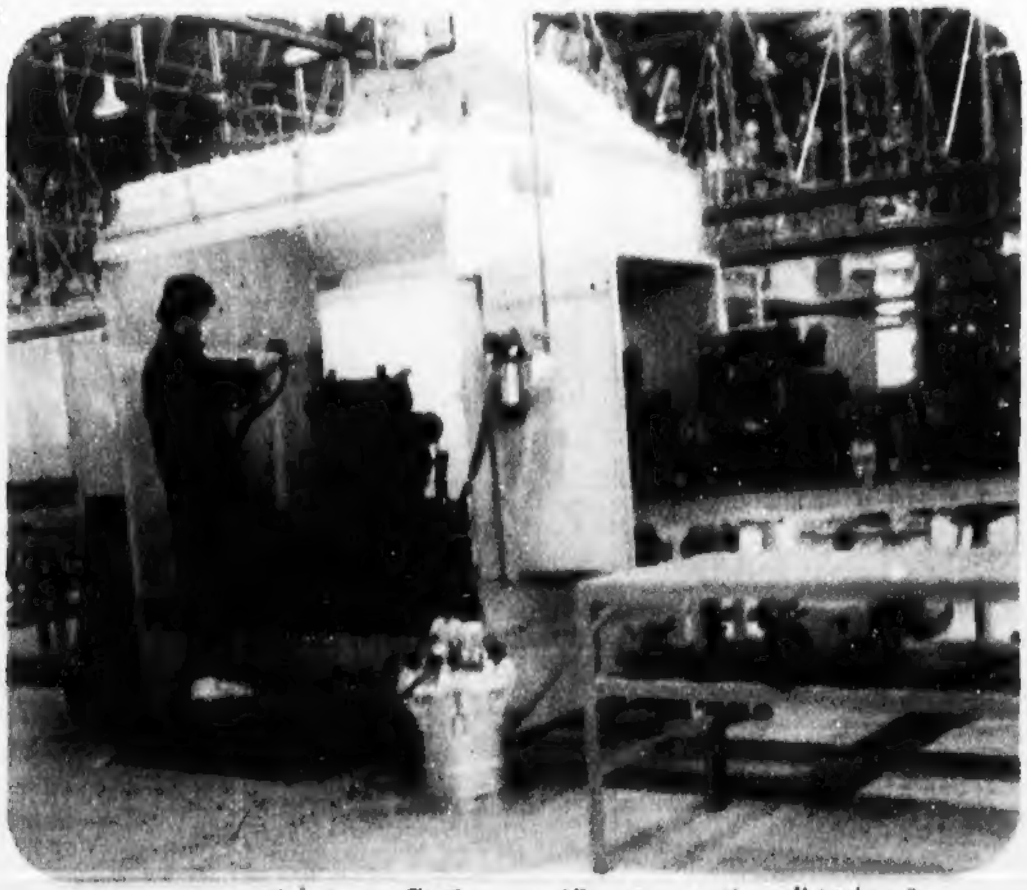

موتورها بدنبال هم از روی ریل می گذرند، و هر کارگر در نقطه‌ئی که ایستاده، بادقت وظیفه خود را انجام می‌دهد.

صنایع اتومبیل ایران

برای آگاهی ازجریان اتومبیل سازی بدست کارگران ایرانی، در کارخانجات ایران، بدیدارآنان میرویم، به دیدارمردانی که درکنارماشینهای غول پیکر به حرکت ونظاره‌ایستاده‌اندوازلحظه آغاز تا پایان، برای شما نگاه کرده‌ایم و برای شما می‌نویسیم ...

حرکت اول— پرس

شکل گیری ورقه آهن ازسالن پرس شروع میشود، با پرسهای بزرگ‌و کوچک، که دریک سری کاملا مشخص ازبدنه تاقطعات درشبانه-روز حرکت وجود دارد، دراین سالن بزرگ ورقه‌های آهن توسط کارگران ورزیده، زیر پرسهای ۲۵ تنی شکلهای متفاوتی را پیدا می کنند. درحال حاضر کمبود پرس درصنایع اتومبیل سازی، کاملا مشهود است وبا برنامه-ریزی‌هائی که شده با وارد کردن پرسهای جدید، بر تعداد تولید بالطبع افزوده خواهد شد. دستگاههای پرس برای مقابله با خطر به چشمهای الکترونیکی مجهزاست که درصورت عدم احتیاط، اگر دست کارگری به چکش پرس نزدیک شود، دریک لحظه ماشین ازحرکت می‌ایستد، از سوی دیگر یک کارگر کنترل دستگاه، با اهرمی که هدایتش به عهده اوست، مواظب چهارنفر کارگری است که دونفرورقه-ها را به زیرپرس می‌فرستند و دو نفر دیگرشکل گرفته آن را تحویل میگیرند. کنار هر دستگاه پرس یک کارگر کنترل کننده قرار دارد که ورقه‌های شکل گرفته را از لحاظ سالم بودن کنترل می کند ودرصورتی که برخی ازورقه‌ها ازحد استاندارد خارج بوده و یا ضایعاتی داشته باشد، مردود شمرده و کنار می‌گذارد، که این ورقه‌های مردود، دوباره به کوره ذوب

لطفاً ورق بزنید

اندیشه و دستهای

پرتوان کارگر ایرانی، در صنعت اتومبیل سازی

فرستاده میشود . برای ایمنی بیشتر ، کف سالنهای بزرگ پرس با خاك اره پوشانیده شده که کارگران روی زمین لیز نخورند و اتفاق ناگواری نیفتد . همانطور که اشاره شد ، روی هر دستگاه پرس ۶ کارگر کار می کنند ، چهار کارگر برای فرستادن ورقه و گرفتن آن ، یکی کنترل دستگاه حرکت و یکی کنترل مرغوبیت جنس و غیر از اینها ، یك گروه متخصص و تکنیسین به طور دائم از دستگاهها حفاظت می کنند و درصورتی که احتیاج به تغییراتی باشد ، دستگاه را خاموش کرده و نواقص را برطرف می کنند . نکته قابل توجه اینست که هر پرس می تواند چندین قالب عوض کند و به همین جهت در کنار سالن پرس ، قالبهای سنگین فرمهای مختلف قرار دارد که به هنگام ضرورت، در پرسها جایگیری شده و بخشهای دیگری از بدنه اتومبیل را می‌سازند . در سالن پرس ، قطعات مختلف بدنه اتومبیل ساخته شده و سپس برای وصل شدن به سالن دیگری ، به وسیله نقاله ها برده‌میشود.

جیگس

شاید ناله جیگس را تا به حال نشنیده باشید ، ولی مهمترین بخش اتصال قسمتهای بدنه در جیگس که یك دستگاه به اندازه استاندارد اتومبیل است ، قرار دارد . در سالن جیگس بخشهای گوناگون بدنه ، به وسیله نقطه جوش ،و یا اتصالات الکتریکی به هم وصل میشود وسپس صافکاری ، تکمیل کاری و لحیم کاری توسط کارگران با دست صورت می گیرد . در اینجا یك کنترمرغوبیت پس از اتصال کلی تمام قسمتهای بدنه را مورد بازدید قرار داده و درصورتی که معایبی را به دست آورند ، با رنگ قرمز بوسیله علامت و نوشتن بر روی همان بخش معیوب ، دستور تعویض یا درست کردن داده میشود اینجا بدنه آماده می‌شود تا بروی شاسی سوارشود و باز بوسیله جرثقال هائی که مدام در حال حرکت کند هستند ، به بخش دیگری میرود ، در اینجا بدنه اتومبیل برای شاسی گذاری آماده‌است.

ریخته گری ــ ذوب چدن

مهمترین بخش یك اتومبیل و عامل حرکت آن موتور است صنعت موتور سازی در ایران چند سالی بیش نیست که رایج شده وتا قبل از این ، فقط قطعات موتور توسط کارگران متخصص مونتاژ میشد . بعنوان مثال ، کارخانه صنایع اتومبیل ایران ناسیونال از پنج سال‌قبل مطالعه برای ساختن موتوردر کارخانه را آغاز

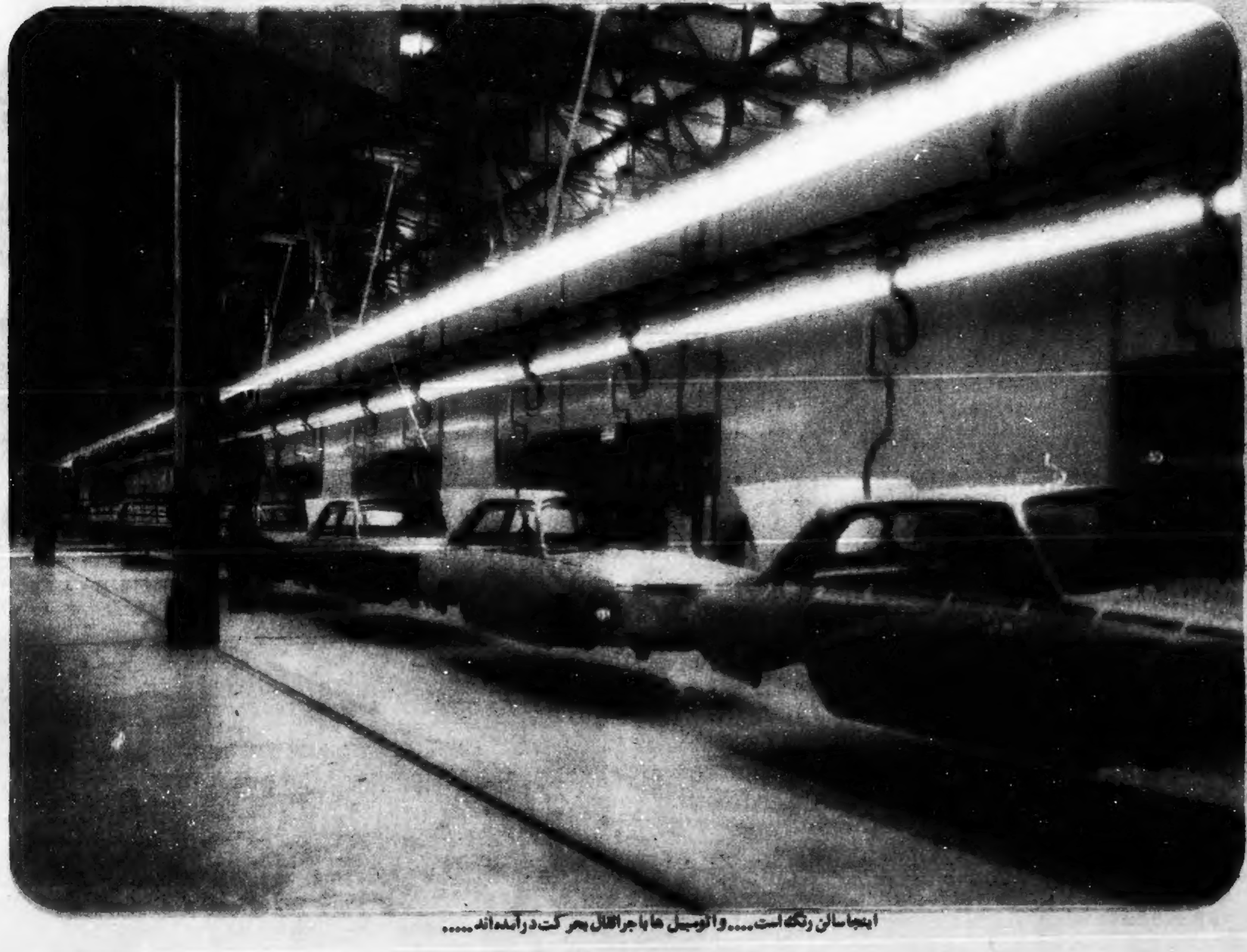

اینجا سالن رنگ است.... واتومبیل ها با جراثقال بحرکت درآمده‌اند.....

کرد وازسه سال قبل عملا کارساخت موتوردر کارخانه شروع شد. درحال حاضر موتور ۶۰۰، که روی اتومبیل های اونجر و تاکسی کار گذاشته میشود ، در ایران ساخته‌میشود.و موتورهای هانتر ۱۷۲۵ سی‌سی که قدرت و کشش بیشتری دارند، ازخارج وارد میشود ودر ایران مراحل مونتاژ را میگذرانند، که تا مدتی دیگر انواع این موتورها نیزبا مطالعاتی که انجام گرفته در ایران ساخته خواهد شد ،برای ریختن قطعات مجزای موتور در ایران ، طبق این شن وشنی که ازشوروی وارد میشود،برای ماهیچه سازی ، یعنی اندام هائی که‌میبایست دورآن چدن ریخته‌شود ، بکارمیرود .قبلا بوسیله یک دستگاه کوچک رطوبت‌شن وگرافیت کنترل شده‌وسپس بعد ازماهیچه‌سازی نمک‌مخصوصی روی ماهیچه ها میاید . این ماهیچه ها نیز توسط کارگران کنترل کننده از نظر ابعاد وحتی میلمتر و سانتیمتر کنترل میشود و بعد برنگ‌زنی فرستاده میشود واز اینجا برای قالب‌گیری به کوره فرستاده میشود حرارت کوره‌های ذوب درمقابل هر دستگاه، یک کارگر تراشکارمشغول کار است و یک کارگر کنترل کننده قطعات تراشکاری‌شده را کنترل می کند. این دستگاهها میتواند روزانه ۱۱۰ دستگاه را تراش بدهد. نکته مهم در کار تولید اتومبیل در ایران اینستکه کارموتورسازی جلوتر از بدنه سازی است و در صورتیکه بدنه سازی دارای تولید بیشتری شود، تعداد تولیداتومبیل بیشترخواهدشد. هم‌اکنون کارخانه‌های بزرگ در صدد تولید بیشتر بدنه هستند که میتوانند بازار سیاه اتومبیل داخلی به نیم عمودی در آمده و کلیه آبهای داخلی آن خالی میشود. پس ازآن بدنه به کوره‌شماره ۴ که طول آن ۹۱ متر و درجه حرارت آن ۱۱۰ درجه سانتیگراد میباشد، هدایت و بعد ازخشک شدن وطی مسافتی ۹۱ متروارد دستگاه‌سرد کن میشود. بعد ازسرد شدن بدنه وارد دیپ تانک میشود و ۱۵ سانتیمتر زیر بدنه توسط رنگ مخصوص (واتراسولزیون) رنگ میخورد و بعد ازگذشتن ازاطاقی که چکه رنگ رامیگیرد، وارد کوره‌شماره ۸ که طول آن ۳۸ متر و درجه

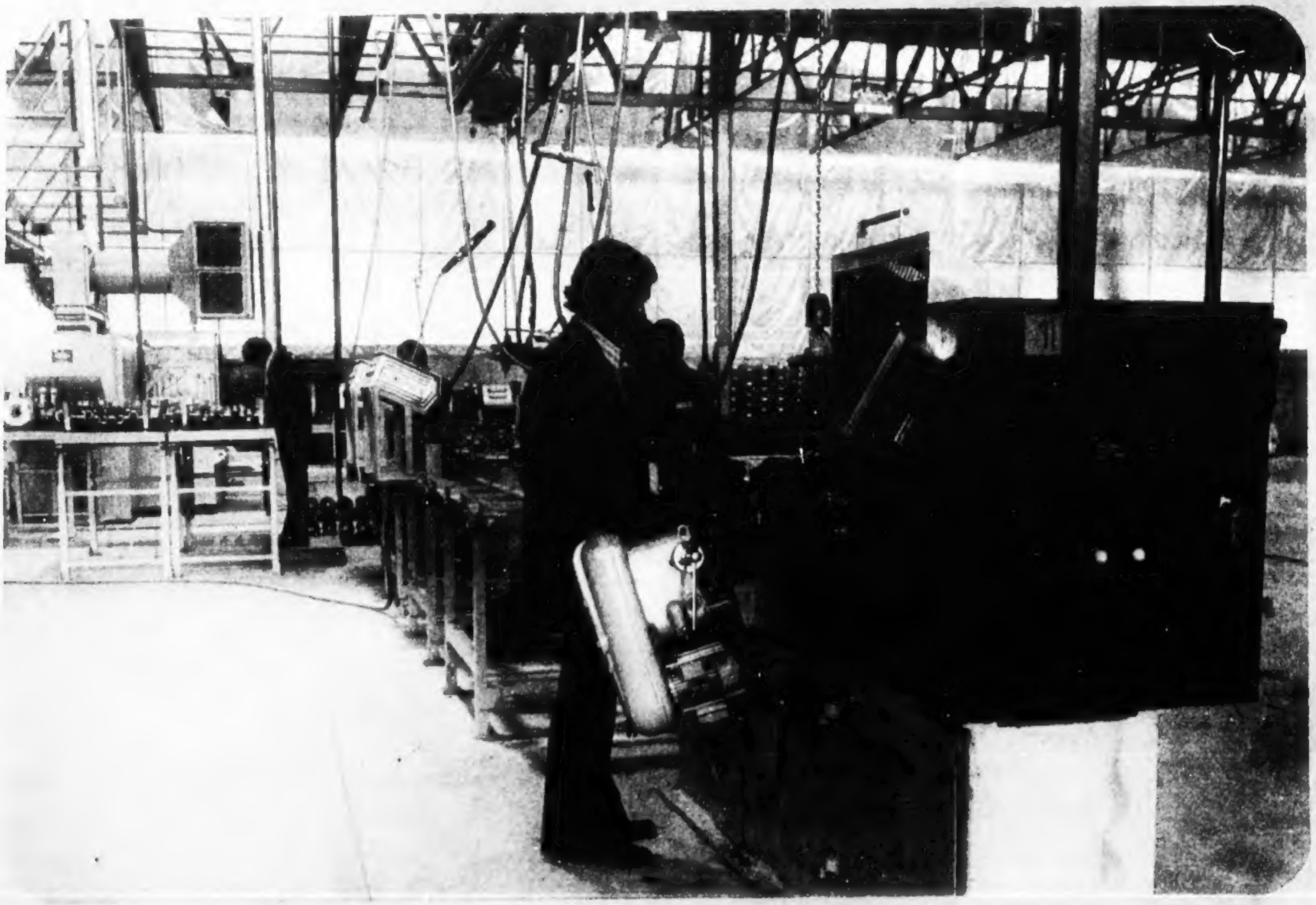

بسیاری از کارها بوسیله وسایل برقی انجام می‌گیرد .... اما کارگر باید نگاه تیز بین خود را با دقت به دستگاه بدوزد ،ووسایل برقی را بخوبی بکارگیرد....

یک استاندارد بین المللی از چدن استفاده میشود ، در حال حاضر پوسته سیلندر ــ گلوئی اگزز ــ کپه یاطاقان ــ پولی میل لنگ ــ دنده کلای وی ، دراندازه‌های مشخص با چدن ریخته میشود وبقیه قطعات از خارج وارد ایران میشود درسالن ریخته‌گری که مسافت زیادی را گرفته است ، سه کوره برقی قرار دارد که یک کوره باظرفیت ۳۵ تن ودو کوره دیگر هر کدام هشت تن ظرفیت دارند. همانطور که اشارهشد این کوره‌ها در کارخانه های مجهز اتومبیل سازی با برق کارمی کنندوبنابراین مضرات دود و ذغال سنگ و فعل وانفعالات شیمیایی برای کارگران بوجود نمیاید ، روزانه درکارخانه های بزرگ‌حدود ۵۰ تن‌مواد مذاب تهیه‌میشود که در کوره بزرگ همیشه مواد مذاب ذخیره موجود است ،در سالن ریخته‌گری برای « ماهیچه » سازی از شن مخصوصی استفاده میشود که ازشوروی وارد میگردد ، ولی برای بی نیاز ماندن از این نوع شن یک کارخانه شن سازی در فیروزکوه ساخته شده که‌مخلوط آنچنان است که این ماهیچه‌ها را تبدیل به کربن ذغال میکند ، ولی در همان لحظه، چدن شکل خودرا یافته است . در این سالن که دارای سقف بلند وطویلی است ، هواکش های قدیمی کار گذاشته شده تا دود حاصله‌از ذوب چدن بسرعت خارج شود نکته مهم اینست که کارگران بخش ذوب در ماه یکهفته بیشتر در این بخش کار نمی کنند و سه هفته بعد را در بخش دیگری بکار میپردازند و بطور دائم، توسط پزشک تحت مراقبت هستند و روزانه حدود سه لیتر شیر تازه میخورند تا گرفتار بیماریهای ریوی نشوند.

__ماشین‌شاپ__

وقتی قطعات ریخته شده آماده میشود، به سالن دیگری بنام «ماشین شاپ» فرستاده‌شده و در اینجا کار صیقل زنی و اندازه سازی بوسیله دستگاه‌های مجهز انجام میشود. وجالب اینکه در یک خیابان بندی قطعات تراشکاری میشود و این خیابانها با نام‌های خیابان‌سرسیلندرــخیابان پوسته سیلندر و نظایر آن نامگذاری شده است.

را از میان ببرند. در اینجا پس از وصل قطعات موتور،موتورآماده‌برای سوارشدن‌میشود. کنترل موتورها و تنظیم آنها بسیار جالب است، این موتورها روی یک‌ریل نقاله که به کندی حرکت میکند، جلو میاید و هر کارگر وظیفه خود را روی آن انجام می‌دهد وموتورخود بخود جلوی کارگر بعدی میرود و همین طور تا پایان خط، یک‌موتور کامل برای‌سوارشدن آماده‌میشود.

__سالن رنگ‌زنی__

رنگ زنی اتومبیل ، از بخش های حساس وتزئیناتی اتومبیل بشمارمیرود. رنگ‌هامتنوع است و برای سلیقه‌های گوناگون در استانها ساخته میشود. بعد ازورود بدنه به سالن رنگ عملیات زیرانجام‌میگیرد:

کنوایر هوائی که طول آن حدود ۶۴۷ متر وسرعت آن برای رنگ ۵۵ دستگاه بدنه در ساعت قابل تنظیم است، بدنه را برداشته و به تونل فسفاته میرساند. طول این مسیر ۶۲ متر است. بعد ازعملیات چربی گیری وفسفاته کردن به محل وآن آبگیری میرسد. حالت بدنه ازافقی حرارت آن ۱۷۰ درجه است میشود. بعد از خشک‌شدن درمسیری سیلر وچسب زنی ودرزــ گیری بدنه انجام میگیرد و بدنه وارد اتاق قربانی میشود . سپس بدنه که تا بحال توسط کنوایر هوائی حمل میشد روی اسکید های مخصوص کنوایر زمینی قرارمیگیرد و به‌اتاق رنگ‌آستری میرسد و دو نوع آستر بروی بدنه پاشیده‌میشود و وارد اتاق تبخیر که درجه حرارت آن ۴۰ درجه سانتیگراد می‌باشد میشود و آماده رفتن به کوره ۷۳ متری آستری که درجه حرارت آن ۱۲۰ درجه سانتیگراد وطرز کارآن شیوه‌ویژه‌ای است میشود . بلافاصله بعد ازخشک‌شدن بدنه وارد دستگاه سرد کن میشود تا درجه حرارت‌بدنه بازبحال عادی درآید و درمرحله بعدی کنترل‌ـ های لازم و پوسته آب زنی به‌قسمتهای نامرغوب و تعمیر محلهای لازم انجام میگیرد . درقسمت پوسته آب زنی آب خالص تصفیه شده با فشار ۶ آتمسفر توسط فواره‌های نصب شده به قسمتهای

بقیه درصفحه ۹۵

شهریور پرحادثه سال ۲۵۰۰: شاه با تمام وجود، در مقابل حوادث و توطئه‌ها ایستادگی میکند

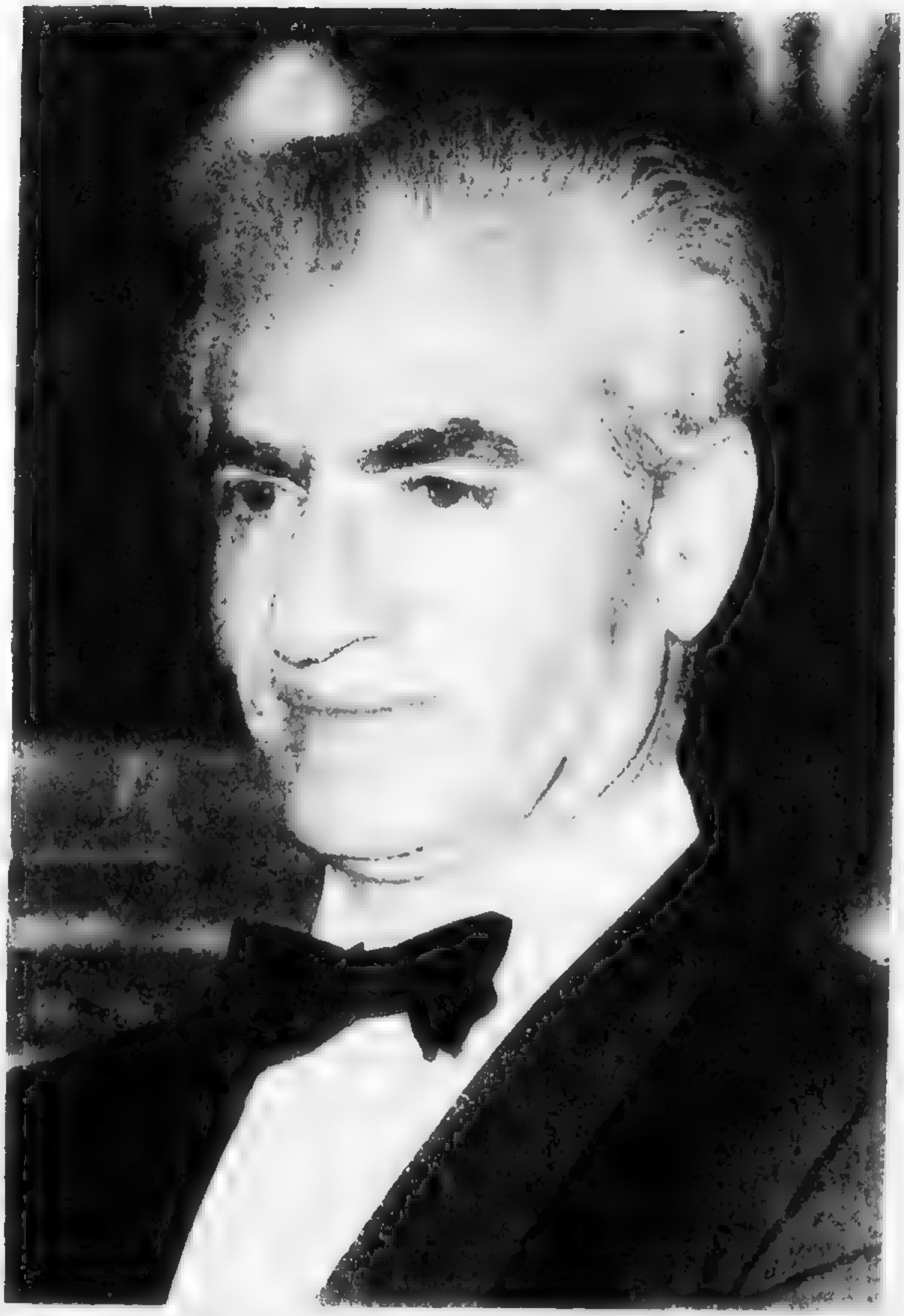

از: م.سعیدوزیری

دوست عزیزم...

[illegible] باره از مجاهد، بااولین [illegible] شهریورماه - و در واقع شهریورماه [illegible] بهترین و مناسب‌ترین [illegible] برای تشریح [illegible] اگر بتوان تشریح کرد— اولین حوادث روزهای اولیه آغاز سلطنت [illegible] میرمیدانیم.

[illegible] شهریورماه سرنوشت‌ساز— [illegible] برهم زن!! آن [illegible] بود [illegible] از جنگ جهانی، [illegible] مورد هجوم قرار دادند وار [illegible] خون زدند...

[illegible] یعنی [illegible] بود و چه دسا [illegible] نیروهای بیگانه [illegible] و تجاوز کردند و [illegible] غریدو [illegible]...

[illegible] پیشروی کرد.

[illegible] پهلوی اول جای خود را [illegible] و [illegible] که [illegible] پهلوی [illegible] چه شرایطی مسئولیت خطیر سلطنت ایران و نگهبانی از تاج و تخت [illegible] بر دوش توانای خود گرفت.

و [illegible] که چگونه اوضاع این مملکت پریشان و آشفته گردید و به دستهائی برای برهم زدن هرگونه نظم و آرامش کشور از آستین‌ها بدر آمده و بااستقرار هرگونه قرار و قانون دشمنی ورزیدند. شاید مشکل بتوان تجسم کرد که آنروز چگونه بود... انسانها بدام بدبختی‌های [illegible] و عجیب افتاده بودند. بیماریهای گوناگون که معمولا در حاشیه جنگ‌زدگی‌ها بوجود می‌آیند از جمله تیفوس، [illegible]، محصولات [illegible] و مواد غذائی [illegible] مزارع آباد در جنگ و [illegible] خارج از کشور و [illegible] احتکار و گرانفروشی [illegible] [illegible] نواحی [illegible] کوره راههای روستا [illegible] و [illegible] گرسنگی میکردند.

[illegible] معمولی [illegible] وجود [illegible] چونکه در داخل [illegible] [illegible] مشکلات [illegible] [illegible] [illegible] شده بود و برای [illegible] [illegible] [illegible] میکردند.

ولی تلخ‌تر از همه بداخلاقی و نابخردی گروهی از هموطنان بود که توز بالای توز شده و سرباری برروی مشکلات ناشی از ستمگری مهاجمان و بیگانگان اضافه کرده بود... ثروتمندان هر روز مال می‌اندوختند وساز هر راهی شده به‌فزون‌تر ساختن دارائی خود میپرداختند و بایکدیگر مسابقه ثروتمندتر شدن گذاشته بودند. مالکان دهات و اراضی بزرگ، در [illegible] کار سختی که برای روستائیان و [illegible] بیشتر آمده بود [illegible] و همچنان [illegible] که [illegible] خور بزرگ مالکان فئودالیسم صد سال بیشتر بود و گوئی ازآنچه که مشروطیت وعده داده و تضمین [illegible] بود و در دوران رضاشاه کبیر لم وسش [illegible] بود دیگر چیزی باقی نمانده است.

در چنین شرایطی یک روز اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی دوم، چند تن از سران مجلس شورای ملی و کارگردانان اجتماعی و [illegible] آن روز کشور را بکاخ سلطنتی فرا خوانده و به آنها فرمودند:

«وضع کشور اینست که میبینید. اگر ما تحولی از بالا شروع نکنیم، مسلماً دچار یک انقلاب از پائین خواهیم شد... بائید در مطامع خود حدی قائل شوید، یک منافع مشروع قائل باشید، ولی حداقل زندگی را برای همه تامین کنید.»

و در همان هنگام بود که شاهنشاه پنج اصل معروف خود را که (نان برای همه، مسکن برای همه، بهداشت برای همه، فرهنگ برای همه و کار برای همه) بود عنوان کردند و از آن پس هم بطور منظم در فراهم [illegible] این پنج اصل کوشیده‌اند...

ولی بعضی از آنها دست به توطئه‌ها و تحریکاتی زدند که اکنون دیگر جای تکرار و بازگو کردن آن مسائل نیست...

از یک سو بخواست بیگانگانی که میل نداشتند ایران از نو قد علم کند و سر و صورتی به زندگی استقلال طلبانه خود بدهد، از سوی دیگر باهمنوائی بیگانه پرستانی که میخواستند باانجام خدمت به بیگانه (یعنی خیانت بوطن خودشان) جای پائی برای خود باز کرده و منشاء قدرت و کشور داری در مملکت بشوند، واز جانب دیگر تحریکات همان باصطلاح رجال و متنفذانی که برای افزون‌تر کردن ثروتهای شوم خود مسابقه گذاشته بودند، موجب پیشامدهای بدی هر روز در مملکت میشد که باید یکی از مهمترین و سنگین‌ترین آنها را غائله جدائی آذربایجان دانست.

به مناسبت شهادت امیرمؤمنان علی (ع)

سحر بخون علی آغشت

[illegible] بود. علی [illegible] را هم، چون دیگر شبها، بیدار مانده، [illegible] و مناجات گذرانده بود. و هنوز قلبی از [illegible] بود، که آماده گردید و عازم مسجد شد.

اما هنگامی که خواست از در خانه پا به بیرون نهد، کمربندش به قلاب درگرفت. و باز شد. علی، درحالیکه کمربند را دوباره به کمر می‌بست، زیرلب این شعر را انشاء کرد: «کمر را برای مرگ درست به‌بند. مرگ تورا درخواهد یافت. از مرگ بیم مدار در آن هنگام که گریبانت را می‌فشارد. آنچنانکه دنیا تو را خندانید، بهمان ترتیب تورا خواهد گریانید.»

در آن هنگام که علی به مسجد رسید، چراغهای مسجد خاموش بود، وگروهی، اینجا و آنجا درخواب بودند. علی «ع» در تاریکی مسجد به نماز ایستاد... آرام آرام، دامنه افق با سپیدی فلق آمیخت و چهرهٔ سحر بر دامن شب نشست. علی بربام مسجد رفت. رو به مشرق گردانید. چند لحظه به طلعت صبح نگریست و آنگاه فرمود: «ای سپیده های روز آخرین، هرگز پیش از علی نتوانستید بیدارشوید...» و سپس اذان صبح را با بام مسجد گفت...

این طنین صدای علی بود که فضای صبحگاهی اطراف مسجد را روحانیتی ژرف می‌بخشید و مؤمنان را به نمازگزاردن می‌خواند. گروهی با شنیدن صدای علی از خواب برخاستند و عده‌یی هنوز در خواب بودند که علی از بام مسجد فرود آمد و خفتگان را با مهربانی و ملایمت بیدارساخت.

آنگاه در محراب ایستاد. صفوف نمازگزاران در پشت سرش بسته شد و به صدای تکبیر او صدای هزاران نمازگزار به الله اکبر برخاست.

حمد و سوره، در رکعت اول به پایان رسید و امیرمؤمنان، به رکوع رفت. این هنگام، عبدالرحمن، پسر ملجم مرادی و دو همدستش از خیمه قطام که در مسجد زده شده بود، خود را به صف اول رساندند.

علی «ع» از رکوع قد برافراشت، و اینبار برای سجود، پیشانی برخاك نهاد... ذکر سجود انجام گرفت، و علی سر از سجده برداشت. اما هنوز

[illegible] عبدالرحمن [illegible]

علی آسا کند [illegible]

بیدرنگ مرد دیگری [illegible]

آمد و شمشیر زهرآگین [illegible]

التیام یافته زخم [illegible]

پیشانی سرکشی [illegible]

تاپاکان گریختند.

علی [illegible]

نداشت. [illegible]

[illegible]

فاجعه [illegible] روی داده و دامن سپید صبح، رنگ خون گرفته بود.

نمازگزاران بهم آمدند... گروهی به تعقیب ناپاکان شدند... دو تن [illegible] عبدالرحمن گریختند و بعداً به دست دیگران کشته شدند. اما خود عبدالرحمن [illegible] گرفتار شد و او را با دست بسته به [illegible] علی [illegible].

[illegible] به خانه رساندند

در اینجا دخترها و زنها، در کنار مردان

چرخهای تولید را

خبرنگاران ما، ۸ ساعت در کنار کارگران یک کارگاه

مهری شروانی، در کنار برادر کارگر خود، در کوشش برای گرداندن چرخهای تولید..

تا کنون ۲۵ تن از مردان کارگر این کارخانه با ۲۵ تن از دختران همین کارخانه ازدواج کرده‌اند....

این زن که مادر کارخانه لقب گرفته، به دختری جوان می‌گفت:

دختر من لیسانس گرفته. اما درباره ازدواج می‌گوید من هنوز آمادگی ازدواج ندارم

مادر بزرگ سالخورده مخلص از آن نسل زنهای سنتی است که ارتباطش با دنیای خارج از چهار دیوار منزل کاملا قطع شده. این پیرزن ساده و قدیمی هرگز نمیتواند باور کند که زنان امروز ایران فرسنگها از زنان پنجاه سال پیش این مملکت جلوتر رفته‌اند.

مادر بزرگ گاهی با چشم خودش دیده بالفعل پیشرفتهائی از زنان مملکت را در تلویزیون میبیند. اما با اصرار زیاد سعی دارد بما بفهماند تصاویری را که در تلویزیون دیده، تصویر مردانی بوده که با پوشیدن لباس زنانه خود را بصورت زن در آورده‌اند و سرسخت باور میکند که در زمان جوانی او عده‌ای از مردان با تغییر قیافه و پوشیدن لباس زنانه و سر گذاشتن کلاه گیس خود را بصورت زن میساختند و در مراسم جشن و شادی و عروسی با تقلید حرکات و صدای زنانه نمایش میدادند. در صورتیکه همه میدانستیم که آن خانمهای هنرپیشه همگی مرد بودند. این عقیده مادر بزرگ مخلص است. حالا هر اندازه که به ایشان بگوئیم خانم جان وضع زن ایران امروز با زنان ۵۰ سال پیش فرق زیادی کرده و اصولا امروز زن ایرانی پابپای مرد ایرانی در همه شئون اجتماعی همگام و همسنگر است، و باور ندارد.

مقصود از این مقدمه یادآوری بود که چند روز پیش در یک کارخانه بزرگ صنعتی وقتی عزیزمان را دیدیم. من وقتی در این کارخانه بزرگ صنعتی زنان و دختران با دستهای ظریف خود چگونه دستگاههای عظیم و غول پیکر تولیدی را به زیر فرمان خود گرفته و با نیروی زندگی کار تهیه و تولید مشغول هستند، یاد حرفهای مادر بزرگ افتادم و بخودم گفتم ای کاش مادر بزرگ هم اینجا بود و از نزدیک به چشمان خودش این صحنه‌ها را میدید.....

ـ ۷ صبح ولی من و رهبر، خبرنگار [illegible] کارخانه گذاشتیم

کارگران تازه از سرویس پیاده شده بودند و در رختکن کارخانه مشغول پوشیدن لباس کار خود بودند. در رختکن شور و ولوله‌ای بود و منظره جالبی دیده میشد. کارگران ضمن عوض کردن لباسهای خود، هر کدام از ماجراهائیکه شب قبل گذرانده بودند، صحبت میکردند....

حاجی فتاحی، یکی از کارگران این واحد از دوستش که چشمانش از شدت بی خوابی سرخ شده بود، پرسید:

ـ چیه، دیشب شب زنده‌داری میکردی

همکارش با بی حوصلگی جواب داد:

ـ نه حاجی جون. بچه‌ام دیشب مریض بود و تا صبح مرتب گریه میکرد. من و مادرش یک لحظه خواب بچشم نداشتیم.

حاجی گفت: خوب بچه دار شدن هم بی خوابی دنبالش داره... خیال کردی ما خودمون وقتی بچه بودیم شب تا صبح مثل آدم بزرگها میخوابیدیم؟

دوستش با تعجب گفت: باور کن من که یک بچه دارم تا همینجای قضیه حاضرم. تعجب میکنم که تو با ۸ تا بچه چکار میکنی

حاجی با خوشحالی جواب داد:

ـ ۸ تا بچه که چیزی نیست، من دلم میخواهد یک دوجین بچه داشته باشم!

ـ یعنی ۱۲ تا؟ فکر نمیکنی که در این دوره و زمونه تربیت و بزرگ کردن ۱۲ تا بچه چقدر مشکله؟

ـ بله، برای آنها که تربیت کردن بچه را بلد نیستند. اما اگر یک روز خواستی صاحب بچه زیاد باشی، بیا پیش خودم تا راه تربیت و بزرگ کردنش رو بتو یاد بدهم.....

آغاز تلاش

کم کم رختکن خلوت شده بود و کارگران «بنام خدا» گویان، دسته دسته بطرف قسمت مخصوص خود میرفتند تا با بحرکت در آوردن چرخ های عظیم تولید، سهم خود را در پیشرو صنعت و اقتصاد وطنشان ادا کنند.

در سالن تهیه و تولید یخچال و بخاری و

می چرخانند...

ساعت کار پایان یافته ، اما نه با خستگی ، بلکه با شور و شوق دست و صورت می‌شویند تا کارخانه را ترک کنند..

آبگرمکن کارگران ، از زن و مرد ، و پیر و جوان در کنار هم دوش بدوش یکدیگر بکار تولید مشغول بودند.

علی جاوری ، کارگر قسمت رنگ و لعاب که ضمنا عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران کارخانه نیز هست یکی از خانمهای کارگر را راهنمائی میکرد . « جاوری » را میشناختم و وقتی ما را دید با خوشحالی جلو آمد و موقعی که متوجه شد تمام آن روز را در کنار او و همکارانش خواهیم بود ، خیلی خوشحال شد و بما قول داد در مدتی که آنجا هستیم ، راهنمای ما باشد . از او تشکر کردم و به اتفاق ، به دیدن قسمتهای مختلف کارخانه پرداختیم.

این کارگر به همکارش می گفت:

ـــ انقدر تعمیر کاران لوازم خانگی با مردم بدقولی کردند که وزارت کار مجبور شد کلاسهای آموزش حرفه یی رایگان دایر کند.

انتقاد از سودجویان

در یکی از قسمتها « رستم پزشکی » کارگر مونتاژ آبگرمکن با یکی از همکارانش از کمبود مصنوعی تخم مرغ در محلی که خانواده‌اش ساکن هستند ، صحبت میکرد.

رستم خان که جثه و هیکلش بی شباهت به رستم دستان نیست میگفت دو روز است که خانواده او برای خرید تخم مرغ به فروشگاههای نزدیک منزلش مراجعه میکنند ، اما متأسفانه هر بار با دست خالی بخانه برمیگردند . او گله داشت که واسطه ها هنوز در کار توزیع و فروش مواد غذائی دخالت دارند ، وگرنه با اینکه کار تهیه و توزیع تخم مرغ این روزها با نظارت کامل دولت صورت می گیرد و با توجه به اطلاعیه های رسمی که حکایت از تامین مقدار و میزان مصرفی مردم دارد ، چگونه ممکن است در بعضی از فروشگاهها تخم مرغ پیدا نشود یکی از کارگران فلز کار در دنباله این بحث میگفت : من فکر میکنم هنوز در این کار عده‌ای سودجو و از خدا بی خبر بخاطر منافع شخصی مواد غذائی مردم را در انبارها مخفی میکنند ، تا به این وسیله بازار سیاه ایجاد کنند و اجناس را با سود بیشتری که قانونا و شرعاً حرام است بمردم بفروشند . « او اضافه کرد مگه یادت رفته سال پیش درهمان موقعی که سیب زمینی و پیاز پیدا نمیشد مامورین دولت پشت سر هم انبارهای پیاز و سیب زمینی را که در حال فاسد شدن بود کشف میکردند ؟ ! به عقیده من هر کالائی که بازار سیاه پیدا کند و کمیاب شه حتماً دست گروهی سود جو برای سوء استفاده در این کار ، در کار است.

رستم عقیده داشت برای کسانیکه آذوقه و مایحتاج ضروری مردم را عمداً مخفی و انبار میکنند باید مجازات اعدام را اجرا کرد ، تا از این پس هیچ کس هوسهائی بسرش نزند.

تعمیر لوازم خانگی

در قسمت دیگر سید جلال هدائی ، با خیراله رضائی ، کارگران قسمت رنگ و لعاب درباره کلاسهائی که اخیراً از طرف وزارت کار و امور اجتماعی جهت آموزش افراد متفرقه برای تعمیر لوازم خانگی ایجاد شده صحبت میکردند سید جلال به خیراله میگفت همسر یکی از دوستانش با گذراندن این کلاس و آموزشی که در آنجا دیده اکثراً لوازم منزلش را شخصاً تعمیر میکند . خیراله در جواب او گفت !

ـــ اصولا احتیاج ، مردم را وادار به تحرک می کنه و دولت هم برای رفع احتیاجات مردم بچاره اندیشی میپردازه . این تعمیر کارهای حرفه‌ای لوازم خانگی آنقدر در کار تعمیر لوازم مردم از خود بدقولی نشون دادند که واقعاً باعث رنجش و بدبینی مردم شدند و همین مسئله باعث شد که وزارت کار برای رفع این نقص بزرگ دست بکار چنین عمل مهمی بزنه.

عبادت در ماه مبارک رمضان

جمشید حیدری ، کارگر قسمت کابینت سازی ، با علی اکبر آقامیر ، کارگر قسمت سیستم سرمازا درباره ماه مبارک رمضان صحبت میکردند حیدری میگفت امسال هم نیت کرده‌ام در شبهای قدر تا صبح بیدار باشم و با نیایش بدرگاه خداوند و ذکر یا علی سلامت یکسال دیگر از عمر خود و خانواده‌ام رو از خدای بزرگ بخوا) .

« علی اکبر آقامیر » کاملا متوجه گفته های حیدری نشد . بهمین جهت از او توضیح بیشتر خواست و جمشید حیدری برای او توضیح داد

بقیه در صفحه ۸۴

حاجی فتاحی ، بقول خودش فعلا نیم دوجین فرزند دارد ، اما دلش میخواست یک دوجین داشت !..

رپرتاژی جالب و کامل از

طلا و جواهر...
و کارگران جواهرساز

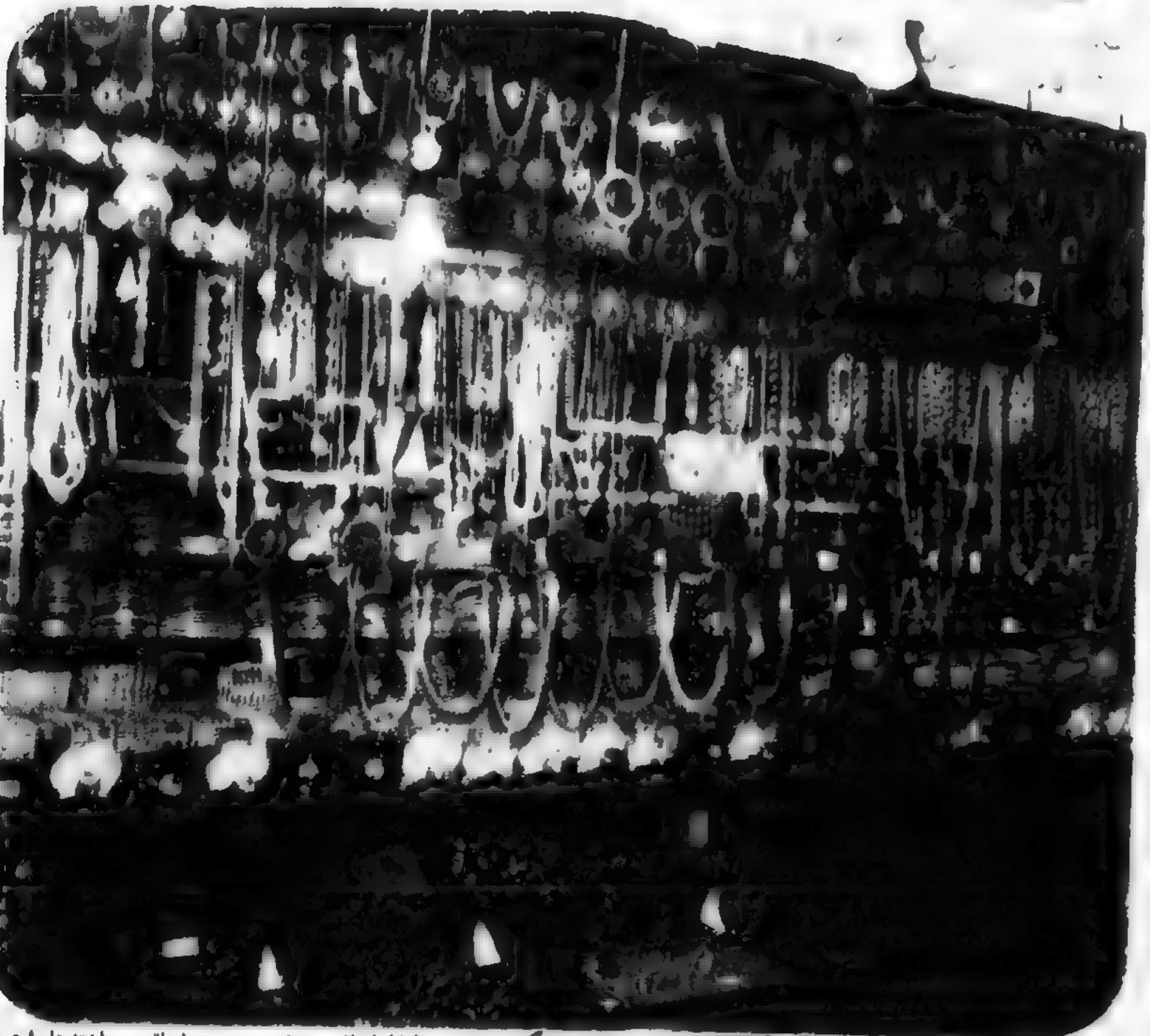

⬆ گوناگونی جواهرات و ساخته های طلائی واقعاً چشمگیر است

این جواهرفروش می‌گوید:

ـ جواهرسازی هنر هم هست، و بهمین جهت برای کارمزد یک دستبند، النگو، سینه ریز یا انگشتری، نمیتوان قیمت مشخصی تعیین کرد.

ولی مشتری می‌گوید:

ـ حتی برای یک النگوی یک شکل قیمت یکنواختی وجود ندارد و در هر مغازه یک قیمت برای آن می‌گویند.

جواهرسازی و زرگری، بیش از آنکه یک حرفه باشد، گونه‌ای هنر است و جواهرسازان و زرگرها همه بی‌تردید در ردیف هنرمندان باذوق قرار دارند. منوچهر مظفریان که از جواهرفروشان باسابقه تهران است، شخصیت هنری جواهرسازان را به طرزی شایسته بیان می‌کند. او می‌گوید: «یک جواهرساز یا یک زرگر ضمن ساختن یک قطعه جواهر یا شکل دادن به تکه‌ای طلا، درست همان کاری را انجام می‌دهد که یک نقاش موقع کشیدن تابلو به آن دست می‌زند، منتها چگونگی هر

زرگرها و جواهرسازان ایرانی همیشه بهترین و زیباترین ساخته ها را عرضه می کنند ⬇

⬇ زرگری یکی از ظریف ترین حرفه هاست

از محمود [illegible]

▲ جواهرساز با علاقه به ساخته خودش نگاه می‌کند

هر کدام از آن‌ها با هم تفاوت دارد.

منوچهر مظفریان ادامه میدهد: «برای روشن شدن گفته‌ام مثالی می‌زنم: زنان تا سن چهل سالگی با وجود زیبائی طبیعی خود نیازی به داشتن عاملی برای جلب نظر دیگران ندارند، در حالیکه پس از چهل سالگی تنها به کار بردن جواهرات گوناگون است که می‌تواند زیبائی گذشته را به آنها بازگرداند. اگرچه معمولاً زنان جوان هم از جواهر استفاده کنند.

تعداد مغازه‌ها

این گفته یک جواهرساز با سابقه بهترین نمایانگر چگونگی هنر جواهرسازان می‌باشد. هم اکنون تنها در تهران حدود ۲۳۰۰ مغازه جواهرفروشي وجود دارد. از این گذشته در شهرهای بزرگ ایران مانند اصفهان، شیراز، تبریز و مشهد هم تعداد زیادی مغازه‌های جواهرفروشی دیده می‌شود.

ازسوئی در هر کدام از شهرهای کوچک هم تعدادی مغازه جواهر فروشی و کارگاه زرگری و تراش جواهر وجود دارد.

از ۲۳۰۰ مغازه موجود در تهران حدود ۳۰۰ مغازه تنها به فروش ساخته‌های طلائی اشتغال دارند و بقیه علاوه بر جواهر، ساعت هم می‌فروشند.

عده کارگران

اشیاء و جواهرات مورد نیاز مغازه‌های جواهر فروشی توسط کارگران زرگر وجواهر تراش ساخته می‌شود.

هرچند تعداد دقیق این کارگران معلوم نیست، ولی میتوان آنها را در حدود ۶۰۰۰ تن دانست.

هر گروه از این کارگران در ساختن یکی از انواع اشیاء زینتی تخصص دارند. مثلا عده‌ای تنها النگو می‌سازند، گروهی در ساختن گوشواره تجربه بیشتری دارند وتعدادی هم سینه ریز و گلوبند را بهتر درست می کنند.

تنوع زیاد

به طور کلی نمی‌توان برای نوع دست ساخته‌های زرگرها وجواهر سازان شماره‌ای ذکر کرد، چرا که گذشته از تنوع بیش از اندازه این ساخته‌ها، بسیاری از مشتری‌ها هم شکل های ویژه و مدل‌های مخصوص را به جواهر سازان سفارش می‌دهند، باین ترتیب این گونه مصنوعات به صدها هزار نوع بالغ می‌شود.

مثلا درحال حاضر تنها بیش از ۲ هزار نوع

لطفاً ورق بزنید

* بسیاری از جواهرات ارزش و شهرت تاریخی هم دارند. اینگونه جواهرات معمولا یک یا چند حادثه مهم تاریخی را هم به خاطر می آورند.

جواهراتی مثل کوهنور و دریای نور از این گونه است . این دوقطعه جواهر بوسیله نادرشاه افشار از هندوستان به ایران آورده شد و هم اکنون دریای نور در موزه جواهرات سلطنتی و دیگری در یکی از موزه‌های انگلستان نگهداری میشود.

* موزه جواهرات سلطنتی، یکی از مهمترین نمایشگاههای انواع جواهرات، با ارزش‌های گوناگون است. این موزه هم اکنون بصورت یکی از مراکز مورد توجه توریست‌ها درآمده است. از سوئی بسیاری از سران کشورها در موقع سفر به ایران از این موزه هم دیدن میکنند.

* بسیاری از شخصیت های هنری یا سیاسی جهان به عنوان دوستداران انواع جواهرات معروف هستند.

«الیزابت تایلور» ستاره معروف سینما و ژاکلین (کندی، اوناسیس) را باید از این گروه بشمارآورد.

نکته جالب توجه اینکه در بسیاری از مواقع دیده شده که این دو زن مشهور برای بدست آوردن یک قطعه جواهر با هم به رقابت برخاسته و هر کدام سعی کرده‌اند بهرقیمت که شده آن را بدست آورند.

* ساختن جواهرات بدلی از زمان‌های پیش رواج داشته است. بسیاری از این جواهرات از روی جواهرات مشهور ساخته میشود. شباهت بعضی از جواهرات بدلی با ساخته‌های اصلی، به اندازه‌ای است که کمتر کسی قادر به تشخیص آند و از یکدیگر میباشد. بعضی زنان ثروتمند که جواهرات بسیار گرانبها دارند، از بدلی‌ها هم که بسیار شبیه جواهرات اصلی خود آنهاست، استفاده می کنند، تا چنانچه سارقین جواهرات، به جواهرات آنها دستبرد زدند، بدلی‌ها را بجای اصلی‌ها ببرند.

* فیروزه ایران بعلت نوع جنس و رنگ آن از بهترین سنگ‌های قیمتی جهان است و هم اکنون در بیشتر کشورهای دنیا مورد توجه میباشد. همچنین مروارید بحرین از مرغوب‌ترین سنگ‌های قیمتی به‌شمار میرود.

* مروارید بدلی هم از چندسال پیش رواج یافته است و ژاپنی‌ها از تولید کنندگان اصلی این گونه مرواریدها هستند و هر سال مقدار زیادی از آن را برای فروش بخارج صادر میکنند.

* آفریقای جنوبی و منطقه سیبری در خاک شوروی، بزرگترین معادن طلا را در خود دارند و در واقع بیشترین نیازهای طلای دنیا از این دومنطقه تأمین میشود.

ویترین های جواهرفروشی همیشه چشم ها را به خود خیره می کند

جواهرفروشان هرگز نرخ ثابتی برای فروش کالای خود ندارند

حداقل دستمزد یک کارگر جواهرساز ۳۰۰ ریال و حداکثر ۱۲۰۰ ریال است.

چگونه سنگهای قیمتی را تراش می دهند، وچگونه طلا راذوب می کنند، ووسایل گوناگون زینتی می سازند؟

انگشتری در شکل‌ها و اندازه‌های گوناگون در بازار وجود دارد که قیمت آنها هم بسیار متفاوت است.

النگوهائی کوچک با ۱۵۰ ریال قیمت، ارزان‌ترین وانگشتری‌های الماس که چند میلیون ریال قیمت دارد گران‌ترین آنهاست.

انواع النگوی مزین به سنگهای گرانقیمت مانند برلیان، ملیله، حدیده، عقیق، وانواع دستبند از قبیل جلفا، گیس باف، توری وحصیری از پر فروش ترین چیزهائیست که جواهرسازان وزرگرها می‌سازند.

از این گذشته، هر کدام از ساخته‌های این صنف به انواع بسیار دیگری تقسیم می‌شود . این گونه ساخته‌ها بیش از همه هماهنگی کاملی با ذوق مشتری‌ها دارند. باین جهت هر چند سال یکبار، شکل اینگونه زینت آلات تغییر می کند. مثلا در گذشته، یعنی تا حدود پانزده سال پیش، النگوهای سوهانی و لوله‌ای مد روز بود، در حالیکه اکنون این

تهران درحدود ۲۳۰۰ جواهرفروش وجود دارد که درآنها ۶۰۰۰ کارگرجواهرساز کار می کنند. آیا میدانید خانم های ایرانی، بکدام یک ازسنگهای قیمتی بیشتر علاقه دارند؟...

گونه النگوها از مد افتاده و دیگر درویترین جواهر فروشی ها دیده نمی‌شود . همچنین از گوشواره‌هائی مانند اشرفی ، ژرژ و نیم ژرژ دیگر خبری نیست .

این تحول نمونه دیگری ازطرز کارجواهر سازان و زرگرها و هماهنگی هنر آنها با پیشرفت زمان است .

عیارطلا

عیارطلاهائی که برای ساختن زینت آلات در گذشته مورد استفاده قرار میگرفت ، بسیار گوناگون بود. طلاهای ۹ عیار ، ۱۴ عیار ، ۲۰ و ۲۲ عیار ازرایج ترین انواع آنها بشمار می‌رفت ، در حالیکه اکنون طلای ۱۷ و ۱۸ عیار که در اصطلاح جواهرسازان به طلای ۷۰۵ و ۷۵۰ معروف است جای عیارهای سابق را گرفته است .

عیار مقیاس دقیقی برای سنجش مقدار خالص طلا یا نقره بامقدار فلزیست که درساختن اشیاء طلائی و نقره‌ای بکار می‌رود. مثلا بهای هرگرم طلای ۱۷ عیار در امروز که این رپرتاژ نوشته می‌شود (۳۵/۶/۳) بین ۲۳۰ تا ۳۵۰ ریال و بهای هرگرم طلای ۱۸ عیار بین ۳۰۰ الی ۳۸۰ ریال درنوسان می‌باشد.

نقش مس

آمیزش مس با طلا به منظورمحکم‌شدن آن صورت می گیرد، چون طلای خالص باندازه کافی استحکام ندارد. چون درایران معدن طلا به‌حد کافی نیست. و درمعادن موجود هم بمقدار جالبی وجود ندارد، طلای موردنیاز را ازخارج وارد می کنند

هم اکنون هرروز شمش طلا بوسیله بانک مرکزی به زرگرها فروخته می‌شود. بهای هر شمش طلا(امروز که این رپرتاژ نوشته‌می‌شود) در بازار تهران ۲۳ هزار و ۵۵۰ تومان است

نوسان نرخ طلا همواره بیش ازنوسان بهای هرجنس دیگر بوده است. هرچند این نوسان دربسیاری ازمواقع دشواری هائی را در کارطلاسازان وجواهرفروشان به وجود می آورد اما گاهی هم سود بیش ازاندازه آنها را باعث می‌شود:

اثرات نوسان نرخ

خانم اکرم مرتضوی که برای خرید یک دستبند به یک مغازه جواهر فروشی درخیابان اسلامبول آمده است ، در مورد چگونگی این نوسان می گوید : « جواهر فروشان همیشه در موقع افزایش نرخ طلا، قیمت‌ساخته های خود را گران می کنند ، در حالیکه با پائین آمدن نرخ طلا بهای ساخته های خود را آنگونه که لازم است ، هماهنگ نمی کنند و همین امر همواره بیشترین سود را برای آنها دربردارد. »

علی طلائی که یک زرگروجواهرفروش با سابقه است ، در اینمورد نظر دیگری دارد . او می گوید: بطور کلی کسانی که دست اندر کار معامله فلزات و سنگ های گرانبها هستند ، همواره درخطر ورشکستگی قرار دارند . اینست که باید هرطورشده همیشه یک «سپر حفاظتی» داشته باشند . بنابراین اگر قیمت ساخته های آن ها با نوسان ارزش طلا برابری نمی کند، باید موقعیت شغلی آنها را هم درنظر گرفت.

رضا کلهر هم یک زرگر و جواهرساز با سابقه است که روزانه حدود ۸۰۰ ریال درآمد دارد. او درموردچگونگی هنرزرگرهامی گوید: «ماطرح هائی را که درساختن انواع زینت آلات ارائه می‌دهیم تنها از ذوق وسلیقه مردم الهام می گیریم ودرواقع این خریداران هستند که ما را در ساختن اشیاء زینتی و شکل و اندازه آنها راهنمائی می کنند. باین جهت تمام طرحهائی که ازآغاز تاکنون بوسیله زرگرها ارائه شده ، نمونه‌ای ازخواسته های مشتری ها بوده است »

دستمزدها متفاوت است

دستمزد کارگران زرگر و جواهر فروش بسیارمتفاوت است. زرگرها— معمولا به تناسب کارخوددستمزدمی گیرند که این میزان هم بیش از هرچیز به چگونگی هنر آن ها بستگی دارد ، یعنی همان چیزی که قیمت یک النگو یا گوشواره را تعیین می کند . برای مثال ممکن است دو گوشواره یا دو النگو در یک اندازه و با یک نوع طلا و همچنین با استفاده از یک طرح ساخته شود ، اما قیمت یکی از آن ها چند برابر دیگری باشد، چرا که هنربکاررفته در گوشواره گران تر ، به مراتب بیشتر است و کارگری هم که آن را ساخته ، بهمان نسبت مزد بیشتری میگیرد.

پس میزان کاری که یک زرگر در هر روز انجام می‌دهد و همچنین چگونگی این کار ، یعنی کمیت و کیفیت تلاشی که می کند ، معیار دستمزدیست که می گیرد . بطور کلی دستمزد زرگر ها بین ۳۰۰ الی ۱۲۰۰۰ ریال در روز در نوسان می‌باشد . البته این را هم بدانیم کارگری که حدود ۱۲۰۰۰ ریال دستمزد میگیرد ، متخصص مثلا تراش الماس است ، و معلوم هم نیست که هر روز به تراش الماس مشغول باشد، درحالیکه این دستمزد را برای انجام این کار به او می‌پردازند .

اما جواهرفروشان وطلافروشان درآمدی به مراتب بیشتر از زرگر ها و جواهر تراش ها دارند، چرا که سرمایه آن ها وقیمت اجناسی که در مغازه به معرض فروش گذاشته‌اند ، گاه به صدها میلیون ریال بالغ می‌شود.

ضابطه در کار نیست

البته موقعیت مکانی مغازه های جواهر- فروشی هم درمیزان درآمد آن ها تاثیری بسزائی دارد . بیشتر مغازه های طلا فروشی در بازار زرگرها و خیابان های اسلامبول، لاله زار ، نادری وشاهرضاقرار دارد.

این گروه ازمغازه ها که بعضی از آن ها شهرت جهانی هم دارند ، همواره بیش ازمغازه-های دیگر درنقاط مختلف تهران فروش می کنند و بطور کلی میزان فروش آنها در روز حدود ۱۰۰/۰۰۰ الی ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال درنوسان است که البته بعضی از آنها ممکنست در یک روز یکصد هزار تومان هم فروش کنند.

بسیاری ازخریداران طلا وجواهر، ازنبودن نرخ وضابطه یی معین درمورد خرید وفروش اشیاء زینتی گله دارند و این وضع درهم وبرهم را بزرگترین دشواری در کار عرضه و تقاضای این کالامی دانند.

خانم مهری آسایش ، یکی از خریداران جواهر در این مورد می گوید : « حتی برای یک النگوی یک شکل ، قیمت یکنواختی وجود ندارد و در هر مغازه‌ای یک قیمت برای آن می گویند . به این جهت هرخریدارمجبور است به چند مغازه سر بزند تا کلاه بسرش نرود . »

هنرونرخ گذاری

منوچهر مظفریان یکی ازجواهرفروشان عمده ، در باره این وضع درهم وبرهم چنین می گوید : « جواهرسازی و زرگری ، بنوعی یک کار هنری است . باین جهت هم نمی‌توان قیمتی برای یک ساخته هنری تعیین کرد ، چرا که هنرقابل نرخ گذاری نیست . »

این جواهر فروش با سابقه می افزاید : « نه تنها درایران ، بلکه درهیچ کشوردیگری هم تاکنون نتوانسته اند برای جواهرنرخ تعیین کنند . بارها دیده‌شده است که قیمت یک قطعه الماس بعد از چند سال یا پس از یک تراش مختصر و تغییرشکل آن ، ناگهان به چند برابر افزایش یافته است ، زیرا هنر تازه‌ای در آن بکار رفته است . بهمانگونه هم قیمت هرانگشتری بنا به میزان ذوق و هنری که در ساختن آن بکاررفته تغییرمی کند. »

خریدارشناخت کافی ندارد

مشخص نبودن قیمت ها ، در بسیاری از مواقع ، درگیری هائی را بین خریدار وفروشنده باعث می‌شود . عدم شناخت خریداران از کیفیت جنس و چگونگی ساخته شدن جواهر و میزان هنری که در آن بکار رفته و همچنین سودجوئی بیش ازمعمول برخی ازجواهرفروشان علل اصلی اینگونه درگیری‌هاست. هرچند هم اکنون برای جواهرفروشان بین ۷ تا ۱۲ درصد سود تعیین شده است ، اما همان مشخص نبودن قیمت ها وضع را کاملا درهم وبرهم کرده‌است.

مراحل گوناگون ساخت

برای ساختن یک انگشتری یا یک النگو، و بطور کلی برای شکل دادن به یک قطعه طلا و تبدیل آن به یکی ازصدها شیئی زینتی ، مراحل گوناگونی طی می‌شود.

یک زرگر بعد از تحویل گرفتن طلای لازم ، برای ساختن شیئی مورد نظر پیش ازهر کارآن را در کوره ذوب می کند . هرچند هم اکنون در بعضی ازمغازه‌ها از کوره‌های کوچک مکانیکی برای ذوب طلا استفاده می‌شود ، ولی در بیشتر کارگاهها همان کوره ذغالی سنتی بکارمی رود.

برای ذوب کردن طلا ، آن را درظرفهای مخصوص می گذارند و بعد ازاینکه قطعه طلا به حالت خمیری درآمد ، آن را بوسیله نورد به‌شکل مفتول درمی آورند.

دراین موقع است که فلز برای تبدیل به هر گونه‌شیئی زینتی آماده‌شده‌است.

زرگر برای ساختن زینت‌مورد نظرش ، ابتدا طرح آنرا که از مشتری یا از کارفرما گرفته ، بصورت قالب در می آورد. بعد با استفاده از چرخهای متعدد و دستگاه های مخصوص ، مفتول را تکه تکه می کند و بوسیله پرس و قالب به‌شکل دلخواه‌درمی آورد.

مرغوبیت بیشتر در تقسیم کار

درحال حاضر دربسیاری از کارگاهها ، هر مرحله از کاربوسیله یک کارگر انجام می‌شود این روش تقسیم کار کمک بیشتری به‌مرغوبیت شیئی ساخته‌شده‌می کند.

مرتضی جهرمی، یک زرگرباسابقه است که از ۲۵ سال پیش به این کار اشتغال داشته و اکنون روزانه حدود ۷۰۰ الی ۸۰۰ ریال مزد می گیرد.

او درمورد طرز کارش می گوید : هرچندمن درساختن بیشتر اشیاء زینتی تجربه دارم ، اما کاراصلی من تولید انگشتری است. به نظرمن اگر نحوه تقسیم کار مورد توجه زرگر ها قرار بگیرد ، پیشرفت بیشتری در کار آنها بوجود می آید، چرا که استعداد و هنرهر کارگر برروی ساختن یک‌نوع شیئی زینتی متمرکزمی‌شود.

یک محاسبه دقیق ، چگونگی هزینه‌ای را که برای ساختن مثلا یک‌دستبندمصرف‌می‌شود بخوبی روشن می کند:

اگر برای این کار ، ۱۰ مثقال طلا لازم باشد باید بی تردید یک‌مثقال هم بعنوان فرسایش به آن افزود یعنی برای این کارباید ۱۱ مثقال طلا درنظرگرفت.

اگر طلا را بطور متوسط هرمثقال ۵۰۰۰ ریال حساب کنیم ، قیمت طلای لازم برای این

بقیه در صفحه ۹۵

سندیکای بدون شاخه تعاونی مفهومی ندارد

باید با آموزش به اعضای تعاونی ها، این مسأله را تفهیم کرد که بتدریج اتکاء به دولت را فراموش کنند کمکهای مادی دولت به تعاونی ها، در یک دوره خاصی از زمان باید جای خود را به نظارت عالی و ارشاد بدهد.

گفتگوئی با عبدالله جوانشیر
مسؤول کمیته تعاونی شورایعالی سازمان کارگران ایران

درباره مسؤول کمیته تعاونی بدانید:

* عبداله جوانشیر تحصیلات خود را در رشته اقتصاد در دانشگاه تهران به پایان برد و در سال ۱۳۳۵ لیسانس خود را از این دانشگاه دریافت کرد. و پس از آن برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در زمینه اقتصاد روستائی و تعاونیهای کارگری و کشاورزی به مطالعه و تحقیق پرداخت.
* در سال ۱۳۴۰ به سمت مدیر کل تعاونیهای وزارت کار و دبیر کل شورای عالی تعاونی کشور منصوب شد و از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۲، دو دوره نمایندگی مجلس شورای ملی را بعهده داشت و در حال حاضر معاون وزارت تعاون و امور روستاها و مدیرعامل سازمان تعاونی روستائی کشور است و علاوه بر آن مسؤولیت کمیته تعاونی شورای عالی سازمان کارگران ایران را نیز بعهده دارد.
* عبداله جوانشیر در زمینه مطالعه و نویسندگی نیز از چهره های معروف است و علاوه بر مقالات متعددی که از وی در نشریات بچاپ رسیده دو جلد کتاب بنامهای «اقتصاد تعاونی» و «مقدمه ای بر جامعه شناسی» تألیف و منتشر کرده است.
* درباره هدفها و وظایف کمیته تعاونی و کم و کیف این هدفها و وظایف با عبداله جوانشیر گفتگوئی داریم که در این صفحه میخوانید.

نویسنده رستاخیز کارگران: — «آقای جوانشیر در آغاز، این سؤال مطرح میشود که اصولا و بطور اعم کمیته تعاون کارگران چه هدفها و وظایف و مقاصدی را دنبال میکند؟»

جوانشیر: — «در این مورد قبل از اینکه وارد اصل موضوع شوم، باید یک نکته ویژه را یادآوری کنم و آن پیوستگی تاریخی نهضت تعاون و سندیکالیسم با یکدیگر است. چون همانطور که میدانید ما در زمینه مسائل کارگری و سازمانهای ویژه‌ای که ناشی از انقلاب صنعتی عصر ما است از اصول و آرمانهای تاریخی آن که منبعث از اصول اروپای قرن نوزدهم است تبعیت میکنیم.

بطوریکه میدانید نهضت تعاونی و سندیکالیسم و حزب سیاسی سه ناحیه‌ای بودند که در جریانات سیاسی و اجتماعی قرن نوزده در اروپا با وظایف خاصی که هر کدام در حوزه آرمانی خود داشتند، فعالیت میکردند. کار سندیکاها که در حال حاضر عیناً در ایران هم اجرا میشود عبارت از آموزشهای سندیکائی، دفاع از منافع حرفه‌ای و امثال آن است و کار تعاونی‌های کارگری مکمل کار سندیکاها است، باین معنی که اگر سندیکاها برای ارتقاء سطح مادی خود مانند مزد، ساعات کار، و بهداشت و نحوه گذران ایام فراغت تلاش میکنند، تعاونیها میکوشند با شبکه های خود آگاه توزیع که متشکل از کارگران است دستاورد های سندیکاها را حفظ کنند و اگر قرار باشد ترقی دستمزد یا قدرت دستمزد با نوسانات قیمت بازار تولید و مصرف دچار بحران و اختلال شود، سعی سندیکاها در این مورد بیهوده و باطل خواهد بود. در این مورد است که در تمام جهان صنعتی تعاونیهای مصرف یا اعتبار یا مسکن یا مسکن کارگران مکمل کار سندیکاها شناخته شده‌اند.

بطور کلی سندیکای بدون شاخه تعاونی مفهومی ندارد، چرا که هدف تعاونیهای مصرف بر این است که بوسیله شبکه تعاونی و فروشگاههای بزرگ و اتحادیه‌های تعاونی مصرف مرکزی، کالاها و نیازمندیهای کارگران را با قیمت مطلوب و معقول ارائه کنند و از درآمد حاصله از این معاملات که بحساب ذخائر اتحادیه ها و شرکتهای تعاونی منظور میشود بتوانند مسائل خاص اجتماعی خود را که سندیکاها در اساسنامه خود قید کرده‌اند (مانند احداث باشگاهها، ورزشگاهها، پلاژها و سایر تأسیسات تفریحی و آموزشی) از این طریق احداث و در اختیار کارگران قرار دهند. بنابراین سعی کمیته تعاون در شورای عالی کارگران، یعنی کمیته‌ای که بنده مسئولیت آنرا بعهده دارم، با توجه به هدف‌های تعاونی و با توجه به هدفهای حزب رستاخیز مشخص میشود.

با توجه به آمار تعاونیهای کارگری، ما مجموعاً ۱۳۴۹ شرکت با چهارصد هزار عضو داریم که این تعداد مسائل خاصی را درمقابل ما قرار میدهند. از جمله اهم مسائلی کلیه تعاونیهای دنیا بر آن اصل استوار است آموزش تعاونی است. سعی و هدف کمیته تعاونی بر آن است که از طریق سندیکاها و با همکاری حزب رستاخیز و شاید مقامات و مؤسسات دولتی که دست اندر کارند، برنامه‌هائی برای آموزش خاص تعاونی در خانه کارگر یا در سندیکاهای مربوطه یا در درون حزب طرح ریزی شود که از این طریق بتوانیم مفهوم نهضت تعاونی را که خوشبختانه بعنوان پایه اقتصاد ایران شناخته شده به طبقات و گروههای وسیع کارگران تفهیم کنیم و از این طریق است که در آینده خواهیم توانست شبکه تعاونیهای مصرف را که در حال حاضر حدود ۳۷۵ شرکت است گسترش دهیم و سعی کنیم سازمان مرکزی تعاون مصرف کارگران را با توجه سازمانهای تعاونی مصرف کارگران و با مساعدت و کمک به آن از لحاظ سرمایه و پرسنل و سایر تأسیسات مؤثرتر سازیم تا بتواند منشاء آثار بزرگ اجتماعی و اقتصادی برای شرکتهای تعاونی مصرف سراسر ایران شود، زیرا باید رفته رفته از طریق آموزش باعضای تعاونی این مساله را تفهیم کرد که اتکاء به دولت را فراموش کنند. و به تکیه به امکانات افراد و اعضاء خود چه از لحاظ مادی و چه از نظر معنوی سازمان تعاونیها را گسترش دهند. زیرا کمکهای مادی دولت در یک دوره خاصی از زمان باید جای خودرا به نظارت عالی و ارشاد بدهد.»

* **رستاخیز:** برای بهبود وضع کمیته تعاون و گسترش و اشاعه بیشتر آن چه اقداماتی را توصیه و پیشنهاد میکنید؟»

جوانشیر: — «بطوریکه آمار نشان میدهد در حال حاضر ما حدود ۲۰۹۳ شرکت تعاونی غیر کارگری و ۲۸۵۹ شرکت روستائی و ۱۳۴۹ تعاون کارگری و ۷۴ تعاون عبادی داریم که با احتساب سه میلیون نفر عضو تعاونیهای روستائی در مجموع حدود چهار میلیون تن عضو تعاونیهای مختلف ایران هستند که با احتساب تعداد عائله آنها (۴ تن) مجموعاً ۱۵ میلیون نفر در سطح کل کشور با تعاونیها سر و کار دارند اعم از اینکه این تعاونیها مصرف باشند یا اعتبار یا مسکن با توجه به این ارقام و آمار وظیفه حساس کمیته تعاون در قبال برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور و حزب رستاخیز آشکار میشود. کمیته تعاون شورای عالی کارگران با تشکیل کمیته‌های تخصص باید شاخه تعاون کارگری را در مرحله اول با اجرای آموزش صحیح تعاونی در خط صحیح هدفهای تعاونی قرار دهد و در مرحله دوم با همکاری مؤسسات دولتی و با برنامه ریزیهای منطقه‌ای و ملی بکوشد امکانات توسعه و رشد فیزیکی تعاون کارگری را از لحاظ شکل و فرم نهضت تعاون (که باید از شرکتهای عضو شروع و به اتحادیه‌ها ختم شود) درمد نظر قرار دهد، زیرا شرکتهای تعاونی پراکنده وضعیف و کم سرمایه و بی آموزش جز مزاحمت، حاصل دیگری ندارند.

بنابراین کمیته تعاونی باید به مسئولان تعاونی تفهیم کنند که شرکتهای تعاونی مناطق ایران با اتحادیه‌های منطقه‌ای مخصوصاً درباره مصرف کارگران یک کانون قدرتمند مادی و معنوی (که همان اتحادیه های مصرف منطقه‌ای نام دارند) بوجود آورد. این اتحادیه‌ها باید در آینده بتوانند نیازهای اعضاء را تأمین کنند و حتی از لحاظ گسترش عمومی بحدی برسند که امور آموزش و حسابداری وحسابرسی واز این قبیل مسائل مهم را خود کارگران بعهده گیرند و این امر در وهله اول به مدیریت صحیح شرکتهای تعاونی، کار برد سرمایه، وفاداری اعضاء وذخائر و درآمدهای شرکتهای تعاونی، مربوط میشود که از این طریق بتوانند به اتحادیه های وابسته بخود، کمک و مساعدت کنند.»

امروزه به سبب گسترش فعالیت‌های صنعتی و استفاده از [illegible] و گاز و مواد قابل اشتعال خطرات مربوط به آتش سوزی و انفجار نیز زیاد شده و به سبب عدم آگاهی و مراقبت‌های لازم صاحبان کالاها در هر آتش سوزی که اتفاق می‌افتد میلیونها تومان ثروت کشور به باد میرود. میدانیم حریق و یا انفجار وقتی بوقوع می‌پیوندد که سه عامل حرارت — اکسیژن و مواد سوختنی وجود داشته باشد. هنگامیکه مواد سریع الاشتعال که با اکسیژن هوا در [illegible] درجه حرارت [illegible] بالا رود، فعل و انفعال [illegible] و چون این فعل و انفعالات [illegible] [illegible] خسارات مالی خسارات جانی جبران‌ناپذیر نیز به همراه دارند که بیشتر جوشکاران قربانیان این اعمال ناشیانه میشوند. به نظر میرسد که مشکل است بتوان تمام امکانات انفجار را بررسی کرد ولی در این بخش سعی می‌کنیم نکاتی را که بیشتر باعث انفجار شده‌اند [illegible].

***رعایت ظرفیت‌ها**

گرم شدن غیر عادی مدارات الکتریکی که معمولا در اثر اضافه بار و مصرف غیر عادی برق بوجود می‌آید اغلب مشاهده شده که در [illegible] از روشنائی الکتریکی استفاده میشود به علت استفاده از مصرف برق بیش از آمپری که [illegible] باعث گرم شدن سیم کشی [illegible] و [illegible] استعمال موادی که در مجاور آنها بوده شده است [illegible] بار زیادی گرفته شود و [illegible] مثلا از [illegible] انشعاب زیادی [illegible] اتصال کرد.

حال [illegible] مواد [illegible] در [illegible] خطرات اشتعال و یا انفجار [illegible] که در فصل زمستان [illegible] واحدهای [illegible] استفاده کرده [illegible] که آتش سوزی اتفاق افتاده است بر تاب ذرات فلزی و براده‌های در حال ذوب نیز که از سنگ سمباده زنی و یا [illegible] مواد مجاور شوند در [illegible] کردن [illegible] توده‌های خاک اره و در [illegible] لایه‌های [illegible] سنگ [illegible] وجود [illegible] آتش سوزی [illegible] میشود.

اشعه خورشید و آتش سوزی

سطوحی که [illegible] و [illegible] که [illegible] آینه‌های [illegible] وجود دارد ایجاد منبع حرارتی می‌کند [illegible] آینه‌ای [illegible] نقطه کانونی بوجود می‌آید شعله‌ها بیشترین منبع حرارتی را در [illegible] بهمین جهت [illegible] و مراقبت [illegible] در [illegible] صنعتی [illegible] مواد قابل انفجار و یا بخارات [illegible] روی زمین [illegible] در [illegible] که [illegible] انفجاری [illegible] که [illegible] [illegible] مجرای [illegible] و بخارات روی زمین [illegible] مجرای [illegible] در [illegible]

آتش سوزی، خطری که همیشه [illegible] تهدید میکند...

امدادی [illegible] حرارت [illegible] از مواد [illegible] آتش سوزی انفجار [illegible]. به هرحال یکی از اهم مطالب در [illegible] از بروز حریق کنترل منابع حرارتی است که در این فرصت به بحث درباره آنها می‌پردازیم:

مهم‌ترین عوامل حرارتی را میتوان در [illegible]:

1. سطوح [illegible]
2. [illegible]
3. جرقه‌های مکانیکی
4. جرقه‌هائیکه از [illegible] و یا از قطع و وصل جریانهای الکتریکی ناشی میشود
5. پدیده‌های دیگر حرارت‌زا

الف — سطوح گرم

هر جسمی که به درجه حرارت بالا برده شده باشد میتواند مولد انفجار موادیا اکسیژن باشد میتوان قطعاتی را که در ماشین‌آلات به علت بدی روغن کاری در نتیجه اصطکاک گرم میشوند جزو این دسته به حساب آورد ضمناً این قطعات گرم وقتی حادثه‌آفرینند که مخلوط گازهای قابل انفجار با هوا ناگهان با [illegible].

***تاثیر عوامل مختلف**

عامل دیگر ممکنست ناخودآگاه سبب بروز حادثه شود مثلا جوشکاری با کاربیت و یا جوشکاری الکتریکی روی مخازنی که قبلا مواد نفتی یا روغنی در آنها وجود داشته است اگر هنگام جوشکاری رعایت مقررات لازم در تمیز نمودن جدار این مخازن نشده باشد در این صورت چون سطوح ناحیه جوشکاری در داخل [illegible] گرم میشوند بدون اینکه [illegible] شعله و یا جرقه‌ای تولید شود بخارهایی که بر اثر [illegible] باقی مانده مواد به جدار ظرف تولید میشود با اکسیژن هوا مخلوط و در مجاورت این سطح گرم شده منفجر میشود این قبیل حوادث نیز سالیانه [illegible] اتفاق می‌افتند و علاوه بر

بوجود می‌آ[illegible] که به [illegible] خطرات را یادآوری [illegible] که [illegible] خاموش شده را بدون توجه به هرمحلی پرتاب میکنند چرا که وقتی ماده سریع الاشتعال وجود داشته باشد شرایط لازم جهت آتش سوزی فراهم میشود.

جرقه‌های مکانیکی [illegible] است که [illegible] و [illegible] حرارت از [illegible] استفاده کرده است [illegible] جرقه‌های مکانیکی [illegible].

[illegible] که میتوانند جرقه‌های [illegible] در [illegible] صورت ساختکهای نورانی تولید کنند.

۲ — ابزار فولادی که تیغه‌های (هوای فشرده) پنوماتیک داشته و یا ابزارهای فولادی دستی و موتوری دیگر بالاخره کفشهائیکه مجهز به نعلچه و یا میخهای فولادی هستند در برخورد و تماس آنی با اشیاء باعث تولید جرقه میشوند.

۳ — [illegible] صفحات فولادی و [illegible] سنگی [illegible] صندوق‌های [illegible] و [illegible] و زنجیرهای [illegible] که هنگام حرکت بروی صخره‌های [illegible] ایجاد جرقه‌های [illegible] می‌کنند. [illegible] اجسام فلزی [illegible] ذرات [illegible] میشود و انرژی حرکتی حاصله در ذرات تبدیل به حرارت شده و درجه حرارت ذرات را باندازه کافی بالا می‌برد و بشکل نقاط نورانی درمی‌آیند [illegible] این ذرات قابل اکسیدشدن باشند در مجاورت هوا اکسیده شده و بدرجه حرارتهای بالاتر که نتیجه فعل و انفعالات شیمیائی است میرسند. تجربیاتی که برای اندازه‌گیری درجه حرارت جرقه‌ها بعمل آمده نشان داده‌اند که درجه حرارت که درمورد ذرات فولاد ۱۸۷۵ درجه سانتیگراد رسیده [illegible] این جرقه‌ها در صورتیکه در مجاورت هوای قابل انفجار قرار گیرند منابع خطرناکی برای آتش سوزی بشمار میآیند.

کمک‌های

کمکهای اولیه شامل انجام کلیه دستورات و اقداماتی خواهد بود که در مورد بیمار یا مصدوم و مضروب و بالاخره افراد حادثه دیده قبل از حضور پزشک، جهت حفظ جان و تخفیف درد و در حقیقت جلوگیری از شدید ناراحتی‌های بیمار باید انجام پذیرد.

نکته‌ایکه باید همیشه مورد نظر شخص کمک کننده باشد، این است که کمک کننده هیچگاه کارهائی را که جنبه تخصص دارد، بعهده نگیرد، یعنی اعمال او جانشین کارهای پزشک نشود، بلکه اقداماتی را که قبل از رسیدن به پزشک لازمست، باید بعهده گیرد. البته با انجام کارهای مقدماتی پزشکی و انجام دستورات صحیح در موارد مختلف مربوط به کمک‌های اولیه اغلب نتایج بسیار عالی بدست میاید و همین امر سبب تشویق و ترغیب کارگران عزیز و بخصوص صاحبان صنایع شده تا کمک‌های اولیه را کاملا آموخته و در مورد لزوم آن دستورات را بکار ببندند. این نکته قابل توجه است که روشهای کمک‌های اولیه در صورتی میتوانند مفید واقع شوند که بطور صحیح و درست اجرا شده باشند، ولی ممکنست ضایعات جبران ناپذیری را سبب گردند — با توجه و اطلاعاتی که بامور صنعتی دارید، خود بهتر میدانید روزبروز بعلل مختلف بر تعداد مصدومین و بیماریهای ناشی از مشاغل مختلف افزوده میگردد. بنابر این لازمست به موازات بالا رفتن درصد ضایعات در آموزش کمکهای اولیه بیشتر ساعی و دقیق بود.

هدف ما از کمکهای اولیه چیست؟..

در اینجا منظور از انجام کمک‌های اولیه را بطور مختصر بررسی میکنیم تا مطالب فوق را روشنتر بیان کرده باشیم:

۱ — در درجه اول جلوگیری از مرگ، که همیشه در کمین مصدومین و حادثه دیدگان است.

۲ — برطرف کردن و از بین بردن عوامل ایجاد کننده حادثه در صورت موجود بودن.

۳ — کنترل مخاطراتی که خطرجانی دارد، یعنی کنترل اعمال حیاتی بدن مثل بند آمدن نفس، خونریزی — خطرات از بین رفتن ضربان نبض و شوکهای مختلف)

۴ — کنترل و جلوگیری از پیشرفت خطر و عوارض ناشی از آن.

۵ — توجه به اصولی که آسایش بیمار را دربر گیرد.

۶ — دور نمودن فرد حادثه دیده از شلوغی و ازدحام

۷ — درمان فوری و توجه به نکاتی که

چه مواد ولوازمی باید در جعبه کمک‌های اولیه وجود داشته باشد؟..

در موقع کمک چه نکاتی را باید رعایت کرد؟..

اولیه درکارگاه...

سبب جلوگیری از ورود عوامل بیماری زای خارجی میشود.

۸ — استفاده از داروهای لازم و مفیدی که در دسترس فرد کمک کننده میباشد.

۹ — اطلاع به پزشک در بدو امر.

۱۰ — حمل بیمار با اصول و قواعد صحیح به مراکز پزشکی در مورد لزوم.

خصوصیات افراد کمک کننده.

هر کس نمی‌تواند بعنوان یک فرد کمک کننده آستین خود را بالا زده و شروع به انجام کارهای مقدماتی کند، در بعضی اوقات بی اطلاعی از چگونگی امر ممکن است به ضرر بیمار تمام شود، شخص باید دارای خصوصیات ویژه‌ای باشد که در اینجا بطور فهرست یادآور میشویم.

*فرد کمک کننده باید نوعدوست و با محبت و علاقمند به نجات افراد توان خواه باشد.

*در کار خود مهارت کافی داشته باشد تا بتواند بطورصحیح انجام وظیفه کند.

*در کارخود دقیق وسریع باشد.

*باهوش و با حوصله باشد و سعی کند در کارخود اشتباه نکند.

*فرد کمک کننده باید همیشه بداند که پزشک نیست و پا ازگلیم خود فراتر نگـــذارد.

*فرق بین حالت سلامت و بیماری را بداند و تا حدی به موقعیت اعضاء و احشاء بدن آشنا باشد.

*دستورات صریح و قاطع جهت بیماران و اطرافیان صادر کند.

*از لحاظ روانی بیماران را به سکوت وا داشته و از تشویش خاطر او و نزد یکانش بکاهد.

*با آنجا که ممکن است از مراکز درمانی منطقه خود اطلاعات کلی داشته باشد.

راه استفاده صحیح ازوسایل حمل ونقل بیماران را کاملا بداند تا عارضه‌یی برعوارض موجود بیماراضافه نشود.

آموزش افراد کمک کننده

در وهله اول، مسئولین کمک‌های اولیه در کارخانجات، باید کمیته‌ای که از افراد مورد نظر در کارخانه و محیط کار تشکیل میشود، ومسایل‌مدد کاری را بررسی کنند و افراد علاقمند و کارگران را آماده یادگیری کمکهای اولیه سازند و آنها را به‌مراکز تعلیم دهنده معرفی نمایند تا دراین رشته آموزش لازم را ببیند و در هر کارگاه باید جعبه های کمک‌های اولیه و وسایل اولیه کمکی موجود باشد.

مسلماً وجود افراد کمک کننده در محیط صنعتی، مشکلات زیادی را می‌تواند برطرف سازد که به‌نفع کارگران و کارآما خواهد بود. و باید توجه کرد که اصولا مسئولین کمکهای اولیه درمحیط کار، بمنزله مبارزان و مسئولان اولیه پیکار جهت بازگشت سلامت کارگران پس از حوادث واتفاقات هستند و این افراد درحقیقت خود جزء اعضای بهداشتی محیط کار محسوب میشوند و بامسئولین بهداشتی محیط کار و صنعت تماس بیشتری خواهند داشت. حتی درجلسات مختلفی که جهت بهبود وضع بهداشتی کارگران و کاهش حوادث و سایر مسایل عمومی بهداشتی شرکت و همکاری نزدیک دارند و ارزش اینگونه افراد در بعضی موارد حتی بیش از پرستار و پزشک مراکز صنعتی است، زیرا در اولین مراحل حادثه بامصدومین و بیماران سروکار دارند و به همین علت ارزش کارشان گاهی بیش از ارزش کار پرستار و پزشک خواهد بود.

نکاتی درمورد نوع کمک‌های اولیه

۱ — کمک کننده باید علت بروز حوادث و عوارض آن را در حدود و امکانات بفوریت برطرف سازد (بنابراین در ابتدا باید علت بروز حادثه را دریابد)

۲ — بررسی وضع تنفسی، قلبی، خونریزی و دقت در نوع ضربات، که آیا منجر بشکستگی شده یا خیر و همچنین شناخت درجات سوختگی ضروری است.

۳ — شوکها را تشخیص داده و استفاده از داروها را بخوبی بداند تا بدقت و باسرعت عمل کند.

۴ — به‌اهمیت هوا و نور کاملا آشنا باشد ودر مواقع لزوم بیماران را به‌هوای باز هدایت کند

۵ — اهمیت پاکیزگی را در کلیه موارد کاملا رعایت کند، زیرا رعایت اصول نظافت، شرط اول کار کمک کننده‌است.

۶ — بیماران و مصدومین را حتی‌الامکان گرم وآرام کند.

۷ — باید بیما را کاملا بیحرکت خوابانید و آرام نگاه‌داشت.

۸ — درمورد استفراغ سعی شودکـــه سر بیمار را پائین آورده و به‌پهلو چرخانیده شود که به‌راحتی مواد تهوع شده خارج شود و به‌ریتین وارد نگردد.

۹ — لباس های‌بیمار راآزادکرده ویقه‌اش را باز کندو کمربندش را بیرون بیاورد.

۱۰ — سعی شود بیمار به‌ناحیه حادثه‌زده دقیق نشده و نگاه نکند، تا سبب تشویش خاطرش گردد، یعنی در حقیقت اعمالی که جهت کاهش ترس در بیمار است، در نظر گرفته‌شود.

۱۱ — در حرکت دادن بیمار جهت معرفی به‌سازمان درمانی، دقت لازم رامعمول دارد.

۱۲ — سعی کند جان بیمار را تا رسیدن پزشک حفظ و در صورت رسیدن پزشک همکاری لازم را بااو بعمل آورد.

وسایل جعبه های کمک‌های اولیه در کارگاه

وسایلی که باید درجعبه های کمک‌های اولیه کارگاه موجود باشد، شامـــــل وسایل زخم‌بندی — پلاته چسبان (نوار چسب بهداشتی) — پنبه — باند — دستمال سه‌گوش — پانسمان توری روغنی — وسایل شکسته‌بندی (آتل) — وسایل مختصر جراحی (قیچی — لکوپلاست — اتوکلاو و غیره) — درجه حرارت — داروهای ضد عفونی کننده وسایل نامبرده باید دراختیارفرد کمک کننده باشد تا در موقع فوریت درمانی (اورژانس) فرصت ازدست نرود.

دراینجا بطورمختصر به شرح وسایل مورد نیازوطرزاستفاده‌آنهامیپردازیم:

۱ — وسایل زخم‌بندی

باید توجه داشت که وسایل زخم‌بندی کاملا پاکیزه باشند تا در موقع زخم‌بندی، عوامل بیماری‌زا زخم را عفونی نسازد. بنابراین وجود اتوکلاو جهت استریل نمودن وسایل زخم‌بندی لازم بـــــه‌نظر میرسد. این نکته قابل تذکر است که زخمها نسبت به‌محل و وسعت به‌سه دسته تقسیم میگردند. بدین جهت وسایل زخم‌بندی را باید به‌سه نوع تهیه کردودراختیارداشت.

معمولا نوع کوچک برای انگشتان دست و پا و نوع دوم که حد متوسط دارد، جهت زخمهای متوسط و وسایل زخم‌بندی بزرگ، برای زخمهای وسیع بدن مورد استفاده قرارمی‌گیرند. این وسایل معمولا درجعبه های بسته‌بندی شده در داروخانه‌ها موجودند و فقط باذکر نوع آن در اختیار قرار خواهند گرفت. البته وسایل زخم‌بندی انواع مختلف دارند که اخیراً نوع ضدعفونی شده آن که خود دارای بالشتک ضخیمی است، بیشتر مصرف دارند. این بالشتک رطوبت موجود زخم‌ها را جذب میکند. ضمناً روی بالشتک گاز استریل وجود دارد و باند موجود در اطراف زخم‌بندی بکارخواهد رفت.

هرگاه بعضی از کارگاهها این نوع وسایل زخم‌بندی را در اختیار نداشته باشند، میتوانند از گاز (تنذیب) برای پوشانیدن روی زخمها استفاده کنند. البته کار تهیه شده باید کاملا ضدعفونی شده و در حقیقت استریل باشد و بدون آنکه دست کمک کننده به‌آن بخورد، لازبست آنرا به‌آهستگی روی محل زخم قرارداد. چنانچه خود کمک کننده درموقعیتی قرارگرفته باشد که وسایل زخم‌بندی دراختیارنداشته باشد، نباید وقت را تلف کند، بلکه باید از هر وسیله‌ای که در اختیار دارد استفاده کند مثلا استفاده از کراوات — پیراهن تمیز — دستمال و غیره. ونیز برای ضدعفونی کردن‌آنها، از محلول نمک و یا پتاس جوشانیده ویا سایر وسایل ضدعفونی

بقیه درصفحه ۹۴

باأوامری که شاهنشاه صادر فرموده‌اند

تردید نیست که مشکل

رستاخیز کارگران: خوشحالیم که میزگرد امروز، با حضور چهار تن از نمایندگان مجلس شورای ملی از گروه کارگر تشکیل میشود. امیدواریم گرد همائی پر شور امروزمان راهگشای بسیاری از مشکلات شرکت کنندگان در این میزگرد باشد. خواهشمندیم مطالب خودرا بیان کنید.

سید حسین سادات حسینی (نماینده کارگران شرکت سپنتا): بسیار خوشحال هستم که مجله رستاخیز کارگران، ارگان کارگران حزب رستاخیز ملت ایران از ما دعوت بعمل آورده و این محیط پراز تفاهم را برای بازگو کردن خواستهای ما ایجاد کرده است، بطور قطع این گفت‌وشنود ها از جمله گامهای بسیار مفید و سودمندی است که در جهت تحقق خواستهای کارگران برداشته شده و بهتر از این نمیشود. از حضور نمایندگان خود در این جلسه نیز سپاسگزارم.

مطالبی را که بعرض خواهم رساند، بدو مورد مربوط میشود وهمه کارگران در آن سهیم ودخیل هستند. اولا بعقیده من تجدید نظر درقانون کاریکی ازمواردی است که باید در این عصر متحول انقلابی مورد توجه قرار گیرد، زیرا قانون موجود، قانونی است که چند سال پیش از انقلاب شاه وملت بتصویب رسیده وبجا خواهد بود که بموازات تمام جهشها و پیشرفت هائی که نصیب کارگران و شرایط کارشده، دراین زمینه نیز تحولی بوجود آید و تجدید نظری صورت گیرد.

ثانیاً، موضوع یکسان نبودن مرخصی ها وتعطیلات کارگران و کارمندان است اصولا مقدار امتیازی که بکارمندان داده شد از کارگران بیشتر است و اینها مواردی است که باید در تجدید نظر قانون کاربآنها توجه شود.

راجع به شرکتهای تعاونی مصرف هم ناگزیریم توضیحی ولو مختصر، به استحضار برسانم بنابه امر اکید شاهنشاه آریامهر، شرکتهای تعاونی مصرف، بایستی ازمحل ۳۰ درصد بخشودگیهای مالیاتی تاسی هزار ریال، تقویت شوند. بعضی از مؤسسات هنوز هم نتوانسته‌اند شرکت تعاونی مصرف تشکیل دهند ومعلوم نیست ده درصدی را که کارگران پرداخته‌اند به کجا رفته است و هیچکس هم بازرسی نکرده است که بداند به حساب شرکت در بانک رفاه واریز شده است یا خیر؟

حال اگر فرض کنیم به حسابی در بانک واریز نشده باشد، اختیارپس گرفتن آن با کیست؟ چه این اختیار از اعضا سلب گردیده، در صورتیکه وارد و خارج شدن در تعاونیها آزاد است و مقررات شرکتهای تعاونی هم این موضوع را پیش بینی کرده است. اما دراینمورد خاص صاحب سهام نمیتواند از عضویت خارج شود. باز درقانون پیش بینی شده است بشرکت دیگری منتقل شود. اگر کارگری اصولا بخواهد از شهرستانی بشهرستان دیگر برود یا استعفا کند، نمیتواند از ۱۰ درصدی که پرداخته است استفاده نماید. فقط چند برگ سهام به اومیدهند، اما اختیارپس گرفتن ندارد. تازه ۵۰ در صد ازوجوه جمع آوری شده هم مربوط به اتحادیه امکان است که هرگز پس گرفته نمیشود.

عین اله عین علی (دبیرسندیکای کارگران سپنتا): مشکل مربوط به بانک رفاه نیزیکی دیگر از انواع گرفتاریهای ما است. مثلا اگر کارگری بخواهد خانه‌ای را که دویست هزار تومان [illegible] آن است، خریداری کند، [illegible] بانک پرداخت فقط ۵۰ هزار تومان به [illegible] بانک [illegible] می کند. در این صورت [illegible]

مساله دیگر، بیمه‌ای است که به تغییر [illegible] و روز ها آرزو داشتیم. دفترچه آزاد [illegible]. حال که گرفته‌ایم وضع مان ازسازمان بیمه سابق هم بدتر شده است.

ابوالفضل عسکری (عضو هیات مدیره کارگران) سپنتا: از مشکلات اینکه وقتی نسخه‌ای بما میدهند که مثلا پنج قلم دارو در آن نوشته شده است، [illegible] آن [illegible]. برای [illegible] آوردن داروی [illegible] در نسخه [illegible]

محمدحسین حسین‌زاده (رییس هیات مدیره سندیکای کارگران سپنتا): [illegible] مجله رستاخیز کارگران بخاطر تشکیل این میزگردها، هم اکنون در کارخانه ما ۵۳۵ کارگرمشغول بکارند ازاین تعداد [illegible] گرفتار مشکل مسکن هستند. عده‌ای به انتظار پایان یافتن کار ساختمانهائی هستند که مخصوص کارگران احداث شده است امیدواریم همانطور که شاهنشاه آریامهر امر فرموده [illegible] [illegible] در مورد حل مشکل مسکن اقدامی عاجل صورت گیرد.

راجع بخدمات درمانی هم باید بعرض برسانم که الان سه، چهارماه است بدنبال گرفتن دفترچه میرویم و نمیدهند. علت تاخیر را هم [illegible] آیا نبودن دفترچه [illegible] است یا علل دیگر؟

درمورد کسر سود سهام نیز عرایضی دارم، اگر کارگری مثلا ده روز مریض شود آیا باید از چنین شخصی هم سود سهام کسر شود یا نه!

در خصوص بهداشت محیط کار هم نارسائی‌هائی هست. سرویس رفت و آمد کارگران نیز اگر ازجهت کار خسته نشوند، از این جهت خستگی برتن‌شان میماند. روبه‌راین [illegible]

[illegible]

مربعی به [illegible] پاسخ داده شد او [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] به نحوی نسبت به او اظهار نظر کردند و سرانجام به او گفتند بیماری تو، مشکل نیست و بزودی بهبودی خواهی یافت.

رمضانعلی حسین‌شیرودی (خزانه‌دار سندیکای کارگران نخکار): [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و کارگران سابقه‌دار میروند و افراد مبتدی را بجای آنها استخدام می کنند.

تورج علیشیری (عضوهیأت‌مدیره سندیکای کارگران شرکت نخکار): چند روز پیش به [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بعداز دو روز از کار افتادن [illegible] برای گرفتن جواب مراجعه [illegible] [illegible] [illegible] نشده بود.

سید مجتبی میرآفتاب (نماینده کارگران کارخانه شمس): من فقط بدونکته اشاره میکنم

لازم است در قانون کار تجدیدنظر شود، چون قانون موجود، مربوط بزمان قبل از انقلاب است و با اوضاع و احوال انقلابی امروز [illegible] نیست، چه کشورما بر اثر انقلاب به [illegible] بسیاری دست‌یافته و قانون کار فعلی نمیتواند پاسخگوی نیاز کارگران این عصر باشد. مثلا درمورد عضلات [illegible] [illegible]

[illegible] تقاضای تجدیدنظر در قانون کار شده است، چند سال قبل یعنی همانزمان که آقای خسروانی وزیر کار بودند، این تقاضا را مطرح کردیم. امیدواریم نمایندگان مجلس

[illegible]
1. [illegible]
2. [illegible]
3. [illegible]
4. نوراله [illegible] نماینده مجلس شورا [illegible]
5. میرزاقلی خودسیانی دبیر [illegible]
6. جواد عزت زاده رییس هیات‌مدیره [illegible]
7. علی آرزومند عضو هیات مدیره
8. سید مجتبی میرآفتاب نماینده کارگر [illegible]
9. سید حسین سادات حسینی نماینده [illegible]
10. تورج علیشیری عضو هیات مدیره [illegible]
11. ولی اله فرقانی رئیس هیات مدیره [illegible]
12. ابوالفضل عسکری عضو هیات مدیره [illegible]
13. عین اله عین علی دبیر سندیکا
14. رمضانعلی حسین شیرودی خزانه‌دار [illegible]
15. محمدحسین حسین زاده رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت [illegible]

مسکن کارگران حل خواهد شد

شورای ملی از گروه کارگران در این مورد [illegible] نمی [illegible].

• [illegible] حقوق [illegible] است. [illegible] بر [illegible] [illegible] [illegible] نماییم [illegible] توجه [illegible] [illegible] حلاصه [illegible] [illegible] [illegible] ۱۵ روز مرخصی [illegible]

[illegible] از [illegible] لازم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وزارت کار و امور اجتماعی [illegible]

جواد عرب زاده، رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران کارخانه شمس: سؤالی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهد [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

میرزا قلی خودسابی دبیر سندیکای کارگران کارخانه شمس: [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهم عرض [illegible]

بقیه در صفحه ۸۱

کپسول

مهندس گوئل کهن

مطالب صفحه «حرفه و فن» برای استفاده کارگران نیمه ماهر، ماهر، متخصص و تکنیسین تهیه شده است.

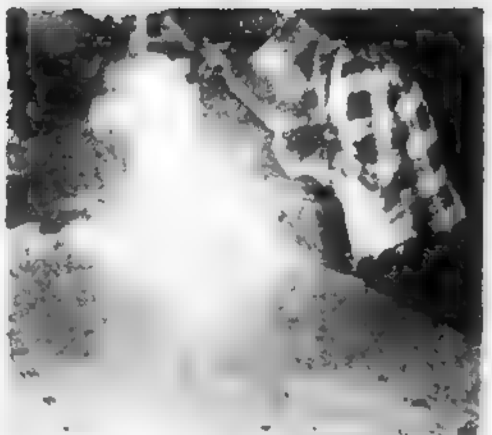

در جوشکاری با گاز استیلن باید کپسول های اکسیژن و استیلن بدور از ضربه و گرما قرار داده شوند.

«فشارشکن» مهمترین جزء تنظیم فشار و ایمنی داخلی کپسول استیلن بشمار می‌آید.

در شماره‌های گذشته با روش جوشکاری با استیلن و کپسول اکسیژن در این جوشکاری آشنا شدید.

همچنانکه در ابتدای این سری مقالات خواندید، کپسولهای اکسیژن و گاز استیلن مهمترین اجزای این دستگاه بشمار می‌آیند. آشنائی با روشهای تهیه گاز این کپسولها همراه با ویژگیها و شرایط استفاده از دو کپسول اکسیژن و استیلن برای هر کارگر و تکنیسین جوشکار لازم و ضروری است. حفاظت و ایمنی این کپسولها نیز همواره مورد تأکید بوده است و دور کردن آنها از روغن و گرما، از مهمترین هشدارها در کار با این کپسول هاست.

در این شماره شما با کپسول گاز استیلن آشنا می‌شوید و طرز کار، فشار درونی و شیرها و فتیلهای موجود بر روی این کپسول را مشاهده خواهید کرد.

چگونگی کپسول استیلن

چنانچه قبلا ذکر شد میتوان گاز استیلن را به وسیله مولدهای مخصوص در محل کار تهیه کرد، یا اینکه در کپسولهائی شبیه سایر گازها خریداری کرد و مورد استفاده قرار داد.

هم اکنون کپسولهای محتوی گاز استیلن به علت مزایائی که دارند، مورد استفاده اغلب کارخانه های بزرگ و کارگاهها قرار می گیرد. منجمله از فوائد آن تمیز بودن — بی خطر بودن و امکان انباشتن مقدار زیادی گاز در حجم کم است. زیرا کارخانه های تولید کننده، گاز استیلن را با دستگاه‌ها و تشکیلات بزرگی که دارند، میتوانند با راندمان بهتری تهیه کنند. پس از تصفیه، آن را با روشهای درست در کپسولها متراکم کرده، در اختیار مصرف کنندگان قرار دهند. حجم کپسول استیلن نیز ۴۰ لیتر است و سایر مشخصات آن به استثنای چندین مورد مانند کپسول اکسیژن است:

ایمنی کپسول

هماطور که میدانیم گاز استیلن را به علت

وقتی میزان گاز استیلن به حداقل می‌رسد نباید آن را مصرف کرد، زیرا باعث تبخیر مایع درون کپسول می‌شود!

خطر انفجار نمیتوان مانند اکسیژن با فشار ۱۵۰ آتمسفر در کپسول ذخیره کرد. بنابراین استیلن را تا حداکثر ۱۵ آتمسفر در کپسول می‌فشارند، ولی چون در این فشار مقدار گاز ذخیره شده ناچیز است (۶۰۰ = ۴۰ × ۱۵ لیتر) به ناچار از شیوه دیگری برای حجم بیشتر استفاده می‌شود.

(شکل ۱ را ببینید.)

بدین ترتیب به داخل کپسول را اسفنجی شکل که آغشته به مایع آستن است، پر می کنند. زیرا مایع آستن دارای این خاصیت می باشد که گاز استیلن را بخود جذب کرده، و در خود حل می کند و هر چه فشار زیادتر شود قابلیت جذب آن نیز افزایش می یابد. مثلا یک لیتر آستن در فشار یک آتمسفر قادر است ۲۵ لیتر گاز استیلن را در خود حل کند و در فشار ۱۵ آتمسفر یک لیتر آستن میتواند «۳۷۵ = ۲۵ × ۱۵» لیتر گاز را در خود حل کند. حال اگر بخواهیم باندازه حجم اکسیژن گاز استیلن در کپسول ذخیره کنیم، احتیاج به «۱۶ = ۳۷۵ ÷ ۶۰۰۰» لیتر استیلن خواهیم داشت، بدون آنکه فشار از ۱۵ آتمسفر تجاوز کند. بدین ترتیب همیشه در کپسول استیلن مایع وجود خواهد داشت که خطر انفجار آن بمراتب کمتر است.

درصدهای حجم کپسول

حجم کپسول تشکیل شده از:

۱- حجم جسم اسفنجی ۲۵ درصد حجم کپسول
۲- حجم استون ۴۰ درصد حجم کپسول
۳- ازدیاد حجم استون ۲۳ درصد حجم کپسول
۴- در هنگام جذب استون تا گرمای ۶۵ سی گراد ۸/۴ درصد حجم کپسول
۵- حجم ذخیره ۲/۶ درصد حجم کپسول

حجم کل کپسول ۱۰۰ درصد

۷۵ درصد حجم کپسول برای پر کردن در اختیار است که از این مقدار $\frac{۲}{۳}$ برای استون و $\frac{۱}{۳}$ برای ازدیاد حجم در نظر گرفته شده است. درحقیقت ۱۵ لیتر استون را اگر با فشار ۱۵ آتمسفر محاسبه کنیم و با در نظر گرفتن اینکه هر لیتر آستون در فشار یک آتمسفر ۲۴ لیتر استیلن در

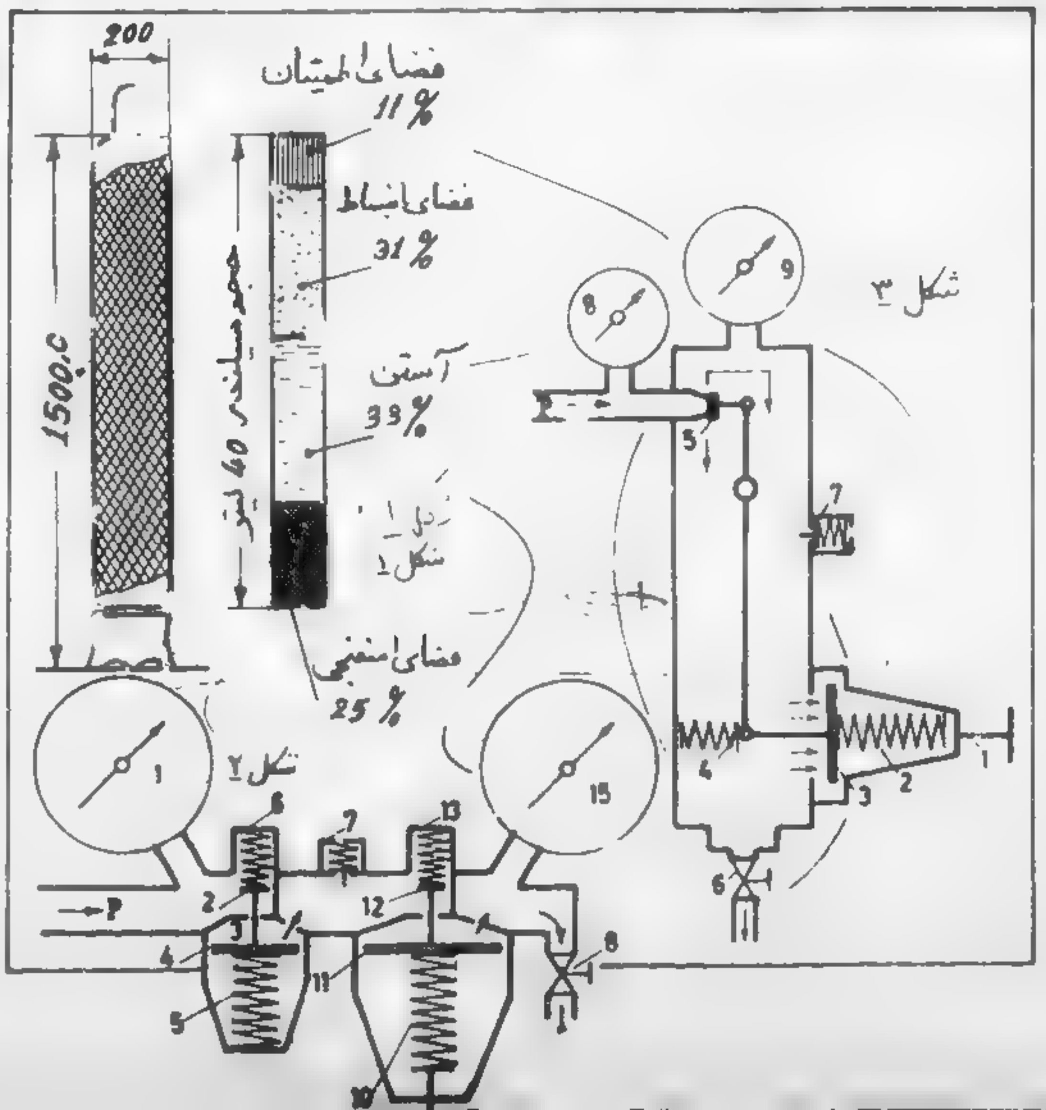

...ی استیلن و اجزای آن

[illegible]

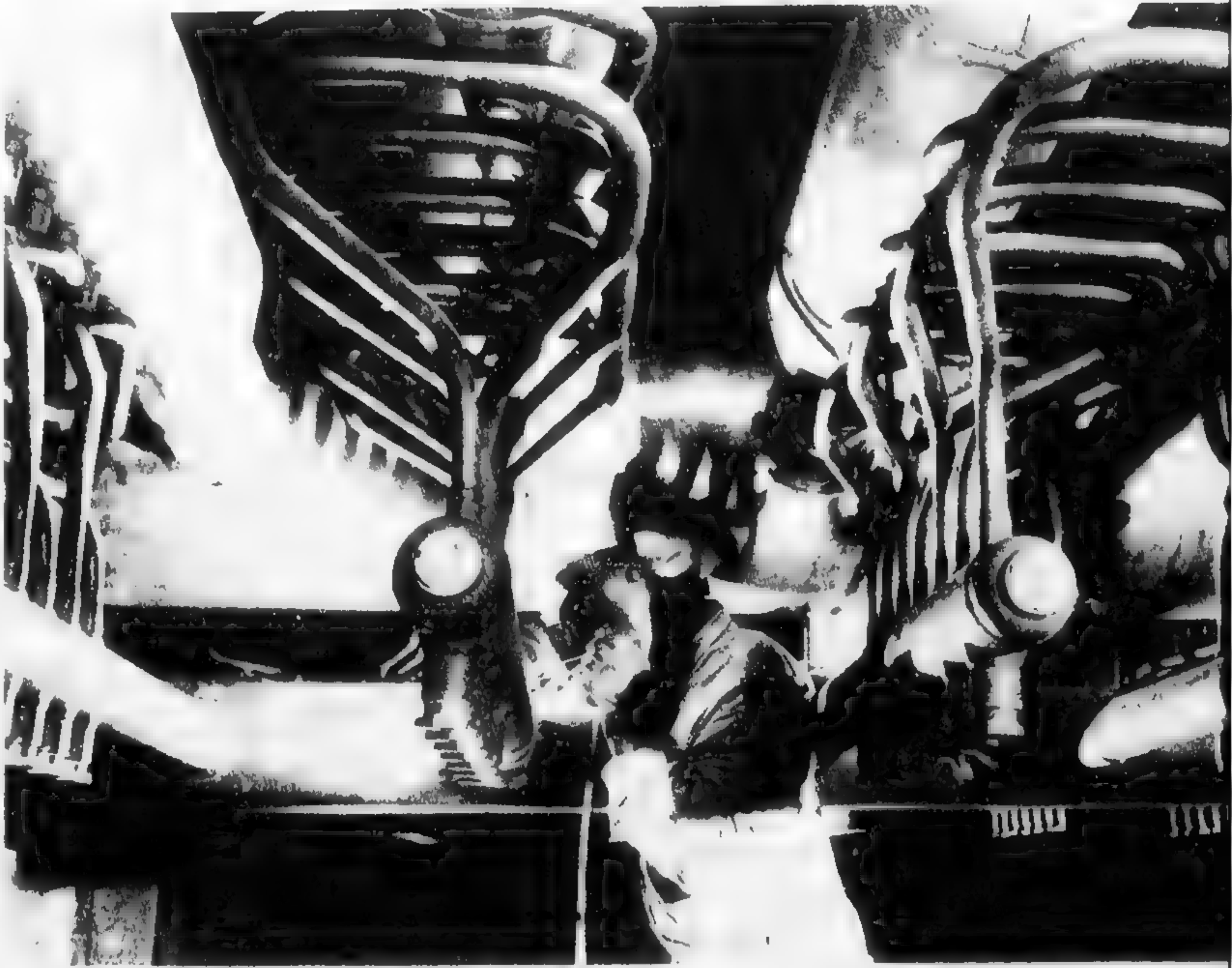

[illegible]

حفاظت کپسول استیلن

[illegible]

فشارشکن

[illegible]

میزان فشار

[illegible]

در شماره‌های آینده با سایر اجزای دستگاه آشنا میشویم»

لامپ تصویر تلویزیون را بشناسیم!

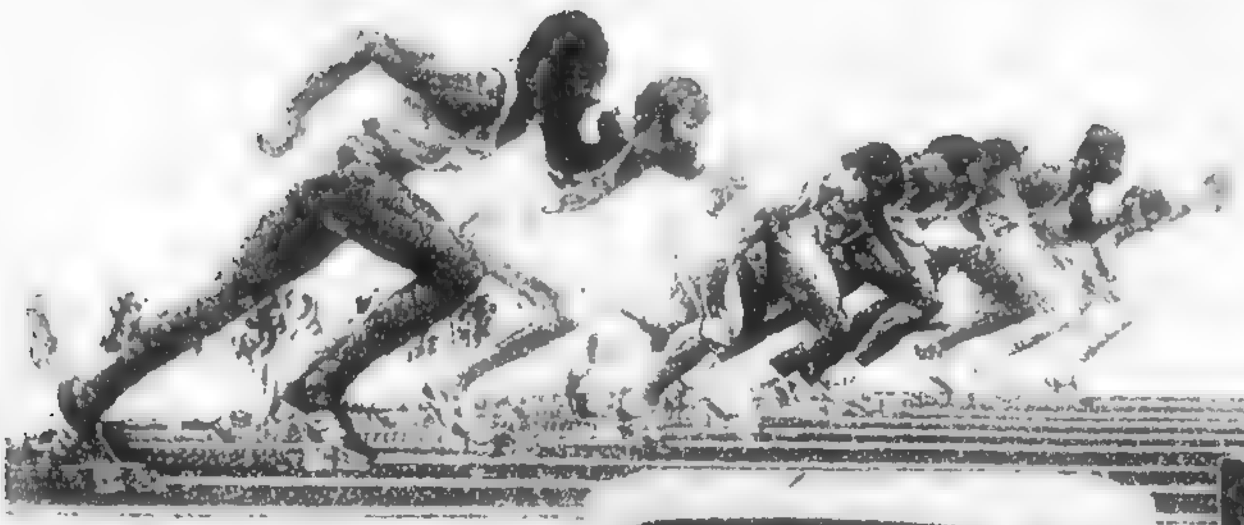

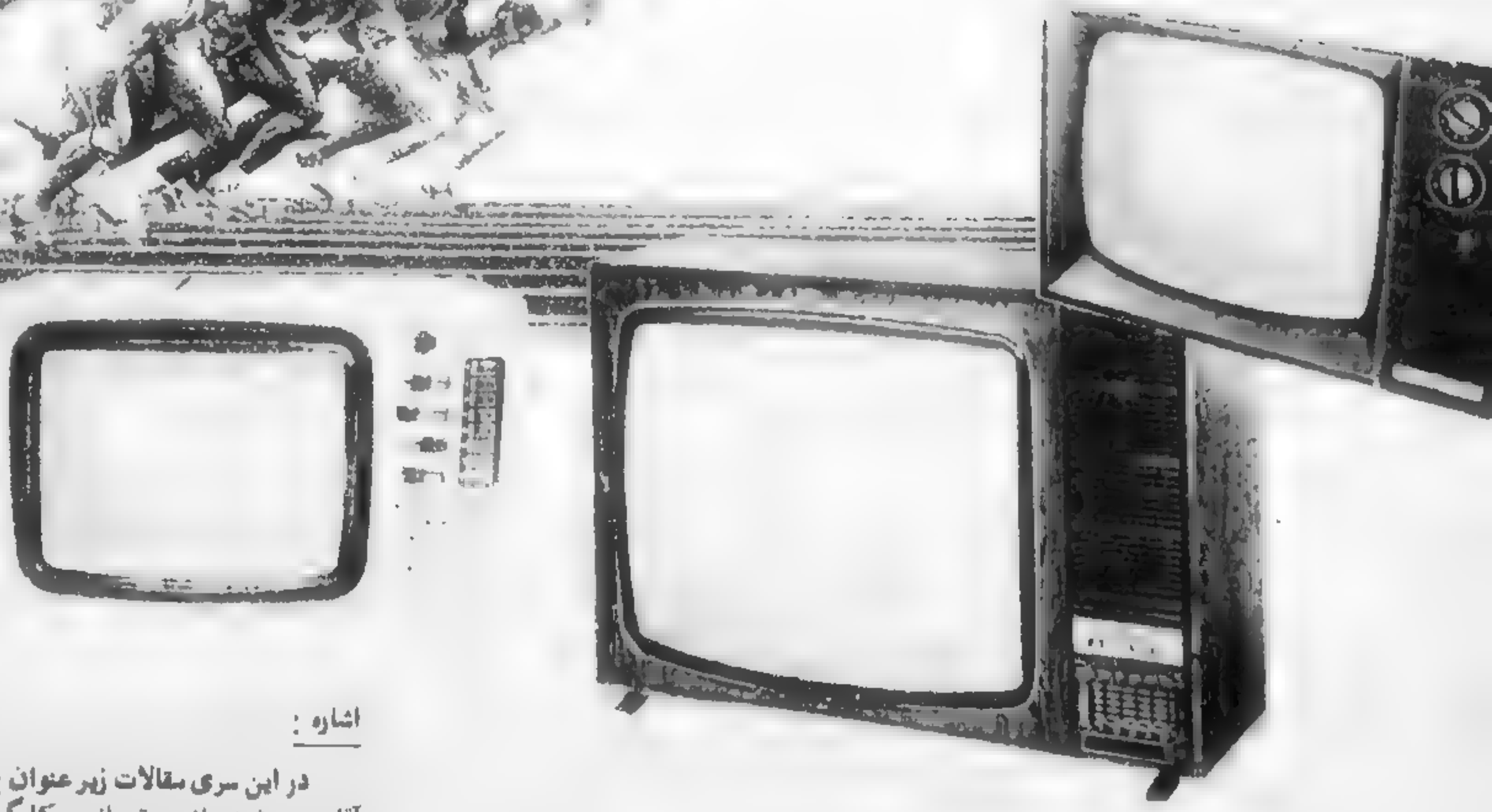

* با یک تعریف ساده می توان لامپ تصویر را در دو قسمت « شیپوری » و « تفنگ الکترونی » خلاصه کرد.

اشاره :

در این سری مقالات زیر عنوان : « لامپ تصویر در تلویزیون » مباحث گوناگونی را که آقای «جمشید هاشمی تهرانی» کارگر کارخانه های بلندا کس نوشته اند، مطالعه می کنید.

این کارگر علاقمند ، گوشه ای از تخصص خود را بر روی کاغذ آورده تا شما کارگران و تکنیسین های الکترونیک را نیز با دانسته ها و اطلاعات خود آشنا سازد.

سرویس حرفه وفن مجلهٔ رستاخیز کارگران همچنانکه با رها دیده اید مطالب ارسالی شما را که وابسته به کار و حرفه گروهی از کارگران عزیز بوده، چاپ کرده است.

به امید همکاری بیشتر و دریافت مقاله های فنی شما.....

شما در این سری مقالات ، می خوانید :

لامپ تصویر چیست ... چطور یک لامپ تصویر بوجود می‌آید .... چکاری را انجام می‌دهد ...چه عواملی سبب خرابی لامپ تصویر می‌شود .... چطور شما می توانید با کمی حوصله با کمک نقشه داده شده و با کمی دقت لامپ تصویر تلویزیون معیوب خود را تعمیر یا عوض کنید.

لامپ تصویر Picture- Tube

لامپ تصویر یکی از اجزای مهم گیرنده های تلویزیونی است که جریانهای الکترو مغناطیسی را به تصویر قابل رؤیت تبدیل می کند. این لامپ بشکل مخروط ناقص ساخته و از حیث کار با سایر لامپها تفاوت اساسی .. د. در شکل (۱) نمای خارجی یک نمونه آن .. ده می‌شود. این لامپ از نوع لامپهای اشعهٔ .. ریک است که در اغلب نقشه ها و با .. لامپ ایران حروف (C • R • T) .. ن می دهد.

.. ختمان لامپ تصویر:

لامپ تصویر بطور مشخص دارای دو .. ت : الف – قسمت شیپوری – ب – .. مت تفنگ الکترونی.

.. قسمت شیپوری:

لامپ .. رجوع به صفحه .. صحیح ..

می‌شود که صفحه تصویر نامیده می‌شود. پشت این صفحه بوسیله قشری از مواد شیمیایی پوشیده شده که وقتی مورد اصابت با روی الکترونی لامپ قرار گیرد، لکهٔ روشنی در محل برخورد بوجود می‌آید و این پدیده را فلوئور سانس می‌نامند. شدت روشنایی بستگی به سرعت الکترونها دارد و رنگ نور آن بستگی به ترکیبات مواد شیمیایی صفحه تصویر که معمولی ترین رنگها در دستگاههای امروزی سبز و سفید هستند و اندازهٔ گیرنده ها مربوط به قطر صفحه تصویر آنها به اینچ است مثلا گیرندهٔ ۲۴ اینچ دارای لامپ تصویری است که صفحه عرض تصویر آن برابر با ۲۵ اینچ است قسمت شیپوری لامپ از داخل بوسیله لعابی از گرافیت پوشیده شده و نیز در سطح جانبی آن حفره‌ای قرار دارد که به ولتاژ خیلی زیاد وصل می‌شود تا بوسیله گرافیت در سطح داخلی شیپوری انتشار یابد اندازهٔ ولتاژ مزبور بستگی به بزرگی و کوچکی صفحه تصویر دارد و میزان تقریبی آن در لامپ های ۵ الی ۲۳ اینچ در حدود ۶ الی ۲۲ هزار ولت است، بنابراین در موقع کار دستگاه از دست زدن به بخش شیپوری لامپ باید خودداری کرد.

ب– قسمت تفنگ الکترونی:

تفنگ الکترونی که قسمت باریک لامپ تصویر را تشکیل می‌دهد به پایه‌های لامپ منتهی می‌شود و کار آن تولید بازوی الکترونی است که باید به صفحهٔ تصویر برخورد کند و ساختمان آن در حدود ساختمان لامپهای معمولی است که در شکل (۲) یک نمونه آن نشان داده شده است.

اعمال اجرای لامپ

چنانکه در شکل (۲) دیده می‌شود کاتد (K) بصورت استوانه‌ای ساخته شده که قسمت جلوی آن بوسیله صفحه مسطح و بدون سوراخی پوشیده شده (L) که ممکن است از جنس اکسید باریم یا فلزات دیگر باشد که با دریافت حرارت ۸۰۰ درجه سانتیگراد ، الکترون از سطح آن خارج می‌شود. شبکه (G) که شبکه فرمان نامیده می‌شود درامتداد کاتد قرار گرفته ، در قسمت جلوی آن سوراخی به قطر ۰/۸ میلیمتر وجود دارد که الکترون های پرتاب شده از کاتد باید از داخل آن بطرف جلو عبور کنند و آنرا از طریق پایه لامپ به ولتاژ منفی وصل کنند ، با تغییرات اندازه ولتاژ منفی آن نسبت به کاتد ، میزان الکترون هایی که از کاتد بطرف صفحهٔ تصویر می روند قابل کنترل است. استوانه (A) که آند اول نامیده میشود در مقابل شبکه (G) قرار گرفته و آنرا به ولتاژ مثبت (DC) وصل می کند تا حرکت الکترون ها را بطرف جلو تسریع نماید ، در واقع عمل شبکه را در لامپ معمولی انجام میدهد.

استوانه (A۲) که آند دوم نامیده میشود در مقابل آند اول قرار دارد و به ولتاژ مثبت (DC) بیشتری وصل میشود تا شتاب و سرعت کافی به الکترون‌هایی که توسط آند اول بطرف جلو رانده شده‌اند بدهد.

استوانه (F) که بمنظور کانونی کردن اشعه الکترونی لامپ بکار برده شده به ولتاژ (DC) مناسبی وصل میشود تا با تغییر اندازهٔ آن از باز شدن اشعه الکترونی جلوگیری کند و آنرا بصورت باریکی تیز و جمع بسمت جلو هدایت کند. این قطعه فوکوس « FOCUS » نامیده میشود. استوانه (G۲) که در جلو استوانه (F) قرار گرفته از داخل به آند دوم وصل شده تا اشعه الکترونی را کاملا جمع کند و استوانه (G۲) با ولتاژ خیلی زیاد ، به بخش شیپوری لامپ وصل است ، اعمال می‌شود بنابراین دو قطعه فنر (D۱) و (D۲) که به قشر گرافیت داخل لامپ اتکا دارند استوانه‌های (G۲) و (A۲) را بهم متصل می کنند این قشر ، الکترون‌های ثانویه را که در اثر برخورد به صفحهٔ لامپ تصویر برگشت می نمایند جذب می کند.

یوک یا بوبین های انحراف:

پس از آنکه بازوی الکترونی توسط قسمت تفنگ الکترونی لامپ تصویر ساخته شد ، از داخل به وسط صفحه تصویر لامپ برخورد کرده و نقطه روشنی بوجود می‌آورد. درصورتیکه

* لامپ تصویر تلویزیون ، امواج را به « تصویر » قابل رؤیت تبدیل می کند !

احتیاج داریم این نقطه در روی صفحهٔ تصویر حرکت کند و تمام صفحه تصویر راروشن نماید. برای این منظور به میدان های مغناطیسی احتیاج میباشد تا باروی الکترونی را بطور مرتب و یکنواخت در روی صفحهٔ تصویر از چپ به راست واز پائین به بالا مطابق با حرکت باروی الکترونی لامپ دوربین در روی صفحه به حرکت دراورد. به این جهت دوعدد بوبین که یوک یا سیم پیچ های «انحراف» خوانده میشوند بر روی قالبی بشکل قیف پیچیده و روی گردنه (گلوگاه) لامپ تصویر قرار می دهند و به هریک ازآنها ولتاژ مخصوص — دندانه ارهای داده

و سیم پیچهای عمودی دردوطرف گلوگاه لامپ قرار می گیرند. معمولا بوبین های انحراف افقی از بوبین های انحراف عمودی بلندتر است. در انتخاب — یوک برای لامپ تصویر بایدزاویه انحراف و اندازهٔ لامپ تصویر رادرنظر گرفت و همچنین مشخصات اهمی سیم پیچهای افقی و قائم یوک برای هر لامپ تصویر کمال اهمیت را درروشنائی کامل صفحه تصویر دارد . با سیم پیچهای انحراف دهنده عمودی یوک ، معمولا دو مقاومت که در حدود ۵۰۰ اهم است ، به منظور میرا کننده نوسانات مزاحم مدار قرار می دهند . و با سیم

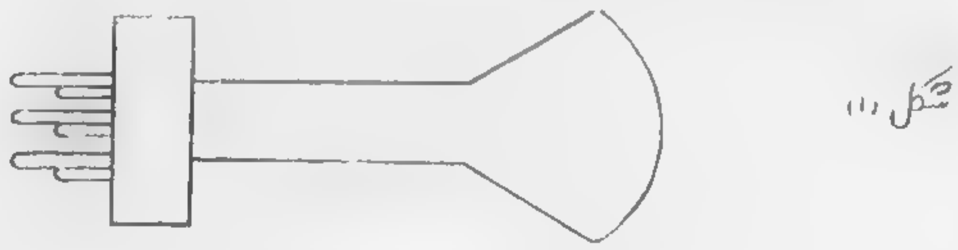

شکل (۱)

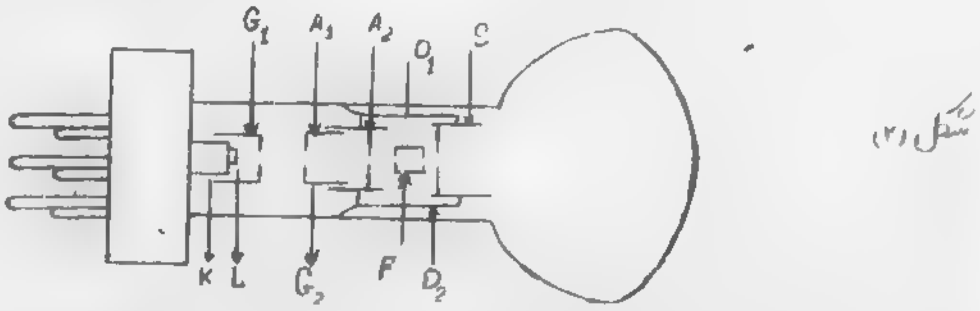

شکل (۲)

میشود تا با ایجاد میدان مغناطیسی ، باروی الکترونی را با نظم لازم در روی صفحهٔ تصویر حرکت — داده و آنراروشن کند. سیم پیچی که باروی الکترونی را ازچپ براست منحرف می کند سیم پیچی انحراف دهنده — افقی وسیم پیچی که باروی الکترونی را ازپائین ببالا منحرف می کند سیم پیچ انحراف دهنده عمودی نامیده میشود.

توجه :

در موقع قرار گرفتن یوک بر روی لامپ تصویر ، سیم پیچهای افقی در بالاو پائین لامپ

پیچهای افقی یک خازن کوچک به طورموازی قرارمی دهند . به طور کلی یوک چهار رشته سیم

که دو تای آن به رنگ زرد و سبز است مربوط به سیم پیچ انحراف دهندهٔ عمودی و دوتای دیگر به سیم پیچ انحراف دهندهٔ افقی وصل است خارج میشود و اگر در بعضی از یوک ها ۵ سیم خارج شده باشد سه سیم آن مربوط به سیم پیچ انحراف دهندهٔ افقی است.

(ادامه دارد)

با این کامیون میتوان علاوه برحمل بار آنرا انبار کرد

کامیونهای صنعتی

برگزیده ای از کامیونهای صنعتی « لنسینگ بگنال » در انگلستان بمعرض نمایش گذاشته شده است. این کامیونها برای تأمین نیازهای شخصی وعملیات سنگینی که باید بسرعت انجام شوند با گنجایش بیش از ۴ تن ساخته شده است . یکی از این کامیونها مدل ۲ ۵ اس فواراست که حدود ۱/۵ تن گنجایش دارد و با امتیازات ویژه ، برای استفاده در داخل و خارج کاملا مناسب است.

این کامیون با سرعتی بیش از ۱۱ کیلومتر در ساعت دارای سیستم کنترل الکتریکی است . بااستفاده ملحقات ویژه ، فوار ۲/۵ اس میتواند بآسانی درموارد مختلفی مورد استفاده قرار گیرد و کالاهائی که درگذشته انتقال آنها مشکل بود با خود حمل کند

* برای انبار کردن

کامیونهای لنسینگ بگنال بسیار مقرون به صرفه اقتصادی بوده واز تمام جای موجود برای انبار کردن کالا با ارتفاع زیاد وجای کمتر میتوان استفاده کرد . با استفاده از کامیون فوار ۵ میتوان ۲ تن باربا ارتفاع ۹ متردرمکانی بعرض ۱/۸ مترجای داد.

بااستفاده از کنترل الکترونیکی بحرکت کامیون در پیچ ها نرم و مطمئن است . باتری این کامیون ها را میتوان براحتی وخیلی سریع تعویض کرد.

وقتی قرار باشد کالائی فقط حمل شود و احتیاجی به انبار کردن آن نباشد میتوان کالا را بصورت افقی و با سرعت زیاد بدون صرف هزینه حمل کرد . این عمل درمورد امور تجارتی و فواصل کوتاه برای حمل کالا تا میزان ۳ تن صورت میگیرد . مدل پواز ۹ برای مسافتهای طولانی تراست.

توضیح لازم:

دوستان ارجمند ریسنده و بافنده

همچنانکه در شماره ۹ ، مجله کارگران خواندید ، مسابقه دانش صنعتی در آن شماره به رشته صنعتی شما اختصاص یافته بود.

دراین چند روزیکه از انتشار مجله می گذرد بیش از ده ها نامه از نقاط مختلف کشور بدست ما رسیده است.

این نامه را کارگران و تکنیسین های کارخانه های ریسندگی و بافندگی کاشان ، اصفهان ، کرج ، مازندران وتهران برای مافرستاده اند و درآنها پاسخ دو پرسش مسابقه دانش صنعتی را با خط خوب وخوانا نوشته اند.

اسامی برندگان این مسابقه را پس از بررسی کامل هریک از نامه ها ، درشماره آینده درج خواهیم کرد.

امیدواریم بازهم درباره این رشته پرسابقه وقدیمی مطلب بنویسیم وباین وسیله ، پاسخگوی علاقه ولطف شما به مطالب فنی مجله باشیم.

پیروزباشید..

* مهندس اکتشاف معدن پس از کشف معدن شیوه‌های استخراج را ارائه میدهد و مهندس افزایش عیار مواد معدنی، در مورد کیفیت بهتر کردن و آماده ساختن سنگ معدن برای صنایع فلزی تحقیق می کند.

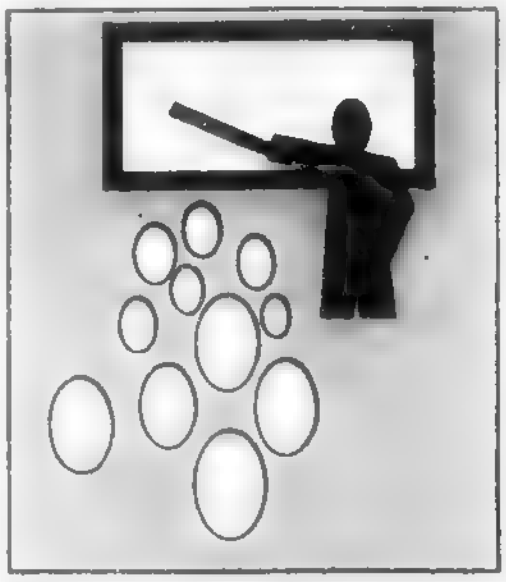

[illegible]

رشته مهندسی تغلیظ مواد کانی چیست

[illegible]

[illegible]

دوستان ارجمند:

همچنانکه در چند شماره گذشته خواندید، سرویس حرفه و فن بمنظور افزایش سطح دانش و دانستیهای شما، به معرفی یکی از رشته‌های مهندسی می پردازد.

هدف از این معرفی، روشن شدن ذهن کارگران ورزیده و تکنسین‌های رشته‌های گوناگون صنعتی است تا باین وسیله محدوده فعالیت‌ها و وظایف در محیط کار مشخص شود چرا که از این راه می‌توان بازدهی کار را در رده‌های متفاوت فنی و تکنیکی افزایش داد.

در این شماره با رشته «مهندسی معدن» و «مهندسی مواد کانی» آشنا می‌شوید.

رشته مهندسی اکتشاف معدن یا پیگردی چیست

فاصله پیدایش معادن تابع قوانین بیشماری است که از میلیونها سال پیش آغاز شده و هنوز در طبیعت ادامه دارد و برای همیشه نیز وجود خواهد داشت براساس یکی از تئوری‌های علمی، هیچ سنگی در هیچ نقطه جهان، وجود ندارد که دارای محتوای فلزی نباشد. ولی غلظت این عناصر بقدری ناچیز است که تکنیک و اقتصاد کنونی بهیچوجه اجازه استخراج آن را نمیدهد. اما در طبیعت در دوران‌های گذشته در نقاط مخصوص، شرایطی بوجود آمد که غلظت عناصر بصورت مینرال‌های (سنگهای) گوناگون به حدی رسید که کلمه ذخائر معدنی به آن داده میشود زمانی ذخائر کانی یا معدنی نامیده میشود که استخراج و بهره‌برداری آن از نقطه نظر اقتصادی ممکن ومقرون بصرفه باشد.

اگر پروسس (تکنیک یا روش) ایجاد معدن در نتیجه ماده مذاب حاصل از پوسته زمین باشد آنرا یک معدن «ماگمائی» یا «آذرین» مینامند. [illegible] آنرا معادن «سدی‌منتز» یا «رسوبی» می گویند. چنانچه دو حالت گذشته بر اثر تحولات گوناگون طبیعت دگرگون شود حالت جدیدی بنام معادن «دگرگونه» یا «متامورفیک» بوجود میآورند.

نیاز به دانش های گسترده

منظور [illegible] انواع مختلف معادن متخصصین باید اطلاعاتی در علوم زمین‌شناسی داشته باشند [illegible] که پیدایش زمین تابع چه قوانین است و دگرگونی آن به چه طریقی صورت می گیرد. و ملزم به شناخت مینرال‌ها و تشخیص آنهاست. او باید سنگها را از یکدیگر [illegible]

[illegible] و اصولا [illegible] اقتصادی [illegible] وجود دارد.

پیگردی و [illegible] و تشخیص [illegible] وظیفه اصلی او است، یعنی او قادر به [illegible] ذخیره یک معدن است و می تواند [illegible] های اقتصادی [illegible] برای استخراج [illegible] در معادن [illegible]

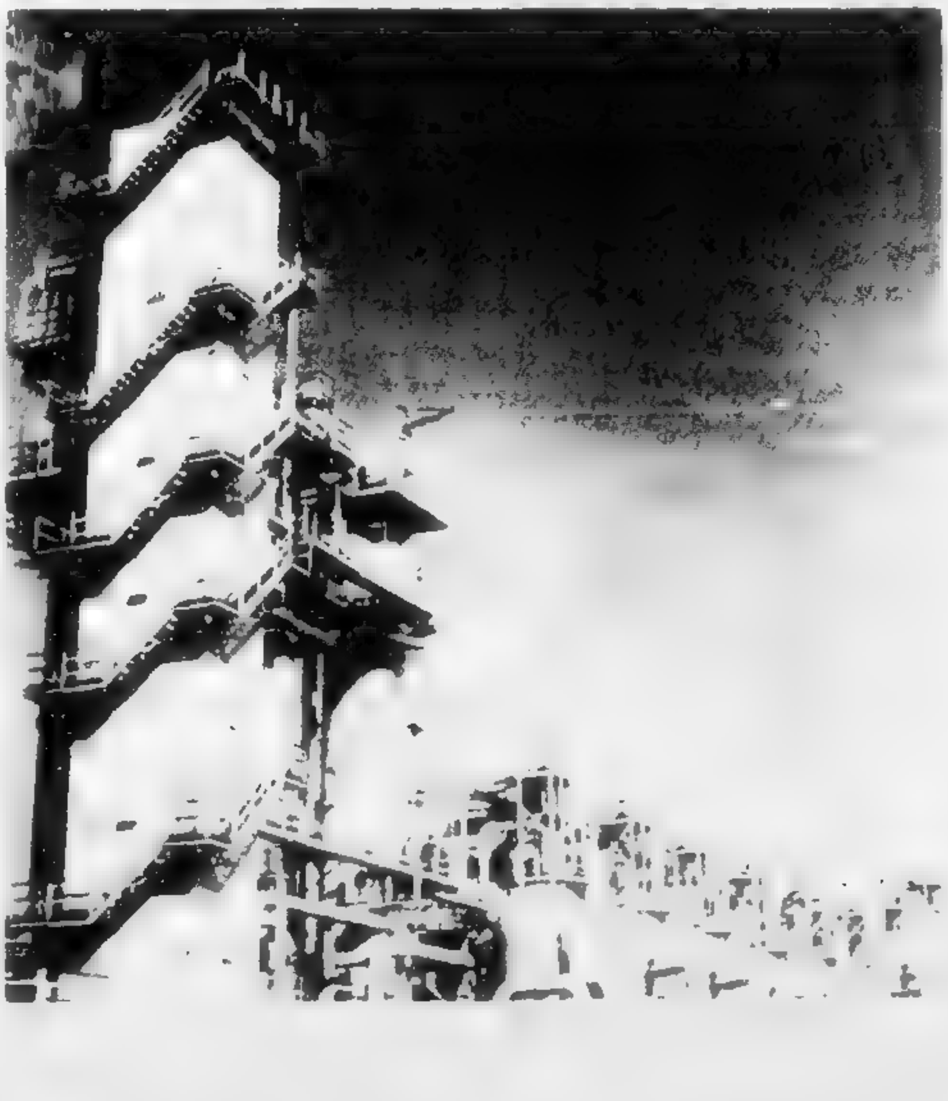

[illegible] روزمره و [illegible] معادن [illegible] و بهره‌برداری از معادن [illegible] ضروری [illegible] تغلیظ [illegible] مواد خام [illegible].

وظایف دیگر مهندس تغلیظ

معدن کشف شده بوسیله متخصصین استخراج بهره‌برداری میشود. وظیفه مهندس تغلیظ آن است که ابتدا روش مناسب واقتصادی [illegible] پر عیار کردن این سنگ معدن را بدست [illegible] سنگ معدن را [illegible]. او [illegible] اطلاعاتی [illegible] بهره‌برداری معادن دارد بلکه آگاهی او به روشهای متالوژی سبب [illegible] کارها و امور مهندسی می‌شود.

او باید بموقع تشخیص بدهد که مثلا یک [illegible] و ابزار [illegible] پر عیارتر [illegible] و با توجه به کدام وسیله میتواند محصول کارخانه تغلیظ را بالا ببرد. و [illegible] تحولات کانهائی را در کارخانه تغلیظ که باعث کاهش محصول می‌شود تشخیص داده، آنرا برطرف کند، او ملزم است همواره در آزمایشگاه کوچک کارخانه تغلیظ، پژوهش کند و طریقه تغلیظ سنگ معدن را [illegible] تجربیات جزئی بدست آورد.

در حال حاضر بین تمام دانشکده‌های فنی وصنعتی ایران تنها دانشکده فنی دانشگاه تهران به [illegible] مهندسی معدن می پردازد [illegible] این رشته را در برنامه‌های خود [illegible]. [illegible] عمومی معدن [illegible] و برای [illegible] افراد متخصص در امور مختلف صنایع معدنی، [illegible]، استخراج و تغلیظ مواد طرح ریزی [illegible] انجام فعالیتهای فوق [illegible] به مشاورین خارجی سپرده می‌شود.

کارگران و دوستان نجار می‌توانند در مسابقه دانش صنعتی این شماره شرکت کنند

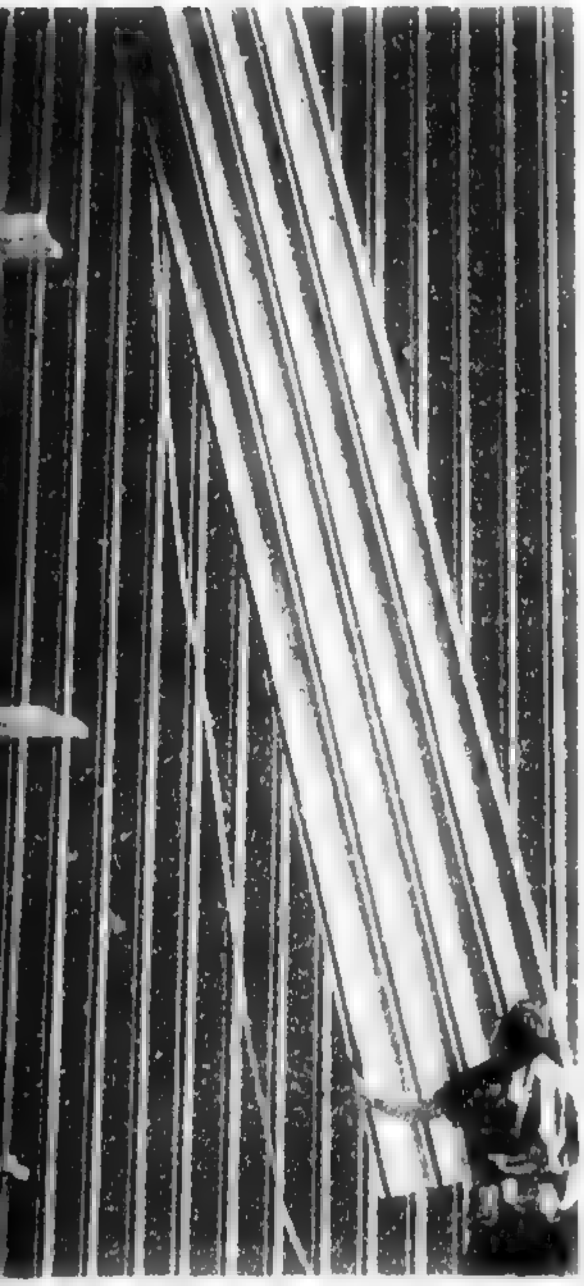

درودگران گرامی

با توجه به چگونگی برگزاری مسابقات دانش صنعتی در مجله کارگران ، در این شماره دوسؤال برای شما طرح شده است.

دوستان درودگری که به شرکت در این مسابقه علاقمندند ، باید پاسخ این دو پرسش را حداکثر تا ۵ روز دیگر به نشانی مجله کارگران سرویس حرفه و فن ارسال دارند.

از میان این نامه‌ها به بهترین پاسخگو جایزه ارزنده‌ای تعلق می‌گیرد.

پاسخها را خوانا و روی یک طرف کاغذ بنویسید . ازشکل استفاده کنید و تا حد امکان برای آن توضیح دهید.

متن سؤال

۱ — روش ساخت یک کتابخانه کوچک و چوبی را با رسم شکل و اندازه‌های مربوط ، شرح دهید.

۲ — برای جلا دادن به چوب لاک الکل بهتراست یا رنگ وچرا

دقت و دلسوزی در کار، افزودن مهارت فنی و دانستن بیشتر،

از وظایف کارگر عصر رستا[خیز]

نسرین نادرشاهی

[illegible] ازدواج کرده‌اند و [illegible] اولاد [illegible]

[illegible]

... ناراحتی [illegible]

[illegible] خوشحالم [illegible] ...

[illegible] می‌گوید:

[illegible]

[illegible] همسر [illegible] حنیفه است.

[illegible] خوش [illegible]

[illegible] حوصله‌ام [illegible] ...

مراحل کاری

[illegible] حنیفه [illegible] سال است [illegible]

می‌گویم: [illegible]

می‌گوید: [illegible] حقوق [illegible] روز [illegible]

[illegible]

درباره تحصیلات

[illegible] تحصیلات [illegible] می‌گوید:

[illegible] خانواده [illegible] تحصیلاتم ادامه [illegible]

[illegible] که درس بخوانند.

متأسفانه درست فکر نمیکردند....

صحبت از درس خواندن که پیش می‌آید، چهره خانم حنیفه غمگین می‌شود و با صدائی که [illegible] حسرت است، می‌گوید: متأسفانه من اصلا سواد ندارم. ما شش خواهر و یک برادریم، اما فقط یکی از خواهرها و تنها برادرمان سواد دارند. بقیه بی‌سوادیم. پدرمان با مدرسه فرستادن ما مخالف بود و ما هم عقل‌مان نمی‌رسید که در این باره صحبت کنیم. آخر متأسفانه در آن سالها، بعضی از خانواده‌ها درباره درس فرزندانشان فکر نمی‌کردند. راستی بی‌سوادی درد بزرگی است. و این روزها خیلی خوشحال هستم از اینکه [illegible] تحصیل جاری شده است.

عقد زمینی

به خانم حنیفه می‌گویم: افسوس خوردن برگذشته کار بیهوده است. حالا هم می‌توانید

[illegible] و علاقه‌ای از روی خود [illegible] خوب، حالا برای ما تعریف کنید که چطور [illegible] ازدواج [illegible] ...

جواب می‌دهد: من و شوهرم پسر عمو، دختر عمو هستیم. از کوچکی [illegible] خوانده بودند که عقد پسر عمو و دختر عمو را در آسمانها بسته‌اند [illegible] ولی [illegible] هردو احساس می‌کردیم که نسبت به هم [illegible] دارد و بالاخره مراسم خواستگاری و [illegible] عقد رسمی و عقد آسمانی، عقد زمینی شد.

ازدواج و نسبت فامیلی

از آقای [illegible] و خانم [illegible] با توجه به اینکه [illegible] پزشکی تشخیص داده است ازدواجهای [illegible] ممکن است عواقب ناگواری برای فرزندان داشته باشد. [illegible] ... جواب می‌دهد:

خیزاست

زندگی بدون پس انداز ... بدون ...

... خانواده

... شاهنشاه ... آریامهر ... در ... محوانی ... می‌برم ... ان

... ولی ما ... و مطالعه بودم. خداوند هم ... بود و خوشبختانه بچه‌های ... ولی حتما فرزندان ما ... هستند ... میکنند.

معجزه کرایه خانه صد تومانی!

حرف از مسکن و ... از مشکلات اساسی مردم ... آقای ذبیح الله حنیفه ... که خانه‌تان ... است؟ ...

جواب این است: نه اجاره‌نشین هستم، ولی ... خانه مال خودم ... خدا عمرش بدهد که فقط صد تومان از ما ... میکرد، ولی ... هیچ ... از حقوق ... گرفت

میپرسم: ... فکر میکنید این اجاره ... است ... که به فکر ... جواب میدهد: ... که من و ... خیلی راحت ... ولی فعلا که خانه‌ای ندارم. انشاءالله ... بتوانیم یک چهاردیواری برای خودمان بخریم.

پس‌انداز

از حنیفه می‌پرسم که ... پس‌انداز در زندگی توجهی دارد؟..

می‌گوید: ... حقوق شوهرم در اختیار من است و من ماهی ... تومان پس‌انداز میکنم. زندگی بدون پس‌انداز مثل خانه بدون پایه است. هر آدمی سری دارد، ... دارد و اگر به فکر آینده‌ها نباشد، واقعا پشیمان میشود. درست است که درمان مجانی شده و در ... هم حقوق بازنشستگی هست، ولی این دلیل نمیشود که ما تنها به آنها تکیه کنیم و فکر وسعت دادن به زندگی‌مان نباشیم.

تفریحات خانواده؟

به آقای حنیفه می‌گوییم: «با توجه به اینکه تفریح برای هر خانواده‌ای ضروری است، شما چه نوع تفریحاتی دارید؟» می‌گوید: «من ... بعد ازظهر، و جمعه‌ها تعطیل هستم. روزهای پنجشنبه که به استراحت در منزل و رسیدگی به کار بچه‌ها می‌گذرد. جمعه‌ها هم به اتفاق باجناقم و خانمش و زن و بچه خودم به یک ... می‌رویم. باجناقم ... دوست من است و مرد ... است. از دیگر تفریحات من، دیدن ...

... ورزشی از تلویزیون ... را هم ... که ... راحت ... که ... در ... اینها ... شده بوده ... خوشبختی به اینها ... داشتیم.

آرزوهای خانواده..؟

آرزو ... که آدم را ... برای ... به آن ... ذبیح الله حنیفه ... جواب میدهد: ... آرزوهای ... ما از کوچکی ... آرزوهای زندگی میکردیم ... از شهر ... به ... آمدیم ... بزرگ ... و خلاصه به خیلی آرزوهای خودم رسیدم. والان هم در آرزوی فراهم آوردن ... خوب برای بچه‌ها و زنم هستم.

از همسر حنیفه درباره آرزوهایش می‌پرسم. می‌گوید: من هم مثل شوهرم آرزو دارم که بچه‌ها را خوب تربیت کنم و بتوانم با پس‌انداز صاحب خانه بشوم. چون روز بروز که بچه‌ها بزرگتر میشوند احتیاج به داشتن جای بزرگتر را حس میکنیم. ... اگر هر کسی بتواند برای خودش زندگی مستقلی ترتیب دهد، همیشه دوستی‌ها محفوظ میماند.

توقعات کارگر از کارآما

از آقای حنیفه میپرسم که از کارآموزش چه توقعی دارد؟ ... در پاسخ میگوید: «خوشبختانه در اثر توجهات شاهنشاه آریامهر به طبقه کارگر، کارگران همه حقوق مشروع خود را دریافت میکنند و موردی برای گله و اعتراض باقی نمی‌ماند. من تصور می‌کنم اگر در گوشه و کنار هم کارگری باشد که بطور کامل به حقوق خود نرسیده باشد، تقصیر متوجه خودش است که از طریق قانونی اقدام نکرده است.»

کارگر و اقتصاد

از ذبیح الله حنیفه میپرسم که کارگران در مقابل اقتصاد مملکت چه وظیفه‌ای دارند و چطور میتوانند در گسترش و افزایش سرعت پیشرفت اقتصاد وطنمان وظیفه خود را ادا کنند؟. جواب میدهد: «با دقت و دلسوزی کار کردن، وسائل کار را مال خود دانستن، که در نتیجه سبب جلوگیری از استهلاک میشود. از زیر کار در نرفتن، اشتیاق به افزودن مهارت فنی و دانستن بیشتر همه و همه میتواند در بالا بردن سطح اقتصاد مملکت مفید باشد. اینها از وظایف کارگران در این روزهاست... خوشبختانه از زمانی که کارگران در سود ویژه کارخانجات سهیم شدند، و خصوصاً اصل سیزدهم، گسترش مالکیت صنعتی به اجرا در آمد، خود بخود دلسوزی و دقت بیشتری نشان میدهند.....

* * *

حرفهای این خانواده کارگر ایرانی را شنیدیم. صدای مؤذن، که از فراز مسجدی در نزدیکی بگوش میرسد، ظهر را اعلام میکند. بچه‌ها بیقراری منتظر این هستند که عکس بگیرند...

خبرنگار عکاس مجله آماده عکس گرفتن می‌شود ... و لحظه‌یی بعد، دست اعضای این خانواده را میفشاریم و خداحافظ می‌گوئیم

تمام مطالب این دو صفحه را خواهران و برادران عزیز کارگر فرستاده‌اند.

[illegible]

رضا دست راستش را نگاه کرد ... واقعاً سه انگشتش سرجای خودش نبود... نه، او دیگر مجبور بود این حقیقت را قبول کند. انگشتانش در یک تصادف شدیداً از بین رفته بود.

یک بار دیگر به انگشتهایش نگاه کرد. سپس از جا برخاست. از خانه بیرون آمد. همسرش که توی آشپزخانه مشغول پختن غذا بود، متوجه او نشد.

رضا با قدم های آهسته در خیابان براه افتاد. دستش را بخودش چسبانده بود. انگار نمی‌خواست کسی متوجه نقص او بشود.

لحظه‌ای از فکر بیرون نمی‌رفت، فکر آینده، و اینکه چطور باید کارش را ادامه بدهد؟.... اینکاش کاری بود که بتوان با دست ناقص انجام داد.

بعد به فکر زن و بچه‌هایش افتاد. هر طور بود باید زندگی آن‌ها را تأمین میکرد. قدم هایش تندتر شد. مقصدش را در ذهنش تعیین کرد. میخواست به مغازه کفاشی که قبلا در آن کار میکرد برود. یک ربع بعد بجلو مغازه رسید... پشت ویترین ایستاد، از دیدن حرکات همکارانش که بدون توجه به او سرگرم کار بودند، شوقی تازه احساس کرد.

هیچکدام از رفقایش متوجه او نبودند، رضا چند لحظه دیگر آن‌ها را نگاه کرد. به چکش، سندان و وسائل کار خیره شد، یادش آمد زمانی چطور ماهرانه و پر تحرک با این ابزار کار میکرد.

دیگر نتوانست تحمل کند. بدر مغازه نزدیک شد و قدم بداخل آن گذاشت.

تمام بدنش بطور محسوسی می‌لرزید. همینکه سلام کرد، همه از جا پریدند و دور او را گرفتند. هر کس سعی داشت قبل از دیگران با او روبوسی کند.

بغض گلوی رضا را گرفته بود و دستش را در داخل کتش فرو کرده بود. نمی‌خواست رفقا متوجه شوند، اما همه می‌دانستند سه انگشت دست رضا قطع شده است. لحظه‌ای بعد رضا را سرجای همیشگیش نشاندند. رضا خوب اطراف مغازه را نگاه کرد. همان حال و هوای گذشته را داشت. صحبت ها شروع شد. همه درباره او و آنچه که در مدت غیبتش اتفاق افتاده بود حرف می‌زدند. اما تمام حواس رضا متوجه وسائل کار بود، آرزو میکرد یک بار دیگر به چکش دست بزند، چند بار خواست دستش را جلو ببرد و چکش را بردارد، اما خجالت می کشید. بالاخره نتوانست تحمل کند همینطور که دوستانش با هم گرم صحبت بودند، دستش را جلو برد، با دو انگشت باقیمانده‌اش دسته چکش را گرفت. خواست آن را بردارد، اما چکش خیلی سنگین بود. گوئی وزنش چند برابر شده بود. رضا دو باره دستش را عقب کشید، هیچکس متوجه این حرکت او نشده بود. شاید هم همه خودشان را به ندیدن زده بودند.

چند لحظه گذشت. رضا دو باره دستش را جلو برد. این بار توانست چکش را بلند کند. چند بار آن را بالا و پائین برد. ناگهان چکش از دستش رها شد. همه باو نگاه کردند. علی، یکی از همکارانش، گفت: عیب نداره رضا. بازهم تمرین کن.

رضا دیگر خجالت نکشید. با اراده‌ای قاطع چکش را برداشت. چند بار با دو انگشتش آن را بالا و پائین برد. کار سختی بود، اما چاره‌ای نداشت. یکی از دوستانش کفش نیم‌دوخته‌ای را بروی سندان گذاشت. رضا با دست چپش چند میخ روی تخت کفش گذاشت و با چکش چند ضربه روی آنها زد. میخ ها به تخت کفش فرو رفتند. نوعی شادی ناگهانی سرا پای رضا را فرا گرفت. با دلگرمی بیشتری کارش را ادامه داد... رفقا زیر چشمی او را نگاه میکردند. همه خوشحال بودند که او سرانجام توانسته است بار دیگر قدرت کار کردنش را بدست آورد.

و درست سه روز بعد بود که رضا مثل همیشه کارش را شروع کرد، با اراده و پر قدرت.

ناصر حسینی، کارگر کفاش. تهران

«سخنان بزرگان درباره کار»

* تن را بکار و کوشش وادارید و هرگز به سستی و ضعف مگرائید و چنان بخویشتن نشاط و انبساط دهید و همچون روح، سبکبال و تیز پرواز شوید.

«علی علیه السلام»

* کار کنید و راستی و صمیمیت را راهنمای خود قرار دهید که کار و راستی و صمیمیت زندگی را شیرین و فرح انگیز میکند.

«امرسن»

* تنبلی هر کاری را سخت میسازد و کار هر مشکلی را آسان میکند.

«فرانکلین»

* زندگی بدون کار کردن بس از وقت است.

«گوته»

* من باید خود را در کار فراموش کنم، وگرنه تمام زیر بار یأس و ناامیدی درهم خواهم شکست.

«جانسون»

* کار و کوشش نه تنها زندگی را برای ما خوب و آسان میکند، بلکه مرد را زنده و بزرگ میسازد.

«تیللر»

* کار دل [illegible] سعی [illegible] و حسب را بر [illegible] میکند.

«فرانکلین»

* کار برای جسم و جان بهترین دوست است.

«گالیله»

* کار، روز را کوتاه و عمر را دراز میکند.

«دیدرو»

* با کار فرسودن بهتر از باقی‌ماندن و زنگار گرفتن است.

«منتسکیو»

* کاری که تنها نفع شخصی در آن منظور نظر باشد، شرافتمندانه نیست

«تولستوی»

* کار سرمایه انسان است

«کارلایل»

* کار و کوشش انسان را از سه بلای بزرگ نجات میدهد. افسردگی — فسق احتیاج

«مونتسکیو»

* گرسنگی جرأت دخول بخانه کارگر را ندارد.

«فرانکلین»

* آنانکه کار میکنند و کارشان دور از خودنمائی است، براستی سعادتمندند.

«بودا»

گردآورنده: رحمت‌الله — م.
کارگر کارخانه شهناز اصفهان

[illegible]

شاید خیلی از شماها به کلکسیون علاقه داشته باشید، کلکسیون یا گرد آمده یا مجموعه‌ای از یکنوع شیئی را گویند. بطور مثال، گرد آمده تمبر — سکه — عکس — پروانه — شعر — مجله — کارت پستال و غیره ... بعنوان نمونه می‌خواهیم فقط گرد آوری تمبر را ارزیابی کنیم و بفهمیم که تا چه اندازه به حال ما مفید است. باید بگویم که تمبر یا چیزهای دیگر بما معلومات زیادی می‌بخشد. چنانچه اگر یک تمبر از یک کشور خارجی داشته باشیم، مجبوریم این اطلاعات را در مورد آن کشور بدست آوریم: خط آن چیست؟ چه نام دارد؟ پادشاه و یا رئیس جمهوری آن کیست؟ چگونه اداره میشود؟ چند سال سابقه تاریخی دارد؟ کجا واقعست؟ واحد پولش چیست؟ چقدر جمعیت دارد؟ رابطه‌اش با دنیا چگونه است؟ از لحاظ علمی تا چه حد پیشرفته است؟ آیا صلحدوست است یا جنگجو؟ قدیم چگونه بوده؟ نام قهرمانان معروفش چیست؟ و حتی شاید در باره ادبیات آنکشور هم مجبور به مطالعه شویم. به این ترتیب می‌بینیم که یک تمبر ظاهراً بی ارزش، تاریخ، جغرافی، اقتصاد، سیاست، ریاضیات، ادبیات، [illegible] طبیعی، ورزش، علوم انسانی و اجتماعی بما می آموزد که بسیار سودمند است و بهتر است ما به جای آنکه اوقات بیکاری خود را صرف کارهای بیهوده کنیم که گاهی به ضررمان تمام میشود، به گرد آوری اشیا مورد علاقه خویش بپردازیم تا هم معلومات بیشتری پیدا کنیم و هم سرگرم باشیم. و بیشتر منظور من از این توضیح تشویق خوانندگان به فراگیری هر چه بیشتر علم است. چه آموختن علم، تنها بمدرسه رفتن نیست، بلکه گاه وسائل ساده هم باعث آموختن میشود. امتحانش مجانیست.

فرستنده فتح‌الله اسفندیاری دره مرادی، کارگر بروجردی

ضرب المثل هائی درباره زن

* اختلاف بین عشق زن و مرد این است که زن مرد را قلباً دوست دارد، ولی مرد جسماً و فکراً!

* اگر زن خوب میخواهی، در روزهای جمعه انتخابش کن!

* اگر خواستی شوهرت را در دست بگیری، اختیار شکمش را در دست بگیر!

* برای یک زندگی بی سروصدا شوهر باید کر، و زن باید کور باشد!

* به زن بگوئید زیباست، از شادی دیوانه میشود!

* هر وقت دلت خواست پسرت را زن بده، ولی همینکه فرصت کردی دخترت را شوهر بده!

* زنان حق دارند که هرچه زودتر شوهر کنند و مردان هم حق دارند تا میتوانند از ازدواج بپرهیزند.

«برناردشاو»

* مرد شکار است و زن شکارچی. منتها زن به دنبال شکار نمیرود، بلکه مثل عنکبوت تار خود را می‌گستراند و منتظر می‌نشیند تا مردی مثل مگس در آن بیفتد.

* زنها معتقد هستند که زیباترین مخلوقات خدا هستند. اگر چنین باشد، مسلما خدا به مردها چشمی که قادر بدرک این همه زیبایان باشد نداده است.

«برناردشاو»

فرستنده ف. سیدان — کارگر شرکت مخابرات شیراز

پدر...

عقربه‌های ساعت هر کدام به‌جائی تکیه داده بودند و ۵ و ۹ صبح را نشان میدادند. یادم هست آنروز صبح قرار بود پدرم بمن تلفن کند و باهم قرار بگذاریم که به مدرسه ما برویم تا وضع تحصیلی مرا بفهمد. چند روز بود از مدرسه مرا اخراج کرده بودند و تا پدرم را نمیبردم، حق حاضر شدن در مدرسه را نداشتم، به همین دلیل چشم‌براه تلفن پدرم بودم. همانگونه که در افکار خود غرق بودم، ناگهان زنگ تلفن مرا بخود آورد. زنگ اول به دوم نرسیده بود که گوشی را بر داشتم. صدای نحیفی از آنطرف سیم گفت: «منزل خانم قاسمی .... خواهشمندم هرچه زودتر به منزل ما بیائید زیراحال مریض خیلی بداست زودتر. و بلافاصله گوشی راقطع کرد.

فهمیدم تلفن اشتباه بود. گوشی راگذاشتم. درآن لحظه حالتی عجیب بمن دست داد. انگار از آنروز صبح هی دلم شور میزد. حالتی شبیه حالت دیوانگان بمن دست داده بود. حال خودم را نمی‌فهمیدم. ناگهان مادرم از آشپزخانه وارد اتاق شد و من برای اینکه نظرش را به خودم جلب نکنم مجله‌ای برداشتم و شروع به خواندن کردم.

پس ازاینکه لحظه‌ای بمن نگاه کرد، گفت: «حسین، توامروزخیلی ناراحتی، چته؟» گفتم «هیچی مادر» ولی مادرم از روی چهره‌ام فهمید که دردی مرا رنج میدهد. انگار سرنوشتم همانجا تمام شده بود و خداوند با من قهر کرده بود و همه دردورنج دیگران را یکراست بر سرمن فرو میریختند در این افکار بودم که تلفن بار دیگر زنگ زده گوشی را برداشتم. صدائی صاف ومصمم گفت: — منزل آقای زمانی:

— بله، بفرمائید.

— خواهشمنداست با مادرتون باداره پلیس تشریف بیاورید.

دستپاچه شدم و درحالیکه بشدت نگران شده بودم، پرسیدم: «ولی برای چه به اداره پلیس.»

گفت:

— پدرتان اینجاست. خواهش میکنم زودتر تشریف بیاورید، چون ناظهر بیشتر وقت ندارید وگوشی قطع شد.

چند لحظه به مادرم نگاه کردم. نمیدانم چقدر گذشت، ولی میدانم حرفی نزدم و بعد مثل تیری که از کمان رها شود ازجا پریدم و به مادرم گفتم: «آماده شو بریم.» مادرم که کم حرف بود، نپرسید کجا؟ ....

بی اراده لباس پوشیدیم و از خانه خارج شدیم. خیابان دیگر به نظرم آشنا نمی‌آمد. همه غریبه بودند، همه چیز، درختها، ماشینها مثل اینکه دهان باز کرده بودند. تامرا ببلعند. افسر نگهبان آرام و بی صدا پشت میز خود نشسته بود. پدرم هم در کنارمیز مثل شوکه شدگان نشسته بود. پس از سلام و احوالپرسی نشستیم. از پدرم پرسیدم چی شده ولی نتوانست جواب بدهد. افسرنگهبان سکوت را شکست و گفت: پدرتان یک تصادف جزئی کرده و در نتیجه کودکی زخمی شده، ممکنه تا روشن شدن وضع کودک پدرتان در زندان بمونه .... هنوزحرف افسرنگهبان تمام نشده بود که پدرم مانند افراد تیر خورده ازجا پرید و گفت: چرا نمی‌گوئیدمن یک کودک بی‌گناه راکشته‌ام؟.. چرا نمی‌گوئید من مرتکب قتل شده‌ام؟ ..... افسر نگهبان برای اینکه پدرم بفهمد قتل عمده‌ای نبوده، گفت: ولی شما عمداً که این کار را نکردید. دوما ظواهرامرنشان میدهد مقصر خود بچه بوده است.

با اینکه افسر نگهبان تا اندازه‌ای ماجرا را روشن کرد، ولی بااینحال نه پدرم بر اعصابش تسلط داشت و نه مادرم. هر دو درحالتی بین خواب و بیداری بسر میبردند. از افسر نگهبان پرسیدم: ممکنه جریان رو بطور کامل برام تعریف کنین.

گفت: پدرتان درساعت نه‌و ده دقیقه عازم منزل بوده که‌درمیان راه‌از کوچه باریکی رد میشده و در آن موقع کودکی از طبقه دوم یک ساختمان بر روی زمین می‌افتد که در نتیجه با جلوی ماشین پدرتان بسختی اصابت میکند و در دم جان میدهد. امیدوارم در دادگاه برای پدرتان جرمی سنگین تعیین نکنند.

لحظه‌ها و دقایق را حس نمیکردم در حالیکه ... پس از هر موقع دیگری پهلوی پدرم. بهمین دلیل تا ظهر پشت در ماندیم و آنگاه پس از تکمیل پرونده، پدرم را از یک طرف بردند و ما هم بطرف منزل براه افتادیم. این بار حس میکردم درختان و ماشینها مرا بلعیده‌اند و از من تکه استخوانی بیشتر نمانده‌است.

خانه ما، دیگر برای ما غریبه بود. همسایگان به چشمی ترحم‌آمیز بما نگاه‌میکردند ترحمی که حتی من از شنیدن کلمه‌اش رنج میبردم.

دو سه هفته از این ماجرا می‌گذشت و من به مدرسه نرفته بودم. کسی هم اصراری نداشت که من به مدرسه بروم. وضع ما روز بروز بدتر میشد. کم کم خرجیمان تمام شد و من برای اینکه قرض دوروبرمان را نگیرد تا پدرم آزاد شود، در یک مغازه الکتریکی مشغول کار شدم. ولی هر روز که میگذشت، انگار سالی بر ما گذشته بود. دراین میان وضع مادرم از همه بدتر بود. او هر روز ضعیف‌تر میشد و از بین میرفت. حدود سه ماهی گذشت که روز محاکمه پدرم فرا رسید من در دادگاه حاضر شدم. ولی مادرم بعلت ضعف اعصابی که داشت نتوانست حاضر شود. در آنجا پدرم را به دو سال زندان محکوم کردند. یعنی درواقع پدرم‌برای مدت دوسال ازما دورشده بود.

دو سال برای ما وقت زیادی بود. ولی ناگزیر باید تحمل میکردیم. کم کم همه با ما غریبه شدند. حتی دوستان نزدیک پدرم. با اینکه هیچگاه ازآنها درخواست کمکی نکردیم ولی خود را از ما پنهان میکردند. بهر جهت بکار و کوشش خودم ادامه میدادم و چون قبلا در رشته الکتریکی تا اندازه‌ای تخصص داشتم. بزودی به مقامی در خور توجه نائل شدم و در شرکتی که کار میکردم به عنوان مسئول برق انتخاب شدم. کار و تلاش پیگیر و شبانه روزی مرا داشت از پای در می‌آورد. ولی به امید بازگشت پدرم همه فشارها را تحمل میکردم. مادرم هم در این راه مقدس مرا یاری میداد. من بعضی مواقع خسته میشدم و ناراحتی‌ها را به بد شانسی خود تعبیر میکردم و بزمین و زمان ناسزا میگفتم ولی وقتی به یاد می‌آوردم که پدرم بخاطر من از اداره‌اش مرخصی گرفته بود و به منزل می‌آمد تا اندازه‌ای آرام میشدم و خود را مسبب این فاجعه احساس میکردم. ازسوی دیگر او پدرمن بود. برمن حق داشت. پنج سال را که هیچ، اگر یک عمر هم بود باید بخاطرش تحمل‌میکردم. در این میان شبها هم به هنرستان‌میرفتم و به آموختن رشته برق ادامه میدادم. دیگر بیست و دو ساله شده بودم و با مدرکی که از هنرستان گرفته بودم میتوانستم هر کاری بکنم. باین جهت به استخدام یک شرکت ساختمانی در آمدم. دراین چند سال هرگز به فکر ازدواج نیفتادم، بلکه هموارمنتظر پدرم بودم و برای آزادی او، حتی دقیقه شماری میکردم تا اینکه موقعی رسید که یکماه دیگر او از زندان آزاد میشد. او قبل از این ماجرا همیشه برای من همانند ستونی بود که قدیمیها برای نگهداری دیوار یا سقفی برپا میکردند، ولی وقتی رفت، من ناگزیر شدم خودم را سر پا نگه دارم و از مادرم نیز نگهداری کنم. به هر صورت تقریباً عید تمام شده بود که من و مادرم با اتومبیلی که تازه خریده بودم، به استقبال پدرم رفتیم و جالب اینکه عقربه‌های ساعت همان‌ساعت آنروزصبح رانشان‌میداد.

ح—یا کدل—تکنیسن برق

چرادندانهای ما فاسد می

*** رعایت اصول بهداشتی و مسواک کردن مداوم و مرتب دندانها و لثه ها باعث جلوگیری از بروز فساد و بیماریهای دندان و لثه می‌شود**

در دوره ما هرروز اقدامات تازه‌ای برای بالا بردن سطح بهداشت عمومی و درمان بیماریها بعمل می‌آید. فراوانی بیماریهای لثه و دندان، لزوم انجام اقدامات مؤثر برای پیشگیری و درمان این دسته از بیماریها را برما آشکار می کند. بیماریهای لثه و دندان نه تنها سبب ایجاد درد و ناراحتی در حفره دهان میشود بلکه سلامت قسمت‌های دیگر بدن را نیز برهم میزنند.

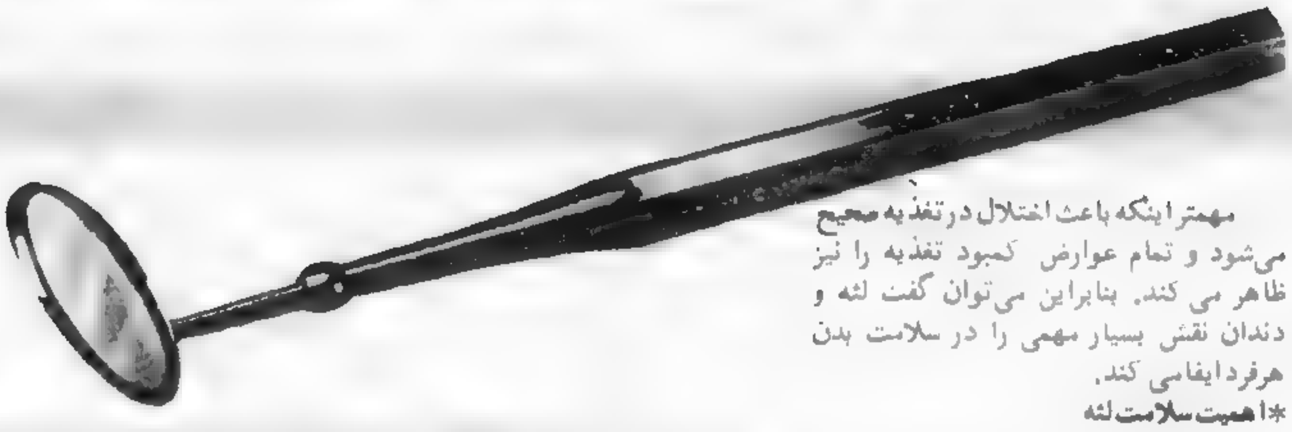

مهمتر اینکه باعث اختلال در تغذیه صحیح می‌شود و تمام عوارض کمبود تغذیه را نیز ظاهر می کند. بنابراین می‌توان گفت لثه و دندان نقش بسیار مهمی را در سلامت بدن هرفرد ایفامی کند.

***اهمیت سلامت لثه**

دندان بوسیلهٔ لثه و استخوان حفظ و نگهداری می‌شود. براثر پیشرفت بیماری در لثه استخوان قسمت زیرین آن نیز دستخوش تغییر می‌شود و کم کم از بین میرود و در حقیقت حصار حفاظتی دندان‌ها معدوم می‌شود و دندان‌ها بدون آنکه دچار کرم خوردگی شوند لق می‌شوند بطوریکه گاهی مجبور به کشیدن آن می‌شویم.

***عامل بیماری لثه چیست؟**

عامل اصلی بیماری لثه وجود انواع مختلف میکروبهاست در حالت طبیعی تعداد زیادی میکروب در دهان هر فرد وجود دارد که بی‌آزارند اگر تعداد این میکروبها بیشتر از حد معمول شود تعادل محیط طبیعی دهان برهم می‌خورد و بیماریها ظاهر می‌شوند. تنها علت افزایش تعداد میکروبها در دهان عدم رعایت اصول بهداشتی است باقی ماندن مواد غذایی در لابلای دندان‌ها سبب میشود میکروبهای موجود در دهان بسرعت زیاد شوند و محیط نامساعدی را بوجود آورند اگر بیش از ۲۴ ساعت از باقی ماندن مواد غذائی در دهان بگذرد و در مسواک کردن دندانها اهمال میکروبها همراه مواد غذائی برروی دندان چسبندگی پیدا می کنند وبامسواک زدن نیز برداشته نمی‌شوند و در اینحال سطح دندان‌مبدل به‌محیط مناسبی برای جمع شدن مجدد میکروب شده و کم کم جرم برروی دندانها تشکیل می‌شود.

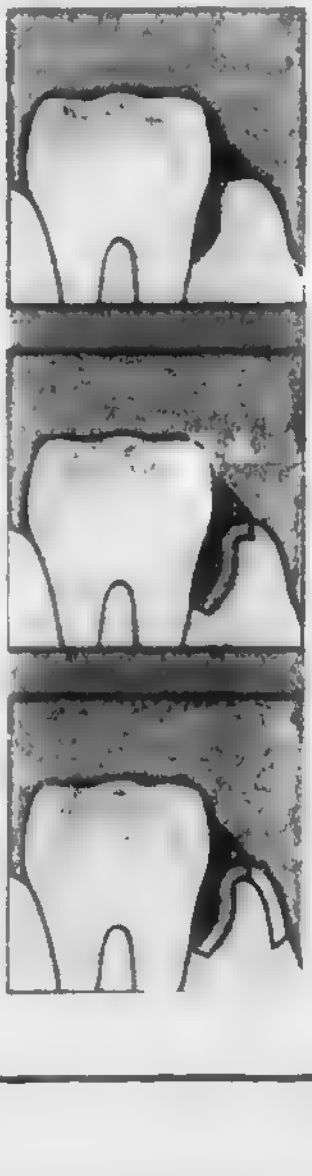

***نشانه های بیماری لثه**

لثه در ابتدای بیماری رنگ‌طبیعی خود را از دست میدهد بطوریکه از رنگ صورتی مایل به‌قرمز برنگ قرمز پررنگ سیر مبدل میشود. توام لثه نرم می‌شود. لثه قدری ورم می کند و بهنگام مسواک زدن و یا گاز زدن مواد سخت مثل سیب خون ریزی ازلثه مشاهده می‌شود اگر جلوی پیشرفت بیماری گرفته نشود خون‌ریزی خودبخود از لثه بدون عامل تحریک مخصوصا در ساعات شب بروزمی کند ممکن است عفونت لثه بقدری زیادشود که چرک ازلثه جاری شود دراینحال دهان بدبو می‌شود و طعم آن نیز تغییرمی کند بویژه صبحها طعم تلخی در دهان احساس می‌شود. ممکن است لثه دچار تحلیل و از بین رفتن شود و باصطلاح لثه‌ها خود را بالا بکشند علاوه بر این، استخوان زیرین آن نیز صدمه می‌بیندودندان‌ها نیزلق می‌شوند.

*** درمان بیماری های لثه**

پیشگیری از بروز بیماریهای لثه بهترین راه مبارزه با این بیماریها است.

برای پیشگیری باید عوامل میکربی دهان را کاهش داد.

مسواک کردن آنهم بطریق صحیح پس از صرف غذا بطریقی که تمام مواد غدائی لای دندانها برداشته شود، از برور عوارض میکربی دهان جلوگیری میکند.

مالش دادن لثه‌نیز به‌استحکام لثه کمک می کندشستشوی دهان با آب نمک میکربهای دهان را از بین میبرد و ضمنا از بروز پوسیدگی دندانها جلوگیری می کند.

بمحض شروع بیماری باید اقدام به‌درمان کرد.

اگر جرم تشکیل شده است امکان برداشتن جرم ها توسط بیمار وجود ندارد و باید به دندانپزشک مراجعه کند. و اگر لثه دور دندان از بین رفته و باصطلاح مرده شده است برداشتن لثه مرده توسط دندانپزشک لزوم حیاتی دارد.

در هر حال هرچه معالجه لثه بیمار زودتر شروع شود درمان در مدت کوتاه‌تری صورت

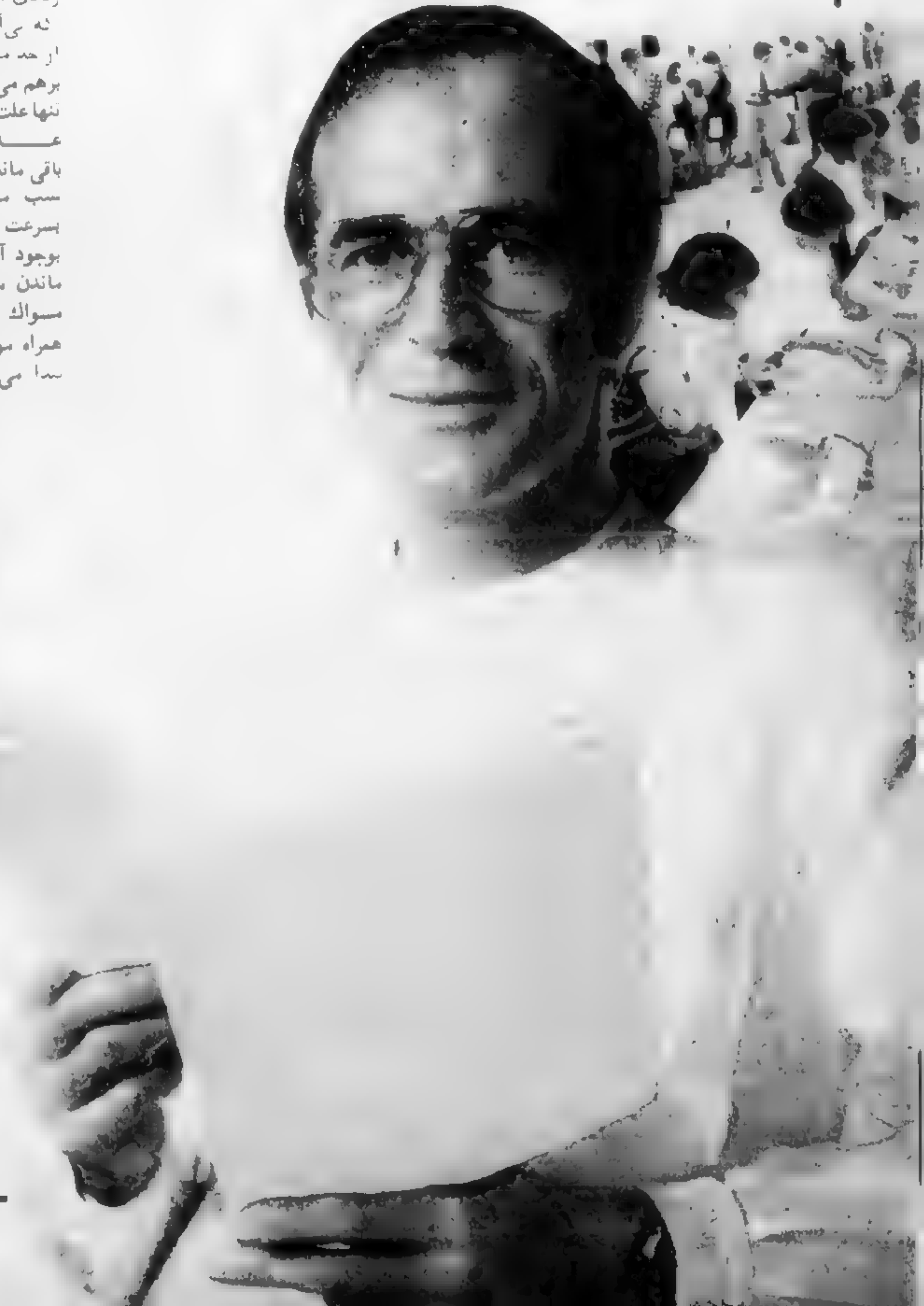

شوند؟

می گیرد و نتیجه درمان نیز رضایت بخش تر است.

***ارتباط بیماری لثه با بیماریهای دیگر**

بعضی از بیماران اظهار میدارند که درمدت بسیار کوتاهی لثه آنها بشدت متورم شده و دچار بیماری لثه شده‌اند درحالیکه جرم دندان سبب تورم نیست و باید علت را در بیماری دیگری جستجو کرد.

در بیماری قند لثه سخت ازار می بیند بطوریکه بیماری لثه با بیماری قند ارتباط نزدیک دارد. به هنگام حاملگی و بلوغ لثه دچار تورم زیاد میشود و زود توجه بیشتر به لثه در این دوران مخصوص زندگی بچشم می‌خورد کمبود بعضی از ویتامین ها بویژه ویتامین «ث» سبب ایجاد خونریزی در لثه و بیماری لثه می‌شود.

درهرحال راه پیشگیری بیماری لثه در این گونه موارد توجه به بهداشت دهان است. ولی برای درمان کامل باید بیماری اصلی را ازبین برد.

***علت دندان درد چیست؟**

عوامل میکروبی موجود در دهان علاوه برآنکه لثه را ازبین می‌برد براثر ترشح مواد اسیدی روی نسج دندان اثرمی کند و باصطلاح دندان را دچار کرم خوردگی می کند افراط در مصرف مواد قندی سبب میشود که میکروبها در محیط مناسب قرار گرفته و پوسیدگی دندان پیشرفت می کند.

توصیه میشود برای جلوگیری از پوسیدگی نسج دندان در برنامه غذائی مقدار کمتری مواد قندی گنجانیده شود مصرف مواد سخت مانند سیب و هویج چون سبب شستشوی دندانها میشود برای جلوگیری از پوسیدگی مفیداست.

درآغاز دوره پوسیدگی دندان دردی احساس نمی‌شود و بیمار بدان توجه نمی کند ولی پوسیدگی به سیر خود ادامه میدهد به طوری که با مصرف مواد ترش‌مزه و یا آب گرم وسرد درد احساس میشود که در این حال باید هر چه زودتر به دندانپزشک مراجعه کرد ولی عدم توجه بیمار و رها کردن وضع دندان به حال خود سبب میشود کرم‌خوردگی به سیر خود ادامه داده به عصب دندان برسد. در این حال درد شدیدی به خصوص به هنگام شب بروز می کند که خواب راحت بیمار را برهم می‌زند اگر بیمار به دندانپزشک مراجعه کند امکان معالجه وجود داردولی اگر با خوردن مسکن‌ها پرده بر روی بیماری خود بپوشاند درد آرام میگیرد ولی ریشه دندان شروع به چرکی شدن می کند و کانون عفونی در بدن تشکیل میشود این کانون عفونی ممکن است سبب بروز سردردهای مزمن و یا ریزش موشود و نیز امکان صدمه رساندن به کلیه و یا دستگاه گوارش وجود دارد به هر حال‌ممکن است این کانون چرکی بعد ازیکی دوسال طغیان کند. بیرون آوردن چنین دندانی با وجود کانون چرکی برای سلامت دندنهای دیگر و اعضای دیگربدن کاملاضروری است.

آیا زردی مخصوص بعضی از نوزادان ناشی از ازدواجهای فامیلی است؟..

از زمانهای گذشته در بین مردم معروف است که عقد دخترعمو و پسرعمو درعرش بسته شده است و همان بهتر که این عقد درعرش بسته شده باشد و روی زمین این امر پیش نیاید زیرا گاهی دیده شده که این اختلاط خون سبب تغییرات مخصوص در بدن نوزاد می‌شود وباعث نابودی وی می‌شود.

البته باید متذکرشد که اغلب ازدواج های فامیلی عارضه‌ای بدنبال ندارند و مطالعه این مقاله بهیچوجه نباید باعث‌نگرانی والدینی شود که ازدواج فامیلی دارند وچه بسا ازدواج های نزدیک است که سالیان دراز باخوشی و مسرت ادامه می‌یابد و کودکان سالمی نیز از این ازدواجها ببار می‌آیندولی در هر حال از اینکه در ازدواج با غیر بعلت اختلاط خون و تغییرات مخصوصی که ازلحاظ جسمی و روحی ایجاد می‌شود کودکان بهتری ببار می‌آید بهیچوجه نمیتوان شک داشت.

***وضع نوزادی که ازوالدین هم‌خون بوجود میآید چگونه است؟**

همانطور که ۹۸ درصد نوزادانی که از والدین هم‌خون بوجود میآیند سالم و بی‌عیبند بعضی ازازدواج پسرخاله و دخترخاله وپسرعمه و دختردائی و پسرعمو و دخترعمو چه در نسل اول و چه در نسل‌های بعدی اغلب نوزادان سالم بوجود می‌آیند وفقط دودرصد از این نوزادان ممکن است روز اول تولد با زردی خاص رخسار بدنیا آیند که این اولین علامت بروز بیماری است.

معمولا پدر ومادری که هم‌خون هستند نوزاد اول خود راسالم وبی‌عیب بدنیا می‌آورندو نوزادان بعدی هرچه فاصله بیشتری با نوزاد اولی داشته باشند سالم‌تر می‌شوند و امکان سلامتی آنها بیشتر است ولی اگر نوزاد دومی یکی دوسال پس از نوزاد اولی بدنیا آیدگاهی در همان ماههای آخر حاملگی بعلت وجود عوارض خونی و پوستی درشکم مادر می‌میرد و سقط می‌شود وگاهی به هنگام تولد با پوستی چروکیده پوست سرخ‌رنگ و زردی شدید جلب نظر می کند و زمانی دیگر پوست بدنش سرخ و لهیده و پوسیده از پوست‌رنگی های مخصوص است که مانع ادامهٔ حیات‌وی می‌شود و بالاخره گاهی فقط زردی شدیدی روی پوست بدنش وجود دارد که با زردی چشمها و مخاط دهان ولب ها نیز توام است.

***چرانوزادان باین عارضه گرفتارمی‌شوند؟**

علت اصلی این عارضه همخونی والدین نوزادان‌گرفتار این بیماری است شرح علائم و عوارض هم‌خونی دراین مقاله بشکل اطلاعات عمومی است و از خصوصیات فنی پزشکی آن کمتر سخن‌رفته است. بطورخلاصه می‌توان گفت که بعلت هم‌خونی پدر و مادر، پس از تولد اولین نوزاد درخون مادر مادهٔ مخصوصی بوجود می‌آید که متدرجاً گلبول های قرمز (گویچه های‌قرمزخون) نوزاد را می کشد و مانع ادامه‌حیات‌آنها می‌شود و بهمین سبب است که تعداد کثیری از گلبولهای قرمز نوزاد (چه هنگام زندگی در رحم مادرو چه پس از بدنیاآمدن) از بین‌میرودو زردی شدید نوزاد که با کم‌خونی مخصوص اوهمراه است‌ظاهر می‌شودو پیدایش گلبولهای جوان‌درخونش که علامت مخصوص فعالیت شدید مراکز خون‌ساز بدنش بشمارمیرود، خود گواه این‌امر است.

چون پیدایش همان‌ماده‌مخصوص درخون مادر است که سبب ایجاد این همه عوارض درنوزاد می‌شودو درطی‌زمان این‌ماده درخون مادرکم کم از بین‌میرودو یا از اثر آن کاسته می‌شود.

برای داشتن نوزادسالم‌بایدبین‌آبستنی های مادر تاحدممکن فاصله زیادتر گذاشت تامادهٔ مخصوص زنان حشر خون مادر بتدریج روبه نقصان بگذارد.

***آیا این بیماری قابل درمان است؟**

نوزادی که گلبولهای قرمز خونش ازبدو تولد بعلت‌وجود سم‌مخصوص‌قابلیت زندگی خود را ازدست می‌دهندو میمیرند، معمولاقابل زندگی نیست بنابراین راه علاج این دسته از نوزادان‌ونجات‌دادن‌آنها ازمرگ، تعویض خون آنها است‌و این عمل هرچه زودتر باید انجام گیرد بهتر است بدین‌معنی که در ساعت تولد باید نوزاد را فوراً مورد معاینه مخصوص پزشکی قرارداد. دراین‌مورد وجود آزمایشات دقیق لازم است که درهمان وهله اول گلبولهای قرمزخون کودک را شمارش کندو میزان سموم‌موجود در خون نوزادرا اندازه‌گیری کندو در صورت وجود سموم مخصوص و حدس بروزعارضه‌قبل‌از اینکه کلیه گلبولهای قرمز بدن نوزادازبین بروندو نوزاد بعلت کسر اکسیژن خفه‌شود، خون اوراعوض کنندومقدارلازم خون‌تمیزوتازه وغیرمتجانس باخون او، از راه‌بندناف‌وارد بدن او سازندواین عمل اگر در بیمارستان مجهزو تحت‌نظر پزشک انجام گیرد کاملا میسر است. هرچه ازساعت تولد نوزاد بگذرد بعلت ازدیاد گلبول های جوان‌واز بین‌رفتن گلبولهای قرمز اصلی قدرت تنفس نوزاد کمتر میشود و در نتیجه نوزاد قدرت زندگی را نیز ازدست‌می‌دهد بطوریکه دوازده‌ساعت پس از تولد دیگر درمان و تعویض خون او نیز بی‌اثر خواهد بود بنابراین برای رهائی از این بیماری‌و درمان اساسی‌آن، باید بطورسریع اقدام کرد.

* * *

میزگرد رستاخیز کارگران پیرامون مسائل شرکت های تعاونی

تعاونی ها

رستاخیز کارگران : از آنجائیکه هدف ما پیوسته ایجاد تنوع در محتوای مجله است ، احساس کردیم در کنار میزگردهای خاص مسائل کارگری ، تشکیل میزگردهائی از نوع دیگر که آنها نیز بنوعی با زندگی کارگران مربوط باشد ، لازم است . برای تحقق این منظور ، بر آن شدیم گردهمائی‌هائی از اعضای شرکتهای تعاونی مصرف واحدهای مختلف فراهم آوریم ، تا اگر در این زمینه نیز نظرات سازنده‌ای وجود داشته باشد ، از آنها برای بهبود کار سودجوئی کنیم . با تشکر از حضور اعضای هیات مدیره شرکتهای تعاونی مصرف کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و پلاسکو کار ، خواهشمندیم مطالب خود را بیان کنید.

بهمن ایقانی (دبیر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و عضو هیات مدیره شرکت تعاونی مصرف این شرکت) : بطور کلی مشکل تعاونیهای مصرف کارگری و بخصوص کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی زائده دو علت اساسی است :

۱ — عدم آشنائی منتخبین کارگران به امور تعاونی که همین ناآشنائی سبب خواهد شد سهامداران بمعنای واقعی کلمه نتوانند از مواهب تعاون بطور کامل برخوردار شوند و از طرفی تا قبل از حصول آشنائی هیات مدیره شرکت به امور تعاون ، مدت زمان زیادی جنسهای گران و نامرغوب از بازار تهیه میکنند و به مصرف کننده میدهد.

برای این مرحله پیشنهاد من اینست که افرادی که در مجامع عمومی بعنوان نمایندگان منتخب کارگر برای تعاونیهای مصرف انتخاب میشوند ، وزارت کار کلاسهائی برایشان بگذارد تا بچگونگی فعالیتهای تعاونی آشنائی پیدا کنند.

۲ — عدم همکاری دستگاههای مربوط با تعاونیها ، عامل دیگری برای شکل گیری آنها است . مثلا یکی از موادی که برای تعاونیهای مصرف تامین گردد ، برنج است ، در این خصوص باید ترتیبی اتخاذ شود که از وقتی که تعاونیها سفارش برنج را میدهند ، تحویل آن چهار ماه طول نکشد.

کارخانجات ذیربط هم همکاری لازم را با تعاونیها نمیکنند. مثلا اگر یکی از تعاونیها مقداری یخچال بخواهد ، هیچگونه حق تقدمی برای آن قائل نیستند تولید کنندگان این گونه وسائل خانگی به مردم به تحویل کردند.

شاید گفته شود چرا در این مورد اقدام نکرده‌ایم ؟ در جواب باید عرض کنم که به شرکت ایران مراجعه کرده‌ایم ، اما هنوز امکاناتی در اختیار ما قرار نگرفته است . و اصولا بهای اجناس موجود در تعاونیها با بیرون فرقی ندارد.

پاسخ شرکت ایران هم در مقابل اعتراضهای ما اینست که شما خودتان بیائید ناظر خرید شوید و از بازار اجناس لازم را تهیه کنید.

در سرلوحه همه مشکلات عدم مدیریت را باید نام برد. مدیر لایق ، کاردان و مدیری که به امر تعاون آشنائی داشته باشد مورد لزوم است.

در اینجا مشاور تعاونی مجله کارشناس امور تعاونی ، پرسشهائی در این زمینه بعمل آورد و پاسخهائی از سوی شرکت کنندگان در میزگرد داده شد و راهنمائیهای لازم از طرف آقای سالکی بعمل آمد)

مشاور تعاونی مجله : شرکت‌های تعاونی از نوع شرکتهائی هستند که بگونه رسمی و قانونی پاگرفته‌اند ، و وقتی قانون اجازه دهد که با خودیاری کارگران شرکتی بوجود آید ، هیچکس مانع آن نمی‌شود.

شاید اهمال خود آقایان کارگران باعث عدم شکل گیری کامل شرکتهای تعاونی بمعنای واقعی کلمه بوده است ، وگرنه دیگران مقصر نیستند.

علیرضا فرهادی (رئیس هیئت مدیره شرکت تعاونی مصرف کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی) : توضیحاتی پیرامون اقدامات هیأت مدیره پیشین این شرکت داد.

مشاور تعاونی مجله : اشکال ما در این است که همه‌اش میخواهیم از دولت کمک بگیریم . یعنی هر کجا صحبت میشود میگویند دولت چه کرده است و چرا فلان نکرده است . اولا اگر این توقع را داشته باشیم ، پس معنی تعاونی چیست ؟ . . شرکت تعاونی برای این تشکیل میشود که اعضای آن ، خودشان امور را بدست بگیرند . گاهی توقع داریم کارفرما همه گونه به شرکت کمک کند . خوب ، اگر قرار باشد شرکتی در یک کارخانه تشکیل شود و کارخانه بیاید جا ، پول آب ، پول برق ، پول تلفن ، هر سه دستمزد حسابدار و دفتردار را بدهد ، چگونه میتوان متوقع بود که در کار تعاونی دخالت نکند ؟ . .

ایقانی : در قانون مراحل تشکیل یک شرکت تعاونی پیش‌بینی شده است . اینکه فرمودید کارفرما چه و چه بدهد و دخالت هم بکند ، نقض غرض است . انگیزه به وجود آمدن شرکت تعاونی در کارخانه این است که بین کارگر و کارفرما تفاهم بوجود آید . مقداری از هزینه‌ها را کارفرما و مقداری هم کارگر تامین

باید روی پای خود بایستند

ند. این به آن معنی نیست که اگر جا و پرسش داد، دخالت هم بکند.

شرکت کارآما در امور تعاونی نوعی فعالیت و همکاری است، ممکن است شما بگوئید فارغ از این صحبت‌ها، کارآما مبلغی بدون بهره در اختیار تعاونی بگذارد و خود دخالت نکند، اینهم برجای خود منطقی است.

شما میگوئید آموزش نمیدهند، خوب بود در آغاز کار خودتان فکر میکردید، شما که میخواستید در کارداد وستد وارد شوید و به فن آن آشنائی نداشتید، میرفتید و یاد میگرفتید.

ایقانی : اگر ما خودمان و با سرمایه خود اینکار را میکردیم، حق با شما بود، ولی اینجا مجمع عمومی دخالت دارد. بفرض که یکنفر برود و اطلاعاتی هم کسب کند، از کجا معلوم است که در دوره دیگر نیز انتخاب شود ؟ مگر اینکه بفرمائید برای هر روزه منتخبین بروند و آموزش ببینند و در مورد این قبیل افراد حمایتی هم شود.

فرهادی: در تعاونیها به‌محض اینکه یک ریال در بیلان آخر سال کم‌و کسری وجود داشته باشد، بلافاصله تعقیب وپیگیری شروع میشود، چرا درمورد آموزش وضرورتهائی ازنوع آن چنین قاطعیتی وجود ندارد؟

مشاور تعاونی: در مورد آموزش وپرورش وزارت کار (موسسه کار و تأمین اجتماعی) کلاسهائی گذاشته که از جمله آنها کلاسهای آموزش تعاونی است، شما در تعاونی انواع و اقسا ذخیره‌ها را دارید. در قانون هم یک ذخیره‌ها را دارید. در قانون هم یک ذخیره ۲ یا ۳ درصد پیش بینی شده است، شما میتوانید با استفاده از این خیره کلاس بگذارید ویا از وزارت کار بخواهید تا درقبال هر هفته‌ای چند ساعتی که سایل هستید در این کلاسها شرکت کنید، استاد بشما بدهند.

رستاخیز کارگران: بعضی از مواقع نرخ پاره‌ای از اجناس فروشگاهها تعاونی گران‌تر از خارج است، در اینصورت کارگر و اعضای تعاونی ترجیح میدهند ما یحتاج خود را از خارج تهیه کنند. شما برای رفع این مشکل چه پیشنهادی دارید؟

فرهادی: شرکت تطاونی مصرف کارگران شرکت واحد همانطور که گفته شد، وضع خاصی دارد، یطنی اجناس را بااستعلا بها خریداری میکند ودر بسته‌بندیهای خوب در دسترس مشتریان قرار میدهد. با این وضع، اگر در ردیف تعاونی ای اول نباشد، دوم خواهد بود.

ایقانی: تعاونی به‌این شکل که شما میفرمائید در هیچ جا نمیتواند چنین باشد مگر در مواردی خاص که نوسانات بازار اقتضا کند، چون ما نمیرویم مثلا یک تن برنج بخریم که مثلا کیلوئی ۳۴ ریال تمام شود و فردا ۳۳ ریال در بازار بفروشند، اصولا شرکت امکان که مسئول تهیه و تأمین احتیاجات تعاونیها کارگری است، خرید اجناس رابعهده دارد. عرض کردم ممکن است گاه نوسانات بازار باعث تفاوت قیمت گردد که آن هم چاره‌ای نیست وباید پذیرفت.

چندی قبل از کارخانه‌ای روغن خریدیم ۲۸۵ ریال اطلاع دارند، همین روغن را در میدان فوزیه ۲۵۰ ریال میفروشند. رفتیم، تحقیق کردیم، درست هم بود، اما وقتی انگیزه فروشنده را پرسیدیم گفت برای جلوگیری از برگشت چک وسفته هایم شاید تا ۲۰۰ ریال هم بفروشم. گاه چنین اتفاقهائی هم میفتد و بعضی گمان میکنند اقطاً شرکت تعاونی جنس را گرانتر میفروشد، ما حتي در مورد بعضی از اجناس که آنها را نقداً خریداری میکنیم، رعایت کارگران ر کرده وبه‌اقساط چهار ماهه به‌آنها واگذار مینمائیم. البته شرکت واحد هرسال نیم میلیون تومان وام بلاعوض و یک میلیون تومان بابت تنخواه گردان شرکت تعاونی میدهد، در عین حال متاسفانه نارسائیهای دیگری داریم که مثلا جابجا کردن کارکنان شرکت تعاونی نوعی از آن است، وقت میبینید حسابدار شرکت را شرکت را برمیدارند و انباردار را که میلیونها تومان ابوابجمعی دارد بجی آن میگمازند. موضوع دیگری را که لازم دیدم تذکر دهم اینکه، چند دستگاه در امر تعاونی کارگران بطور ناهماهنگ دخالت دارند. وزارت تعاون و وزارت کار و امور اجتماعی باید در جهت سالم سی تعاونیها تصمیم مشترک داشته باشند و هماهنگ عمل کنند، شرکت امکان (شرکت مادر) باوجود میلیونها تومان سرمایه نمیتواند بهره‌دهی دلخواه داشته باشد مثلا یک وقت می‌بینید اجناسی را به اصفهان میفرستند و در تهران عین اجناس گرانتر در دسترس مشتریان قرار میگیرد. درمقابل اعتراض ما میگویند، شما خودتان بیائید واجناس لازم را تامین کنید"

رستاخیز کارگران : بهر صورت پیشنهادی برای حل این مشکلات ارائه کنید.

فرهادی : پیشنهاد من اینست که تمام تعاونیها زیر یک چتر قرار گیرند و به عبارت دیگر امور تعاونی اعم از آنکه مربوط به وزارت کار یا وزارت تعاون و امور روستاها باشد، تحت هدایت یک مرجع قرار گیرند تا انشاءاله نا بسامانیهای موجود رفع شود. البته این هدایت نباید لطمه‌ای به استقلال تعاونیها بزند. مثلا اگر ما خودمان برویم و جنس را تهیه کنیم، بمراتب، بهتر و خوبتر تهیه می کنیم.

اتاق اصناف هم باید در کار تعاونیها نظارت داشته باشد تا خود رأسا عمل نکنند و قیمتها را بدلخواه تعیین ننمایند.

در اتحادیه ها نیز دو نوع افراد باید وجود داشته باشند. یکدسته اداری و دسته دیگر تجاری، زیرا لازم است برای انجام کارهای اداری از مطلعین اداری، و در زمینه مسائل تجاری، از مطلعین امور تجاری سود جست. اگر این دو مورد رعایت شود، این مشکلات رفع میگردد. بدیهی است این همکاری اگر توأم با همکاری هیات مدیره تعاونیها شود، امر تعاون موفق خواهد بود.

یکی دیگر بدبینی هائی است که از سوی شرکت معاملات خارجی بوجود می‌آید در گذشته پنیر و تخم مرغ را که تحویل میگرفتند، پنیر را در آفتاب میگذاشتند تا فاسد میشد، آن مقدار هم که فاسد نمیشد. چند کیلووزنش کم میشد، یکی دو ماه قبل برای تحویل برنج به این شرکت رفتم و دیدم پیاز، سیب زمینی، و برنج را ریخته‌اند روی زمین بطوری که مخلوط شده بودند، اینکه

میگویم مسئولیت تعاونی ها یک جا متمرکز شود، به این خاطر است که دیگر رفع مسئولیت و مشکلات را بگردن دیگری گذاشتن وجود نخواهد داشت و این چنین اموال عمومی تفریط می‌شود.

شرکت تعاونی شرکت واحد با تقریبا یک میلیون ریال سرمایه در سال ۱۳۴۳، تأسیس شد و تا سال ۱۳۴۸ هیات مدیره آن انتصابی بود. از سال ۴۸ هیات مدیره بصورت انتخابی برگزیده شد و درحال حاضر با ۴ میلیون تومان سرمایه بکارخود ادامه میدهد.

رستاخیز کارگران : غالباً خرید شما از کجا است ؟

فرهادی : از اتحادیه کشور. تقاضا داریم کارفرمایان بر میزان کمکشان بیفزایند و مسئولین امر هم نظارت خود را اعمال کنند و هیات مدیره های شرکتها نیز سایرین را ارشاد نمایند.

آلبرت ترهوسپیان (رئیس هیات مدیره شرکت تعاونی مصرف شرکت پلاسکو کار):

آنچه آقایان ایقانی و فرهادی گفتند، تقریباً مشکل ما نیز هست، از طرفی شرکت ما جدیدالتأسیس است و از شهریور ماه سال قبل شروع بکار کرده و تا آنجا که مقدور است، بخصوص خوار بار و اجناس را تهیه می کنیم و تا میتوانیم سعی خواهیم کرد در این برنامه مفیدسهم خود را ایفا کنیم.

علی اکبر نصیری (نائب رئیس شرکت تعاونی مصرف پلاسکو کار): ما هم اجناسمان را از شرکت امکان خریداری می کنیم نارضائی ما اینست که اجناس مورد نیازمان دیر دیر بدستمان میرسد، مثلا هشت دستگاه یخچال فیلور از شرکت امکان خریدیم، پس از ششماه که تحویل ما دادند، فصل استفاده از یخچال گذشته بود. هم اکنون یک ماه است که پول برنج مورد نیاز شرکت را پرداخته‌ایم ومتاسفانه باز هم بما تحویل نشده است، و هر دو روز یک بار از ما کسب اطلاع میکنند که آیا برنج رسیده‌است یا نه ؟

عزت‌الله فعال (عضو هیات مدیره شرکت تعاونی پلاسکوکار): خواهش ما از شرکت امکان این است که در انجام خواستهای ما بیشتر تسریع کند.

آهنگرها، مردان ستبر بازو

در بازار آهنگرها، از آنهمه آهنگری، فقط ۴ مغازه باقی مانده است...

کارخانه‌های در و پنجره آهنی سازی، کار آهنگری سنتی را کساد کرده است....

زمانی صدای ضربه‌های پیاپی چکش در بازار آهنگرها گوش هر تازه‌واردی را می‌آزرد و طنین این چکش‌ها، سالها تلاش پیوسته بود. تلاش برای ادامه زندگی....

گرمای کوره‌های آهنگری، بدن‌های عرق کرده آهنگران و بازوهای ستبر آنها بی‌اختیار حماسه کاوه آهنگر، اسطوره‌ترین آهنگر تاریخ را به خاطر می‌آورد.

از بین نخواهد رفت

محمد باروری، پیرمرد آهنگری از این نسل پرتلاش است. او هنوز هم سرزنده و شاداب، چکش میزند و عقیده دارد آهنگری هرگز از بین نخواهد رفت. پیرمرد آهنگر درحالی که با انگشت به بازار آهنگران اشاره می‌کند، می‌گوید: «این آجیل فروشها، این عطارها و خواروبارفروشها هم زمانی آهنگر بودند، نگاه کنید. قیافه‌های آنها هنوز هم به آهنگران شبیه است. در آن زمان کار ما رونقی دیگر داشت، بهترین و خوشگل ترین دخترها در آرزوی عروسی با جوانان آهنگر بودند، چرا که این شغل ابهتی استثنائی داشت. خوب یادم است، سی سال پیش با روزی ۳۰ ریال درآمد کارم را شروع کردم .... ، پیرمرد نفسی تازه می‌کند. چکش سنگینش را به دست میگیرد و ضربه‌ای به میله‌آهن روی سندان میزند، اما گوئی تازه‌فرصتی برای درددل کردن بدست آورده است. باز می‌گوید: «حالا همه چیز فرق کرده. دیگر از آن همه رفت وآمدهای توی بازار آهنگرها خبری نیست، خیلی از جوانها اصلا از حرفه آهنگری به صورت قدیمی آن چیزی نمیدانند. ولی من مطمئن هستم هرگز این شغل از بین نخواهد رفت.

۵۰ آهنگر

هم‌اکنون حدود ۴۰ مغازه آهنگری در بازار آهنگران وجود دارد. اما تنها ۴ باب از این مغازه‌ها از کوره، دم و سایر وسائل قدیمی استفاده می کنند. در این مغازها به روی هم حدود ۵۰ آهنگر به کار مشغول هستند ودرآمد آنها هم بسته به نوع کاری که می کنند و سابقه‌ای که دارند، بین ۶۰۰ الی ۱۲۰۰ ریال در نوسان می‌باشد. کار همه مغازه‌ها تقریباً به ساختن در و پنجره‌های آهنی محدود شده است.

دشوارترین کارها

آهنگران قدیمی با وجود رکودی که در کارشان بوجود آمده، هنوز هم به ساختن وسائل قدیمی اشتغال دارند. وسائلی مانند سطلهای آهنی، سیخ های بزرگ و کوچک، ظرفهای آهنی، زنجیرهای قلاب، کلنگ و بیل از عمده‌ترین چیزهائیست که به دست آنها ساخته میشود. قیمت این وسائل متفاوت است و در وهله اول، به مقدار آهنی که در آن به کار رفته و در مرحله بعد، به میزان کاری که روی آن انجام شده، بستگی دارد. آهنگری از سنگین‌ترین و دشوارترین کارها است. اما همواره این سنگینی باعث شده تا آهنگرها بدنی ورزیده داشته باشند و در برابر بیماری‌ها مقاومت بیشتری به خرج دهند.

از طرفی ستبری بازو و سینه آهنگران نیز همواره زبانزد بوده است.

مراحل ساختن

آهنگران برای ساختن ابزار آهنی پس از هر کاری آهن را در کوره می‌گذارند و با دم، آتش کوره را شعله‌ور می‌کنند. و پس از اینکه آهن به حد کافی به حالت خمیری درآمد، آن را روی سندان می‌گذارند و اگر وسائل بزرگ بخواهند بسازند با ضربات پتک، و چنانچه آن را بخواهند به صورت مفتول درآورند، با ضربات پی‌درپی چکش، آهن سرخ را می کوبند. این قطعه‌آهن بسته به اندازه جسم مورد نظر ممکن است کوچک یا بزرگ باشد.

معمولا در این مرحله دو یا سه آهنگر با هم پتک یا چکش می‌زنند چرا که زمان خمیری بودن آهن بسیار کم است و آهن خیلی زود سرد میشود.

بعد از این مرحله آهنگر دوباره آهن را در کوره می‌گذارد و این بار بعد از گداختن آهن آخرین کار روی آن انجام میشود.

این مرحله بدین ترتیب است که آهنگر با چکش های کوچکتر، آهن گداخته را به شکل شیئی دلخواه خود درمی‌آورد.

ازصد سال پیش

تاریخچه بازار آهنگرها، بدرستی معلوم نیست. اما آنطور که آهنگران سالخورده میگویند، اولین مغازه این بازار در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه، یعنی همان موقعیکه بازار در حال شکل گرفتن بود، بوجود آمد.

پس از مدتی، بعلت رواج کار این مغازه و نیاز مردم به اشیاء آهنی، مغازه‌های دیگری در این راسته بوجود آمد و کم کم بنام بازار آهنگرها شهرت یافت.

در زمان اوج و رونق کار آهنگری، هر روز عده زیادی از شهرستانهای دور و نزدیک به این بازار می‌آمدند و انواع اشیاء آهنی را برای فروش به شهرهای خود میبردند. در آن زمان تولید و فروش اشیاء آهنی یکی از پررونق‌ترین کارها بود.

درآنموقع بیشتر وسائل خانه از آهن ساخته میشد، وسائلی که امروز دیگر از آنها کمتر نشانی میتوان دید.

علت اصلی

محمد رضاپور، یکی دیگر از آهنگران بازار آهنگرها در این زمینه میگوید: «ایجاد پی‌درپی کارخانه‌های مدرن از یک سو، و رواج بسیاری از وسائل پلاستیکی، علت اصلی از بین رفتن حرفه آهنگری است، اما با اینحال هنوز هم هیچ نوع جنسی، استحکام ساخته‌های آهنی را ندارد.

باعث شگفتی نیست که رواج در و پنجره‌های آهنی یکی دیگر از علل مهم از بین رفتن آهنگری سنتی است. زیرا که در و پنجره فلزی دیگر بدست آهنگران ساخته نمی‌شود، بلکه از محصولات کارخانه‌های مدرن است. هرچند سازندگان در و پنجره را هم باید در صنف آهنگر بشمار آورد، اما کیفیت کار آن‌ها باعث شده تا از وسائل مدرن استفاده کنند و بدین ترتیب جنبه‌های قدیمی کار فراموش شده است.

هم اکنون از ۴۰ مغازه موجود در بازار آهنگرها، ۲۰ باب آن به ساختن وسائل آهنی جدید مثل در و پنجره اشتغال دارند.

نقش حماسی

آهنگران همواره در تاریخ نقشی حماسی داشته‌اند. داستان کاوه آهنگر به بهترین وجهی گویای یکی از این حماسه‌هاست. این مرد آهنگر برای اولین بار بر ضد ضحاک ماردوش قیام کرد و با کشتن او و به تخت نشاندن فریدون، ملت را از جور و ستم نجات داد.

در دوره‌های تاریخی، بویژه در دوران بعد از اسلام نیز آهنگران همواره حماسه آفرین بودند، از جمله در شورشهائی که معمولا بر ضد خلفای عباسی بپا میشد، آهنگرها بیش از افراد دیگر حرفه‌ها در آن شرکت داشتند. در واقع شغل آنها که همان مبارزه با آهن است، علت اصلی پرورده شدن نیروی جسمی و پایداری روحی آنهاست. چیزی که همیشه دلاوری بیش از اندازه آنها را باعث شده است

از «دکتر حیدرقلی عمرانی، معاون امور بهزیستی
وزارت بهداری و بهزیستی

مستمری بازماندگان بیمه‌شدگان

در جامعه پیشرفته، گداپروری دون‌شأن انسان وناپسندو مردوداست.

> این تحول اجتماعی وملی که امروز در ایران روی داده است در واقع انقلاب بزرگی است که هم قانونی و هم مقدس است. قانونی است برای اینکه شاهنشاه که حق وضع قانون را دارد تصویب آنرا از شما خواست و شما یعنی ملت ایران که بموجب قانون اساسی قوای مملکت ناشی از اراده و خواست شما است این انقلاب قانونی وملی را تصویب کردید
>
> [illegible]
> انقلاب

کمک های نقدی وغیرنقدی برای بازماندگان بیمه شدگان فوت‌شده تحت چه شرایطی پرداخت می‌شود؟...

به منظور آگاهی کارگران شریف کشور و سایر بیمه‌شدگان از مزایای «قانون تأمین اجتماعی» رستاخیز کارگران، هر شماره ضمن گفت و گو با آقای حیدرقلی عمرانی معاون امور بهزیستی و گروههای ویژه وزارت بهداری و بهزیستی، و یکی از صاحبنظران تامین اجتماعی مواد قانون مزبور را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد و فلسفه وجودی هر یک از مواد را ضمن مقایسه با وضع گذشته و موارد مشابه در قانون بیمه های اجتماعی بازگو می کند. لازم به تذکر است که خوانندگان عزیز می توانند نظریات و حتی انتقادات خود را طی نامه برای دفتر مجله ارسال دارند تا با آقای دکتر عمرانی مطرح شود، و پاسخ خود را در همین صفحه ملاحظه کنند.

فصل هشتم قانون تأمین اجتماعی تحت عنوان «مرگ» از ماده ۸۰ تا ۸۴ به کمکهائی اختصاص دارد که در قاموس بیمه های اجتماعی بنام مستمری بازماندگان بیمه شده متوفی خوانده میشود.

در جوامعی که از خدمات عمومی رفاهی و انواع بیمه های اجتماعی مظاهری وجود نداشته است، موضوع حمایت از افراد تحت تکفل فرد انسان بعد از مرگ او و در واقع تضمین و تأمین وسایل معاش کسانی که با مرگ نان‌آور خود در برابر یکی از هولناک ترین حالات زندگی قرار میگیرند از زمانی که عواطف خانوادگی بین افراد بشر شکل گرفته مطرح بوده است. بطور خلاصه انگیزه مالکیت فردی و تمایل به پس‌انداز و نظامات و قوانین ارث و امثال آنها همه از این احساس سرچشمه میگیرند، که در وهله اول شخص در زمانیکه توانائی کار کردن ندارد از لحاظ معیشت در مضیقه و تنگدستی قرار نگیرد و بعد از مرگ او نیز بازماندگانش که هنوز بمرحله کسب و کار و تحصیل درآمد نرسیده‌اند از عسرت و استیصال و فقر شدید مالی رنجور نباشند. شاید لازم بتوضیح نباشد که از علقه ها و بستگیها و احساسات عاطفی و خویشاوندی که همه در حد خود نوعی تأمین اجتماعی بشمار میرود و در جامعه روستائی و تمدن غیرصنعتی نقش بسیار مؤثری دارد، در زندگی ماشینی و تمدن صنعتی بندرت اثری از آن باقی میماند و یا رابطه بین کارگر و کارآما که در نظامهای صنفی از نظر عاطفی شکلی از روابط پدر و فرزندی دارد و لاجرم در محیط صنعتی جای خود را بنوعی رابطه کم یا بیش خصمانه میدهد، درچنین شرایطی است که ضرورت وجودی یک اسلوب و روش حمایتی از نظر اجتماعی در جامعه‌ای که شأن و منزلت انسانی را در خور احترام میدانند احساس میشود و انواع بیمه‌های اجتماعی و خدمات رفاهی عمومی در قالب ضوابط و مقررات قانونی شکل میگیرد. زیرا در اینگونه جوامع ضمن اینکه کمک‌های مادی و معنوی بانسانهای از کار افتاده و درمانده که روزی نیروی کار جامعه را تجهیز میکرده‌اند فرض و لازم است، صدقه‌دهی و صدقه‌گیری و به بیان ساده‌تر گدا پروری را که بهرحال دون شأن انسان است ناپسند و مردود میشمارند. از اینرو و تحت تأثیر چنین منطقی است که در ایران نظام تأمین اجتماعی در زمره برنامه های مترقی اجتماعی منزلت والائی یافته است و در حالیکه از قدرت اجرائی قانون یکصدو هیجده ماده‌ای تأمین اجتماعی برخوردار است با اتکاء باصل هفدهم انقلاب شاه و ملت پایگاه محکم و تزلزل ناپذیری در مسیر تحول تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران برای خود ایجاد کرده است.

در قانون تأمین اجتماعی که مظهر تکامل بیمه های اجتماعی ایران است، در کنار مزایائی مانند خدمات درمانی، غرامت دستمزد ایام بیماری، غرامت نقص عضو، مستمری از کار افتادگی و مستمری بازنشستگی که تحت مربوط بهریک از این موارد در بخش بتفصیل آمده است کمک‌های نقدی و غیرنقدی برای بازماندگان بیمه شدگان متوفی در نظر گرفته شده که به بیان آن می پردازیم:

بموجب ماده ۸۱ قانون تأمین اجتماعی بازماندگان واجد شرایط بیمه شده متوفی که استحقاق دریافت مستمری دارند عبارتند از:

۱— عیال دائم بیمه شده متوفی مادام که شوهر نکرده است.

۲— فرزندان بیمه‌شده متوفی در صورتیکه سن آنها کمتر از هیجده سال تمام باشد و یا منحصراً به تحصیل اشتغال داشته باشند یا بعلت بیماری یا نقص عضو طبق گواهی کمیسیونهای پزشکی مربوط (موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی) قادر بکار نباشند.

۳— پدر و مادر متوفی درصورتیکه اولا تحت تکفل او باشند ثانیاً سن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنجسال تجاوز کرده باشد و یا آنکه به تشخیص کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده باشند و در هر حال مستمری از سازمان تأمین اجتماعی دریافت ندارند.

این شرایط که ذکر شد مربوط است به افراد تحت تکفل مرد بیمه‌شده بعد از مرگ او، ولی در مورد بازماندگان بیمه‌شده زن برای برخورداری از کمکهای مربوط طبق ماده ۸۲ قانون تأمین اجتماعی شرایطی بشرح زیر مقرر گردیده است:

۱— شوهر مشروط بر اینکه اولا تحت تکفل زن باشد ثانیاً سن او از شصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیونهای پزشکی مربوط از کار افتاده شناخته شود و در هر حال از سازمان مستمری دریافت نکند.

۲— فرزندان در صورت حائز بودن شرایط زیر:

— پدر آنها در قید حیات نباشد یا بترتیبی که قبلا اشاره شد تحت تکفل مادر آنها (عیال خود) باشد و سن او از شصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی از کار افتاده بوده و از سازمان تأمین اجتماعی مستمری دریافت نکند.

سن فرزندان بیمه‌شده زن کمتر از هیجده سال تمام باشد و یا منحصراً بتحصیل اشتغال داشته باشند (تا پایان تحصیل) و یا بعلت بیماری یا نقص عضو طبق گواهی کمیسیون پزشکی قادر بکار نباشند.

۳— پدر و مادر بیمه شده زن در صورتیکه پنج سال تجاوز کرده باشد و یا اینکه به‌تشخیص کمیسیون پزشکی از کار افتاده باشند و در هر حال از سازمان تأمین اجتماعی مستمری دریافت ندارند.

بموجب ماده ۸۰ قانون اجتماعی با فوت بیمه‌شده بازنشسته یا بیمه‌شده از کارافتاده که از صندوق تأمین اجتماعی مستمری دریافت میدارد و همچنین بافوت بیمه‌شده‌ای که در ده سال آخر حیات خود حداقل حق بیمه یکسال [illegible] مستمری متوفی خواهد بود [illegible] مستمری استحقاقی بازماندگان [illegible] تعیین میگردند:

۱— مستمری همسر بیمه‌شده متوفی معادل پنجاه‌درصد مستمری استحقاقی بیمه‌شده است و در صورتیکه بیمه‌شده مرد دارای چند همسر دائم باشد مستمری به تساوی بین آنها تقسیم میشود.

۲— مستمری هر فرزند بیمه شده متوفی معادل بیست و پنج درصد مستمری استحقاقی بیمه‌شده میباشد و در صورتیکه پدر و مادر را از دست داده باشد مستمری او دو برابر میزان مذکور خواهد بود.

۳— میزان مستمری هر یک از پدر و مادر بیمه‌شده متوفی معادل بیست‌درصد مستمری استحقاقی بیمه‌شده میباشد. مجموع مستمری بازماندگان بیمه‌شده متوفی نباید از میزان مستمری استحقاقی بیمه‌شده متوفی تجاوز نماید و هرگاه مجموع مستمری از این میزان تجاوز کند سهم هر یک از مستمری‌بگیران به نسبت تقلیل داده میشود و در اینصورت اگر یکی از مستمری‌بگیران فوت شود یا فاقد شرایط استحقاقی دریافت مستمری گردد، سهم بقیه آنها با توجه به تقسیم‌بندی مذکور در این ماده افزایش خواهد یافت بطوریکه در هرحال مجموع مستمری بازماندگان بیمه‌شده متوفی از صددرصد مستمری استحقاقی استفاده خواهند کرد.

در اینجا لازم است اشاره‌شود که علاوه بر کمکهای نقدی مذکور که بعنوان مستمری به بازماندگان بیمه‌شدگان پرداخت میشود،

بقیه در صفحه ۸۴

از حوادث بیاموزیم...
از حوادث جلوگیری کنیم...

اشتباه باعث مرگ شد

هفته گذشته، کارگر جوانی بنام رمضان توسلی، که در کارخانه نوشین ایران در رشت مشغول کار بود، بعلت بی‌احتیاطی و سهل انگاری در هنگام کار، جان خود را از دست داد: این حادثه در روی ماشین شماره ۱۰۴ محمل بافی بوقوع پیوست. بنا باظهار سرپرستان و همکاران توسلی، هنگامیکه نامبرده روی ماشین مشغول کار بود، ناگهان متوجه می‌شوند که او در بین دفتین (روی سراسری شانه) و بدنه ماشین درگیر شده و شدیداً آسیب دیده است. بلافاصله او را به بیمارستان ۲۵ شهریور منتقل می کنند و در بیمارستان تحت مداوا قرار می‌دهند، ولی معالجات در مورد حادثه دیده مؤثر واقع نمیشود و کارگر یاد شده فوت میکند.

بطوریکه تحقیق شد، توسلی سمت مربی داشته و روی یکی از ماشینها که برای آموزش کارگران اختصاص داده شده بود، کارمیکرد و یک نفر کارآموز در اختیار او بوده تا آموزش لازم ببیند. این کارگر اظهار میدارد لحظه‌ای قبل از حادثه، یکی از نخها پاره شده بود و او در پشت ماشین مشغول گره زدن نخ بود که ناگهان دستگاه براه افتاد و بدرستی ندیده که توسلی در لحظه قبل از حادثه به چه علت سرش را در منطقه خطر قرار داده بود و هیچیک از سرپرستان و کارگران دیگر نیز در زمان حادثه متوجه کارگر فوت شده نبودند. با توجه به نحوه کار و بررسی که بعمل آمده است، احتمالاً کارگر فوق برای کنترل نخ و نحوه بافت پارچه، از نزدیک سرش را جلو برده و در منطقه رفت و برگشت دفتین قرار داده و در همان حال میخواسته تیغه دفتین را جابجا کند و برای اینکار روی یکی از دو دکمه راه انداز فشار آورده است. در هر طرف ماشین سه دکمه وجود دارد. یکی برای حرکت جزئی است که تا موقعی که فشار روی دکمه است ماشین کار میکند و بمحض برداشتن انگشت از روی دکمه ماشین متوقف میگردد. دکمه دیگر برای راه‌اندازی ماشین و دکمه سوم مربوط به توقف دستگاه میباشد. احتمالاً مرحوم این کارگر در حالیکه روی ماشین خم شده بود، اشتباهاً روی دکمه راه انداز فشار آورده و یا اینکه روی دکمه حرکت جزئی بیش از حد فشار داده و در نتیجه سرش بین دفتین و بدنه ماشین درگیر شده است. لازم بیادآوری است که در حالت عادی کار، هیچگونه خطری متوجه کارگر مسئول نمیباشد و یک حفاظ سرتاسری در جلوی ماشین قرار دارد که فاصله مناسبی بین کارگر مسئول و ماشین ایجاد میکند و ارتفاع این حفاظ نیز در حدود ده سانت از سطح رفت و برگشت دفتین بیشتر است و برای کنترل پارچه نیز احتیاجی نیست که کارگر بیش از حد سرش را به سطح بافت پارچه و در نتیجه بمنطقه خطر نزدیک کند و درهمانحال نیز دستگاه را براه اندازد.

با توجه به آنچه در بالا ذکر شد، بنظر میرسد حادثه بعلت کمی تجربه و بی دقتی کارگر بوقوع پیوسته است. بطوریکه سرپرست قسمت آموزشی کارگران اظهار میدارد، در دوره آموزشی که بیش از چهارماه برای کارگران درنظر گرفته شده، موضوع ایمنی و خطرات ناشی از کار کرارا بکارگران تذکر داده میشود. معذلک با توجه به دو مورد حادثه مشابه که درفاصله دوماه در این کارخانه رخ داد، بنظر میرسد شاید آموزشهای داده شده کافی نبوده و موضوع ایمنی کار با ماشین و خطرات احتمالی بی دقتیها، آنگونه که آنها را واقعاً با خطرات جدی آشنا کند، بکارگران تفهیم نگردیده است. لذا برای پیشگیری از حوادث مشابه باید مرتباً از طرف سرپرستان ضمن نظارت بر کار کارگران، نحوه صحیح کار به آنها آموزش داده شود و خطرات احتمالی بی دقتی و اشتباه به آنان تفهیم گردد. ضمناً ترتیبی داده شود که دکمه حرکت جزئی و دکمه راه انداز مشابه نباشند تا درمواقعی که کارگر بافت پارچه را کنترل میکند، در انتخاب دکمه دچار اشتباه نشود.

مرگ در کانال برق

منصور یاوری، کارگری که بیش از ۱۸ سال از عمرش نگذشته بود و در یک شرکت ساختمانی کار میکرد، هفته گذشته بهنگام حفر کانال در عمق ۵/۲ متری بر اثر ریزش دیوارهای کانال جان خود را از دست داد.

این کارگر جوان که ۲۹ روز سابقه کار داشت و روزانه ۳۵۰ ریال دستمزد میگرفت، بهنگامیکه مشغول کندن کانال برق درقسمت غرب فرودگاه مهرآباد بود، دچار حادثه شد. بطوریکه مسئولین شرکت و ناظران حادثه به خبرنگار رستاخیز کارگران اظهار داشتند، مرحوم منصور یاوری درساعت ۳/۳۰ بعدازظهر روز حادثه در کف کانال مشغول خاکبرداری بوده است که ناگهان دیوارهای کانال ریزش کرده و کارگر در زیر آوار میماند وبسختی مجروح می‌شود. البته بیدرنگ بوسیله همکارانش از زیر خاک خارج و به بیمارستان شماره ۲ سازمان تأمین اجتماعی منتقل میگردد، اما متأسفانه بعد از دوروز بستری بودن در بیمارستان، براثر جراحات وارده به ستون فقرات و امعاء و احشاء فوت می کند.

علت حادثه

با توجه به عمق خاکبرداری که حدود ۵/۲ متر میباشد، بمنظور جلوگیری از ریزش احتمالی میبایستی دیوارهای کانال بوسیله شمع و سپرهای محکم حفاظت میشد تا ریزش حاصل نشده و حادثه منجر بمرگ رخ نمیداد، در این مورد ماده ۵۵ آئین نامه و مقررات حفاظتی کارگاههای ساختمانی که درزیر درج میگردد، رعایت نشده است:

ماده ۵۵ دیوارهای هر گودبرداری که عمق آن بیش از یکمتر وبیست سانتیمتر باشد و خطر ریزش یالغزش وجود داشته باشد، باید بوسیله شمع و سپرهای محکم و یا چوب بست کافی نگهداری شود، مگر اینکه این دیواره دارای شیب بیش از زاویه پایدار شیب خاکریزی باشد.»

بی احتیاطی پیرزن

چندی پیش در پاساژ صدیق، واقع درمنطقه بازار، دراثر آتش سوزی ۶ نفر کارگر جان خود

این کارگر درحین کار، بی توجه پای خود را بروی قلوه سنگی گذاشت. تعادلش را از دست داد و بر زمین خورد و سرش با ریل های قطار برخورد کرد و دچار خونریزی مغزی، شد

عباسعلی یزدانی

روح‌اله باغی . کارگر کارخانه سمکو

علی‌حمانی . کارگر شهرداری رشت

[illegible]

محل وقوع آتش سوزی و مطالعه بررسی‌های [illegible] در مورد [illegible] آتش سوزی [illegible]

[illegible]

[illegible] خود را از دست داده‌اند.

[illegible]

بوسایل و کپسول های خاموش کننده آتش [illegible]

[illegible]

حادثه در ایستگاه اتوبوس

[illegible]

چگونگی حادثه

[illegible]

علت حادثه

[illegible]

میکرد تا آگاه بیشتر و مطمئن تری داشته باشند،

[illegible]

بی احتیاطی کارگر چاپخانه

[illegible]

نیز شکسته است.

[illegible]

معالجه در بیمارستان ۲ شهریور بی اثر بود

دو ماه در بیمارستان ۲۵ شهریور رشت

بقیه در صفحه ۹۴

به شرکت تعاونی خود خدمت کنیم تا شرکت نیز بما خدمت کند

۱۴) آیا حوزه کار و فعالیت شرکت محدود است یا منطقه نامعین و وسیعی را در بر خواهد گرفت.

(۱۵) باید دید در محدوده‌ایکه شرکت تعاونی وجود دارد یا قرار است بوجود آید چه نوع شوراها یا سازمانهای اجتماعی و اقتصادی انتفاعی یا غیرانتفاعی وجود دارند؟ در اینصورت روش و رفتار ما با هریک از آنها چگونه باید باشد؟

(۱۶) جلسات هیات مدیره یا کمیته‌های تعیین شده هر چند گاه یکبار باید تشکیل شوند و در هر کدام از آنها چند نفر و با چه مشخصاتی شرکت جویند؟

(۱۷) باید روشن کرد که هر کدام از ما که عضویت شرکت تعاونی را قبول کردیم تاچه اندازه از کار یک شرکت تعاونی یا یک مؤسسه اقتصادی و اجتماعی سردر میآوریم آیا قبلا مطالعاتی دراین باره داشیم و یافکر میکنیم اداره‌کردن آن کار مهمی نیست و از هرکسی برمیآید؟ لذا روی همین اعتقاد مسؤولیتهائی هم بما محول شده و ما نیز بدون آنکه وضع خودرا در برابر انجام صحیح مسؤولیت‌ها سنجیده باشیم آنرا پذیرفتیم.

(۱۸) در باره رابطه اعضاء با یکدیگر و رابطه فردی و جمعی آنها باشرکت هیچ خط‌مشی و ضابطه‌ای در دست است یا خیر؟ آیا اصولا تعیین چنان ضابطه و مقرراتی ضرورت دارد یاخیر

(۱۹) هرسازمانی تشکیلاتی برای خود رکن یا رکنهائی دارد که در اصطلاح ارکان نامیده میشود و شرکت تعاونی هم برچنین قاعده‌ای بنا گردیده. آیا این ارکان را می‌شناسیم و بطرز کار آنها آشنا هستیم؟.

(۲۰) اجازه دهید فرض براین قرارگیرد که برای سروسامان‌دادن بوضع شرکت تعاونی از امروز تصمیم گرفته باشیم که برهمین اساس یکرشته کارهای زیربنائی بکنیم. حداقل از سه‌سال گذشته وضع مالی و اجتماعی و حقوقی شرکت را باید بدقت مطالعه کرده و آنها را بریک روال علمی ارزیابی کنیم تا به ترتیب نقاط ضعف و قوت آنرا دریابیم. هیچ مانعی ندارد که برای حسن هرچه بیشتر اجرای امر از یک یا دو متخصص و صاحب‌نظر کمک بخواهیم.

(۲۱) مطالعه ما شامل این قسمت خواهد بود که در گذشته چه خدماتی را میتوانستیم انجام دهیم که بعلل نامعلوم از عهده آن برنیامده‌ایم. در نتیجه ممکن است این پرسش پیش‌آید که خدمت یا خدمات اجتماعی و اقتصادی باید مبتنی برامکاناتی باشد و این امکانات احتمال دارد مادی یا اجتماعی و معنوی باشد. باید دانست که آیا چنین امکاناتی در اختیار بوده که ما از آن بهره نگرفته‌ایم یا اینکه نبوده. سعی استواقعاً چنان وسایل وامکاناتی نداشته‌ایم که در این مورد بخصوص پیش میاید این است که بدانیم آیا مسؤولان شرکت برای گردآوردن امکانات تاچه اندازه تلاش و کوشش بخرج داده و میدهند.

البته پاسخ این پرسش تفصیل زیادی دارد که باید دورهم نشست و درباره جزئیات آن بحث و گفتگو کرد.

۲۲- چنانکه بارها تکرار کرده‌ایم اولین و اصلی‌ترین منبع مالی، فکری و انسانی شرکت تعاونی اعضاء آن هستند. البته برای برخورداری از چنین ذخیره‌ای روشهای ویژه وجود دارد که افراد معتقد و با ایمان می‌دانند چگونه باید از آن بهرمند شوند. منظور تنها بهرمند شدن به نفع شرکت تعاونی و اعضاء آن است. اگر دیدیم که گاه بعضی از اعضاء در همکاری‌های مادی و جمعی حوصله و توجه زیادی به خرج نمیدهند به آن دلیل است که نمیدانند قضیه شرکت تعاونی از چه قرار است و یا اینکه این دیگر چه جور پدیده‌ای ممکن است باشد؟ به عبارت دیگر باید گفت که مسئولان قانونی شرکت هم خود نمیدانند که چه وظایفی را عهده‌دار شده و تا چه اندازه خطیر است، یا اینکه خدای نکرده چه بسا ممکن است اصلا اعتقادی در بین نباشد. پس به این ترتیب نباید توقع زیادی داشت.

۲۳- باید دید آیا شرکت تعاونی نقش حق‌العمل کار — یا واسطه بین عامل توزیع بخش انتفاعی و شرکت تعاونی را به عهده دارد یا اینکه برعکس تلاش و کوشش آن وقف حذف هرگونه واسطه‌ای در این رابطه می‌باشد؟

۲۴- برای تامین منابع مالی صرفنظر از سهام و پس‌انداز اعضاء به سراغ کدام بانک یا مؤسسه اعتباری باید رفت که از لحاظ مدت — نرخ بهره مناسب حال شرکت تعاونی باشد؟

۲۵- باید دید سابقاً اعضاء شرکت تعاونی وام یا اعتبار لازم را به چه وسیله و از طریق کدام مؤسسه اعتباری یا اشخاص تامین می‌کرده‌اند؟

۲۶- نحوه دادو ستد اعضاء با شرکت بر چه روالی بوده است، به صورت نقدی صورت‌میگرفته یا نسیه؟ بدهی شرکت به مؤسسات تجارتی چقدر است، بدهی شرکت به اشخاص چقدر است؟ منظور از اشخاص این است که آیا شرکت با صرافها یا دوستان اعضاء هیات مدیره بگیر و بستان دارد؟

۲۷- طلبها و بدهی های عقب‌افتاده شرکت چه میزان است. اگر طلب یا بدهی عقب افتاده‌ای باشد چرا تا به حال نسبت به دریافت یا پرداخت آن اقدامی نشده و دلیل آن چه بوده؟

۲۸- اگر شرکت اعتباری باشد چه افرادی بر اعطای وام نظارت و سرپرستی دارند؟

۲۹- وامها با چه بهره‌ای دریافت و با چه بهره‌ای به اعضاء پرداخت میشود

۳۰- مازاد درآمد شرکت طی سه سال اخیر چقدر بوده و چگونه تقسیم و منظور شده است

۳۱- مازاد بصورت جنسی باعضاء برگردانده شده یا بصورت نقدی

۳۲- آیا شرکت تعاونی از مازاد درامد خود ذخیره یا ذخیره‌هائی هم کنار میگذارد یا نه اگر جواب این سئوال مثبت باشد نوع و میزان هریک از ذخیره‌ها چقدر بوده وآیا بمصرف واقعی خود رسیده ویا در محل خود منظور شده یا نه

۳۳- اعضاء شرکت میتوانند و باید هم بدانند که تهیه مواد مصرفی توسط چه کسانی واز چه بازارهائی صورت میگیرد ودلیل آن چیست

۳۴- آیا بازار یا فروشنده‌های دیگری هستند که در مقایسه مواد مصرفی مورد نیاز اعضاء را بابها و شرایط مناسبتری در اختیار شرکت تعاونی قراردهند یا نه؟

۳۵- در حال حاضر عده زیادی از شرکتهای تعاونی کارگری و غیر کارگری در یکی دو اتحادیه تعاونی عضو بوده و مقداری از دادوستد خود را باآنها انجام میدهند.

اعضاء شرکتهای تعاونی نه تنها حق دارند بلکه وظیفه دارند بدانند دادو ستد شرکت تعاونی آنها با هریک از این اتحادیه‌ها واقعاً بنفع شرکت واعضاء تمام میشود یاخیر؟

۳۶- چنانچه جواب این سئوال منفی باشد باید بررسی شود در اینصورت هیات مدیره شرکت تعاونی آنها بچه حق و طبق کدام وظیفه چنین تعهدی را پذیرفته است؟

۳۷- علم بازرگانی و مدیریت بدقت نشان میدهد که مثلا هزینه ده هزار تومان سرمایه‌گذاری چقدر بوده وبرای بهره گرفتن از ده هزار تومان سرمایه چه مبلغ هزینه تجارتی و مدیریت لازم است تاشرکت یا واحد اقتصادی بتواند حداکثر استفاده را ببرد ودر غیرآنصورت انتظار میرود شرکت سود کمتری بدست آورده واحیاناً دستخوش زیان گردد. غرض از طرح این پرسش جلوگیری از حیف و میل سرمایه شرکت تعاونی از راه خاصه خرجی و بی‌مبالاتی و واقف نبودن بروش صحیح مدیریت واحد اقتصادی است.

۳۸- ضایعات و صرف هزینه‌های جزئی و ظاهراً بی‌اهمیت سبب میگردد از درآمد خالص شرکت کسر شود. لذا باید نسبت بجزئیات هریک از هزینه‌ها دقیقاً بررسی و دلسوزی شود، زیرا صرف نظر از اصول بازرگانی پیشرفته امروز مسئولان شرکت اجازه ندارند اموال جمعی وعمومی افراد رااز دست بدهند.

۳۹- شرکت تعاونی تاکنون چه رابطه‌ای با سازمانهای تعاونی دیگر و مؤسسات اقتصادی غیراجتماعی برقرار کرده‌است؟

۴۰- رابطه شرکت با مردم محل و افراد غیر عضو در چه وضعی است؟ آیا با افراد غیرعضو خرید و فروش می کند یا نه؟ اگر جواب، بله باشد، طبق کدام قانون ومقرراتی عمل میشود اساس این داد و ستد بر چه مبنائی است، سود یکطرفه یا خدمت دوجانبه

۴۱- در صورت ارتباط با مردم غیر عضو این رابطه جنبه اجتماعی دارد یا اقتصادی؟ چه چیزی سبب ایجاد چنین رابطه یا روابطی شده؟ نیازمردم به خرید از شرکت یا رفتارمردم گرای شرکت تعاونی درمحل؟

۴۲- اگر رابطه شرکت تعاونی با مردم محلی حسنه باشد، آیا مسؤولان شرکت تعاونی تا بحال توانسته‌اند برای جلب آنها به عضویت در شرکت گامی بردارند؟ در اینصورت تا چه اندازه موفق بوده‌اند یا میتوانستند بیشتر موفق باشند ولی نشدند. دلیل هر یک از این موارد چه بوده‌است؟

۴۳- چنانچه شرکت تعاونی توانسته باشد توجه مردم محلی را بخود جلب کند، کدام یک از عوامل زیرسبب اینکارشده‌است

الف) رضایت اعضاء از شرکت و تعریف و تبلیغ آنها درمیان مردم محلی؟

ب) حسن خدمت شرکت بمردم محل از راه فروش کالا با کیفیت وبهای مناسب؟

ج) نبودن فروشگاههای دیگر که مردم ناگزیر خریدهای خود را از طریق شرکت تعاونی انجام می‌دهند؟

۴۴- آیا شرکت تعاونی در مورد داد و ستد با افراد غیرعضو حساب و دفتر جداگانه‌ای دارد یا نه؟ و اگر دارد، آیا این دفتر و حساب کلی است یا اینکه برای هر یک از مشتریهای غیر عضو یک فصل جداگانه‌ای منظور کرده‌است.

۴۵- چند درصد از مشتریان شرکت را اعضا و چه درصد از آنها را افراد غیر عضو تشکیل میدهند؟

۴۶- نوع کالاهای مورد خرید اعضاء کدامند؟ افراد غیر عضو بسراغ چه نوع کالائی در شرکت میآیند؟

۴۷- آیا برای هر یک از آنها دلیلی وجود دارد یا خیر؟ مسلماً دلایلی وجود دارد که باید کشف ودانسته شود.

۴۸ آیا شرکت خریدهای خود را از دست اول و از محل تولید انجام میدهد یا از دست دوم، سوم وغیره؟

۴۹ در صورت امکان خرید از دست اول آیا شرکت تا چه حد در این راه پیش رفته و چند درصد از خریدهای خود را از دست اول نموده و دلیل اینکه نتوانسته است سایر مواد مصرفی

بقیه در صفحه ۸۱

روزنامه رستاخیز

کارگران

در کمیته امور زنان کارگر اعلام شد:

۹۰ هزار زن در کارگاه های کشور اشتغال دارند

زنان در واحدهای تولیدی نقش ارزنده‌ای برعهده دارند

کنفرانس وزیران کار کشورهای آسیایی در تهران تشکیل می‌شود

* بهره‌وری نیروی کار

* آموزش و تحرک نیروی کار

با پیام شاهنشاه آریامهر کنفرانس وزیران کار کشورهای آسیائی روز بیست‌ونهم شهریور ماه جاری کار خود را در تهران آغاز میکند.

این کنفرانس که بمدت سه روز ادامه خواهد داشت در زمینه آموزش حرفه‌ای و تحرک نیروی کار و همچنین بهره‌وری کار به بحث و گفتگو خواهد پرداخت در کنفرانس وزیران کار کشورهای آسیائی حدود بیست تن از وزیران کار کشورهای آسیا طی برپائی، کنفرانس در دو کمیته در مورد آموزش حرفه‌ای و تحرک نیروی کار و همچنین بهره‌وری کار را به رایزنی خواهند پرداخت و سپس نتایج بدست آمده در جلسه عمومی روز سی‌ویکم شهریور ماه مطرح خواهد شد که البته باید گفت این کنفرانس قطعنامه نخواهد داشت بلکه اعلامیه ای منتشر خواهد کرد که از نتایج کمیته های مورد اشاره خواهد بود.

لازم بیاد آوری است که کنفرانس قبلی وزیران کار کشورهای آسیائی که در ملبورن استرالیا برپا شده بود جنبه‌های اقتصادی — اجتماعی و توسعه اشتغال و همچنین توسعه همکاریهای فنی در زمینه کار و مسائل مربوط به منطقه آسیا را مورد بحث و گفتگو قرار داده بود.

بهره‌وری و آموزش و تحرک نیروی کار که دستور جلسه کنفرانس وزیران کار کشورهای آسیائی است از جمله نکاتی است که در کنفرانس ملی کار تهران مورد بررسی قرار گرفت و نتایج بدست آمده از آن کنفرانس که سه نمایندگان سه گروه دولت — کارگر و کارآما در آن شرکت داشتند مدددهنده و راه‌گشائی برای ابراز نظر و عقیده خواهد بود. و اندوخته‌های مناسبی توسط کارشناسان برای ادامه در کنفرانس وزیران کار کشورهای آسیائی در اختیار کارشناسان کشورمان قرار خواهد داشت.

شرکت کنندگان در کنفرانس وزیران کار آسیائی تهران همچنین در مدت اقامت خود در کشور ما از دیدنیها و جاذبه های توریستی اصفهان و شیراز دیدن خواهند کرد.

برای استفاده از خدمات درمانی

یک میلیون کارگر تحت آموزش قرار میگیرند

یک میلیون کارگر بیمه‌شده در سراسر کشور برای فراگیری سیستم درمانی تحت آموزش قرار میگیرند.

بعلت عدم آگاهی کارگران در نحوهٔ درمان مستقیم و غیرمستقیم وچگونگی بهره‌گیری از شرایط و امکانات بوجود آمده و براساس توصیه سمینار بررسی مسائل درمانی کارگران از طریق انتشار پوستر و تشکیل دوره‌های آموزشی و تنظیم برنامه های رادیو و تلویزیونی اقدام خواهد شد. همچنین براساس دستورالعمل های مربوطه برای استفاده از خدمات درمان مستقیم وسائل بهداشت و ایمنی و تنظیم خانواده و نحوهٔ استفاده از خدمات درمانی همراه با دفترچه اسامی پزشکان و کادر درمانی در اختیار کارگران گذارده میشود.

در نظر است برای رفاه کارگران بیمه‌شده شهرستانها و رسیدگی بمسائل آنان کمیته هائی در کلیهٔ شهرستانها تشکیل شود تا مشکلات کارگران بیمه شده و خانواده آنان در این مورد مرتفع گردد.

رئیس سازمان کارگران ایران:

بیان رهبر مملکت داوری تاریخ است

***انتخابات انجمن های دموکراتیک در این دوره یک آزمون بزرگ ملی است.**

اشاره:

تشکیلات حزب رستاخیز ملت ایران که به صورت یک ضرورت اجتماعی و تاریخی و سیاسی تحقق پیدا کرده است، ملت ایران را در جرگه ای فراگیرنده قرار داده و در مسیر تازه ای رهنمون میگردد. مسیری که با نیازهای امروز ملت بزرگ ایران سازگار است و می تواند پاسخگوی درخواستهای جامعه ای باشد که در دوران شکوفائی انقلاب بسر میبرد. اصولا فلسفه تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران بمنظور تکمیل انقلاب شاه و ملت تدوین شده است و یکی از مظاهر این انقلاب، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش است و بهترین روش تعیین سرنوشت ملت، شرکت در انتخابات شمرده میشود. از همین رو ملت ایران که همگی زیر چتر حزب رستاخیز گرد آمده‌اند، با آگاهی کامل از ارزش تصمیم‌گیری و شرکت در سرنوشت خویش، خود را آماده برگزاری انتخابات انجمن های دموکراتیک و شرکت فعالانه در این انتخابات کرده‌اند. اگر صفوف فشرده و فعال طبقات مختلف مردم را جستجو کنیم، بی‌گمان کارگران را در صدر آنها می‌بینیم که با شوق و اشتیاقی خاص در پی شرکت در این انتخابات هستند و می کوشند همه نیرو های خود را برای گزینش افراد مورد معامله خویش که ازسوی حزب رستاخیز ملت ایران کاندیدای عضویت در انجمن های شهر، شهرستان و استان خواهند شد، بسیج کنند. لذا بی مناسبت ندانستیم که در این زمینه گفتگوئی با آقای فرج‌الله ابکاری رئیس سازمان کارگران ایران داشته باشیم.

رستاخیز کارگران:

«— میدانیم که کشور ما، اینک در شکوهمندترین دوران حیات خویش است. در دورانی است که ملت ایران، بیش از هر زمان دیگر، از اتحاد و وحدت فکری و سیاسی و اجتماعی برخوردار است، میدانیم که عصر رستاخیز دورانی است متحول و دگرگون شده که آنرا با گذشته های دور و نزدیک قیاس نتوان کرد. میخواستم در آستانه انتخابات انجمن های دموکراتیک، نظر شما را که مسئولیت اداره یکی از مهمترین و مجتمع ترین واحد های تشکیلاتی کشورما، یعنی سازمان کارگران را برعهده دارید و در واقع می‌توانید منادی نظرات یک یک کارگران باشید، پیرامون این تغییرات و دگرگونیها و تأثیری که تحولات عصر رستاخیز در امر انتخابات دارد بدانیم.

فرج‌الله ابکاری:

درحقیقت یکی از خصوصیات بارز رستاخیز ملت ایران بی گمان، ایجاد وحدت و یکپارچگی ملت ایران است که رهبر عالیقدر ملت ایران با توجه به مقتضیات و ویژگیهای روحی و اقتصادی واجتماعی جامعه ما، امکان آنرا فراهم فرمودند. درسایه این اتحاد و یگانگی است که ایران تحت رهبری های شاهنشاه آریامهر هر روز

> **مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش وشرکت در انتخابات انجمن های دموکراتیک یکی از مظاهر انقلاب شاه وملت واز ویژگیهای ایران عصر رستاخیز می باشد.**

آقای ابکاری درگفتگو با نویسنده رستاخیز کارگران

درجهت ترقی وعظمت گام برمیدارد مملکت ما امروز از یک مکتب دموکراسی منطقی و صحیح برخوردار است. این مکتب اندیشمندانه که رهبر انقلاب آنرا پایه ریزی فرموده‌اند امکان مشارکت مردم را در تعیین سرنوشت خویش فراهم ساخته است. از همین رو من ایمان راسخ دارم که ملت ایران وخصوصاً کارگران شریف که همواره ازمواهب انقلاب برخوردار بوده و از ویژگی های خاص این دموکراسی و نیز خصوصیات بارز فلسفه رستاخیز ایران آگاهی کامل دارند فرصت شرکت در انتخابات انجمن های دموکراتیک را از دست نخواهند داد و با علاقه‌ای صد چندان آراء خود را به نفع کاندیداهای مورد علاقه خود به صندوق ها خواهند ریخت

رستاخیز کارگران:

— درچند هفته اخیر ما شاهد فعالیت سازمان کارگران ایران، بمنظور بسیج کارگران و نیز شور و اشتیاق کارگران برای شرکت در انتخابات انجمن های دموکراتیک بوده‌ایم. دلیل این شوق و اشتیاق، گذشته از آنچه بیان کردید، چیست؟»

فرج‌الله ابکاری:

«سیمای ایران همیشه در آینه سخنان شاهنشاه آریامهر تجلی میکند. بیان پیشوای مملکت داوری تاریخ است. از این رو در پاسخ به این سؤال من از بیانات شاهنشاه آریامهر که شاه سخنان است یاری می‌جویم. شاهنشاه آریامهر در آئین سلام سعی خطاب به نمایندگان رسانه های گروهی درزمینه انتخابات انجمن های دموکراتیک فرمودند:

«... یکی از آثار و نتایج حزب رستاخیز شرکت کردن مردم در امور معاشی و مملکتی خودشان و همچنین شرکت کردن در انتخابات انجمن های دموکراتیک است ... این در واقع اساس دموکراسی است .... به فقط ما باید مردم را تشویق بکنیم بشرکت در این کار، بلکه انتظار ما این است که در این کار شرکت بکنند، بدو منظور، یکی برای اینکه این کار جنبه ملی وجنبه میهنی دارد. دوم اینکه مربوط به خودشان است. اگر احیاناً از یک موضوعی شکایت داشته باشند یا درجائی یک نقصی و یک عیبی داشته باشد اگر فقط به این قناعت کنند که بگویند بمن چه مربوط است مسؤولین باید خودشان کار ها را انجام بدهند، آنوقت جای گله وشکایت هم باقی نمی‌ماند. وقتی که به آنها فرصت شرکت بدهیم و شرکت در این قبیل کارها را که زندگی روزانه آنها بستگی به آن دارد اگر انجام ندهند در واقع یکنوع کوتاهی نسبت بخودشان کرده‌اند و نسبت بشرکت عمومی مردم در کار های مملکتی به این جهات و لحاظ اهمیت انتخابات انجمن-های دموکراتیک و بخصوص شرکت مردم در آنها، خیلی روشن ومبرهن است.»

توجه کارگران به این فرمایشات رهبر عالیقدر انقلاب است که شوق و اشتیاق آنان را برای شرکت در این انتخابات برانگیخته است. ازسوی دیگر کارگران با توجه به فلسفه رستاخیز خویش [illegible] انتخابات انجمن های دموکراتیک [illegible] می [illegible] برای انجام انتخابات [illegible] و از همین روست که کارگران می کوشند از عهده این آزمون بزرگ ملی برآیند.

رستاخیز کارگران:

«— آقای ابکاری خواهش می کنم برای خوانندگان ما تشریح کنید که سازمان کارگران، برای بسیج کارگران وشرکت دادن فعالانه این گروه بزرگ ازملت ایران درانتخابات انجمن های دموکراتیک چه کرده و چه برنامه هائی دراین زمینه تدوین و بمرحله اجراء درآورده است؟»

فرج الله ابکاری:

سازمان کارگران با ایمان به اینکه کوشش در [illegible] انتخابات انجمن های دموکراتیک وشرکت فعالانه و گسترده در امر انتخابات انجمن های شهر، شهرستان واستان یک وظیفه ملی ومیهنی است، نهایت کوشش خود را برای بسیج کارگران بعمل آورده است. از جمله با تشکیل جلسات متعدد با شرکت کارگران، ویژگیهای انتخابات انجمن های دموکراتیک در عصر رستاخیز بررسی شده وبا ترتیب جلسات سخنرانی در تهران وشهرستانها، اهمیت شرکت گسترده کارگران در این آزمون بزرگ ملی، ازسوی مسئولان سازمان کارگران ایران تشریح شده‌است.

خوشبختانه همانطور که میدانید، کارگران حق شناس ایران، با برخورداری از دست آورد های سعادت خیز و آموزنده انقلاب، ودرپرتو آموزش های سازنده و روشنی ساز حزب فراگیرنده ملت ایران، و بالاتر از همه با برخورداری از رهنمون‌های رهبر عالیقدر انقلاب به ارزش های شرکت در انتخابات وتعیین سرنوشت خویش بخوبی آگاه هستند و لذا خود را برای این امر از هرنظر بسیج وآماده کرده‌اندو سازمان کارگران در واقع می کوشد آهنگ این بسیج افتخارآمیر راموزون‌ترسازد.»

رستاخیز کارگران:

«— بمنظور ایجاد تسهیلات بیشتر برای کارگران رای دهنده چه برنامه هائی‌دارید؟»

فرج الله ابکاری:

تصمیم فرمانداری تهران مبنی براستقرار شعبه ثبت نام و صدور کارت الکترال در واحدهای کارگری که بیش از یکصد عضو ثابت‌رای دهنده هستند، کارمارادراین زمینه آسان‌تر کرد. درپی اعلام این تصمیم سندیکا-های کارگری که دارای این شرائط هستند. چگونگی را اعلام کردند و به موقع نسبت به استقرار دفاترصدور کارت الکترال درواحدهای آنها اقدام شد. ومن امیدوارم که کارگران این آزمایش را که یک آزمون ملی است نیز باسربلندی وافتخاربشت‌سرگذارند.»

باحزب رستاخیزملت ایران بیشترآشنا شویم «۶»

رستاخیزحرکتی است نو، انقلابی است بی مانند

محمدجعفرفتحی زاده

شناخت هرچه بیشتر حزب رستاخیز ملت ایران و اینکه وظایف ما درمقابل حزب چیست و اصولا حزب چگونه رفتار میکند ومتاثر شدن از این رفتار در اجتماع و درمقابل وظایفی که بعهده داریم چگونه باید باشد، هدفی است که از چند شماره پیش طی سلسله مقالاتی آغاز کرده‌ایم که امیدوارم طی آنها توانسته باشم قدمی کوچک درراه آموزش حزبی وسیاسی خوانندگان عزیز برداشته باشیم.

کانونهای حزبی

قبل از آغاز سخن درمورد کانونها لازم بیادآوری است که در مقالات گذشته قسمتهای مختلف حزب وظایف و اختیارات و ارتباط مجمع موسسین، کنگره حزب شورای مرکزی — هیات اجرائی دفترسیاسی و دبیر کل را باز گفتیم وارتباط ارکانهای حزب با یکدیگر ونقشی را که دراجرای امورمملکتی و حزبی بعهده دارند برشمردیم.
اینک کانونهای حزبی را که بنظر نگارنده یکی ازمهم ترین ارکان حزب برای ما بشمارمیآید مورد بررسی وشناخت قرارمیدهیم.

درکوتاه کلام بایستی گفته شود که مشارکت درحزب تنها نمی تواند براساس حرف وسخن باشد بلکه مشارکت در اموری که بخودمان مربوط میباشد فعالیت و کوشش لازم دارد وبایستی واقعاً نشان دهیم که دراین مشارکت نقشی بیشتر ووالاتر ازیک مستمع داریم.

کانون حزبی در اجرای برنامه مشارکت و اظهار نظر همه‌گونه فرصت را برای همگان فراهم آورده است بطوریکه از رهبرمان میشنویم «**حزب باید منعکس کننده اشتراک کامل مردم، هم ازلحاظ نظر دادن و هم ازلحاظ اجرا باشد**» برای این منظور کانون حزبی مقابلمان قراردارد.

اجتماع حداقل صد نفر

درتعریف کانون حزبی گفته شده که با اجتماع حداقل صد نفر وحداکثر دویست نفر میتواند یک کانون تشکیل شود و درشهر های با بیش از صد هزار نفر جمعیت، حداکثراعضای کانون ۳۰۰ نفرهم می تواند باشد.
ودرروستاهائیکه جمعیت آنها از ۲۵۰ نفر کمتر است یک کانون میتوانند تشکیل دهند و همچنین کانونها نبایستی جنبه حرفه‌ای و صنفی داشته باشند و تمام طبقات مختلف مردم میتوانند درآن عضویت یابند.
با این تعریف از کانون متوجه میشویم که عقاید و افکار مختلف در یک محل رودرروی یکدیگر قرارمیگیرد. اما ازاین رو با روئی نتیجه‌ای مورد نظر است که همانا بررسی و بیان مشکلات و یافتن راه حل برای آن و نتیجتاً ارائه آن نظرها به مقامات حزب درسطح تصمیم گیری برای تامین وبرطرف شدن نیازهاست.
علاوه برآنچه که گفته شد مشارکت در کانونهای حزبی و ابراز عقیده و ارائه طریق جهت بررسی مسائل مملکتی خود درجهت تعمیم دمکراسی یعنی واگذار کردن کارمردم بمردم میباشد. بنابراین در کانونهای حزبی وظیفه‌ای داریم که نه تنها درمورد مسائل مربوطه به خودمان بلکه در تمام زمینه های سیاسی — اقتصادی و اجتماعی عقیده خود را ابرازداشته وارائه طریق بکنیم. دراینجا سخنان شهبانو را نقل میکنیم که فرمودند: «**کانون حزبی محل گفت وشنود واقعی ومستمر در زمینه سیاستها و مسائل حزبی محلی و مملکتی و بین المللی است، محل شناخت برداشتهای مردم از مسائل گوناگون سیاسی حزبی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی است، محل ایجاد آگاهی سیاسی مشترک ازطریق تفهیم واقعی سیاستها، برنامه ها مسائل ومشکلات محلی وملی است، محل مشارکت مردم کشوردرزندگی سیاسی مملکت است، محل ازمیان برداشتن حس بدبینی، محل حفظ و استحکام بخشیدن به ارزشها و خلاقیت اصیل جامعه ایرانی است، محل شناخت استعداد ها و افراد میهن پرست و پر کاراست**»
با تکیه براین سخنان مفهوم است که کانون هدفی (مردمی) دارد و برای شرکت درآن نبایستی توقع مقام وموقعیتی را داشت. زیرا خدمت بمردم بکشورو خود نیازمند مقامی نیست. بنابراین اگر انگیزه اشخاصی که به کانونها روی میاورند تنها کسب مقام باشد یا با این برداشت به کانون آمده باشند که با دوسه بارشرکت درجلسات کانون کلیه مسائل را حل و فصل کنند و احیاناً موقعیتی را برای خود فراهم آورند مسلماً انگیزه اشتباهی را برگزیده‌اند.
بنابراین برای شرکت در کانونهای حزبی هدفی والاتر واجتماعی تر باید داشت ونهایت موضعی را برگزید که برخدمت مردم متکی باشد.
البته لازم است گفته شود که ازطریق کانونها افراد شناخته خواهند شد وچنانچه بتوانند درارائه نظرهای صائب و کمک به رفع مشکلات حداقل محله خود موفق شوند فرصتهای خدمتگذاری درمراجع دیگر برایشان آسان خواهد شد و دراینصورت توفیق خدمتگذاری بیشتر را بدست میآورند.

آموزش سیاسی

ازطرفی کانونهای حزبی مکتبی برای آموزش سیاسی و شناخت واقعیتها میباشد شنیدن ومقایسه عقاید افراد بسیار ازگروههای مختلف دریک جمع باعث خواهد شد تا قدرت درک و بینش بیشتری نسبت بمسائل بدست آوریم که کانونهای حزبی همین هدف را دنبال میکند وبایستی این چنین نیز باشد.
بارها اززبان مسؤولان حزب شنیده‌ایم که کانون تشریفاتی مورد نیاز نیست زیرا صرفاً داشتن کانون هدف نمیباشد، بلکه بایستی کانونهای حزبی نقشی اصلی درابراز عقیده وارائه طریق بعهده داشته باشند. کانون حزبی به هیچ تشریفاتی نیازمند نیست و درکانونهای حزبی مکان و فرصتی برای اشخاص پرگو وکم عمل وجود نخواهد داشت بنابراین دست دردست یکدیگر در کانونهای حزبی جمع میشویم تا راهی را که حزب رستاخیز ملت ایران برایمان مشخص کرده‌است هموار سازیم. این ممکن نیست مگر اینکه گروهی افراد صادق با دیدی اجتماعی و اصولی در کانونها جمع شوند و راهی را برگزینند که به ترکستان نیانجامد بلکه مدینه فاضله‌ای را نوید دهد.

ادامه دارد

منوچهرآزمون:

کوشاترین افراد به پارلمان شهری راه خواهند یافت

به کسانی رأی خواهم داد که نخست با وظائف قانونیشان آشنا ودرزمینه دفاع ازحقوق مردم ومسائل ملی ومیهنی شجاع وباشهامت باشند.
این عقیده منوچهر آزمون وکیل اول مردم تهران درمجلس شورایملی وعضو هیأت اجرائی موقت حزب رستاخیز ملت ایرانست او در گفتگوئی کوتاه با روزنامه رستاخیزاظهار داشت انجمن های ملی با پارلمان‌های محلی نقشی بسیاراساسی وسازنده درتعیین سرنوشت هرشهر دارند باین خاطر که تمامی فعالیت های هر شهر درانجمن های محلی متمرکز خواهدشد و این سبب خواهد شد تا مردم در امور مربوط بخودشان فعالیتی گسترده و روز افـــزون داشته باشند. نماینده مردم تهران درادامه صحبت هایش گفت من به کسی رأی خواهم داد که تمامی هم وکوشش را صرف انجمن کند و در «شهر» و «شهرستان» و «شورای منطقه‌ای آموزش و پرورش» فعالانه تلاش کند وضمن آگاهی با مشکلات مردم کارساز وخلاق باشدو بتواند برای حل مشکلات به بهترین شکل ممکن ارائه طریق کند.
درزمینه امکانات ونقش انجمن های ملی در این دوره منوچهر آزمون گفت:
در کمال تأسف در ادوار قبل فعالیت نمایندگان انجمن ها محدود،به اختیاراتی بوده است که بآنان داده میشد وبهمین علت بخاطر این محدودیت ها بسیاری ازطرحهای کارسازدر جهت رفع نیازمندیهای مردم بمرحله اجراء در نیامد. در حالیکه قانون وظائف انجمن را متناسب با نیاز جامعه بسیار وسیع مطرح کرده است. و مسئولان اجرائی باید فعالیت بیشتر توأم با امکانات لازم ومنطقی درمناطق فراهم نمایند تا ازاین رهگذر مردم به ارزش وجودی

انجمن ها آگاهی کامل پیدا کنند و با ایمان و اعتقاد کامل به این مسئله بشکلی مؤثرتر از گذشته در فعالیت های انتخاباتی شرکت نمایند. زیرا وقتی که اعتماد بوجود آمد، و توده‌های مردم بشکلی منطقی بمسائل شهری جلب وجذب شدند انجمن ها بطورطبیعی قدرت و قوام پیدا میکنند. و بدین صورت دموکراسی بمعنای واقعی تجلی وتظاهر خواهد کرد.
آزمون در پایان صحبت خود اضافه کرد که خوشبختانه در این دوره امکان شرکت گسترده مردم دراسر انتخابات انجمن های شهر و شهرستان و استان فراهم آمده و با بهره‌گیری از این فرصت درپرتو امنیت حاکم بر کشورباید کسانی را انتخاب کنند که واقعاً از هرحیث واجد شرایط باشند وازمحبوبیت و مقبولیت عام برخوردار باشند و خوب توجه داشته باشند که در شرایط آرمانی کنونی فریب چاپلوسان و متقلبین را نخورند. درچنین شرایط این اطمینان هست که کوشاترین و پاک‌ترین افرادبه پارلمان های شهری راه یابند.

کارگران وفعالیتهای سیاسی

برای گسترش فعالیت های سیاسی کارگران سراسر کشورسازمان سیاسی حزب فعالیت وسیعی را آغازکرده واز این رهگذر هر روز بر تعداد کانونهای جدید حزبی با شرکت کارگران و سایرگروههای مردم اضافه میشود.
در همین زمینه از سوی سازمان کارگران برای تکمیل کانونهای حزبی در نقاط مختلف کشور هیاتهائی بشهرستانها اعزام میشوند تا موجبات همکاری بیشتری را برای تشکیل کانون های حزبی کارگری فراهم کنند. در این کانونها اعضای خانواده کارگران نیز میتوانند عضویت داشته باشند.

کارگران صنایع مواد غذائی استان آذربایجان شرقی گواهی‌نامه ثبت اتحادیه خود را دریافت کردند

وزیر کار و امور اجتماعی گواهی‌نامه ثبت اتحاد به کارگران صنایع مواد غذائی استان آذربایجان شرقی را به رئیس اتحاد به‌میدهد.

رؤسای اتحادیه کارگران صنایع مواد غذائی استان آذربایجان شرقی طی ملاقاتی با وزیر کار و امور اجتماعی گواهینامه ثبت اتحادیه خود را دریافت کردند.

در این مراسم وزیر کار و امور اجتماعی طی سخنانی اظهار داشت: در دوران شاهنشاهی پهلوی و در عصر رستاخیز کارگران از چنان موقع و مقامی برخوردار شده‌اند که هیچگاه نظیر نداشته است.

وزیر کار اضافه کرد: آزادیهای فردی و اجتماعی که تشکیل اتحادیه‌های کارگری و سندیکاها از آثار آن است موهبتی است که کارگران کشور ما از آن برخوردار هستند.

وزیر کار از اعضای اتحادیه صنایع مواد غذائی استان آذربایجان شرقی خواست تا با تعلیمات کارگران جوان و آشنا کردن آنان با رویدادهای تاریخی کشورمان، کارگران را نسبت به مسائل مملکتی آگاه و هوشیار سازند و همچنین کیفیت کار و بهبود تولید را همیشه مدنظر داشته باشند.

واحدهای تولیدی رضائیه مورد بازدید مردم قرار گرفت

واحدهای تولیدی رضائیه مورد بازدید گروههائی از طبقات مختلف مردم قرار می‌گیرد و طی آن پیشرفتها و موفقیتهائی که در زمینه صنعت [illegible]

واحد تولیدی بزرگ در رضائیه دیدن کردند. بر اساس این گزارش افسران و درجه‌داران لشکر ۶۴ رضائیه نیز طی یک بازدید گروهی از واحدهای تولیدی مرکز استان آذربایجان غربی دیدن کردند و از نحوه تولید و چگونگی [illegible]

کارگران اراک با اصول پیشاهنگی آشنا شدند

جمعی از کارگران اراک طی یک کلاس آموزشی با اصول و مشی پیشاهنگی آشنا شدند.

در این کلاس که با شرکت بیست و چهار نفر از کارگران واحدهای صنعتی اراک تشکیل شد، جمعاً ۳۰ ساعت اصول و مشی پیشاهنگی به کارگران آموزش داده شد.

کارگران شرکت کننده در این کلاس پس از موفقیت در آزمایش به دریافت دستمال گردن پیشاهنگی مفتخر شدند.

دستمال گردن پیشاهنگی کارگران اراک توسط رئیس اداره کار و امور اجتماعی این شهر به آنان داده میشود

دختران سمنان برای کار در واحدهای صنعتی آماده میشوند

دختران و زنان فرمانداریکل سمنان با استفاده از تجربیات مربیان و امکانات واحدهای سیار کارآموزی، با رشته‌های فنی آشنا میشوند و خود را برای ورود به بازار کار آماده میسازند.

گزارش رسیده از سمنان حاکیست: بدرخواست سازمان زنان این شهر صندوق کارآموزی اقدام به تشکیل کلاسهائی در رشته‌های سیم کشی ــ لوله کشی و تعمیر موتور در آن شهر کرده است و در حال حاضر در این کلاسها چهل نفر از دختران ۱۶ تا ۲۰ سال زیر نظر مربیان کار آزموده در رشته‌های مذکور آموزش می بینند.

گروهی از دختران سمنان در کلاس آموزش حرفه‌ای واحدهای سیار

بر اساس این گزارش کمیته مشورتی مسائل صنعتی وابسته بحزب رستاخیز ملت ایران در فرمانداریکل سمنان نیز ضمن بازدید از این کلاسها ــ خواستار گسترش و شرکت هر چه بیشتر دختران در اینگونه کلاسهای آموزشی شد.

دختران شرکت کننده در کلاسهای آموزشی حرفه‌ای در مدت آموزش با اصول اولیه رشته مورد نظر خود و طرز بکار بردن ابزار و وسائل کار و شناخت قطعات آشنا میشوند و سپس با استفاده از این اطلاعات و کار در واحدهای تولیدی سیر تکامل را طی خواهند کرد.

سندیکای کارگری کارخانه ستتاب

همکاری کارگران و توجه به تولید از موفقیتهای سندیکا بشمار میآید

سندیکای کارگران کارخانه ستتاب تهران در تاریخ بیستم آذرماه دوهزار و پانصد وسی و سه بهمت و کوشش عده زیادی از کارگران این کارخانه تاسیس شد و فعالیت خود را آغاز کرد.

کارگران این کارخانه قبل از تشکیل سندیکای صنفی خود بطور دسته جمعی در اجرای خواسته های قانونی خود فعالیت میکردند و بکمک شورای ... قسمتی از خواسته های خویش را عملی ساختند. ولی با راهنمائی دیگر همکاران خود که سندیکا تشکیل داده بودند به مزایای سندیکا در جهت تامین خواسته های خود آگاه شدند و در پی تشکیل آن برآمدند. پس از تاسیس سندیکا و شناخت واقعیتهای آن همکاری نزدیکی بین کارفرما و کارگران در واقع سندیکا آغاز شد که این همکاری در امر تولید چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت نتیجه‌ای داشته است.

سندیکا در مورد ترمیم دستمزد کارگران کوشش بسیار کرد بطوریکه در گذشته متوسط دستمزد کارگران که دویست و هفتاد ریال بود امروز بمیزان چهارصد و هفتاد ریال افزایش یافته و این ترمیم در مورد سود ویژه کارگران نیز صورت گرفت.

همچنین کارگران از پایه طبقه بندی نیز بهرمند شدند و به نسبت دستمزد هر کارگر حداقل شش هزار ریال و حداکثر پانزده هزار ریال دستمزد یک ماه بابت طبقه بندی دریافت داشتند.

یکی دیگر از موفقیت های حاصله از فعالیت سندیکا تاسیس شرکت تعاونی مصرف ... که با سرمایه ... هزار ریال تاسیس ... و اکنون سرمایه ... هزار ریال ... میباشد.

همچنین سندیکا همکاری ... به ترمیم ... کارگران اقدام ... محیط ... علاوه ... حمام آب گرم ... در هر سال به کارگران داده میشود.

در این واحد تولیدی برای آموزش و افزایش مهارت فنی ... کارگری ... برای بالا بردن سطح مهارت فنی کارگران هر کارگر ... کارگر متخصص و با تجربه کارخانه قرار میگیرد تا آموزش لازم را جهت کسب مهارت حرفه‌ای ... و تجربه ... لازم را بدست آورد.

... نواقص به چشم میخورد که بزودی برطرف خواهد شد و ... از جمله نواقص که در ... کارشد رفع خواهد شد.

برای جلوگیری و ... از وقوع هرگونه اختلاف احتمالی در آینده، سندیکا در نظر دارد با موافقت کارفرما شورای سازش را تاسیس و همچنین یک هیئت داوری نیز برای حکمیت در مواردی که اختلاف بین کارگران بوجود می‌آید تاسیس خواهد شد.

علی حبیب زاده

اسد نورعلیان

شیراله رجبی

شکرالله بازگر

محمود حسب زاده

قربانی سالاروند

سندیکای کارگری کارخانه لعاب قائم

تفاهم کارگران و کارآما محیط دلپذیری را بوجود آورده است

کارگران واحد تولیدی لعاب قائم که یکصدوهفتاد نفر میباشند در بیستم فروردین ماه سال دوهزاروپانصدوسی و پنج سندیکای خود را تشکیل دادند و فعالیت خود را آغاز کردند.

پس از تأسیس سندیکا و انتخاب هیئت مدیره فعلی بلافاصله مذاکره مستقیم بین هیئت مدیره سندیکا و کارآما برای عقد یک قرارداد دسته جمعی بعمل آمد.

طرفین موافقت کردند اولا یک شرکت تعاونی مصرف جهت استفاده کارگران در جنب کارخانه تاسیس شود و یک سالن غذاخوری

بقیه در صفحه ۴۹

سندیکای کارگری کارخانجات پارس پلاستیک

ایجاد روح همکاری و حسن نیت بزرگترین وظیفه سندیکا است

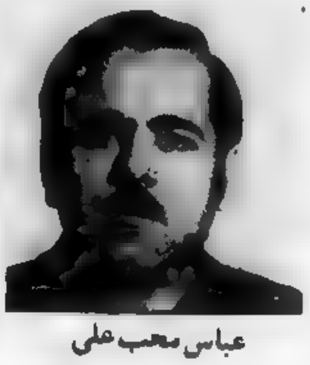

عباس محب علی

حسن فتحی لاحشری

علی چموش گرگ

حافظ علی اربابی

نریمان خسروی

سندیکای کارگران کارخانجات شرکت سهامی پارس پلاستیک از جمله سندیکاهای جوان و جدید التاسیس است که با کوشش و همکاری کارگران این واحد تولیدی فعالیت خود را در جهت سازنده و رفاه هر چه بیشتر کارگران آغاز کرد و در این راه از تجارب مفید و ثمربخش سایر سندیکاها بهره‌مند شد.

اولین قدم سندیکا ایجاد روح همکاری و ابراز حسن نیت بین کارگران و کارآما بود و این امر موجب شد که در محیط کار همیشه آرامش و روح همکاری وجود داشته باشد و دو طرف یعنی کارگر و کارآما بخوبی درک کردند که تنها در نتیجه همکاری میتوانند بر مشکلات فائق آیند از اینرو سندیکا توانست در اندک مدتی با مذاکره مستقیم نواقص و مشکلات و خواستهای قانونی کارگران را با کارآما درمیان بگذارد و به رفع آنها با خشنودی بپردازد.

از طرفی دیگر هیئت مدیره سندیکا، کارگران را به این حقیقت آشنا ساخت تا انتظارات با همکاری توام باشد و در نتیجه پس از اندک زمانی سندیکا موفق شد یکی از وظایف اصلی خودرا که اجرای خواستهای قانونی کارگران بود انجام دهد و از طرف دیگر حجم و میزان تولید از نظر کمی و کیفی بمیزان قابل توجهی افزایش یافته است. اکنون کارگران در اثر فعالیتهای سندیکا دارای یک سالن ناهار خوری مجهز و حمام بهداشتی با دوش سرد و گرم شده‌اند.

از دیگر اقدامات سندیکا سرو سامان بخشیدن به سرویس کارگران — اجرای قانون کار — رفع نواقص دستگاهها و محوطه کارگاهها از نظر ایمنی و حفاظتی — افزایش سود ویژه کارگران به میزان یکصدوبیست روز دستمزد— اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و ترمیم اضافه دستمزد کارگران شب کار بوده است و میتوان نتیجه گرفت که در شرایط کنونی کلیه کارگران این واحد بزرگ تولیدی به خواستهای قانونی خود رسیده‌اند.

برنامه‌های آینده سندیکا عبارت است از تشکیل شورای سازش — تامین مسکن — تاسیس شرکت تعاونی مصرف. در این راه قدمهای اساسی برداشته شده تا خانواده‌های کارگران احتیاجات مورد نیاز خود را با قیمت ارزانتر از شرکت تعاونی مصرف تامین کنند. تاسیس شرکت تعاونی اعتبار برنامه دیگری است که با پیگیریهای مداوم سندیکا تشکیل خواهد شد دوستانی که در این سندیکا فعالیت دارند عبارتند از نریمان خسروی دبیر سندیکا. علی چموش گرگ رئیس هیئت مدیره. حسن فتحی لاحشری خزانه دار، عباس محب علی و حافظ علی اربابی اعضای اصلی هیئت مدیره غضنفر رستگار مظفر عضو اصلی، هدایت‌اله بهرامی، ماشاءاله ولی خانی، سبحان‌اله شجاعی بازرسان سندیکا.

دبیر سندیکای کارگری

فعالیت در سندیکا، خود نوعی مشارکت!

وجود سندیکا ولزوم آن برای کارگران از جمله مسائل مهم کارگری است که سخن گفتن در مورد آن در ارکان کارگری لازم و ضروری است. کارگر ایرانی امروز دریافته است که انجام خواسته‌ها و نیازهای قانونی او در چارچوب سندیکا هرچه بیشتر امکان پذیر است وباپیوستن به‌سندیکا خود نوعی مشارکت اجتماعی را پی‌ریزی می کند.

درعصر انقلاب و حرکت اجتماع بسوی تمدن بزرگ که شاهنشاه آریامهر آن را تصویر نموده‌اند کارآمایان نیز براین نکته آگاهی یافته‌اند که سندیکا تشکیلاتی جدا از وجود کارخانه نیست، بلکه وجودش ضروری است وباید گفت که درچند سال اخیر سندیکا بعنوان یکی ازقسمتهای لازم وضروری واحد تولیدی شناخته‌شده‌است.

در معرفی فعالیتهای سندیکاها این بار کارگران یک واحد تولیدی اتومبیل کوششهای خودشان را در زمینه‌های مختلف بازگومیکنند.

این سندیکا درسال ۳۴۵ دروزارت کار و امور اجتماعی به‌ثبت رسیده و درسال ۱۳۵۲ تجدید انتخابات کرده است. مسئولان این سندیکا پس از تجدید انتخابات اکثرا از چهره‌های جدید انتخاب شدند که در قسمتهای مختلف کارخانه مشغول بکار هستند.

محمود آینه‌چی رئیس هیئت مدیره این سندیکا در مورد فعالیتهای سندیکا اظهار داشت: کارگران عضو این سندیکا در بدو تاسیس ۳۴۰ نفر بودند و هم‌اکنون به ۱۸۰۰ نفر رسیده است در واقع میتوان گفت تمام کارگران کارخانه عضوسندیکا هستند.

وی اضافه کرد: در حال حاضر ۷ نفر از کارگران این واحد تولیدی صنعتی بعنوان گردانندگان سندیکا فعالیت دارند. که عبارتنداز

فریدون رضوانی «دبیر سندیکا» وی در سال ۵۲ ازطرف کارگران بعنوان دبیر انتخاب گردید..

محمود آینه‌چی «رئیس هیئت مدیره» ده سال در واحد تولیدی مورد بحث مشغول کار است و بعنوان کارگرفنی کارخود را در این واحد آغاز کرد واکنون دو دوره بعنوان رئیس هیات‌مدیره درسندیکا فعالیت دارد.

عزت‌الله کریم‌خانی «عضو هیات رئیسه» وی گفت ۸ سال قبل بعنوان کارگرساده کار خود را آغاز کرد و در حال حاضر کارگر متخصص پرس میباشد.

بهروز برهانی «عضو هیأت رئیسه سندیکا» درسال ۱۳۴۲ درقسمت صافکاری استخدام شد وهم‌اکنون در قسمت مرکزی تولیدی فعالیت دارد.

فضل‌الله حیدری «عضو هیأت مدیره» ازسال ۱۳۳۷ بعنوان کارگرساده کارخود را آغاز کرد و اینک بعنوان سرپرست قسمت قطعات فعالیت میکند. وی درسال ۱۳۵۲ از طرف کارگران این واحد تولیدی بسمت عضوهیأت‌مدیره انتخاب‌شد.

غلامعلی شوقی «عضو هیأت مدیر منشی» از هفت سال پیش فعالیت خود را آغاز کرد و اکنون بعنوان قالبسازانجام وظیفه می کند.

سیامک طالع‌صفا «بازرس و نماینده کارگران» در سال ۱۳۴۵ بعنوان جوشکار درجه یک استخدام شد و کارائی وی باعث گردید بعنوان سرپرست یک قسمت از واحد تولیدی درآید.

وی از سال ۱۳۴۶ تاکنون بعنوان نماینده کارگران این واحد تولیدی در امر رفاه کارگ[illegible] منشاءخدماتی بوده‌است.

بهداشت و حفاظت

در این گرد هم‌آئی مسئله نگهداری و تعلیم بهداشت و ایمنی کارگران مورد بحث و تاکید عمومی قرار گرفت و گفته شد تمام مواد قانونی مصوبه از نظر ایمنی در مورد کارگران این کارخانه اجرا می‌شود وعلاوه برآن کلیه کارگران به‌پوشش حفاظتی مجهز هستند.

ضمناً بایاری کارآما در مورد درمانگاه اقدامات مهمی صورت گرفته بطوریکه در حال حاضر درمانگاه مجهزی با دکتر متخصص برای مداوای کارگران در تمام مدت روز آماده‌است.

آموزش

رئیس هیأت‌مدیره‌دراین باره گفت:

مسئله آموزش کارگران این واحد صنعتی نیز همانند مسائل دیگر بسیار مورد توجه مسئولان کارخانه قرارگرفته است و پیشرفت بسیاری داشته و باسرعت نسبت به‌باسواد شدن کارگران اقدام شده و همچنین برای آموزش فنی کارگران نیز کلاسهای دراین خصوص دائرشده‌است.

وی اضافه کرد: علاوه برتشکیل کلاس‌های آموزش حرفه‌ای وفنی واستفاده‌ازتخصص مربیان و کارشناسان خارجی، کلاسهای دیگری نیز در کارخانه تشکیل میشود که طی آنها کارگران با مسائل گوناگون اجتماعی و مواردی که برای کارخانه ضروری است آشنا می‌شوند. درواقع باید گفت دراین کلاسها آموزشهای اجتماعی و اطلاعات همگانی در اختیار کارگران گذاشته میشود.

رفاه

رئیس هیات‌مدیره دراین جا به مسائل رفاهی پرداخت وباشاره‌به پاره‌ای ازآنها گفت:

تاکنون اقدامات موثری در جهت تامین آسایش بیشتر کارگران انجام شده است. با وجود مشکلاتی که داشتیم سندیکا توانست بطورداثم ومستمربا کوششهای خود برای حل آنان ازمسئولین واحد تولیدی کمک بگیرد.

اقدام درخصوص اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پیمان دسته جمعی، خدمات درمانی مسائل ایمنی و حفاظت و همچنین گسترش شرکتهای تعاونی، ورزش و دیگر امور رفاهی و تفریحی برای کارگران ازاهم خدماتی است که سندیکا توانسته با همکاری وکمک کارآما برای کارگران انجام دهد.

سلف سرویس

رئیس هیئت مدیره باشاره به امر بهداشت عمومی گفت:

بازرسان سندیکا برای تحقیق چنین نظری برتهیه وعرضه غذا نظارت دائمی دارند وهدف سندیکا نیز ازاین کارعلاوه بر کمیت بیشتر متوجه کیفیت و مرغوبیت غذا میباشد زیرا تهیه غذای سالم ومقوی باسلامت و بهزیستی کارگران و تقویت قوای جسمی آنان ارتباط مستقیم دارد. ازاین روسندیکا سعی می کند تا حدمطلوب نسبت به مرغوبیت غذا کوشش کند

صندوق اعتبار

.. تاکنون ۹۵ درصد از کارگران این واحد تولیدی از وامهای کمکی برای رفع مشکلات خود استفاده کرده‌اند. البته گفتنی است که صندوق اعتبارنیز با همین هدف ونیت تشکیل شده که بتواند نیازهای مادی کارگران راتامین کند.

وی اضافه کرد: صندوق اعتبار کارگری ازطریق فروش سهام سرمایه اولیه خود را تامین کرد واکنون این سرمایه به چندین برابر رسیده و تمام کارگران و کارمندان عضو این صندوق هستند. وازاین طریق وام مورد لزوم دراختیار کارگران قرارمیگیرد.

رئیس هیئت مدیره اظهارداشت: علاوه بر این وام، کارگران این واحد تولیدی وامهای اضطراری ومتفرقه نیز دریافت می کنند اینگونه وامها درموارد مختلف ازجمله بیماری، حوادث وسوانح پرداخت‌می‌شود.

شرکت تعاونی

شرکت تعاونی مصرف ضمن کوششهای همه جانبه خود سعی می کنند ارزاق عمومی و

بهروز برهانی

سیامک طالع صفا

جتماعی است

فریدون رضوانی

عزت‌الله کریم‌خانی

غلامعلی شوقی

محمود آمینه‌چی

فضل‌الله حیدری

مایحتاج زندگی روزمره کارگران را به بهترین وجهی تهیه و در اختیار آنان قرار دهد، ضمنا مبلغ سود خرید و سود سهام کارگران هرساله دقیقا محاسبه و ازطرف شرکت تعاونی در پایان سال به آنها پرداخت‌می‌گردد.

این شرکت از مدتی قبل بسط وگسترش یافته است و در حال حاضر با سرمایه قابل ملاحظه‌ای بکار خود ادامه میدهد. در این مورد گفته شد شرکت تعاونی مصرف کارگران با سرمایه . . . ۳ تومان با «حق سهم کارگران» که هرسهم . ۱ ریال است وباوام کمکی بدون بهره کارآما تشکیل شد و در این مورد کوشش بسیار صورت میگیرد تا مایحتاج کارگران از طریق این شرکت دراختیار آنان قرارگیرد که در این میان بایستی به همکاری کارآما نیز اشاره کرد

حقوق کارگری

رئیس هیات مدیره گفت. مهمترین اندیشه سندیکا متوجه افزایش حقوق ومستمری‌های قانونی کارگران است. اگر چه تابحال موفق شده‌ایم در حد امکان وضع حقوق کارگران را افزایش دهیم.

وی اضافه کرد با تشخیص سندیکا و مسئولین امر سندیکا بکارگرانی که خوب کار می کنند پاداش میپردازد وپایه حقوقی آنان بر اساس طرح طبقه بندی به میزان معینی که مشخص شده است. پرداخت میشود.

همچنین کارگران این واحد تولیدی بطور ماهیانه مبلغ معینی حق اولاد دریافت‌می‌دارند که البته فرزندان اول ودوم کارگران‌میتوانند ازاین مزایا استفاده کنند.

• تفریحات سالم

در پایان گفتگو بمان نظر رئیس هیئت مدیره سندیکای این واحد تولیدی را در مورد چگونگی ورزش کارگران جویاشدیم.

وی اظهارداشت. ورزشگاه‌مجهزی‌مرکب از سالن کشتی، زمین بسکتبال، فوتبال، والیبال وورزشهای دیگر ازقبیل پرورش اندام، پینگ پنگ برای کارگران آماده‌شده‌است‌وسعی میشود که کارگران با پرداختن به ورزش به تقویت جسم خود ودرنتیجه سلامتی خویش بپردازند وی یاد آورشد که با کوشش دیوید لواسانیان کارگران این کارخانه درامر فوتبال پیشرفت زیادی کرده‌اند وکوشش میشود در رشته‌های دیگر نیز موفقیت نصیب آنها شود البته درامر گسترش ورزش در کارخانه همراهی کارآما نیز بسیار مؤثر بوده‌است.

بقیه از صفحه۴۷

برای کارگران‌ساخته وآماده گردد.

سود ویژه که قبلا بمیزان چهل و پنج الی هفتادوپنج روز بود به هشتاد الی یکصدوپنج روزافزایش یافت.

علاقمندی کارگران این کارخانه به امر تولید و صرفه‌جوئی در استعمال مواد اولیه و کوشش درحداقل نگهداشتن ضایعات ازطرف کارگران و قبول خواستهای قانونی کارگران از طرف کارآما بخصوص پرداخت کمک هزینه تحصیلی بمیزان مبلغ پانصد ریال به آنان محیط دلپذیری برای کارگران بوجود آورده است.

دوستانی که در این سندیکا فعالیت دارند عبارتند ازسید علی سادات موسوی دبیر سندیکا، بیرامعلی بهرامی رئیس هیئت مدیره علی‌اکبر عابدینی خزانه‌دار — نجفعلی دادگر و احمد مجیدی اعضای اصلی و رسول چرخ تابی، محمود رحیمی بازرسان سندیکا، غیر از دست آوردهائی که در بالا ذکر گردید هیئت مدیره تصمیم گرفته است با موافقت کارآما یک‌شورای سازش تأسیس ووظایف خاصی را نیز به عهده آن بگذارد.

همچنین بموازات تأسیس شورای سازش در نظر است هیئت داوری هم تشکیل شود واین دو شورا و هیئت داوری در حل مسائل مربوطه با یک دیگر همکاری خواهند کرد.

همچنین با کمک مادی و معنوی کارآما کلاس مبارزه با بیسوادی در جنب کارخانه دائرخواهدشد بهمین منظورمذاکرات مقدماتی دراین خصوص صورت گرفته کلاس مورد نظر سندیکا درحال تأسیس میباشد.

برای بالا بردن سطح مهارت فنی کارگران بوسیله سرپرست قسمتهای مختلف کارخانه آموزش لازم ومقدماتی در روزهای معین صورت میگیرد وحدود بیست وچهارنفراز کارگران این مؤسسه تحت آموزش فنی قراردارند....

برای تأمین مسکن کارگران با همکاری کارآما قطعه زمینی بهمین منظور خریداری و نقشه ساختمان آن نیز تهیه شده که بزودی ساختمان آن آغاز خواهد شد. همچنین یک باشگاه‌ورزشی درجنب کارخانه‌ساخته‌شده‌ودر حال حاضر دو دست لباس کار در سال به کارگران داده میشود و وسایل بهداشت محیط کار و وسایل ایمنی نیز برای کارگران تهیه شده‌است.

احمد مجیدی

بیرامعلی بهرامی

سیدعلی سادات مو

رسول چرختابی

نجفعلی دادگر

جمال امیر

شناسنامه کارگران مبتکردر رستاخیز کارگران

از: ایزدمهدیان

جلال شیرینیان، کارگرمبتکر

در جامعه ما جوانان با بسیار دارند

ستاره کسانی که راه خود را در زندگی بطریقی جسجو کرده‌اند تا به هدف خود یعنی مرزهای موفقیت دست یابند. آگاهی از روش ها و خط مشی های آنها خود راهنمائی جامعی برای همه‌ موزه کارگران خواهد بود.

جلال شیرینیان ازرمره کارگران موفقی است که با کمترین امکانات، کار راشروع کرد واکنون توانسته است با ابتکارات خود ازجمله ساخت قالبهای مخصوص جهت پرس اتوماتیک که سرعت را به چند برابر افزایش می‌دهد — کارگر مبتکر و موفق درواحد تولیدی که کار میکند شناخته شود.

اگرچه ماجرای زندگی این کارگر بیشتر به یک داستان شباهت دارد، اما واقعیت های این مقوله قابل بررسی است.

بنابراین در نظری کوتاه ماجرای زندگی جلال شیرینیان را میخوانیم....

آشنائی باگذشته

جلال درسال ۱۳۲۵ (۲۵۰۵ شاهنشاهی) در قاسم کندی ارسباران، یکی از روستاهای کوچک آذربایجان شرقی (که فقط ۱۵ خانوار داشت) بدنیا آمد.

او میگوید: زندگی ما از راه کشاورزی، باغداری و دامپروری میگذشت ومعلوم است که در آنموقع بیشترین حاصل تلاش ما نصیب اربابان آن روز میشد و درآمد کم هرگز امکان فعالیتهای تحصیلی و حرفه‌ای را برای ما میسر نمیساخت.

جان کلام آنکه من هیچگاه نتوانستم تحصیلات خود را بموقع و در رشته‌ای آغاز کنم و درمسیری خاص به پایان برسانم، در روستای دیگری نزدیک روستای ما مکتب‌خانه‌ای بود که بچه های روستا میتوانستند فقط در روزهای آفتابی در آن درس بخوانند و منهم باتمام اشتیاقی که داشتم فقط توانستم یکسال در این مکتب‌خانه درس بخوانم زیرا آنچنان مشکلاتی وجود داشت که ادامه تحصیل ممکن نشد.

چرا به تهران آمدم

وقتی مشکلات روستائیان و کارگران قبل ازانقلاب را مدنظر قرار دهیم صحبت های جلال را بیشتر می‌فهمیم با توجه به آنچه که جلال بازگو میکند و باتوجه به این اصل ونجسم فضای نامساعد آن روز متوجه میشویم که هرفرد برای نجات زندگی خویش از راهی و به شکلی به تکاپو برمیخاسته وجلال نیز یکی از این طرق را برگزید. وی دراینمورد چنین میگوید:

یازدهمین سال زندگی را سپری کرده بودم اگرچه یک روستازاده بودم، ولی خوب میدانستم که پوچی های زندگی عاقبت جز پوچی حاصل دیگری ندارد.

ابتکارهای این کارگر، بهره‌وری راافزایش داده است

*باروزی ۵ ریال دستمزدا کنون به ۱۰۰۰ ریال دستمزد روزانه رسیده است.

* تاکنون بیش از ۱۵۰۰ قطعه ابزار توسط این کارگر مبتکر ساخته‌شده.

* درسنی مستقلاً شروع بکار کرد که برای همگان تعجب‌آوربود.

* قطعات ساخته شده علاوه برصرفه‌جوئی های مادی نیاز به‌قطعات مشابه خارجی را نیز کاهش میدهد.

بنابراین روزی تصمیم گرفتم به تهران بیایم. جائیکه فقط اسمش راشنیده بودم و در آن وقت برای گریز از آن وضع ناگوار جزاین راه دیگری را نمیشناختم، ولی حالا راههای بی‌شماری را میبینم که پیش روی هرکارگر ایرانی قراردارد.

وی افزود: وقتی وارد این شهر شدم، راهنمای من تکه کاغذی بود که آدرسی را برروی آن نوشته بودند و موقعیکه به مقصد رسیدم بجای استقبال با تعجب فامیل های ساکن تهران روبرو شدم زیرا اولین سئوالشان این بود که «چرا به تهران آمده‌ام و پاسخ من اینکه» آمده‌ام تا کار کنم....

آنها با حیرت بیشتر پرسیدند کار؟! با این سن و سال درس و مشق را چه خواهی کرد؟ گفتم هدف اصلی من کار کردن است و فکر می‌کنم ازین طریق بتوانم همه چیز را بدست آورم و به تمام هدفهای خود برسم.

کاربدون دستمزد!

سئوال دیگر ما به اولین کار این کارگر و چگونگی آغاز آن مربوط میشود.

جلال دراین باره میگوید:

با موقعیتی که داشتم بیهودگی و تلف کردن وقت برایم هرگز روا نبود بنابراین میبایستی شخصا راهی رامییافتم.

بدنبال این جستجو به یکی از کارگاههای تراشکاری راه پیدا کردم. اولین سئوال های صاحب کارگاه این ها بود «چه میخواهی، برای چه کاری مراجعه کرده‌ای، چه کارهائی بلدی وازین قبیل گفته ها.....»

و آنگاه پس از آگاهی یافتن بر تصمیم من اضافه کرد!

«ولی آیا میدانی که دستمزدی دریافت نخواهی کرد وعلاوه برآن باید تامدتی ماهیانه مبلغی را بعنوان حق کارآموزی بپردازی؟»

لاجرم بعد از جر و بحث فراوان موافقت کرد که مدتی را مجانی کار کنم و پس از گذشت ۶ ماه و انجام کارصادقانه، روزانه ۵ ریال دستمزد میگرفتم، و این مبلغ فقط هزینه رفت وبرگشت من به محل کاربود.

چهره بسیار جدی و مصمم جلال نشان میدهد که دراین راه‌سرگذشت نامطلوبی را پشت سرگذاشته وبا هرنا ملایمتی دست وپنجه نرم کرده‌است.

آنچه که او بازگو میکند حکایت زندگی او است ازرفتن به کلاس اکابر ودلایل انصراف او ازتحصیل به‌سبب مشکلات روزانه گرفته، تا تغییر و تبدیل در کارش شاید تمام اینها رمز موفقیت و سرحد کمال باشد زیرا سازندگی و خلاقیت کارگران عزیز هموطن مانه تنها زمینه‌های فکری را لازم دارد بلکه مستلزم تلاش، تکاپووفداکاری بیدریغ نیزمیباشد.

او درپی صحبت های خود اضافه میکند: با استفاده ازفرصتی که پیش آمده بود در کارگاه دیگری کارخود راادامه دادم وضمن فعالیتهای گسترده‌ای که برای پیشبرد کارمیکردم مورد علاقه کارآما وحتی مراجعین قرارگرفتم و یکی از آن مراجعین مهندس جوانی بود که خود وسیله‌ای شد برای راه یافتنم به محل کار مناسبتری، جلال دراینمورد توضیح میدهد که پس از چندی علیرغم محدودیت سنی خود در شرکتی به کار مشغول شدم که توسط همان مهندس جوان اداره میشد، این کار درحقیقت خود آغازی نو در زندگی کارگری من بحساب می‌آمد. زیرا دراین کارگاه بود که توانستم استعداد خود راشکوفا سازم.

اولین تحرک، اولین پاداش

بطوریکه جلال بازگو میکند و آنگونه که استنباط میشود این کار سر آغاز و در حقیقت نقطه عطفی درطول حیات کارگری او میباشد و شاید هم شروع پیروزیهای این کارگر تلقی گردد. براین اساس ازاو تقاضا میکنم تا راجع به آن بیشترصحبت کند.

وی دراین زمینه اظهارداشت: اولا میزان حقوق استخدامی دراین شرکت (درسال ۲۵۲۲) روزانه ۸۲ ریال بود، ولی چون مرا بعنوان

جلال شیرینیان با بهره‌گیری از لحظه‌ها آینده بهتری را برای خود بوجود آورده است.

استعداد و پر تلاش فرصت پیشرفت

ابتکار و بکار گرفتن استعداد رمز موفقیت مردان و زنان امروز است، قالب ابتکاری که تولید را به چندین برابر رسانده است

کارگری ماهر و حرفه‌ای میشناختند اولین دستمزد روزانه معادل ۴۳۰ ریال تعیین شد و این امتیازی بود که در ابتدای کار برای دانسته های من قایل شدند.

پس تسهیلاتی فراهم آمد تا توانستم در قسمت تراشکاری این کارخانه به کار مشغول شوم و بدین ترتیب در اینجا کار جدی من شروع شد. از طرف دیگر بلافاصله بیمه شدم و در نتیجه امکان تأمین آرامش بیشتر برای ادامه کار بوجود آمد.

جلال ضمن برشمردن ماجراهای تلخ و شیرینی که برایش پیش آمده اضافه میکند در خلال این کار با مواردی مواجه شده‌ام که هر یک بنوبه خود در کسب مهارت و تجربه من اثری سازنده داشته است و از آن میان بد نیست یاد آور شوم که یکی از آن روزها دستور گرفتم تا فلزی را به قطر ۲۰ سانتیمتر ببرم و این عمل را میبایستی با اره برقی انجام میدادم.

ولی بر خلاف روال همیشگی این کار را بدون استفاده از دستگاه برقی و با کمک دست انجام دادم، در ازای انجام این ابتکار بلافاصله اولین پاداش نقدی را دریافت کردم این خود در حقیقت اولین جنبشی بود که مرا به سمت یک پیشگامی دیگر سوق میداد.

در اینجا همراه جلال از کارگاهی که او در آن کار میکند دیدن میکنیم.

کارگاه پرسکاری که ۴۰ سال کوشش صمیمانه جلال را جذب کرده و محصول آن به بازار کشور عرضه میشود.

او اکنون سرپرست قسمت پرسکاری است و با سایر برادران کارگر دیگر همچنان در جهت پیشبرد صنعت مملکت لحظه‌ای نمی‌ایستد.

ابزار و نیز قالبها و قطعات فلزی زیادی را میبینیم که بدست پرتوان این کارگر خوش ذوق ساخته شده و هر یک در افزایش کارآئی ها نقشی دارند.

اما شرح مفصل هر یک از آنها به درازا میکشد پس ناگزیر برخی از آنها را مورد اشاره قرار میدهیم.

قالب مخصوص پرس اتوماتیک

روزی فکر کردم که آیا قطعه‌ای را که با ۸ عمل ماشین تولید میشود میتوان با عملیات کمتری بوجود آورد؟

بر اساس این فکر با همکاری عده‌ای در این زمینه مشغول به کار شدم و سرانجام ضمن یاری گرفتن از یک ایده از پیش ساخته شده موفق شدم قطعاتی را که قبلا با کمک ۸ کارگر و ۸ پرس ساخته میشد با صرف نیروی بسیار کمتر و تولید بیشتر تولید کنم بدین ترتیب با تقلیل نیروی اولیه یعنی فقط با بهره گیری از وجود دو کارگر رقم تولید روزانه یکی از ماشینها را از ۲۵۰۰ واحد حلقه جوش بخاری به ۱۰ هزار واحد رساندم.

جلال در این مورد توضیح داد. پیش از آن میبایستی ۸ کارگر با ۸ پرس روی میز آزاد کار میکردند تا ۲۵۰۰ قطعه حلقه جوش تولید کنند در حالیکه پس از تهیه قالب و اتصال آن به پرس اتوماتیک نه تنها میزان تولید را ۴ برابر کردیم، بلکه شکلهای قطعات تولیدی نیز یکنواخت گردید..

بطوریکه اطلاع یافتیم این اولین کار ابتکاری است که توسط جلال به این کارگاه ارائه شده و بطوریکه هر بیننده میتواند ملاحظه کند، در حال حاضر با کارآئی بیشتری از آن بهره‌برداری میشود. ولی فکر سازنده جلال در همین جا خلاصه نمیشود، بنا براین به مطالعه برخی دیگر از ابزار ساخته شده توسط وی میپردازیم.

«قالب بست قلاب» یکی از قالبهائی است که توسط جلال ساخته شده است و در مورد بهره وری کار این قالبها باید یاد آور شد که بجای دو کارگر که در گذشته دو دستگاه را به خدمت میگرفت تا ۳۵۰۰ قطعه تولید کند حالا فقط یک کارگر و یک پرس لازم است تا میزان تولید را به رقمی معادل ۱۵۰۰۰ قطعه برساند.

درمورد نحوه کارکرد «قالب سپر ورشوئی» (قالب دیگری که توسط جلال ساخته شده)

خود توضیح میدهد که درگذشته ۲ نفر کارگر میتوانستند با بهره گیری از ۲ پرس در ۸ ساعت ۳۰۰۰/ سپر ورشوئی تولید کنند و مهمتر از آن اینکه اگر ۲۴ ساعت هم کار میکردند باز هم میزان تولید این قطعات نسبت به سایر قطعات کم بود.

ولی با ساختن «قالب ورشوئی» و استفاده از دستگاههای جدید میزان تولید به ۳۰۰۰۰ عدد رسید یعنی تولید ۱۰ برابر افزایش یافت.

ساخت قطعات یدکی ماشینهای مختلف و نیز قالبهای خارجی تا رقمی حدود ۱۵۰۰ قطعه از کارهای دیگری است که توسط جلال به انجام رسیده است، وی در اینمورد میگوید، هر گاه متوجه شویم که قطعه‌ای از قطعات ماشینها و ابزار کار کارخانه درحال فرسودگی و تخریب است بلافاصله اقدام به ساخت آنها

بقیه در صفحه ۵۳

تا پایان برنامه عمرانی پنجم

مراکز تعلیمات حرفه‌ا

رشد صنایع و گسترش صنعت. بکارگرفتن ماشین آلات سنگین و داشتن کارگران تعلیم دیده و افراد مطلع در امور فنی را بیش از پیش الزامی کرده است و با توجه به همین نیازاست که تأسیس و توسعه مراکز تعلیمات حرفه‌ای در کشورمان هر روز از اهمیت بیشتری برخوردار میشود زیرا دیگر نمی‌توان با شیوه استاد و شاگردی نیروی انسانی موردنیاز واحدهای رو به گسترش کشور را تأمین کرد. اگر چه بکار بردن این شیوه نیز در کارگاههای کوچک مؤثر و مفید است ولی آنچه که اهمیت بسیار یافته تأسیس مراکز تعلمات حرفه‌ای وبهره‌گیری از مربیان کارآزموده ووسائل مدرن آموزشی در این مراکز است.

از جمله مراکز تعلیمات حرفه‌ای که در کشور فعالیت دارد مرکز تعلیمات حرفه‌ای مشهد است که اخیراً نیز مورد بازدید والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی قرار گرفت. والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ضمن بازدید از قسمتهای مختلف این مرکز وبا توجه به آموزش زنان فرمودند: آموزش زنان بایستی اهمیت بیشتری یابد و بعلت نیاز صنایع کشور به نیروی انسانی ضروری است در آینده برای آموزش زنان برنامه های گسترده وجامعی تدارک دیده شود.

مرکز تعلیمات حرفه‌ای مشهد در کنار جاده آسیائی و نزدیک به زائر سرای مشهد قرار دارد ودر زمینی به مساحت ۹۷ هزارمترمربع احداث شده که ۱۵ هزار مترمربع آن زیر بنا شامل ساختمان اداری — کلاسهای تئوری و سمعی وبصری — کارگاهها — خوابگاه — سالن غذاخوری و کتابخانه میباشد وبقیه به زمینهای ورزشی وفضای سبز اختصاص یافته است.

ساختمان این مرکز با همکاری کشور فرانسه در سال ۲۵۳۰ شاهنشاهی (۱۳۵۰ شمسی) آغاز شد و در بهمن ماه ۲۵۳۱ پس از تکمیل ساختمان و نصب ماشین آلات مورد بهره برداری قرار گرفت و اولین گروه کارآموز به فراگیری رشته های حرفه‌ای در آن پرداختند.

مرکز مذکور دارای رشته‌های الکترومکانیک و کابلاژ — شبکه واتصال بندی تعمیر وسائل برقی خانگی — اندازه‌گیری و کنترل فرمان — سیم کشی ساختمان و تأسیسات صنعتی ورقکاری، جوشکاری برق — تراشکاری — فلز کاری — فرز کاری — نقشه کشی صنعتی — اتومکانیک — لوله کشی گاز — لوله کشی آب — و کارگاه تهویه و تبرید میباشد.

ظرفیت پذیرش

درحال حاضر ظرفیت پذیرش کارآموز در این مرکز در هر دوره بین ۱۶۰ تا ۱۸۰ نفر است که با احتساب سه دوره در هرسال، حداکثر ۵۴۰ نفر سالیانه در این مرکز آموزش حرفه‌ای رامیگذرانند.

البته لازم به یاد آوری است که امکان افزایش ظرفیت وجود دارد ولی چون برای هر کارآموز مثلا در تراشکاری یکدستگاه ماشین در نظر گرفته شده است از این رو تعداد ماشین آلات و دستگاههای موجود امکان آموزش کارآموز بیش از ۵۰۰ نفر درسال رانمی‌دهد از اینرو مرکز سعی دارد که با توجه به امکانات موجود از پذیرفتن تعداد بیش از ظرفیت خود داری کند و این عمل بدان منظور است تا از کیفیت آموزش کاسته نشود. زیرا هدف مسئولان مرکز تعلیمات حرفه‌ای مشهد افزایش کیفیت سطح آموزش است و کمیت در درجه بعدی قرارگرفته است.

هم اکنون در هر کارگاه ۱۲ کارآموز تحت تعلیم قرار دارند که برای این تعداد یک مربی و یک کمک مربی در نظر گرفته شده است.

از آغاز بهره‌برداری از این مرکز تاکنون ۱،۰۴۳ نفر آموزش حرفه‌ای دیده و بدرجاتی از مهارت دست یافته اند.

زمان آموزش و مزایای آموزشی

این مرکز شبانه روزی است و کارآموزان از ساعت ۷/۳۰ الی ۱۷/۳۰ بکارآموزی در کلاسهای سمعی و بصری و کارگاهها اشتغال دارند و یکساعت نیز به استراحت وصرف ناهار میپردازند.

مدت آموزش هردوره چهار ماه و جمعاً ۸۴۰ ساعت میباشد که ۷۰۰ ساعت آن را آموزش کارگاهی و عملی و ۱۴۰ ساعت بقیه را آموزش سمعی و بصری و کلاسیک تشکیل میدهد.

کارآموزان درمدت کارآموزی از سه وعده غذا — خوابگاه — لوازم تحریر — لباس کار و لوازم و وسائل کارگاهی بطور رایگان استفاده میکنند.

اشتغال

اکثر کارآموزانیکه در این مرکز دوره کارآموزی خود را به پایان میرسانند از طریق معرفی به ادارات اشتغال بکار گمارده میشوند و از طرفی درنظر است که با همکاری ادارات مذکور برنامه‌ای تنظیم شود که پس از اشتغال افراد تحت تعلیم مراکز تعلیمات حرفه‌ای در واحد های تولیدی و صنعتی، نحوه کار آنان مورد بررسی قرار گیرد و چنانچه نقصی درکارآنان و درمحیط کارگاه مشاهده شد، مراکز به رفع این نواقص بپردازند که این خود موجب میشود ارتباطی دائمی بین مراکز تعلیمات حرفه‌ای و کارگران آموزش دیده برقرار باشد و ضمن آن نکات جدید آموزشی نیز به آنان آموخته خواهد شد.

بهرصورت نحوه آموزش و اطلاعاتی که این کارآموزان بدست می‌آورند باعث شده تا صاحبان صنایع برای استخدام آنها پیشقدم شوند.

بطور کلی باید گفت کارآموزان مراکز تعلیمات حرفه‌ای در بازار کار از موقعیتی خاص برخوردار هستند و واحد های تولید برای اشتغال آنها اولویت و تسهیلات مخصوصی قائل هستند.

شرایط پذیرش کارآموز

کسانی که علاقمند کارآموزی در مراکز تعلیمات حرفه‌ای هستند بایستی حداقل سواد خواندن و نوشتن معادل ششم ابتدائی نظام قدیم داشته باشند و از نظر نظام وظیفه وضعشان مشخص شده باشد. بدین ترتیب که داشتن برگ خاتمه خدمت — یا ورقه معافیت و یادفترچه آماده بخدمت (افرادی که برگ آماده بخدمت دارند باید تاریخ آماده بخدمتشان طوری باشد که با مدت دوره آموزشی تداخل نکند) لازم است. در مورد برخی از رشته ها نیز داشتن مدرك تحصیلی سوم متوسطه یا معادل آن ضروری است.

برای چند رشته آموزشی مانند اندازه‌گیری و الکترونیک داشتن گواهینامه پایان تحصیلات دبیرستانی لازم است. البته برای این رشته ها فارغ التحصیلان هنرستان های صنعتی نیز اولویت دارند.

آموزش زنان

طبق مذاکراتی که بین مقامات وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان زنان ایران صورت گرفت، قرار شد یک دوره آموزش حرفه‌ای مرکز تعلیمات حرفه‌ای مشهد به آموزش زنان اختصاص یابد از این روسازمان زنان یکصد نفر از زنان داوطلب را به این مرکز معرفی کرد. که هم اکنون به همراه تعداد دیگری از کارآموران به آموزش رشته‌های مورد علاقه خود مشغول هستند.

مجموع کارکنان مرکز تعلیمات حرفه‌ای مشهد ۹۱ نفر است که از این تعداد ۲۹ نفر مربی میباشند. مربیان این مرکز از بین فارغ‌التحصیلان هنرستانهای صنعتی ودر مرحله دوم از دیپلمه های ریاضی و طبیعی انتخاب میشوند و پس ازطی یکدوره یکساله بعنوان مربی کارآموز زیر نظر سر مربی به تجربه اندوزی میپردازند و پس ازطی این دوره وموفقیت در آن برای یکدوره

ماشینهای عظیم همراه بامربیان کارآزموده کوششی برای تجربه‌اندوزی جوانان است.

ی به ۳۵ واحد میرسد

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی کار یک کارآموز تراشکار زن را در مرکز تعلیمات حرفه‌ای مشهد ملاحظه میکنند

تکمیلی بمدت ۱۲ هفته به مرکز آموزش عالی بین المللی تورن ایتالیا اعزام خواهند شد.

در مرکز تورن مربیان با روش تدریس و تعلیم آشنا میشوند و توسط کارشناسان مرکز مذکور به مربیان آموخته میشود که چگونه تدریس کنند و چند ساعت را به دروس عملی و چند ساعت را به دروس نظری بپردازند.

مربیان پس از پایان دوره و مراجعت به ایران وسیله اداره کل آموزش حرفه‌ای وزارت کار وامور اجتماعی آزمایش میشوند باین ترتیب که ۱۲ کارآموز در اختیار یک مربی گذاشته میشود و کمیته‌ای مأمور نظارت بر نحوه آموزش این مربی میشود و چنانچه این کمیته نحوه تدریس مربی را مورد تأئید قرار داد، وی بعنوان مربی مشغول کار خواهد شد و چنانچه نظر کمیته منفی بود، مربی مذکور مجدداً در یکدوره دیگر تحت تعلیم قرار میگیرد تا تجربه و اطلاعات لازم را در این زمینه بدست آورد.

کار آموزان آزاد و کار آموزان سازمان زنان ایران تاکنون چندین گروه از کارگران و کارکنان شرکت ملی گاز ایران را مورد آموزش قرار داده و هم اکنون نیز ۳۷ نفر دیگر از شرکت ملی گاز ایران در این مرکز و در کنار زنان سرگرم آموزش حرفه‌ای هستند.

برنامه آینده

طبق برنامه تنظیمی اداره کل آموزش حرفه‌ای قرار است تا پایان برنامه پنجم ۲۸ مرکز تعلیمات حرفه‌ای به ۷ مرکز فعلی افزوده شود که درمجموع تعداد مراکز به ۳۵ مرکز میرسد.

درحال حاضر ۱۱ مرکز در دست ساختمان است که مراکز رشت — شاهی — کرمانشاه یزد — اراک — شیراز — درحال اتمام است و شش مرکز دیگر که عبارتند از اهواز — زاهدان — قزوین — همدان — کرمان وسمنان نیز درحال ساختمان است و مراکز کرمان، سمنان واهواز بزودی مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت.

با توسعه این مراکز امید است در آینده هرچه بیشتر کارگران فنی و تعلیم‌یافته که بادانش و آگاهی خود مسلماً بر کیفیت و کمیت تولید اضافه خواهند کرد داشته باشیم.

آموزش تعلیمات سرپرستی در واحدهای تولیدی گسترش مییابد

۱۳ گروه از مربیان تعلیمات سرپرستی بمنظور آموزش مربیان و سرپرستان واحدهای تولیدی تهران و شهرستانها به یازده واحد تولیدی اعزام شدند.

تعداد مربیان و سرپرستانی که آموزش خواهند دید ۵۵۱ نفر است و برنامه آموزشی آنها شامل روابط کار، روش کار، تعلیم کار و حفاظت کار میباشد. مدت تعلیم مربیان ۸ هفته و زمان آموزش سرپرستان ۶ هفته است.

تعلیم و تربیت مربیان و سرپرستان که از برنامه‌های ویژه آموزشی است در فراهم آوردن شرایطی چون روابط انسانی سالم در محیط کار، پذیرش فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده، تکمیل مهارت و ازمیان بردن نارسائی‌های فنی کارگران وسیله مربیان و سرپرستان و جستجوی روش‌های جدید کار که سبب ازدیاد تولید و کارآئی بیشتر میشود، نقش عمده‌ای دارد. و از همین رو همواره با استقبال کارآمایان روبرو شده است.

۱۳ گروه مربیان تعلیمات سرپرستی در اجرای برنامه‌های آموزشی خود مربیان و سرپرستان واحدهای تولیدی ماشین‌سازی تبریز، ایدم و لیلاند موتور ایران، تراکتورسازی تبریز، قند تربت جام، قند تربت حیدریه، خسروی مشهد، مقدم، لرد الکترونیک همدان، قند همدان تولیدی کورش، سازمان آب بهشهر، را تحت تعلیم و آموزش قرار میدهند.

در جامعه ما جوانان با استعداد و پرتلاش فرصت پیشرفت بسیار دارند.

بقیه از صفحه ۵۱

مستحکم . این عمل نشسته از آنکه ما را از وارد کردن قطعات یدکی بی نیاز میکند، از لحاظ کارآئی نیز تاکنون برتری خود را ثابت کرده است. بطوریکه مثلا قالبهای ساخت خودمان علاوه بر رقابت با قالبهای مشابه خارجی برتری خود را از حیث افزایش میزان تولید هم بثبات رسانده است در این صورت تاکنون معلوم شده که کار این قطعات از کار قطعات اصلی مفید تر بوده است.

طرح دیگری توسط جلال برای کوره های آبکاری به انجام رسیده که بر خلاف استاندارد اصلی براحتی میتوان قطعات فولادی را آب داد با مقاومت بیشتری نمودار کند و این عمل باعث میشود قطعات در درجه سختی و سختی فرم های درجات حرارتی و برودتی امکان پذیر شده است.

وی در مورد هزینه ساختن قطعات فوق تاکنون از نظر مادی کاملا به صرفه بوده است. بعنوان مثال قالبهائی که برای سیستم اتوماتیک تهیه شده روزانه بیش از ۲۰۰۰۰ ریال صرفه جوئی دربردارد.

وی اضافه کرد برای تهیه این ابزارها مبلغی کمتر از ۵۰۰ هزار ریال صرف شده که اگر میخواستیم آن را از خارج وارد کنیم چندین برابر آن هزینه بوجود میآمد.

نقش کمبودها در تکامل صنعتی

از جلال درمورد طرحهای آینده و مشکلات مربوط به اجرای پروژه ها پرسیدیم وی در پاسخ میگوید: در مورد فکر واینده ی نه منحصر به صنعت من بلکه برای همه است باید بگویم همه بهتر است بدون توجه به فکری و تجربی که در حلال کار به آن دسترسی پیدا شده است.

در مورد دوره های لازم است که از سوم که تصمیم دارم آن ها را مداوم و منظم راه دهم، تا مدرسه کارآئی دستگاههائی را که در آینده مورد بهره برداری قرار میگیرد فرا بگیرم.

حلال در زمینه مشکلاتی که تاکنون پیش روی خود داشته میگوید: اصولا یکی از مشکلاتی که در امور فنی پیش می‌آید ناقص بودن دستگاهها و نوع مورد استفاده است که کارگران ناگزیر میشوند از نیروی جسمانی بیشتری یاری جویند. در این صورت برای آسان تر کردن کار، ساخت دستگاههای تکمیلی ضروری است.

در نتیجه من یکی از ابتکارهائی است که ساختن این ابزار ها بوده میشود که نشسته ... بهمین زمینه کمبودی در کارم بوده است.

موفقیت و خوشبختی

از او میپرسیم آیا فکر میکنی موفق شده‌ای و احساس خوشبختی میکنی؟

با نسبی غرور اکثر جوانی از رضایت میگوید: وقتی روزهای تاریک زندگی گذشته را بیاد می‌آورم بیش از پیش احساس خرسندی میکنم، زیرا فراموش نمیکنم که از روزی کلاس شش بودم پدرم کفاف اداره زندگی خانواده را نمیداد اما حالا همه براحتی زندگی میکنیم و اطمینان دارم که هر رنج و سختی را میتوان به اسم عملی عادی آسان تر پشت سر گذاشت جلال در مورد ادامه تحصیلات خود میگوید گرچه نتوانستم بعد از کلاس ششم ابتدائی بیشتر درس بخوانم، ولی خوشحالم که در راه تحصیلات برادران و خواهران خود کوشش میکنم.

بازار کار

مرکز کاریابی شماره ۱ این عده را به همکاری دعوت میکند

آشپز

۱— تخصص مورد نیاز: آشپزی اداره
۲— تعداد: ۳ نفر
۳— جنسیت: مرد یا زن
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶— شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت برای آقایان
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۲

کارمند

۱— تخصص مورد نیاز: [illegible]
۲— تعداد: [illegible]
۳— جنسیت: زن
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶— شرایط دیگر: معافیت [illegible] خدمت
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: [illegible]

فروشنده

۱— تخصص مورد نیاز: فروشندگی لباس زنانه
۲— تعداد: ۶ نفر
۳— جنسیت: مرد
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶— شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۸

ماشین نویس

۱— تخصص مورد نیاز: ماشین نویسی فارسی و لاتین
۲— تعداد: ۵ نفر
۳— جنسیت: زن
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: دیپلم
۶— شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: [illegible]

دست دوز

۱— تخصص مورد نیاز: دست دوزی [illegible]
۲— تعداد: ۵ نفر
۳— جنسیت: مرد
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶— شرایط دیگر: معافیت [illegible] خدمت
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: [illegible]

کمک حسابدار

۱— تخصص مورد نیاز: حسابداری
۲— تعداد: ۱ نفر
۳— جنسیت: مرد
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶— شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: [illegible]

شیرینی پز

۱— تخصص مورد نیاز: [illegible]
۲— تعداد: [illegible]
۳— جنسیت: [illegible]
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: [illegible]
۶— شرایط دیگر: معافیت [illegible] خدمت
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۳

کارگر ساده

۱— تخصص مورد نیاز: نظافتچی
۲— تعداد: [illegible]
۳— جنسیت: زن
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶— شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: [illegible]

پرکار

۱— تخصص مورد نیاز: پرکاری ساختمان
۲— تعداد: ۲ نفر
۳— جنسیت: مرد
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶— شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۱۱

مرکز کاریابی شماره ۲ این عده را به همکاری دعوت میکند

متصدی برق

۱— تخصص مورد نیاز: [illegible]
۲— تعداد: ۳ نفر
۳— جنسیت: مرد
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶— شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: [illegible]
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: [illegible]

مستخدم

۱— تخصص مورد نیاز: [illegible]
۲— تعداد: [illegible]
۳— جنسیت: [illegible]
۴— سن: [illegible]
۵— تحصیلات: [illegible]
۶— شرایط دیگر:
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۳

پانچیست

۱— تخصص مورد نیاز: گذراندن دوره آموزشی
۲— تعداد: ۱ نفر
۳— جنسیت: زن
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: [illegible]
۶— شرایط دیگر:
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه.
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۳

حکاک

۱— تخصص مورد نیاز: حکاک گلدسته ساز
۲— تعداد: ۲ نفر
۳— جنسیت: مرد
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶— شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۲

راننده پایه یک

۱— تخصص مورد نیاز: راننده پایه یک با سابقه
۲— تعداد: ۲ نفر
۳— جنسیت: مرد
۴— سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶— شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷— محل خدمت: تهران
۸— حداقل حقوق: با توافق
۹— مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۰— آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۱

مرکز کاریابی شماره ۳ این عده را به همکاری دعوت میکند

متصدی چاپ
۱ــ تخصص مورد نیاز: دارا بودن سابقه کار
۲ــ تعداد: ۲ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/[illegible]

نساج
۱ــ تخصص مورد نیاز: نساجی و [illegible]
۲ــ تعداد: ۳ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۱۰

عکاس
۱ــ تخصص مورد نیاز: گذراندن دوره تخصصی
۲ــ تعداد: ۲ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۹

شوفاژ کار
۱ــ تخصص مورد نیاز: شوفاژ کاری
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۸

جوشکار درجه یک
۱ــ تخصص مورد نیاز: جوشکار درجه یک برق
۲ــ تعداد: ۱۰ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۴

در و پنجره ساز
۱ــ تخصص مورد نیاز: [illegible]
۲ــ تعداد: ۲ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت [illegible] خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۴

مکانیک
۱ــ تخصص مورد نیاز: [illegible]
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت [illegible] خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: [illegible]

کمک مکانیک
۱ــ تخصص مورد نیاز: مکانیکی ماشین آلات
۲ــ تعداد: ۳ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۳

برقکار درجه ۳
۱ــ تخصص مورد نیاز: وارد به امور برق
۲ــ تعداد: ۳ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۷/۴

مترجم
۱ــ تخصص مورد نیاز: مترجمی زبان انگلیسی
۲ــ تعداد: ۲ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۰ سال
۵ــ تحصیلات: دیپلم
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/[illegible]

بازار کار ــ شهرستانها

بندرلنگه
۱ــ کارگر ساده: ۵۰ نفر
۲ــ نقاش: ۴ نفر
۳ــ نقاش پیستوله کار: [illegible]
۴ــ رنگرز: ۵ نفر
۵ــ مبل ساز: ۲ نفر
۶ــ فروشنده زن: ۵ نفر
۷ــ گلگیرساز: [illegible]
۸ــ کارمند: ۳ نفر
۹ــ اپراتور: ۳ نفر
۱۰ــ موتورکار: [illegible]

شیراز
۱ــ بسته بند: ۲ نفر
۲ــ طالعچی: ۲ نفر
۳ــ خیاط: ۲ نفر
۴ــ فرزکار: ۲ نفر
۵ــ بنا: ۱ نفر
۶ــ جوشکار: ۲ نفر
۷ــ چرم کار: [illegible]
۸ــ صافکار: ۲ نفر
۹ــ سفیدکار: ۲ نفر
۱۰ــ آشپز: ۲ نفر

سنندج
۱ــ آهنگر: ۵ نفر
۲ــ نجار: ۲ نفر
۳ــ مکانیک: ۲ نفر
۴ــ کارگر ساده: [illegible]
۵ــ حسابدار: ۲ نفر
۶ــ نگهبان: ۵ نفر
۷ــ متصدی چاپ: ۲ نفر
۸ــ گلگیرساز: ۵ نفر

بندرعباس
۱ــ بنا: ۵ نفر
۲ــ کارگر ساده: [illegible]
۳ــ نقاش: ۵ نفر
۴ــ خیاط: ۳ نفر
۵ــ فروشنده: ۵ نفر
۶ــ برقکار: ۳ نفر
۷ــ گارسون: ۵ نفر
۸ــ مکانیک: ۴ نفر
۹ــ ابزاربند: ۳ نفر
۱۰ــ آرماتوربند: ۴ نفر

کرج
۱ــ نقاش: ۴ نفر
۲ــ کارگر ساده: [illegible]
۳ــ برقکار: ۴ نفر
۴ــ فروشنده مرد: ۵ نفر
۵ــ قالی باف: ۵ نفر
۶ــ بسته بند: ۵ نفر
۷ــ مکانیک: ۳ نفر
۸ــ ماشین نویس: ۴ نفر
۹ــ کارگر چاپخانه: ۲ نفر

قم
۱ــ کارمند: ۳ نفر
۲ــ کارگر ساده: ۵۰ نفر
۳ــ رنگرز: ۱۰ نفر
۴ــ سوهان کار: ۵ نفر
۵ــ جوشکار: ۱۰ نفر
۶ــ مبل ساز: ۳ نفر
۷ــ فرزکار: ۴ نفر
۸ــ نقاش: ۵ نفر

اصفهان
۱ــ کارگر ساده: ۴ نفر
۲ــ جوشکار: ۵ نفر
۳ــ موزائیک ساز: [illegible]
۴ــ نجار: ۵ نفر
۵ــ نقاش: ۱۵ نفر
۶ــ گارسون: ۴ نفر
۷ــ کمک گارسون: ۳ نفر
۸ــ آشپز: ۴ نفر
۹ــ خیاط: ۴ نفر
۱۰ــ فرزکار: ۲ نفر

رشت
۱ــ کارگر داروخانه: ۴ نفر
۲ــ مبل ساز: ۳ نفر
۳ــ کارگر چاپخانه: ۴ نفر
۴ــ کارمند: ۵ نفر
۵ــ افزارمند: ۲ نفر
۶ــ خیاط مردانه: ۲ نفر
۷ــ کارگر ساده: ۱۲۰ نفر
۸ــ نگهبان: ۲ نفر

کرمان
۱ــ جوشکار: ۴ نفر
۲ــ کارگر ساده: ۱۳ نفر
۳ــ راننده پایه ۲ شخصی: ۵ نفر
۴ــ راننده پایه یک جرثقیل: ۴ نفر
۵ــ کارمند زن: ۲ نفر
۶ــ آبکار: ۴ نفر
۷ــ رنگرز: ۲ نفر
۸ــ خیاط: ۲ نفر
۹ــ گارسون: ۳ نفر

قابل توجه جویندگان کار و کارآمایان

از کلیه جویندگان کار و کارآمایان تهران و شهرستانها دعوت میشود برای راهنمائی شغلی و تأمین نیازهای نیروی انسانی خود به مراکز کاریابی و اشتغال زیر

مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۱ خیابان امیرآباد جنوبی ـ خیابان رهنما پلاک ۲۳
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۲ میدان شهناز ـ خیابان مهران پلاک ۱۸۶
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۳ خیابان شوش غربی ـ پاساژ کوهی پلاک ۴۱۹
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۴ خیابان سیمتری باغشاه پلاک ۵۹۰
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۵ چهارراه امیراکرم ـ ساختمان نخست وزیری

و در شهرستانها به مراکز کاریابی یا ادارات نیروی انسانی مراجعه کنند

کارگری از طبقه سوم سقوط کرد و کشته شد

یک کارگر ۱۷ ساله جوشکاری که روی اسکلت آهنی ساختمان ۸ طبقه‌ای در خیابان لاله‌زار نو تهران سرگرم باز کردن زنجیر جرثقیل از یک تکه آهن ۵ متری بود، از ارتفاع ۲۰ متری سقوط کرد و کشته شد.

با مرگ این جوان که مرتضی میطاسی نام داشت دو نفر بنامهای رسول ایمانی راننده جرثقیل و حسین ستاری پیمانکار ساختمان توسط ماموران انتظامی بازداشت شدند.

یکی از بستگان متوفی در این مورد اظهار داشت که مرتضی در اثر بی‌احتیاطی راننده جرثقیل و عدم رعایت مقررات ایمنی از طرف پیمانکار ساختمان سقوط کرده و جان سپرده است.

وی اظهار داشت مرتضی میطاسی که چندی پیش از الیگودرز به تهران آمد، بعدازظهر روز حادثه باتفاق یک کارگر دیگر بالای اسکلت فلزی مشغول کار بود که این حادثه بوقوع پیوست.

ساعت در حدود ۲/۵ بعدازظهر بود که مسئول جرثقیل یک شاخه آهن را بالا برد و از مرتضی میطاسی خواست که پس از قرار گرفتن آهن روی کار زنجیر جرثقیل را از شاخه آهن باز کند. مرتضی برای اتکاء خود را بوسط شاخه آهن رساند و زنجیر را جدا کرد ولی در اثر حرکت جرثقیل زنجیر مجدداً به شاخه آهن برخورد کرد و در نتیجه مرتضی به پائین سقوط کرد و جان خود را از دست داد.

آنچه را که در بالا خواندید نمونه دیگری از حوادثی است که بارها شاهد آن بوده‌ایم و بارها نیز به کارگران عزیز یادآور شده‌ایم که کار کردن در ارتفاع مستلزم شرایطی است که حتماً باید رعایت کرد و در غیر اینصورت نبایستی دست به این گونه کارها زد.

بکار بردن کمربند حفاظتی و داشتن نقطه اتکاء محکم از اولین شرایط کار در ارتفاع میباشد. چه در اینصورت است که به هنگام بروز حوادث میتوان جان خود را حفظ کرد.

بهر حال در این حادثه در موارد بسیاری وجود دارد که باید به آنها توجه کرد. [illegible] چون تجربه خواسته با کار خطرناکی را انجام دهد و همچنین مسئولیت پیمانکار ساختمان که اصول حفاظتی را رعایت نکرده و گذشته از تمام این موارد، خود مرتضی هم خطا کار است که در ارتفاع بیست متری از سطح زمین درحالیکه تمام اطراف او پوشیده از تیرآهن است و در این شرایط حتی سقوط از ارتفاع دو متری خطر مرگ در بر دارد بدون رعایت هیچگونه اصول حفاظتی روی شاخه تیرآهن رفته بتصور اینکه کار را زودتر تمام کند یا بدین ترتیب خواسته رشادت خود را نشان دهد درحالیکه کارگران عزیز باید توجه داشته باشند هیچگاه انجام اینگونه امور نمی‌تواند شجاعت و رشادت حساب آید زیرا در صورت وقوع حادثه‌ای آنچه که باحتمال زیاد از بین میرود جان خود کارگر است.

مقررات حفاظت و ایمنی در اختیار کارگران قرار میگیرد

کمیته حفاظت شرکت رادیو الکتریک ایران با شرکت اعضای کمیته و چند تن از مسؤولان کارخانه تشکیل شد.

در این جلسه شانزده مورد حفاظتی بررسی شد و برای تهیه لوازم مورد نیاز تصمیم لازم اتخاذ شد.

در این جلسه همچنین تصمیم گرفته شد مقررات ایمنی بوسیله کمیته حفاظت در اختیار کلیه کارکنان قرار گیرد و برای قسمت کمکهای اولیه کپسول بزرگ اکسیژن خریداری شود.

کمیته حفاظت این کارخانه اعضای کمیته را موظف ساخت که هر چند وقت یکبار آمبولانس کارخانه را نیز مورد آزمایش قرار دهند و علاوه بر اینها تصمیم گرفته شد که پنج دستگاه تنفس مصنوعی دهان بدهان خریداری شود و با دستور استفاده از آن در محلهای مناسب نصب شود.

خرید یک دستگاه کوره برای سوزاندن ضایعات نیز مورد بررسی قرار گرفت و قرار شد همه ماهه کلیه وسایل حفاظتی و آتش نشانی بوسیله کمیته حفاظت کنترل شود.

ضرورت استفاده از وسایل ایمنی برای کارگران تشریح شد.

در آخرین جلسه کمیته حفاظت واحد تولیدی صنعتی پارس از کلیه قسمتها خواسته شد که نمایندگان خود را برای شرکت در جلسه کمیته معرفی کنند تا با تشکیل جلسات فرعی نسبت به پیشگیری اتفاقات غیر مترقبه تصمیمات لازم اتخاذ شود.

در این جلسه همچنین پیشنهاد شد حوادث ناشی از کار به کمیته اطلاع داده شود تا علل و موجباتی که باعث بروز آن شده بررسی شود تا از تکرار آنها جلوگیری شود.

در این جلسه گفته شد بکارگران فنی ضرورت استفاده از وسایل ایمنی یادآوری شده از آنها خواسته شد که در هر شرایط از وسایل ایمنی استفاده کنند.

حسادت، دو کارگر را روانه بیمارستان و زندان کرد

دخالت در کار یکدیگر و حسادت باعث شد که دو کارگر در یک کارگاه ساختمانی با هم به نزاع بپردازند و در نتیجه یکی از آنها بحالت مرگ به بیمارستان و دیگری به زندان اعزام شوند.

درمورد علت این حادثه کارگر ضارب بنام نوروز طی گفتگوئی به خبرنگار حوادث ما اظهار داشت: دو تن از همکاران من بنامهای قریب و محمد که کار آنها حمل تیرآهن میباشد نسبت به کار من که جمع‌آوری مصالح ساختمانی است حسد میبردند و قصد داشتند کار مرا از دستم بگیرند. بر سر همین موضوع نزاعی بین من و قریب درگرفت که چون او از من قوی‌تر بود کتک مفصلی بمن زد و مرا روی دست بلند کرد و بزمین کوبید و چند لگد به شکم و پهلویم زد و باعث ناراحتی بسیاری برایم شد. من هم چون در اثر کتک خوردن بسیار عصبانی شده بودم به هنگام برخاستن از زمین یک میله آهنی را که نزدیکم بود برداشتم و بطرف قریب پرت کردم که متاسفانه به سر او اصابت کرد و باعث شد وی بحال اغماء درآید. کارگر حادثه دیده در بیمارستان شماره دو راه‌آهن بستری است و کارگر ضارب برای تعیین تکلیف در زندان بسر میبرد.

کمیسیون دهگانه انتخابات کار رسیدگی را ادامه میدهند

با حضور فریدون مهدوی قائم مقام دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران مسئولان کمیسیونهای دهگانه انتخابات جلسه‌ای تشکیل دادند و در زمینه ایجاد هماهنگی به بحث و گفتگو پرداختند و برای پیشرفت کارهای جاری تصمیماتی اتخاذ کردند در این جلسه کمیسیون شماره ۱ با بررسی داوطلبان شهرهای شاهزند، اراک، کاشان، خلجستان، آشتیان، فراهان، گرمسار، ایوانکی، خمین و ورامین بکار خود پایان داد و رسیدگی بکار داوطلبان انتخابات انجمن شهر، شهرستان و شوراهای آموزش و پرورش تهران را آغاز کرد.

تهران با ۱۲۵۷ نفر داوطلب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که از این جمع ۳۶۵ نفر برای انجمن شهرستان ۷۳۲ نفر برای انجمن شهر و ۱۶۰ نفر برای شورای آموزش و پرورش آمادگی خود را اعلام کرده‌اند.

کمیته هماهنگی و هیأت همکاری در کلیه شهرستانها تشکیل میشود

*** در جلسه سازمان کارگران تهران نتایج حاصله از برپائی سمینار مسائل درمانی کارگران بررسی شد.**

جلسه عمومی سازمان کارگران ایران شعبه تهران با حضور فرج الله آبکاری رئیس سازمان کارگران ایران و چند تن از نمایندگان مجلس شورایملی از گروه کارگر و به ریاست افشار پناه تشکیل شد و طی آن مسائل سندیکائی مطرح شد و مشکلات کارگران مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در این جلسه رئیس سازمان کارگران ایران به تشریح فعالیتهای این سازمان پرداخت و نتایج حاصله از تشکیل سمینار بررسی مسائل درمانی کارگران را برشمرد و این سمینار را که با حضور وزیران کار و امور اجتماعی و بهداری و بهزیستی ترتیب یافته بود یکی از پرثمرترین سمینارها خواند و اظهار امیدواری کرد با اجرای تصمیماتی که در این سمینار آغاز شده است مشکلات و مسائل درمانی کارگران حل و فصل شود.

رئیس سازمان کارگران در پایان این جلسه، در گفتگوئی با عباس پزشکی نویسنده و گزارشگر رستاخیز کارگران در باره برپائی این سمینار و نتایج حاصله از آن اظهار داشت:

تشکیل سمینار بررسی مسائل درمانی، یکسال پس از اجرای قانون تأمین اجتماعی بسیار لازم و ضروری بود که خوشبختانه این امر تحقق یافت و مسائل درمانی کارگران طی این سمینار و با حضور وزیران بهداری و بهزیستی کار و امور اجتماعی مورد بررسی و گفتگو قرار گرفت و تصمیماتی اتخاذ شد که مسلماً با اجرای آن نحوه درمان کارگران دگرگون خواهد شد.

آبکاری سپس به فعالیت سازمان کارگران ایران جهت بهبود وضع درمانی کارگران اشاره کرد و گفت: چنانکه میدانیم سازمان بیمه های اجتماعی دیروز و سازمان تأمین اجتماعی امروز، یکی از سازمانهای بزرگی است که خدمات مهمی در امر رفاه و آسایش کارگران انجام داده است ولی از آنجائی که صنعت تکنولوژی بر اثر تحولات عظیم کشور بطور بی سابقه پیشرفت کرده است و بر تعداد واحدهای صنعتی و کشاورزی و اقتصادی در سطح مملکت افزوده شده و تعداد بیمه شدگان نیز بطور قابل ملاحظه ای افزایش یافته لذا بهمان نسبت نیز باید تعداد واحدهای درمانی از جمله درمانگاهها بیمارستانها، کادر پزشکی و ابزار و تجهیزات کار در سطح احتیاجات امروز افزایش داده شود.

وی افزود: خوشبختانه سازمان کارگران ایران در امور مربوط به خدمات درمانی و رفاهی کارگران، همکاری نزدیک با سازمانهای درمانی و تأمین اجتماعی دارد و برای این منظور یک هیئت همکاری ۶۰ نفری را بسیج کرده و به آنان ماموریت داده است تا نسبت برفع مشکلات و نواقص کار با مسئولین خدمات درمانی همکاری نمایند و با سرکشی های مداوم از درمانگاهها و بیمارستانها، نظرات خود را در جهت بهبود کارهای مربوط منعکس کنند.

رئیس سازمان کارگران گفت: هفته‌ای یکبار نیز جلسه هیئت همکاری با حضور نمایندگان سازمان خدمات درمانی و سازمان تأمین اجتماعی در سازمان کارگران ایران تشکیل میگردد و به بحث و گفتگو در باره مسائل رفاهی و درمانی کارگران می پردازد و نیز به موجب اساسنامه سازمان کارگران ایران، برای پیشبرد هدفهای انقلاب شاه و ملت در امر تأمین رفاه و آسایش بیشتر کارگران، دو کمیته تخصصی و فنی تحت عناوین «کمیته تأمین خدمات درمانی» و «کمیته تأمین اجتماعی» در جهت همکاری بیشتر با سازمانهای تأمین خدمات درمانی و اجتماعی ایجاد گردیده که مسائل مربوط را مطالعه و بررسی و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و نتایج آن را از طریق سازمان کارگران ایران به سازمانهای مسئول منعکس میسازند.

آبکاری سپس نتایج حاصله از برپائی سمینار مسائل درمانی کارگران را مورد بررسی قرار داد و گفت:

سمینار به منظور حسن اجرای تعهدات درمانی و بیمه‌ای توصیه کرد که قبل از تعمیم بیمه درباره گروههای جدید، امکانات مناسب در سازمانهای تأمین اجتماعی و خدمات درمانی فراهم گردد و نیز به منظور رفاه بیمه‌شدگان شهرستانی و رسیدگی به مسائل آنان، کمیته هماهنگی و هیأت همکاری با شرکت نمایندگان سازمان کارگران و سازمان تأمین خدمات درمانی و تأمین اجتماعی در کلیه شهرستانها تشکیل شود و نیز برای آگاهی کامل کارگران از ویژگی‌های سیستم‌های درمان مستقیم و غیرمستقیم از طریق رسانه های گروهی و انتشار نشریه و پوستر به کارگران آموزش داده شود.

سمینار همچنین توصیه کرد به منظور تأمین احتیاجات درمانی بیمه شدگان نسبت به توسعه و تجهیز پلی کلینیک‌ها در سطح مملکت و برحسب نیاز هر منطقه اقدام شود و برای حداکثر بهره‌گیری از نیروی انسانی کادر پزشکی در امر درمان طرح گردش پزشکان به طور کامل مورد توجه قرار گیرد و نیز برای جلوگیری از اشغال تخت‌های بیمارستانها، مراکزی برای نگهداری بیماران معلول و سالخورده و از کار افتاده و غیر قابل علاج و نوزادان و کودکان عقب‌افتاده، ایجاد گردد و همچنین برای جبران کمبود تخت‌های بیمارستانی از طریق تأسیس و یا توسعه مراکز بیمارستانی فعلی اقدام شود و همزمان با این فعالیتها، اجرای برنامه بهداشتی در محیط کارگاهها و محیط زیست و معاینه سیستماتیک بیمه شدگان حداقل سالی یکبار مورد توجه قرار گیرد.

مسائل رفاهی کارگران در کمیته تأمین اجتماعی بررسی شد

نخستین جلسه کمیته تأمین اجتماعی سازمان کارگران با بررسی مسائل تأمین اجتماعی کارگران کار خود را آغاز کرد.

این کمیته که یکی از کمیته های دوازده‌گانه فنی سازمان کارگران ایران است برمبنای اساسنامه این سازمان تشکیل شده و مسؤولیت آن برعهده ناصر یوسفی زاده معاون سازمان تأمین خدمات اجتماعی است و امیرعلی سیفی معاون سازمان کارگران و نماینده مجلس شورایملی، فتح الله حاتمی نماینده کارگران در مجلس شورایملی، بوداغ زاده عضو هیئت اجرائی سازمان کارگران و عضو هیئت‌مدیره سازمان تأمین اجتماعی، باقر کمره‌ای عضو هیئت اجرائی سازمان کارگران و رئیس سازمان کارگران شعبه شهر ری، جعفرزاده عضو هیئت‌مدیره سازمان کارگران ایران و سعید محمدی عضو هیئت اجرائی سازمان کارگران ایران در آن عضویت دارند.

در اولین جلسه این کمیته که با حضور فرج‌الله آبکاری رئیس سازمان کارگران ایران در محل این سازمان تشکیل شد، ناصر یوسفی‌زاده مسؤولیت های خطیری را که این کمیته برعهده دار تشریح کرد و هدفهای آن را برشمرد و گفت: تأمین خدمات اجتماعی دامنه‌ای وسیع دارد و همه زمینه های رفاهی کارگران، از جمله حمایت آنان را در قبال حوادث ناشی از کار، فوت، بیمه بیکاری، از کارافتادگی، بازنشستگی، کمک عائلمندی و کمک های تعاونی در برمیگیرد و به جهت همین وسعت عمل است که وظائف و هدفهای این کمیته بسیار خطیر و حساس جلوه میکند و ما را برآن میدارد که این هدفها را برمبنای آموزش کارگران پی‌ریزی کنیم.

وی افزود: بطور کلی کمیته سه هدف را دنبال میکند: هدف اول کوشش در راه آشنا کردن کارگران با فلسفه تأمین اجتماعی است که براساس آن از طریق توسعه برنامه های آموزشی سازمان کارگران، تشکیل جلسات سخنرانی و بحث و گفتگو و نیز تهیه و انتشار نشریات مختلف کوشش وسیعی برای آموزش کارگران و آشنا نمودن آنان با هدفهای تأمین اجتماعی و فلسفه آن بعمل خواهد آمد.

هدف دوم کمیته، تشریح و تعمیم موارد تأمین اجتماعی و شرائط و نحوهٔ استفاده از مزایای تأمین اجتماعی است تا کارگران بدانند به چه نحو از این مزایا می توانند استفاده کنند و یا به چه نحو قادرند مانع از تضییع حقوق خویش شوند.

هدف سوم که مورد نظر کمیته تأمین اجتماعی است بررسی وسیع قانون تأمین اجتماعی با توجه به مقدورات و مقررات اجتماعی و اقتصادی مملکت و در نتیجه ارائه طرحهای جامع در جهت بهبود مقررات تأمین اجتماعی می‌باشد. در اجرای این هدف از کلیه سندیکاها و اتحادیه های کارگری و صاحبنظران در امور کارگری و تأمین اجتماعی نظرخواهی میشود و این نظرات در کمیته مورد بحث و تبادل نظر قرار میگیرد و با استفاده از این نظرات طرحهائی در زمینه بهبود مقررات و قوانین تأمین اجتماعی تدوین و ارائه خواهد شد.

آئیننامه دریافت حق عضویت سازمان کارگران ایران تصویب شد

[illegible]

بیشترین نیروی برق کشورمان از انرژی اتمی تأمین میشود

نیروگاههای تولید انرژی الکتریسته هر روز در کشورمان گسترش بیشتری مییابد

بر پایه برنامه های در دست اجرای سازمان انرژی اتمی ایران تا ۱۸ سال دیگر یعنی تا سال ۲۵۵۳ قدرت تولید برق اتمی به حدود ۲۳ هزار مگاوات میرسد که تقریباً معادل نصف برق ایران در آن سال است.

برای رسیدن به این هدف ما دو نیروگاه اتمی در بوشهر در دست ساختمان است که مجموعاً ۲۴۰۰ مگاوات (هر یک ۱۲۰۰ مگاوات) قدرت دارد و تا پنج سال دیگر به اتمام برسد.

ساختمان دو نیروگاه دیگر نیز که هر یک ۹۰۰ مگاوات قدرت دارد بزودی در کنار رود کارون شروع میشود. هم اکنون مطالعات [illegible] برای تعیین محل این نیروگاهها در دست انجام است و [illegible] [illegible] نیروگاه [illegible] [illegible] نیروگاهها مجموعاً ۲۰۰ مگاوات برق [illegible] خواهند [illegible].

مجموع قدرت کنونی شبکه برق ایران قابل مقایسه است.

براساس برنامه موجود، در سالهای اول باید هر ۹ ماه یک نیروگاه اتمی جدید بکار افتد و در سالهای بعد نیروگاهها با سرعت بیشتر احداث خواهند شد. بطوریکه در سال ۲۵۵۳ شاهنشاهی بتوان هر سال پنج نیروگاه اتمی با قدرت تقریبی ۵ هزار مگاوات کار گذارد.

سازمان انرژی اتمی ایران برنامه [illegible] برای توسعه انرژی اتمی در پیش دارد و [illegible] مسعود ایران [illegible] [illegible] خود را در زمینه سوخت اتمی برای ۱۵ سال دیگر و قسمتی از [illegible] را برای ۲۵ سال دیگر [illegible].

در زمینه آموزش [illegible] مورد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهند [illegible].

باگواهی پزشک معالج

غرامت دستمزد بیمه شدگان تا ۱۲ روز پرداخت میشود

غرامت دستمزد ایام بیماری تا دوازده روز براساس گواهی پزشک معالج قابل پرداخت خواهد بود.

سازمان تامین اجتماعی به جهت آگاهی بیشتر در این زمینه طی بخشنامه‌ای چگونگی پرداخت غرامت ایام استراحت بیمه‌شدگان را مشخص کرد.

براساس دستورالعمل صادر شده غرامت دستمزد ایام استراحت بیمه شدگان در موارد درمانهای پشت سر هم جمعاً تا دوازده روز در سال براساس گواهی پزشک معالج قابل پرداخت خواهد بود و در صورت ادامه استراحت (مازاد بر دوازده روز) پرداخت غرامت دستمزد علاوه بر گواهی پزشک معالج منوط به تایید پزشک معتمد سازمان تامین خدمات درمانی است (پزشک معتمد از طرف شورای پزشکی مرکز پزشکی منطقه مربوطه تعیین خواهد شد).

در موارد درمانهای بستری (معالجات بیمارستانی) غرامت دستمزد براساس گواهی پزشک معالج قابل پرداخت میباشد و در موارد استراحتهائی که پس از مرخصی بیمه شده از بیمارستان تجویز میگردد غرامت دستمزد تا هفت روز براساس گواهی پزشک معالج و مازاد بر هفت روز براساس گواهی پزشک معالج و تائید شورای پزشکی مرکز پزشکی یا پزشک معتمد قابل پرداخت خواهد بود.

معرفی بیمه‌شده بکار پس از خاتمه معالجه یا انقضاء مدت استراحت در هرحال منوط به تائید پزشک معتمد خواهد بود.

حقوق و مستمریهای از کارافتادگی و بازنشستگی کارگران ترمیم شد

* حقوق و مستمریهای از کار افتادگی و بازنشستگی کارگران و بازماندگان [illegible] ترمیم شد.

این دستورالعمل طی بخشنامه سازمان تامین اجتماعی به کلیه واحد های تابعه در تهران و شهرستانها ابلاغ شد و در آن ضرورت اجاری ماده ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی تاکید شده است.

در این بخشنامه آمده است، در اجرای ماده ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی هیچیک از مستمریهای از کارافتادگی کلی، بازنشستگی و مجموع مستمری بازماندگان در هرحال نباید از حداقل مزد کارگر عادی کمتر باشد.

در این دستورالعمل گفته شده کلیه مستمریهای بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان که قبل از تاریخ اجرای قانون تامین اجتماعی (۲۵۳۴/۵/۱۰) برقرار گردیده است در صورتیکه از حداقل دستمزد مناطق و صنایع (موضوع بخشنامه ۳۲۴ فنی) کمتر باشد از تاریخ دهم مردادماه دو هزار و پانصد و سی و چهار تا اول فروردین ماه دو هزار و پانصد و سی و پنج باید براساس حداقل های مقرر در بخشنامه مذکور ترمیم و پرداخت گردد.

همچنین از تاریخ اول فروردین دو هزار و پانصد و سی و پنج کلیه مستمریهای بازنشستگی و از کار افتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان در صورتیکه از حداقل های مقرر در بخشنامه ۳۶۹ فنی (حداقل دستمزد مناطق و صنایع) کمتر باشد براساس حداقل های بخشنامه مذکور باید ترمیم و پرداخت گردد در هرمورد که براساس تصمیم شورای عالی کار در میزان حداقل مناطق و صنایع تغییراتی ایجاد گردد در صورتیکه مستمریهای موضوع این بخشنامه از حداقل های مصوب کمتر باشد بهمان میزان افزایش داده خواهد شد.

در این دستورالعمل خواسته شد نسبت به پرداخت مابه‌التفاوت مستمری تا میزان حداقل های دستمزد موضوع بخشنامه های فوق‌الذکر اقدام و مشخصات این قبیل مستمری بگیران را (نام و نام خانوادگی شماره مستمری تاریخ افزایش مستمری — مبلغ مابه‌التفاوت مستمری و نام کارگاه) باداره مستمریها ارسال شود.

از نیمه دوم امسال

۵ هزار آپارتمان برای کارگران ساخته میشود

بانک رفاه کارگران اعلام کرد که از نیمه دوم سال جاری در ۷۵۰ هزار مترمربع از زمینهای تهران ۳ هزار آپارتمان برای کارگران تهران خواهد ساخت.

سری اول این آپارتمانها سال آینده و بقیه طی ۴ تا ۵ سال بتدریج بکارگران واجد شرایط فروخته خواهد شد.

علاوه بر این در مهر ماه سال جاری نیز ۲۰۰۰ آپارتمان ساخته شده در مشهد بکارگران واگذار میشود و همچنین بر اساس طرحی که تهیه شده هم اکنون در شاهی ۱۴۷ خانه انفرادی در دست ساختمان است که پس از تکمیل آنها به کارگران داده میشود.

در اصفهان نیز ۴۶۰ آپارتمان تحویل کارگران شده است و تا پایان سال جاری ۹۴۵ دستگاه دیگر تحویل میشود.

گزارش خبرنگاران ما از نقاط مختلف حاکیست که هم اکنون در بندرعباس ۴۰۰ خانه، در کرمان ۴۷۰ و در بندر بوشهر ۴۰۰ خانه برای کارگران این شهرها در دست ساختمان است.

استخدام کارشناسان خارجی باید از طریق وزارت کار صورت گیرد

استخدام اتباع خارجی فقط باید از طریق وزارت کار و امور اجتماعی صورت گیرد.

در این زمینه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران اعلام کرد: از کلیه کارفرمایان خواسته است از این پس از هرگونه اقدام مستقیم بمنظور استخدام وجلب کارشناسان خارجی اجتناب ورزند و در این قبیل موارد برای تأمین نیازهای نیروی انسانی خود با اداره کل استخدام اتباع خارجی وزارت کار و امور اجتماعی تماس بگیرند تا ضمن کسب اطلاعات لازم در این خصوص از همکاریها و امکانات اداره مزبور بهرهمند شوند.

ملحقات مزد

در قانون کار ایران بهنگام تعریف مزد تعریفی از ملحقات مزد نشده است، ولی عملا با توجه به یک رشته قوانین و مقرراتی که بعداً به تصویب رسیده و همچنین الحاق ایران به برخی از مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی، چنین پرداختهائی جنبه واقعیت یافته است. این ملحقات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول آنهائیکه درقلمرو تأمین اجتماعی قرارمی‌گیرد و هدف آن کمک به هزینه کارگر است مانند خدمات تأمین اجتماعی باشد ایجاد انواع مختلف بیمه‌های اجتماعی، ایجاد شرکتهای تعاونی.

دسته دوم آنها که بنحوی از انحاء بردرآمد کارگر می‌افزاید، اعم از اینکه برطبق عرف و عادت انجام‌پذیرد و یا اینکه بموجب قانون پیش‌بینی گردیده باشد و یا اینکه در اثرفعالیت و کوشش بیشتر کارگر سبب استفاده از چنین ملحقاتی شود و از آنجا که دسته دوم بیشتر می‌تواند بعنوان ملحقات مزد تلقی‌گردد، قبلا به بحث درموردآن‌می‌پردازیم.

این گروه از درآمد کارگران، بنحوی است که در عین‌حال که موجب افزایش درآمد کارگران میشود، آثار منفی بر اقتصاد کشور بجای نمی‌گذارد و این امر ناشی از یک رشته مسائل اقتصادی است.

الف ـ سهیم شدن کارگران درسودویژه کارگاهها.

سهیم شدن کارگران یکی از اصول هفده‌گانه انقلاب و از اصول اولیه، یعنی اصل چهارم انقلاب میباشد.

هدف اساسی سهیم کردن کارگران در سود ویژه آنست که کارگران یک کارگاه تا حدود ۲۰ درصد درسود ویژه کارگاهها شریک و سهیم شوند.

این اصل، چهار نتیجه کاملا مشخص دربر دارد.

ـ افزایش درآمد کارگران
ـ افزایش میزان تولید ومحصول
ـ رضایت کارآمایان درپرداخت سود ویژه
ـ اثر مطلوب سهیم کردن کارگران در اقتصاد کشور

در اثر اجرای اصل سهیم کردن کارگران درسودویژه کارگاه، کارگران کوشش خواهند کرد که برمیزان تولید خود بیفزایند و درنتیجه افزایش محصول در بازار، افزایش درآمد، کارگران بهیچوجه موجب افزایش قیمتها نخواهد گردید و هنگامی که کارآمایان متوجه افزایش میزان تولید گردند و خود نیز از این افزایش بهره‌مند گردند، با رضایت کامل درصدد سهیم کردن کارگران در سود کارگاه خود برخواهند آمد و این خود درعین حال که موجب افزایش درآمدها و درنتیجه رشد اقتصادی کشور میگردد، هیچگونه اثر نامطلوبی بر اقتصاد کشور نخواهد داشت.

بدین ترتیب سهیم‌شدن کارگران در عین‌حال که بر درآمد کارگران میافزاید، هیچگونه اثر نامطلوبی بر اقتصاد کشور نیز نخواهد داشت وضمناً برشخصیت کارگـــر می‌افزاید زیرا از این پس کارگر مانند سابق تنـــــــــــها مزدبگیر کارآما نیست، بلکه در عین‌حال که مزد خود را دریافت میدارد، درسود کارگاه‌نیز شریک وسهیم میگردد وچون ما درفصلی دیگر به مساله سهیم شدن به تفصیل خواهیم نوشت، لذا به بحث در همین‌جا خاتمه میدهیم.

ب ـ کمک هزینه ـ البته این مفهوم کنگ است، زیرا ممکن است بعلل گوناگون مبلغی به کارگرپرداخت شود، مانند کمک‌ـ هزینه بدی آب و هوا و یا کمک هزینه‌ای که بهنگام اخراج و فسخ قرار داد کار به کارگر پرداخت‌میشود.

کمک‌دیگری که قانوناً ازطرف کارآما به کارگر پرداخت میشود، هنگامی است که کارگر اضافه‌کار انجام میدهد و درقبال هر ساعت اضافه کار ۳۵ درصد مزد کارگر به وی بطور اضافه پرداخت میشود.

گرچه این اضافه بموجب قانون‌و درقبال کاری است که کارگر انجام میدهد، ولی درهرصورت مبلغی است که درعین‌حال که بمزدوی اضافه میشود، عملا هیچگونه انعکاس و اثری بویژه درزمینه افزایش قیمتها ندارد.

هبه و هدیه ـ ممکن است براساس انعقاد قرارداد و پیمان دسته‌جمعی و یا برحسب‌عرف و عادت کارآما مقداری بعنوان هدیه به کارگر بپردازدوآن هنگامی‌است که کاری‌خارق‌العاده و خارج از کار عادی خود انجام داده باشد. این رقم گرچه بمزد کارگر اضافه میشود، ولی بهیچ‌وجه جزء مزد تلقی نمیگرددو بهنگام پرداخت مالیات‌و حق بیمه درمحاسبه محسوب نمیگردد، زیرا بطورمستمرانجام نمیپذیرد.

پاداش ـ ممکن است کارآما درقبال کار جالب توجهی که کارگر انجام میدهد، در سال یک یا دوبار بوی پاداش دهدوعملا نیز درآئین‌نامه‌های داخلی کارگاه‌چنین پاداشهائی وجود دارد، وچون این پاداشها مستمری‌نیست وممکن است درسال فقط یکبار یادوبار پرداخت گردد، حق بیمه یا مالیات برآن تعلق‌نمیگیرد ودربازاروبرقیمتها نیزمؤثرنیست.

انعام ـ ممکن است‌مشتریان به کارگر انعام بپردازند، یعنی نحوه کار کارگر طوری باشد که‌قسمتی ازدرآمد آنها ازطرف مشتری پرداخت شودومشتری در قبال خدمت کارگر به‌وی انعام دهد، چنین پرداختی نیزمکمل مزدتلقی‌می‌گردد.

مزایای جنسی ـ دربسیاری‌مواقع کارآما، در قبال کارگر علاوه برمزدهای متداول‌نیز مزایای جنسی به‌وی پرداخت میکند، مانند یکبارغذای گرم، مقداری‌قندوچای‌ونان‌وغیره، بدون تردید این چنین پرداختی گرچه‌بعنوان مکمل مزد تلقی میشود، بهنگام محاسبه حق بیمه، منظور میگرددو باتوجه بقیمت اجناس که بکارگر پرداخت میشود، حق‌بیمه آن نیز پرداخت میگردد، ولی این مبلغ بازهم جزء‌مکمل مزد تلقی میگرددو اثر منفی برقیمتها نخواهد داشت. آنچه بیان گردید مبالغی‌است که بعنوان مکمل مزد ازطرف کارآمابه کارگر پرداخت میشود، ولی همانطورکه بیان‌گردید نوع دیگری کمک‌وجود دارد که درچهارچوب تأمین اجتماعی انجام میپذیردوکمک‌به‌هزینه زندگی کارگر میباشدو مادرمقاله دیگر بدان اشاره‌خواهیم کرد.

بطوریکه خاطر نشان ساختیم منظورما از بررسی موضوع بالا، پرداخت‌هائی است که از طرف کارفرما بکارگر انجام می‌پذیرد وهدف آن، ازیک‌سو تشویق کارگربه کاربیشترونیز بالا بردن بهره‌وری کارگراست وازسوی دیگر جلوگیری اثرات زیانبخش افزایش درآمدها [illegible] قیمت‌ها وسیرصعودی تورم‌میباشد.

البته ممکن است ازطریق خدمات رفاهی وهمچنین‌دراجرای برخی قوانین و مقررات دیگر [illegible] کمک‌هائی [illegible] شود. [illegible] دارد، این نوع کمک‌ها بهیچوجه [illegible] بلکه منظور ما دراین بحث [illegible] پرداختهائی [illegible] درقبال بهره‌وری [illegible] این نوع پرداخت‌ها را [illegible] مورد تجربه و بحث وبررسی قرار داد.

> **سهیم‌شدن کارگران درسود کارگاهها، هم ازنظرمادی‌برای اقتصادجامعه‌وخانواده کارگرمفیداست‌وهم ازنظرمعنوی.**

شاید درباره‌سهیم شدن کارگران ویا اصل چهارم از اصول انقلاب شاه ومردم‌سخن بسیار گفته شده باشد و ما نیز خود ضمن بحث‌وبررسی درباره قانون کار فصلی بدین امر اختصاص خواهیم داد ولذا ضرورت ایجاب میکند که در اینجا باختصار قناعت کنیم.

سهیم شدن کارگران در سود کارگاهها، هم ازنظر مادی برای اقتصاد جامعه وخانواده کارگرمفیداست و اثربخش وهم ازنظرمعنوی.

البته منظورما، دراین بحث این است که سهیم شدن کارگران با توجه به افزایش بهره‌وری کارانجام پذیرد و همزمان باافزایش میزان تولید، کارگران نیز درمیزان افزایش یادشده شریک و سهیم گردند. ودر چنین موردی است که ازلحاظ اقتصادی هم برای جامعه و هم برای خانواده کارگر مفید واقع میشود والااگرسهیم شدن کارگران به‌پرداخت مبلغی درسال به کارگر محدود گردد واین امر هیچگونه تأثیری درافزایش تولید نداشته‌باشد، سهیم کردن‌اثرمورد نظررا بدست نخواهدداد و این پرداخت‌ها نیز نوعی مزد خواهد بود که افزایش بدون تردید در بالا رفتن قیمت‌ها و سرعت در تورم ظاهر خواهد شد. خوشبختانه وزارت کار وامور اجتماعی اعلام داشته است که ازاین پس سهیم کردن کارگران براساس افزایش بهره‌وری کارانجام می‌یابد وپرداخت سهم کارگران ازاین رهگذر بر اساس مقدار افزایش تولیدصورت‌می‌گیرد.

حال این سؤال پیش می‌آید که چگونه سهیم شدن کارگران بر اقتصاد جامعه اثر میگذارد؟ موضوع روشن است اساس اقتصاد هر کشور بر تولید استواراست وهرچه برمیزان تولید افزوده‌شود وقدرت تولیدی کشورترقی نماید، قدرت اقتصادی آن کشور نیز فزونی می‌یابد زیرا با فروش کالاهای تولیدشده‌چه در داخل کشورو یا خارج قدرت خرید این کشور برای خرید لوازم و ابزار تولیدی وسایر لوازم مورد نیاز بیشتر میگردد وامکان برنامه ریزی در زمینه‌های دیگر اقتصادی افزایش می‌پذیرد وبدین ترتیب این مسئله در تعلی رشته‌های اقتصادی کشور مؤثر واقع میشود و رشد اقتصاد کشور رو به فزونی می‌نهد، البته ممکن است کشوری منابع سرشار وسرمایه‌های بسیارداشته باشد ولی تا هنگامی که این منابع و سرمایه‌ها ازطریق تولید بکار نیفتند و رشته‌های مختلف تولیدی در کشورایجاد نگردد، مسلماً امکان رشد اقتصادی در این کش[illegible] نخواهد بود، نمونه‌هائی ا[illegible]

هم امروز نیز درجامعه [illegible]

بلحاظ داشتن [illegible] طبیعی [illegible]

[illegible]

از دلو...

تا عظیم...

از: شهرزاد

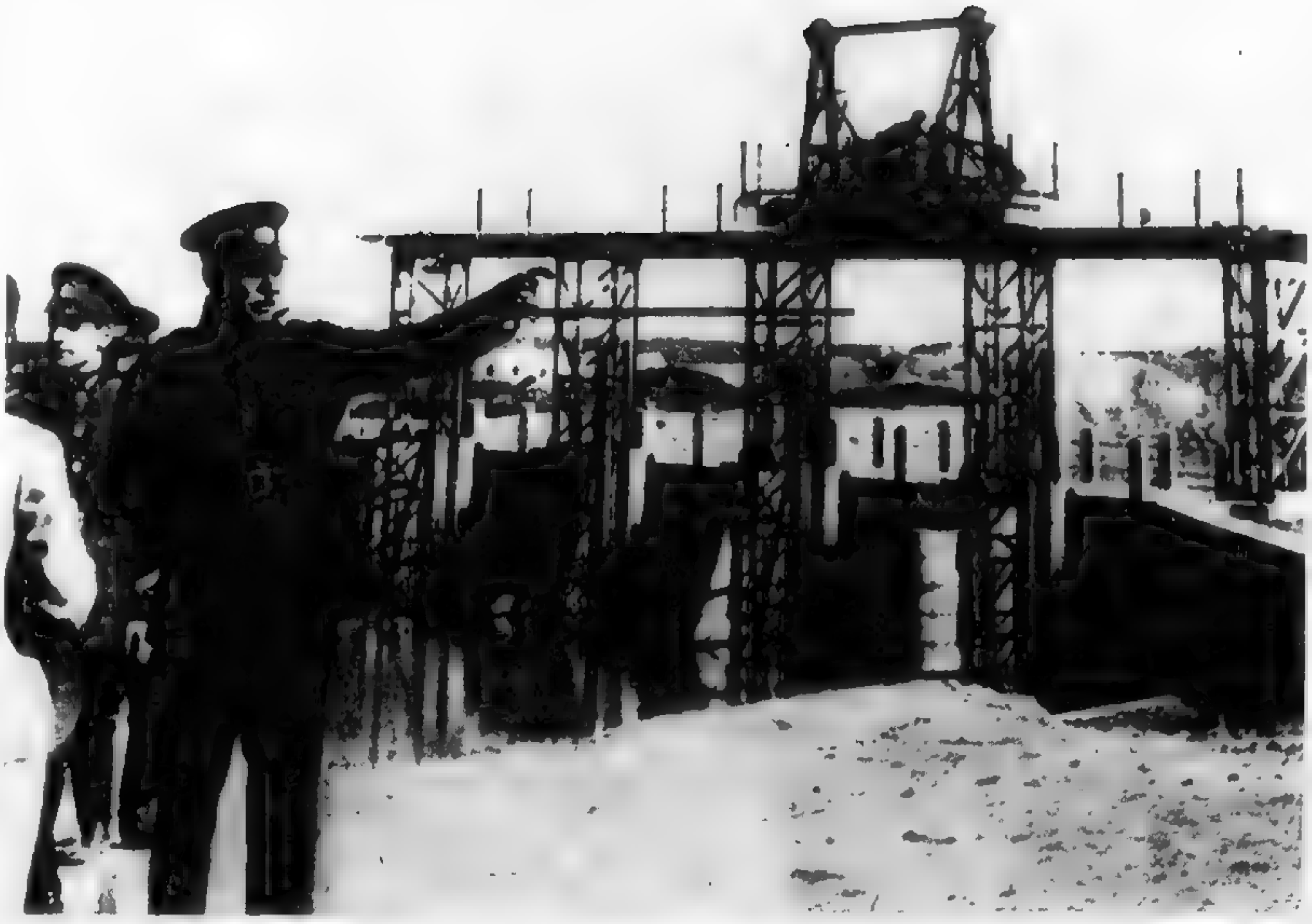

معروفست یکی از مشکلات ایرانیان [illegible] همیشه در زمینه‌ی کشت و کار [illegible] جهت آبیاری به مزارع می‌کشیدند. [illegible] جمع‌کردن آب [illegible] بود، زیرا چون [illegible] آب بسیار کمیاب بود. [illegible] شاهی کوشش [illegible] به [illegible] شده [illegible] برای [illegible] کشت خوب [illegible] جهت [illegible] مورد [illegible] قرار [illegible].

[illegible] کشور [illegible] اقتصادی و اجتماعی [illegible] بزرگ [illegible] ایران [illegible] کشور را دگرگون کرد [illegible] بهتری [illegible].

اقدامات عمرانی [illegible] کشور در همه زمینه‌ها از جمله آب و برق [illegible] و این [illegible] دودمان جلیل پهلوی در آن زمان به [illegible] نشده بود، بلکه پایه‌های سازندگی را فراهم کرد و بعدها فرزند برومند آن رادمرد بزرگ، اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر با رهبری داهیانه به تکمیل برنامه‌های پدر تاجدار خود همت گماشتند و با اقدامات همه جانبه که همگی شاهد آن هستیم، چهره سیاسی، اقتصادی واجتماعی وفرهنگی کشور را دگرگون نموده و با برقراری نظمی نوین و معتدل‌آور، ایران را به پایگاهی بزرگ در صحنه بین‌المللی رسانیدند، بنحوی که امروزه کشور ما با شتابی غیرقابل تصور بسوی صنعتی‌شدن پیش میرود و در این دوران پیشرفتهای ما در زمینه آب و برق که عوامل زیربنای اقتصادی کشور می‌باشند [illegible] و سریع می‌باشد.

آب در پنجاه‌سال شاهنشاهی پهلوی:

به علت موقعیت جغرافیائی و وضع خاص طبیعی ایران توسعه آب‌وآبیاری یکی از مشکلات این کشور بوده و در طول تاریخ چندهزارساله در بخش عظیمی از کشور عمده‌ترین عامل محدود کننده اقتصادی بوده‌است. و چنانچه در بالا یادآور شدیم، ایرانیان همواره در استخراج و استفاده از آبهای زیرزمینی متکی و متعهد بوده‌اند، که از طریق حفر قنوات، آبهای زیرزمینی را بوسیله قوه ثقل به سطح زمین میرسانیدند .... همچنین در دوران شاهنشاهی ایران در زمینه ایجاد سدها و بندها اقداماتی انجام گردیده که مورخین

...های آبکش

...ترین سدهای مهارکننده آب

در، دوران پنجاه‌ساله شاهنشاهی دودمان پهلوی تولید انرژی برق پانزده هزار و هفتصد برابر گشته است. در اواخر سال ۲۵۳۳ «وزارت نیرو» با وظایف جدید، در انرژی کشور جانشین وزارت آب و برق گردید.»

عمده‌ای را که ایران ... است ... و ... د کر کرده‌اند.

در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر همگام با ایجاد تحولات سریع و پیشرفتهای همه جانبه در کشور به مسئله آب و تعمیر سیستم آبیاری و توسعه منابع آب کشور توجه خاصی مبذول گشت که از جمله سد و تأسیسات آبیاری ساوه و جرقویه ... . در خوزستان سد و تأسیسات آبیاری ... که در ... سد و تأسیسات رو ... و برق آباد . در مغرب کشور و همچنین مطالعات ... ساری ... و ... دیگر را می‌توان نام برد.

در آخر سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر و با شروع مجدد فعالیتهای عمرانی، بنگاه مستقل آبیاری در ۹ اردیبهشت سال ۲۵۰۲ ساختمانهای تأسیس و امور مربوط به آب و آبیاری کشور به این بنگاه سپرده شد که ...

لطفاً ورق بزنید

۱۲ سد مخزنی، ۳۰ سد انحرافی در حال بهره برداری، ۶ سد مخزنی در دست ساختمان و ۴ سد در دست مطالعه، حاصل تحولات پنجاه سال شاهنشاهی است.

نیروگاه فرح

یک نیروگاه حرارتی قدیمی

سازی و آبیاری نوینی را پایه‌گذاری کرد و اقداماتی در این زمینه بعمل آورد. در دوران شاهنشاهی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر فعالیت های عمرانی کشور، تحت برنامه‌های عمرانی بنظم در آمد که موجب پیشرفت سریعتر اقدامات عمرانی گردید. در

ظرفیت حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب آغاز گردید و سالانه نزدیک به ۴ میلیارد مترمکعب آب را تنظیم می‌نماید ... ده سد دیگر در دست ساختمان و یا مطالعه می‌باشد. با تکمیل عملیات آنها تا آخر برنامه عمرانی پنجم در سال حدود ۲۷ میلیارد مترمکعب از آبهای سطحی کشور مهار خواهد شد. همچنین در این دوران تعداد ۳۰ سد انحرافی ایجاد گردیده که کمک شایانی به امر آبیاری خواهد نمود. بعد از این سدها شبکه نوین آبیاری را در کشور بوجود آورده که تا کنون حدود ۵۰۰ هزار هکتار از اراضی زیر سدها بطریقه مدرن آبیاری میگردد. [illegible]

[illegible]

علاوه بر ۱۲ سد مخزنی موجود ... سد مخزنی دیگر هم اکنون در دست ساختمان است که [illegible] خواهد شد. [illegible] علاوه بر این چهار سد مخزنی دیگر در دست مطالعه است [illegible] در دست ساختمان [illegible] مرحله مهار آبهای سطحی است.

پایه های انتقال نیرو در تهران

تلاش در راه تهیه آب با وسایل ابتدائی

سد سپیدخان در رشت

برنامه‌های عمرانی تا کنون بهره برداری از سد محمد رضا شاه پهلوی – سد شهبانو فرح – سد امیر کبیر – سد شهناز پهلوی – سد شاه اسمعیل – سد فرحناز پهلوی – سد شاه عباس کبیر – سد شاپور اول – سد ارس – سد وشمگیر و سد داریوش کبیر که جمعاً ۱۲ سد می‌باشند با

آبیاری نوین

با ساختمان هر سدی ده‌ها هزار هکتار اراضی زیر سدها برای کشت مرغوب و سیستم آبیاری نوین جانگزین روش های قدیمی میشود. مزارع کشت وصنعت ده‌ها هزار هکتار مزارع [illegible]

[illegible] حبوب و برنجکاری و حفر [illegible] در شمال و غرب و شرق کشور و هر نقاط دیگر ایجاد شده پدید آمد.

در سال ۱۳۴۰ ... هزار هکتار از مزارع برنجکاری [illegible] از سیستم آبیاری سنتی [illegible] روش آبیاری مسدود و این رقم در آینده به ۲۰۰

هزار هکتار خواهد رسید.

تونل انحرافی فومن

این تونل بطول ۱۷ کیلومتر است که آب [illegible] فومن سرازیر میسازد. طول این کانال ۵۰ کیلومتر است که در حال

بقیه در صفحه ۹۲

تولد پهلوان

در شماره‌ی پیش خواندید:
که پیوند زال و رودابه به زودی به ثمر نشست و رودابه باردار شد و نوزاد چنان بزرگ و سنگین بود که رودابه تاب تحملش را نداشت و یک‌روز از شدت درد بیهوش شد. زال سیمرغ را یاری خواست و سیمرغ او را راهنمایی کرد که چگونه پهلوی رودابه را بشکافد و نوزاد را بیرون بیاورد. زال مطابق دستور سیمرغ عمل کرد. بچه‌ی زیبا و درشتی که بزرگی بچه‌ای یکساله بود متولد شد که نامش را خود رودابه رستم گذاشت. سپس دایه‌ها به دستور زال عروسکی به بزرگی و بشکل رستم ساختند و آنرا با تشریفات خاصی نزد سام فرستاد و مژده تولد نوه‌اش را به او داد که سام را سخت شادمان کرد.

رستم ، به سرعت بزرگ می‌شد . روزی ده دایه به او شیر می‌دادند که نوزاد شیر هر ده دایه را با رغبت و میل میخورد و هر روز بزرگتر می‌شد ... و چون به غذا خوردن پرداخت روزانه پنج گوسفند را سر می‌بریدند و گوشتش را برای کودک غذا میساختند.

زال نهایت دقت را در تعلیم و تربیت فرزندش بکار می‌برد . برجسته‌ترین پهلوانها را برای آموختن فنون پهلوانی و دانشمندترین مؤبدان را برای آموزش فرهنگ زندگی به خدمت او گماشته بود و آنها همه چیز را به رستم که کودکی بسیار نیرومند و باهوش و ذکاوت بود می‌آموختند چنان که در هشت سالگی هیچ پهلوانی را یارای پنجه افکندن با او نبود و در اسب سواری ، تیراندازی ، کمند اندازی و همه ی فنون جنگی از همه‌ی پهلوانان گیتی برتر بود و هماوردی نداشت.

وقتی خبر هنرنمایی‌های رستم به سام پهلوان رسید و برایش تعریف کردند که نوه‌اش چه یال و کوپالی دارد و چقدر شبیه خود است ، قلبش از جا جنبید و شوق دیدار فرزندزاده بی‌تابش کرد آنسان که تصمیم گرفت سپاهش را بدست سردارانش بسپارد و خود بقصد دیدار رستم راهی زابلستان شود.

سام خیلی زود این تصمیم خود را عملی کرد و با گروهی از بزرگان کشورش و با هدایای فراوان راه زابل را در پیش گرفت.

زال چون از آمدن پدر آگاه شد دستور داد در سراسر زابلستان آیین جشن و شادی برگزار شود و خود با بزرگان زابل به پیشباز پدر شتافت در حالیکه رستم را در لباس پهلوانی بر پیلی بزرگ سوار کرده بود و همراه می‌برد.

وقتی دو گروه بهم رسیدند ، زال و بزرگان زابل از اسب پیاده شدند و در برابر سام زمین ادب بوسیدند . سام از دیدار پسر شادمانیها کرد و آنگاه نوه‌اش را که خاطره‌ی جوانی خود را زنده می کرد در آغوش کشید و روی و مویش را غرق بوسه کرد . رستم دست پدربزرگش را بوسید و با شادمانی گفت

— پروردگار را سپاسگزارم که مرا از هر حیث شبیه تو آفریده است و از این شباهت بر خود می‌بالم ... امیدوارم در پهلوانی و جهانداری نیز به شایستگی تو باشم و بتوانم افتخار پاسداری شاهنشاهی ایران زمین را در خانواده‌ی تو حفظ کنم.

سام با خوشحالی خندید و در حالیکه رستم را ستایش می کرد به زال گفت:

— سراپای این فرزند تو معجزه است . آن زادنش از پهلوی مادر که تا کنون کسی به یاد نداشته و این پهلوانی و هوش و دانایی ... باید پروردگار را سپاس گزاریم که چنین فرزندی بتو عطا فرمود و سیمرغ را ستایش کنیم که ما را برای داشتن چنین فرزندی یاری داد.

سام چند روزی میهمان زال بود و در این مدت رستم را از هر لحاظ آزمود و در همه‌ی هنرها و فن ها شایسته یافت ... و هنگام بدرود به زال گفت

— این پسر همانگونه که ستاره شناسان پیش بینی کرده‌اند جهان پهلوان بزرگی خواهد شد که بشایستگی سرزمین ایران را در برابر دشمنان و اهریمنان پاسداری خواهد کرد . باید شب و روز مراقب او باشی و در پروردن او از هیچ کوششی فرو گذار نکنی ... داشتن چنین فرزند شایسته‌ای را صمیمانه به تو تبریک می‌گویم زال....

— منهم به تو شادباش می‌گویم پدر ... رستم در واقع وارث همه‌ی شایستگی‌های تست و این واقعاً همه‌ی ما را خوشحال می کند.

***

چندی براین برآمد ... رستم همچنان روز بروز بزرگ‌تر و نیرومندتر می‌شد . او روزها را به تمرین اسب‌سواری ، نیزه پرانی ، تیراندازی و کشتی میگذراند و شبها با پدر به میگساری می‌نشست.

آنشب ، چون همه‌ی شبها ، مست از می و جوانی به خوابگاه خود رفت . تا بخوابد . اما هنوز چشمانش گرم خواب نشده بود که به فریادهایی از جا جست . از بیرون صدای غرش پیل و فریاد وحشت مردم شنیده می‌شد . رستم از پاسدار کاخش پرسید

— چه خبر شده ؟ این سروصداهای چیست

نگهبان گفت:

— پیل سپید شاه بند و زنجیرش را گسسته و فرار کرده است و هم‌اکنون دارد بسوی شهر می‌رود و هر که و هرچه را سر راهش می‌بیند زیر پاهای سنگین و با ضربه های خرطومش خرد و نابود می کند ... هیچ کس هم نمیتواند جلودارش بشود.

رستم فوری لباس رزمش را پوشید . گرز سنگین خود را برداشت و از خوابگاه بیرون آمد تا برود و پیل سپید را به قرارگاهش برگرداند و یا بکشد . اما نگهبانان کاخ جلوش را گرفتند و گفتند:

— شما نباید خودتان را بخطر بیندازید ... در این تاریکی شب با پیل سپید و مست کاری نمی‌توان کرد . اگر خدای ناکرده یک مو از سر پهلوان زاده کم شود شاه همه ما را می کشد...

رستم گرز سنگینش را بالا برد و با خشم گفت:

— هر کس بخواهد مانع بیرون رفتن من بشود زیر ضربه‌ی گرز خرد و خمیرش می کنم ... بروید کنار!

رستم این سخن را چنان محکم گفت که کسی در جدی بودن آن تردید نکرد و نگهبانان از ترس جان کنار ایستادند و راه را برای خروج پهلوان‌جوان گشودند.

رستم از کاخ بیرون آمد و دوان دوان در جهتی که غرش پیل شنیده می‌شد براه افتاد ...

بزودی رستم و پیل سپید در برابر هم قرار گرفتند . رستم در حالیکه گرز را بالای سرش میچرخاند نعره‌ای زد و بسوی پیل رفت . پیل غرشی کرد و خرطومش را بلند کرد تا بر کمر رستم حلقه کند و او را از زمین بکند اما رستم امان نداد و گرز سنگین خود را چنان بر سر پیل کوبید که هیکل چون کوه پیل لرزید و روی زمین غلتید و دیگر هم نتوانست از جا بلند شود.

رستم لحظه‌ای ایستاد و نخستین کشته‌ی خود را تماشا کرد و آنگاه به کاخش برگشت و براحتی گرفت و خوابید.

صبح وقتی زال از جریان آگاه شد ، با آنکه بزرگترین پیل جنگی خود را از دست داده بود و این بخودی خود اسباب تأسف او می‌شد ، اما اقدام تهورآمیز رستم چنان شادی‌بخش بود که غم از دست دادن پیل سپید در برابرش خیلی کوچک جلوه می کرد . پس رستم را نزد خود خواند و او را مورد محبت و نوازش قرار داد و آنگاه گفت:

— پسرم ، اکنون تو چنان پهلوانی شده‌ای که بتوانی یکی از آرزو های سام جامه‌ی عمل بپوشانی ... و آن گرفتن انتقام نیای بزرگت نریمان از ساکنان در کوه سپند است . این دژ با حصار های بلند و محکم خود در بالای کوه سپند قرار دارد و چنان مستحکم و نفوذناپذیر است که بآسانی نمیتوان تسخیرش کرد.

رستم که از ماجرای نریمان ناآگاه بود با هیجان پرسید:

— مگر مردم این دژ با نریمان چه کرده‌اند؟

زال نفس بلندی کشید و گفت:

— سالها پیش ، نریمان بفرمان فریدون شاه قصد تسخیر این دژ را می کند و لشگر به کوه سپند می کشد و دژ را در میان گرفت و بجنگ پرداخت . این جنگ یک سال تمام به درازا کشید بدون اینکه توفیقی حاصل شود ... و سرانجام ، یک روز سنگ بزرگی از بالای باروی دژ انداختند که بر سر نریمان پهلوان فرود آمد و جابجا او را کشت . سام برای گرفتن انتقام پدر به کوه سپند رفت و دژ را در حلقه‌ی محاصره گرفت و بیش از دو سال در آنجا ماند اما در این مدت نه کسی از دژ بیرون آمد و نه کسی به درون رفت زیرا مردم دژ همه چیز در داخل دژ دارند و کوچکترین نیازی برای بیرون آمدن از دژ پیدا نمی کنند ... بنابراین سام هم بعد از دو سال بی نتیجه بازگشت ... اما مطمئنم که این کار بدست تو انجام پذیر است چون تو جوان نورسته‌ای هستی و هنوز کسی ترا نمی‌شناسد. تو براحتی میتوانی بداخل دژ راه پیدا کنی و آنجا را تسخیر کنی...

رستم با اشتیاق گفت:

— چگونه پدر؟ تو که میگویی دروازه‌های این دژ سال به سال باز نمی‌شود...

— بله ، اما یک راه برای نفوذ به داخل این دژ وجود دارد... شنیده‌ام تنها چیزی که مردم این دژ ندارند نمک است و بهمین دلیل هم غذاهای خود را بی نمک میخورند . . . اگر تو خود را بصورت بازرگان نمک درآوری و کاروانی با بار نمک ترتیب دهی ، دیده‌بانان دژ بمحض دیدن این بار ترا داخل دژ خواهند برد . . . وقتی داخل دژ راه پیدا کنی ، دیگر مشکلی برای گرفتن انتقام نیای خود نریمان نخواهی داشت...

— بله پدر ، بله . . . مهم همان راه یافتن به درون دژ است . . . من از همین الان تدارک این سفر را خواهم دید.

— موفق باشی پسرم !

***

زال همانروز به کارگزارانش دستور داد چندین شتر را نمک بار کنند و گروهی از پهلوانان و بزرگان سپاهش را برای همراهی رستم برگزید.

رستم و همراهانش همه لباس بازرگانان پوشیدند و گرزها و شمشیرهای خود را زیر بارهای نمک مخفی کردند و سحرگاه روز بعد کاروان بزرگی به سوی کوه سپند براه افتاد.

هنگام حرکت ، زال رستم را به آغوش کشید و بوسید و در حالیکه اندکی نگران بنظر می‌رسید آخرین سفارش هایش را به او کرد:

— تا خوب همه‌ی راه‌های دژ را یاد نگرفته‌ای و خوب به وضع دشمن آگاه نشده‌ای ، هویت واقعی خود را آشکار نکن...

رستم لبخند زنان گفت:

— نگران نباش پدر ، با آنکه این نخستین نبرد من خواهد بود اما قول میدهم که پیروز برگردم. یزدان همه جا یار و یاور من خواهد بود...

— من هم مطمئنم پسرم...

* * *

به روایت: ل. ه. سعانی

دیده‌بانان دژ با خوشحالی به کوتوال قلعه خبر دادند که کاروانی پشت حصارهای دژ اردو زده که همه مردمانی بازرگان هستند و بنظر میرسد که بار نمک با خود دارند. اجازه می‌دهید آنها را بداخل دژ بخوانیم و بارهایشان را بخریم؟

کوتوال شادمان از این خبر، گفت:

— فوری یکی دو نفر بفرستید تا ببینند بار کاروان چیست. اگر بارشان نمک بود، کاروانسالار را از قول من سلام برسانند و آنها را به داخل دژ دعوت کنند...

— همین الان اقدام می کنیم قربان!...

رستم بارهای نمک را دور اردو چنان چیده بود که کاملا از دور دیده شود و خود با یارانش درمیان آنها نشسته بودند و درحالیکه دروازه‌ی دژ را زیر نظر داشتند آهسته صحبت می کردند.

— فکر میکنید آنها به این زودیها متوجه بشوند که ما بار نمک با خود داریم؟

— البته. دیده‌بانان دژ اطراف را بدقت زیر نظر دارند و بارهای ما نیز چنان است که شوری‌مزه‌اش ازدور چشیده‌می‌شود...

در همین اثنا متوجه بازشدن دروازه‌ی دژ شدندو رستم به دوستانش گفت

— حواستان جمع باشد... دو نفر از دژ بیرون آمدند و دارند به سوی ما می‌آیند. نباید رفتارمان طوری باشد که آنها بفهمند ما بازرگان نیستیم

لحظه‌ای بعد، دو مأمور کوتوال دژ به اردوی رستم رسیدندو یکی ازآنها پرسید:

— ممکن است با کاروانسالار صحبت کنیم

رستم بالحن نرم ومهربانی گفت:

— البته، بفرمایید. قدمتان روی چشم.

مأموران نزدیکتر آمدند و همان که حرف زده بود گفت:

— سرور ما میخواهد بداند آیا شما بار نمک دارید؟

رستم گفت:

— بله، ما مردمانی بازرگان هستیم وچندین شتر بار نمک داریم که برای فروش به این نواحی آمده‌ایم...

مرد مأمور گفت:

— در اینصورت ما افتخار داریم که از طرف کوتوال دژ ازشما دعوت کنیم که بداخل دژ بیایید و میهمان سرور ما باشید که ایشان خریدار بارهای شما هستند.

رستم گفت:

— با کمال میل این دعوت را می پذیرم. میتوانید ما را به اندرون دژ راهنمایی کنید

— البته!

لحظه‌ای بعد رستم و همراهانش درداخل دژ بودند. رستم مقداری از نمک ها را درظرفی برداشت و نزد کوتوال دژ رفت و تعظیم کنان گفت:

— سرور من، سپاسگزارم که افتخار شرفیابی به بنده و یارانم داده‌اید. بار ما شایسته‌ی ارمغان کردن نیست اما مفتخر خواهم بود اگر آنها را چون هدیه‌ای ازجانب ما بپذیرید.

کوتوال از این تعارف بسیار شادمان شد و با گشاده رویی گفت:

— متشکرم مرد بازرگان... اما بارهای شما را به عنوان هدیه نه بلکه چون کالایی ارزشمند از شما می پذیریم. پیشکار ما پول آنها را حساب می کندو به شما می پردازد وشما هرچند روز که بخواهیدمیتوانید دردژ میهمان ما باشید.

و دستور داد ترتیب اسکان و راحتی رستم و یارانش را بدهند.

* * *

رستم که ازلحظه‌ی ورود به دژ همه چیز را بدقت زیر نظر داشت و همه‌ی گوشه و کنار دژ را وارسی کرده بود. چون پاسی ازشب گذشت، لباس بازرگانی ازتن بدر کردولباس رزم پوشید. یارانش نیز چنین کردند و آنگاه سلاحها را از داخل بارهای نمک درآوردند وآماده‌ی نبرد از خوابگاه خود بیرون آمدند.

رستم گفت:

— من به سراغ کوتوال درمیروم. وقتی او را بکشم دیگران مقاومتی نشان نخواهند داد، چرا که سپاه بی فرمانده مثل تن بی سریست که کاری ازش برنمی‌آید.

رستم تا پشت درخوابگاه کوتوال دژ رفت و نگهبان خواب‌آلود آنرا با یک ضربه‌ی مشت بیهوش کرد و آنگاه در خوابگاه را گشود و وارد شد.

کوتوال که به صدای بازشدن در بیدار شده بود سراسیمه از رختخواب بیرون آمد و چون رستم را گرز بر دست بالای سرش دید فریاد زد:

— تو کیستی و این موقع شب ازمن چه میخواهی؟

رستم گفت:

— من رستم نوه نریمان پهلوان سیستانی هستم که سالها پیش شما نامردانه او را کشته‌اید. من آمده‌ام انتقام او را بگیرم و این دژلعنتی را با خاک یکسان کنم.

و بعد بدون اینکه فرصت نفس کشیدن باو بدهد ضربه‌ای با گرز گرانش بر سر او کوفت که درجا بداس مرگ فروافتاد.

آنگاه رستم و یارانش همه نگهبانان‌دژ را کشتند و چون آفتاب دمید سراسر دژ را به آتش کشیدند و خود پیروزمندانه بسوی زابلستان برگشتند.

زال نخستین پیروزی فرزندش را با شکوه تمام جشن گرفت و جریان فتح دژ کوه سپید بدست رستم را بتفصیل برای سام نوشت.

سام که از ناکامی خود در گرفتن انتقام قتل پدر همیشه دلگیر بود وقتی نامه‌ی زال را خواند بشدت خوشحال شد و بافرستادن هدایای زیاد پیروزی رستم را به او شادباش گفت:

داستان بعدی: جنگ‌ساهان

نوشته: نسرین فرنژاد

مهری خانم

[illegible]

[illegible]

... از منزل قصه [illegible] نرسیده بودم که [illegible] روز مهری خانم را [illegible] مهربانی [illegible] و مردان که [illegible] درست می کردند. ولی [illegible] مهری خانم از [illegible]

خوب خانم [illegible] ... [illegible] می‌گفت:

[illegible]

[illegible] عروسی کردم، با هزار [illegible] دست آخر [illegible]

[illegible] حرف [illegible] که می‌زنی. مگه [illegible] تجربه ازدواج کردی؟...

[illegible] داری.

[illegible]

[illegible] میرزم [illegible]

[illegible]

حلی [illegible] اصفهان [illegible]

[illegible] می‌خوری.

آره طفلکی [illegible] که بره مسافرت و دست خالی برگرده.

راستی اعظم خانم صبح اومده بود [illegible] از شوهرش [illegible] می‌گفت شوهرش اصلا پول [illegible] نمیداره. واسه همین سه دفعه [illegible] در اوردن، ولی [illegible]

وای [illegible] طفلکی [illegible] و یک کلام هم نمی‌پرسه که آخه زن تو با این پول چیکار می کنی؟

آره اعظم خانم می‌گفت: دیروز مادر و خواهر کوچکش اومده بودن خونه‌شون، ولی

بقیه در صفحه ۸۳

گیاهان شفابخش را بشناسیم

آناگالیس

از: مهدی نراقی

LE MOURON ROUGE

[illegible] برای ساقه‌ای [illegible] است و [illegible] از [illegible] میرسد. برگهای [illegible] شکل [illegible] جفت موازی دارد. دو به دو مقابل هم [illegible] ساقه [illegible] شکل [illegible] است که [illegible] نشسته‌اند.

گلهای [illegible] در ماه اردیبهشت [illegible] میشود و [illegible] خرداد دوام میاورد. گلهای آن کوچک و دارای پنج [illegible] است که [illegible] و [illegible] پنج [illegible] میشود.

[illegible] گلهای آن در نوع [illegible] قرمز و [illegible] نوع [illegible] آبی آسمانی است. اگر برای [illegible] داروئی میخواهید آنرا مصرف کنید، [illegible] که [illegible] داد، [illegible] که هوا [illegible] و [illegible] که هوا آزاد عبور میکند، بگذارید و در جای گرمی که مثلا آشپزخانه است آنرا خشک کنید.

کمی از تاریخ

[illegible] خوب آناگالیس [illegible]. **وپلین** دانشمند معروف [illegible] که در سالهای ۲۳ تا ۷۲ قبل از میلاد میزیسته، در «**تاریخ طبیعی**» اثر جاویدان خواص آنرا بررسی کرده است.

جالینوس حکیم، خواص داروئی این [illegible] را [illegible] و [illegible] دانسته و [illegible] خاصیت [illegible] آوردن [illegible] و [illegible] دانسته است.

خانم کشیش سنت هیلدگراد که در سالهای ۱۰۹۸ تا ۱۱۷۸ میزیست آنرا برای درمان زخمهای داخلی بکار میبرد و حال آنکه **آلبرت دو سارته آنو** آنرا داروی مؤثری برای معالجه بیماری صرع و هاری و امراض روحی میدانست.

آناگالیس چه دارد؟

• آناگالیس «قرمز دارای گلوکوزید [illegible] است که [illegible] خاصیت [illegible] خون [illegible] خط، و [illegible] آور دارد است. [illegible] سرور را [illegible] که [illegible] های [illegible] سرفه‌های [illegible] آسم و [illegible] سرفه [illegible] میرسد.

معالجهٔ آسم

[illegible] گرم آناگالیس خشک که [illegible] و ساقه است خشک کرده در یک لیتر آب سرد در ظرفی بریزید و آنرا روی آتش ملایمی بگذارید تا بجوش آید و یک دقیقه بجوشد و بعد ده تا پانزده دقیقه آنرا بگذارید دم بکشد. سپس صاف کنید و با عسل شیرین سازید و در طول روز، چهار تا پنج فنجان از آنرا بنوشید. رفته رفته فشار آسم برطرف میشود و سرفه های آن تسکین می‌یابد.

معالجهٔ برونشیت

پنجاه گرم گیاه کامل آناگالیس را به ترتیبی که در معالجهٔ آسم شرح دادیم، تهیه کنید و [illegible].

جوشاندهٔ آناگالیس خلط‌آور و مسکن مفیدی [illegible] است.

معالجهٔ سیاه سرفه

اگر جوشاندهٔ آناگالیس را [illegible] هر روز چهار تا پنج فنجان بنوشید، سیاه‌سرفه را معالجه خواهد کرد.

برای تهیهٔ این جوشانده باید پنجاه گرم آناگالیس خشک را در یک لیتر آب سرد بریزید و ظرف محتوی آنرا روی آتش بگذارید تا بجوش آید و یک دقیقه بجوشد و بعد آنرا پانزده دقیقه دم کنید و صاف نمائید. همین جوشانده برای معالجهٔ انواع ورم پوست هم مؤثر است.

معالجهٔ کبره و خون‌مردگی و خشکی پوست

صد و پنجاه گرم گیاه خشک آناگالیس را در یک لیتر شراب قرمز بریزید و دوازده روز بگذارید بخیسد. بعد آنرا صاف کنید و در یک بطری بریزید و در آنرا محکم ببندید و هر روز جائی را • که بره بسته و یا خشک شده و یا خون در زیر پوست مرده است با آن بشوئید و سپس پماد زیر را بمالید و با پارچهٔ نازکی (گاز) به بندید. پمادی که باید روی پوست مالید باید از ترکیب زیر بدست آید:

۱ - شیرهٔ تازه آناگالیس: سه گرم.
۲ - لانولین Lanoline: پنج گرم.
۳ - وازلین [illegible] و دو گرم.

معالجهٔ امراض کبدی با آناگالیس

جوشاندهٔ آناگالیس به ترتیبی که طرز تهیه و میزان مصرف آنرا در مورد معالجهٔ آسم شرح دادیم برای معالجهٔ زردی ([illegible]) (کیسه کبدی) و سنگ کیسه‌ای مؤثر و [illegible] است.

معالجهٔ اختلالات عصبی

جوشاندهٔ آناگالیس [illegible] گرم [illegible] خشک در یک لیتر آب که یک دقیقه بجوشد و [illegible] ده دقیقه دم بکشد برای درمان اختلالات عصبی اثر دارد و عصبانیت Nevrose [illegible] را درمان میکند.

معالجهٔ نورالژی

درد اعصاب که گاهی در صورت و [illegible] حساس میشود و بآن نورالژی میگوئیم با مصرف جوشانده آناگالیس درمان میشود. در این مورد باید [illegible] گرم گیاه خشک آناگالیس را در یک لیتر آب سرد بریزید و روی آتش بگذارید تا بجوش آید و یک دقیقه بجوشد. بعد آنرا [illegible] دقیقه دم کنید و سپس صاف کنید و با عسل شیرین سازید و هر روز چهار تا پنج فنجان از آنرا بنوشید تا شفا یابید.

معالجهٔ زخمها و جراحات

جوشاندهٔ آناگالیس به ترتیبی که طرز تهیه و مصرف آنرا در مورد معالجهٔ کبره و خشکی پوست و خون مردگی زیر پوست شرح دادیم، باید وقتی سرد است بعنوان محلول شستشو بکار بریم. خیلی سریع زخمها و جراحات را التیام میبخشد.

معالجهٔ زگیل با آناگالیس

یک بغل گیاه تازهٔ آناگالیس را در ماشین [illegible] و با [illegible] آب [illegible] بریزید و شیرهٔ آنرا استخراج کنید و سپس آنرا روی زگیل بمالید تا بهبود بخشد.

محل رویش آناگالیس در ایران

گیاهشناسان ایرانی محل رویش گیاه آناگالیس را در ایران در آذربایجان، سواحل دریای خزر در ایران، بلوچستان، منطقهٔ البرز اطراف تهران، قزوین، بروجرد، تفرش، تراران در ارتفاعات ۹۰۰ متری، اطراف کاشان، مغرب ایران، ایلام، راه مهران به دهلران، سرحدات شرقی ایران، هریرود و بسیاری نواحی دیگر دانسته‌اند.

این گیاه را به عربی: عین‌الجمل، لبین، رغلیبه میگویند.

ازجاروکشی تماشاخانه

تاحکمروائی درد

زندگینامه «جوزف هنری»

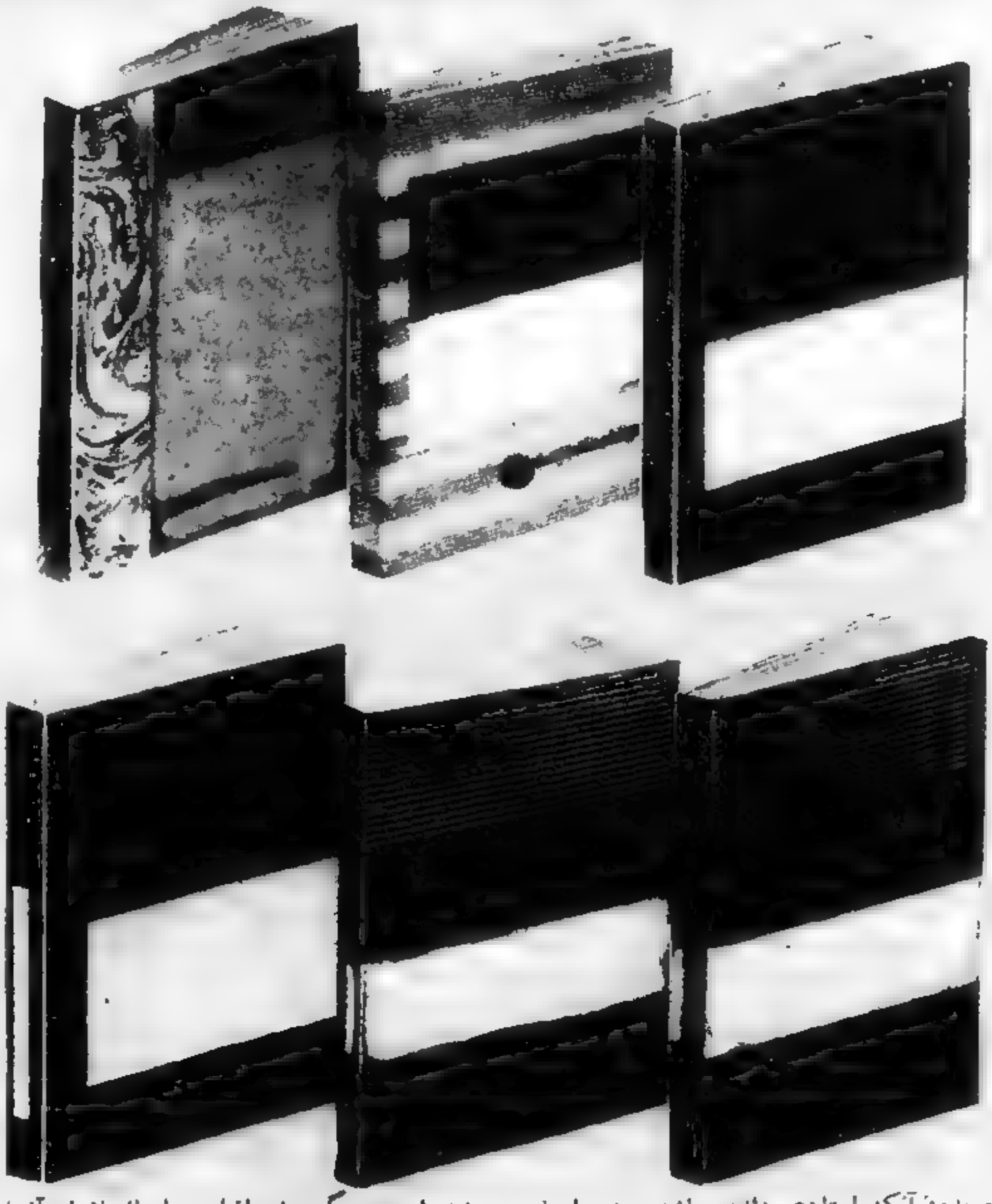

ارزش عده‌ای از نوابغ در زمان زندگی آنها معلوم میشودو رنگین کمان رؤیایی موفقیت و افتخار را با چشمان خویش میبینند. وعده‌ای دیگر به‌زمان آینده میپیوندندو هنگامی که دیگر از چشم آنان نشانه‌ای باقی نیست، به‌تولد دیگری دست می‌یابند. سالها بعد از مرگ جان میگیرندوارزش‌وجودی فکریشان بردیگران نمودار میشودوازمیان خاکهای قبرستان نابغه‌ای برمیخیزد که‌این‌بار دیگر هرگز در چنگال هیچ مرگی نابود نمیشود. و «جوزف هنری» قهرمان این شمارهٔما که در گروه «مردان خود ساخته» جای دارد، از این زمره است. امروزه «جوزف هنری» را به‌عنوان یک‌فیزیک‌دان مبرز میشناسندو در فهرست عالمان دنیا برای او جای مشخص وچشم‌گیری انتخاب شده‌است. حال‌آنکه درزمان تولدش، هیچ کس نمیتوانست آینده‌ای این چنین را برای پسری که درآغل چوپانی به‌وجود آمده بود، پیش‌بینی کند. او چوپان‌زاده فقیری بیش نبودو هیچکس نمی‌اندیشید که روزی به چنین مقام رفیعی از علم برسد. حال‌آنکه آینده درست به‌خلاف‌این شهادت دادو چوپان‌زاده فقیر روزی در کنار بزرگترین دانشمندان جهان قرار گرفت. سال ۱۷۹۷، سال تولد «جوزف‌هنری» است. ولی از روز تولدش اطلاع چندان‌دقیقی در دست نیست. زادگاهش ایالت‌البانی امریکا بودو مادرش به جزاو، فرزندان دیگری نیز داشت که سروپا برهنه‌و گرسنه درمیان دشتها وزیر آسمان کبود بزرگ میشدندوهیچ کس به‌فکر تعلیم‌وتربیت آنان نبود. این نوع بچه‌هامعمولا ازهفت یا هشت‌سالگی به‌اجبار به کار روی می‌آوردند تا باری را ازدوش خانواده بردارند. «جوزف» نیز از این قاعده مستثنی نبود، وهفت ساله بود که دست دردست پدر به‌مزرعه‌ای رفت‌و بعد از صحبت کوتاهی بامزرعه‌دار، پسرك به‌عنوان‌مزدور درآنجا به کارپرداخت. واین آغازدوران تازه‌ای اززندگی او بود. اگرچه درروح کوچك او توفانی در حال وزیدن‌بود و او با بچه‌های دیگر، بچه‌هائی که از هفت سالگی تا هفتادسالگی در یک وضع‌ومقام باقی ماندندو هرگز تغییری درآنها حادث نمیشد تفاوت زیادی داشت از همین روی رفته‌رفته شبها در پناه چراغ کم‌سوئی که در یک‌گوشه کلبه میسوخت به خواندن‌و نوشتن روی‌آورد و بدون‌آنکه استادی داشته باشد، خوداستاد خودشد. دو سال بعد «جوزف» از کارگری در مزرعه دست کشیدو در مغازه خواربارفروشی محله خود شاگرد شد. صاحب مغازه پیرمرد نیک‌اندیش‌و فهمیده‌ای بود که در خانه کتابهای فراوانی داشت. پیرمرد وقتی ازشورو شوقی که در «جوزف» نسبت به تحصیل‌وجود داشت آگاه شد، هرگاه فراغتی دست میداد، به‌او چیز تازه‌ای می‌آموخت‌و بامهربانی درهای علم‌و دانش را به روی او میگشود، اماافسوس که‌عمر این‌دوران بسیار کوتاه بودوبامرگ پیرمرد، «جوزف» به ناچار درخانه ای مستخدم شد. خوداو درباره این‌زمان، درزندگی‌نامه‌اش گفته است: «باپرداختن به شغل نوکری، به‌این نتیجه رسیدم که هرانسانی برای کاری آفریده شده است‌وهرگز بیش از استعداد انسانها به‌آنها داده نمیشود، ومقارن بااین دانش بود که برآن شدم تا ازخودانسان‌والاتری بسازم...» وآنگاه از خدمتکاری آن‌خانه استعفا دادو باز به‌شغل کارگری مزرعه روی آورد، و تا سیزده‌سالگی دراین کارباقی ماند، تا حادثه‌ای که سرنوشت سازِزندگی او بود، پیش‌آمد. وآن حادثه، غروب یکی از روزهای پائیزی رخ داد. درآن روز «جوزف» که‌مثل همیشه مشغول کار درمزرعه بود، یک دفعه توجهش به خرگوش‌سفیدی که در میان بوته‌ها جست‌وخیزمیکرد جلب شد بدون‌آن که دلیلی برای کارخود بیابد، سردرپی اوگذاشت. خرگوش ازآن‌مزرعه‌ومزارع دیگر به‌چابکی گذشت وسرانجام ازنقب‌درازی‌وارد کلیسا شد. «جوزف» دردنبال او ناگهان خود را در اتاقی دید که در گوشه‌ای از آن مقداری کتاب روی هم ریخته بود. پسرك با دیدن کتابها، خرگوش وسوسه خرگوش را از یاد برد. در اتاق را بست. در گوشه‌ای نشست و مشغول مطالعه کتابها شد... و با خواندن این کتابها بود که به وجود دنیای دیگری، ماورای دنیای زادگاه خود پی برد و بر آن شد تا آن ده را ترك گفته، به شهر که از جنب‌و جوش حیات مالامال بود، روی بیاورد... اینك در شهرهم مجبور به کار بود و مسئله تلاش برای معاش هرگز از او جدا نمیشد. اما شاید کارگرها درشهر مقام و مرتبه برتری داشتند و شاید جوانك میتوانست در خلال کار به دنیای افسانه‌ای کتابها راه یابد. و یك ماه بعد جوزف‌هنری درشهر بود. نخست در بازار شهر به شغل باربری پرداخت. و این کار اگرچه با زیاده‌طلبی‌های او تناسبی نداشت، اما در عوض به جستجوگری های او کمك فراوانی کرد و با نبض شهر تا حدود زیادی آشنایی یافت. وازاین راه بود که یك‌ماه بعد، راه تاتر «گرین‌استریت» را که معروف‌ترین تاتر شهر بود، درپیش گرفت. او ازاراده‌ای قوی و روحیه‌ای سرسخت برخوردار بود و تصمیم داشت به هر ترتیب شده، روزی در آن تماشاخانه به بازیگری بپردازد. غافل ازآن که سرنوشت مهم تری برایش در نظر گرفته بود. آن روز «جوزف‌هنری» به طورمستقیم به رئیس تماشاخانه رجوع کرد و خواسته خود را با اودرمیان گذاشت. آقای «جون‌برنارد» صاحب تماشاخانه که مفتون جاه‌طلبی و گستاخی پسرك شده بود، به او جواب داد: «بسیار خوب ولی رفتن روی صحنه شرطی دارد و آن اینست که دو سال در تماشاخانه جاروکشی کنی...» خیال میکنید عکس‌العمل آن پسر چهاردساله در برابر این حرف چه بود؟ هیچ، با روی‌خوش پیشنهاد آقای «جون‌برنارد» راقبول کردوبه‌این ترتیب دوسال دیگرازعمر او نیز درجاروکشی گذشت، اگرچه در آن مدت‌بارموز بازیگری به خوبی آشنائی یافت و هنگامی که سرانجام پایش به روی صحنه رسید، با هنرونبوغ خود تماشاچیان را مبهوت ساخت. «جوزف‌هنری» سه سال دراین کار، باقی ماند و رفته‌رفته چنان به کاربازیگری دل

نیای علم

بست ، که می اندیشید تا پایان عمر در آن کار ،می خواهد ماند. اما باز حادثه دیگری اتفاق افتاد و این بار با وقوع آن حادثه راه‌اصلی زندگی او روشن و مشخص شد :

روزی که به علت بیماری در خانه یکی از دوستان بستری بود ، بر حسب تصادف کتابی را که دوست دیگری در آن خانه جای گذاشته بود ، مطالعه کرد . بعد از چند صفحه ، چشمش به روی این چند سطر خیره ماند : « هنگامی که سنگی را به هوا پرتاب میکنیم ، یا تیری را از کمان رها میسازیم ، به چه علت آن سنگ یا آن نیزه به‌طور مستقیم در همان امتداد اولیه به حرکت خود ادامه نمیدهد ؟ و بالعکس چرا دود و زبانه‌ی‌آتش بـا آن کـه هیچ گـونه قـوه‌ی اولیـه‌ای برای حرکت صعودی به آنها داده نشده،همواره به‌طرف بالا میشتابند؟»

و این کلمات تا آن اندازه در ذهن «جوزف هنری» جوان اثر گذاشت که تا پایان‌عمر هرگز آن را فراموش نکرد ، و درواقع با همین کلمات بود که به جهان علم و دانش روی‌آورد و پایه‌های سرنوشت اصلی خود را بنا نهاد. از روزبعد که با وجود بازی در تماشاخانه و بستگی به دنیای هنر ، در رشته فلسفه طبیعی به مطالعه و تحقیق پرداخت و به دنبال آن رفته رفته با بازیگری وداع کرد ، در یکی از کلاس های شبانه نام نوشت ، و با بازگشت به دنیای کارگری تحصیل را از سر گرفت. او در این زمان برای پرداختن شهریه شبانه خود ، به هر کاری روی می‌آورد و برای رسیدن به مقصود ، از کوره راه‌های مختلفی گذر میکرد تا اینکه سرانجام معلوماتش به‌جایی رسید که بتواند به‌طور رسمی در یکی از مدارس روستایی به شغل معلمی بپردازد. او برای این منظور روزها به روستا میرفت و در یکی ازمدارس به کار میپرداخت و شبها در شهر برنامه کلاس شبانه را ادامه میداد و به این ترتیب در شبانه روز بیش از پنج‌ساعت استراحت نمیکرد ، امـا با این همه، زندگی را با هیجان عاشقانه‌ای دوست داشت و هرگز از آن گله یا شکایتی نمیکرد. «جوزف هنری» فیلسوف و عالم آینده ، چندسالی را نیز به این ترتیب گذراند تا این که از کار معلمی استعفا کرد و از استاد شیمی خود خواست تا با سمت دستیار در آزمایشات او شرکت کند و اجازه سخن‌رانی‌های علمی به او داده شود و این بااین جهت بود که تجربیات دوران بازیگری به «جوزف هنری» آموخته بود که هرگونه نمایش و آزمایش باید نه‌تنها مستدل و قاطع باشد ، بلکه تا سرحد امکان جالب و چشم‌گیر نیز باشد.

به هرحال «جوزف هنری» بعداز تمام کردن تحصیلات خود ، با سمت مهندس در کانال ایری مشغول کارشد و بدینسان چوپان‌زاده‌ای که در آغل متولدشده بود ، سمت مهندس‌شیمی راگرفت و از این به‌بعد ، آینده دستهایش را با شادمانی و رضایت به سوی او باز کرده بود ، چرا که درست شش‌ماه بعد ، به سمت استادی ریاضیات و فلسفه طبیعی انتخاب‌شد و سال بعد غرق شادمانی و موفقیت به زادگاهش البانی بازگشت ، اما در قالب جوانی خوش‌قیافه و نابغه‌ای سراپاشوروتحرک. او درفصل تابستان یکی از کلاسهای خود را به آزمایشگاه تبدیل کرد و در آن به اجرای آزمایشات موردنظر پرداخت و در این آزمایشگاه بود که در یکی از روزهـای سنگین تابستان موفق به ساختن مغناطیسی‌شد که قادر به نگاهداری وزنه‌ای فلزی به وزن یک‌تن بود. اختراع او بلافاصله در مجله علمی آمریکا منتشر شد و به دنبال آن بـه فکر ساخت دستگاه تقویت برقی افتاد بعد از ساخت این دستگاه از آن به‌منظور اختراع اولین دستگاه تلگراف الکترومغناطیسی استفاده کرد و به این ترتیب مدتی نزدیک به پنج‌سال بر ساموئل‌مورس کـه یک‌نوع تلگراف الکتریکی را اختراع کرد و الفبای تلگرافی مورس نیز از اوست سبقت‌گرفت و به دنبال آن با یکسری اختراعات علمی دیگر در عرض مدتی کوتاه عنوان سلطان علم را به خـود گرفت و برای آمریکا که در آن‌زمان ازجنبه‌علمی مورد توجه جهان بود ، شهرت و افتخار پر سرو صدایی به دست آورد. و آن‌گاه بود که با سمت استاد در دانشگاه پرینستن به کار پرداخت و سرانجام در پنجاه‌سالگی بـه صورت یـکی از پیشوایان علمی کشور خود درآمد. اگرچه آنچنان که گفتیم ، مقام او در زندگی آنچنان که باید شناخته نشد و چند سال بعداز مرگش بود که دنیا عظمت علمی او را به‌طور کامل کشف کرد و حق او را به انسانی که شایسته‌اش بود اعطا کرد و نامش را جاویدان ساخت.

متاسفم، عمو واکسی مرده است

نوشته: شاخه نبات

آفتاب تند نیمه مرداد روی سرطاس پیرمرد می‌تابید. انگار چیزی در زیر آن پوست زرد سطح آب می‌شد و بصورت دانه‌های عرق از پیشانیش پائین می‌چکید. سرش روی کفش کهنه‌ای که میان دست‌هایش به دنیا دهن کجی می کرد، خم بود. سوزن درشت را با تأنی درچرم مرده کفش فرومی‌برد و بیرون می کشید، و زیرلب آواز قدیمی خراش‌داری را که به مرثیه مانند بود زمزمه می کرد. خیابان شلوغ، با مردم تب کرده‌ای که چشم‌های مضطربشان ازوحشت زندگی سوسومیزد کابوس جهنم را در واقعیی عینی زنده میکرد و به آن جان میداد. دختر جوانی که چادر سرمه‌ای گلداری بر سر داشت. اما بدن زنده و جوانش با گستاخی از پناه چادر فرار میکرد و چشم‌ها را به تماشا میخواند، از جوی آب پرید و روبروی بساط عموواکسی ایستاد. با عشوه‌ای ناخودآگاه چادر را که از روی موهای انبوهش میلغزید، کمی بالا کشید. لنگه کفش زنانه‌ای را که در دست داشت بطرف پیرمرد دراز کرد وگفت:

عمو، چندمیگیری این یه ذکمه بدوزی؟

پیرمرد سرش را بلند کرد. چشم‌هایش در چین‌های عمیقی پنهان بود و نگاهش حالت بیگانه‌ای داشت. انگار از دنیای دیگری به دختر جوان و لنگه کفش رنگ‌ورو رفته نگاه می کرد. چند لحظه اخم‌هایش را درهم کشید وبعدگفت: چیزی نمیشه بابا، عصری بیا ببرش.

دختر لبخندزنان رفت و عطر جوانی و زیبائی نیز که از او باقی مانده بود، به زودی از خیابان تب کرده تابستانی پرید. اما تصویر در ذهن پیرمرد باقی ماند، تصویری که با تصویر رنگ‌ورو رفته دیگری مخلوط می‌شد و بصورت یک تصویر درمیامد. تصویر دختری که سالها یک روز با چادرنمازگلدار سورمه‌ای کنار بساط اوایستاده بود. دختری که سرنوشت ساز او بود و بزودی بصورت سایه همیشگی او درآمده بود. همانطور که دستش با سوزن نقاشی حرکت می کرد، از کوچه‌های خاکستری خاطرات عبور می کرد. راههای رفته را باز می‌گشت. درها را می کوفت و خاطره‌ها را ازخواب‌خوش زمان بیدارمی کرد. صنوبر چشم‌های قهوه‌ای روشنی داشت. برنگ خرمای نیمه‌رسیده، و ازلبانش که نیمه‌باریک وشفاف بود، شیرینی خرمای رسیده فرومی‌ریخت راستی چندسال ازآن زمان گذشته بود؟... چهل سال و یا چهل‌وپنج سال پیش... گفتی زمان دیگر برای پیرمرد مفهومی نداشت. شاید هم اصلا زمانی وجود نمی‌داشت و تغییراتی که در آدمی بوجود می‌آمد، زاده‌گذشت او از راه زندگی بود. بهرحال دیگر ازآن چشم‌هایی که از لحظه نخست، باگرسنگی زیبائی صنوبر را بلعیده بود، نشانه‌ای باقی نبود وآن قلبی که در آن روزگار با هیجان از شور زندگی و جوانی تپیده بود، تپش‌های کند و نامنظمی یافته بود. سرش را از روی کار بلند کرد و مگس درشت سمجی را که روی دستش نشسته بود، با یک حرکت پراند و نفسی بلندی‌کشید. زندگی در پیش‌چشمان او حرکت همیشگیش را داشت و بلیت‌فروشی که با قدمهای کشدار از روی اسفالت داغ می‌گذشت، با صدایی خسته عابران را به خریداری خوش‌بختی دعوت می کرد. خوش‌بختی؟ او این معنی را تنها در چشم‌های بزرگ صنوبر می‌یافت. چشم‌هایی که در دیدار اول تاریک و بیگانه بود، اما رفته‌رفته از نور آشنایی پرمی‌شد. دخترك از آن به بعد هفته‌ای دو سه بار به بهانه تعمیر کفش چند لحظه‌ای کنار بساط پینه‌دوزی اومی‌ایستاد و نه تنها با لب‌هایش، بلکه با چشم‌ها و دست‌هایش نیز با او حرف می‌زد. عشق بیشتر اوقات با جوش‌وخروش و تب وتاب‌می‌آیدودر هر طبقه نمودهای خاصی دارد. به طبقات دیگر کاری نداریم. اما در طبقات پائین‌تر و میان مردمیکه نان بازویشان را می‌خورند، پیوسته با شرم و عفت همراه است. چشم‌ها به هم‌خیره می‌شوند، گونه‌هاگل می‌اندازند، اما زبانها خاموش باقی می‌مانند. صنوبر وسلیم هم تا آن روزغروب که درواقع روزفروریختن پرده‌ها بود همین‌حال‌را داشتندمثل پرکاه‌و کهربا به‌طرف هم کشیده میشدند. دلها میجوشید و جانها عذاب میکشید اما کلامی از زبانها بیرون نمیامد. چه روزگار خوشی است روزهای آغاز عشق. و از آن خوشتر آن لحظه‌ای بود که بالاخره بعد ازسه ماه‌سلیم سرش را باانبوموهای سیاهی که قسمتی از آن روی پیشانی جوانش می‌ریخت، از روی کاربلند کرد وچشم‌هایش را به روی چشمان مشتاق صنوبر باز کرد. چند لحظه‌ای به همان حال ماند. بعد مانند کسی که سرانجام مهم‌ترین تصمیم زندگیش را گرفته باشد، آب دهانش را فرو داد و باو گفت:

— میتونم ازتون یه چیزی بپرسم؟

صنوبر تکانی خورد، اما سعی کرد آرام بر جای بماند و با همان آرامش مصنوعی جواب داد:

— موضوع چیه؟

– هیچی، میخواهم بدونم شما نامزد دارین یا نه؟

– نامزد ؟ ! .. نه بابا .. اما اصلا واسه چی یک‌همچی سٌوالی میکنین ؟

– واسه این که تا نمی‌فهمیدم وضعتون چطوریه ، نمی‌تونستم حرفم رو بتون بزنم . ببینم ، اگه من بیام خواستکاری قبول‌میکنین ؟

– خواستگاری من ؟ .. اما واسه کی ؟

– خوب‌این که معلومه ، واسه خودم .

صنوبر سرخ شد . مژه‌های‌سیاهش را با حجب دلچسبی چند بار بهم زد و بعد روی چهره کارگر جوان خندید ، از آن خنده‌های رضایت آمیزی که در یک آن هم کار زبان را میکند و هم کار چشم را و از هر جواب موافقی موافقتر است . و بعد چادر نماز گل‌دار سورمه‌ایش را روی سرش کشید و با قدم‌های تند از بساط پینه‌دوزی سلیم دور شد .

آفتاب آرام‌آرام بالا میامد و آتشی که در جهنم خیابان شعله میکشید ، دم به دم بیشتر میشد . عمو وا لسی حرارتی این چنین را تنها یکبار دیگر در خود احساس کرده بود ، شبی که در پایان یک‌میهمانی‌ساده‌فقیرانه که ازصفا وصمیمیت زنها و مردهای آن محله جنوبی شهر پر بود او و صنوبر را به حجله فرستادند . صنوبر حکم یک شاخه گل مریم را داشت . سپید ، پاکیزه و عطرآگین و سلیم از این که سر انجام آن گل را میچید ، خود را مغرورترین و بلند پروازترین گلچین دنیا میدید .

او بدون آنکه برای خریداری خوشبختی به بازار برود ، به نفس خوشبختی که داستان یاری پاکیزه و موافق است رسیده بود و از آن بعد باشوربیشتری بکار میپرداخت و دیگر به کفشهای کهنه و پاره و رنگ‌ورورفته به چشم عداوت نگاه نمیکرد ، بلکه حفره و سوراخهای آن ها را نیز دوست میداشت و از این که میتوانست کار کند و بارنج بازو معاش خود و زن بازیبنش را تامین کند احساس سعادتی میکرد . شادمانی ؟ چیزی که از مدتی پیش دیگر آنرا گم کرده بود . انگار قلبش درد میکرد و ... وزنه‌ای بروی قلبش فشار میاورد ، اما با این وجود همچنان در کوچه های کهنه خاطرات پرسه میزد . مردم می گفتند قدم صنوبر خیلی خوب بوده است ، و وقتی نخستین فرزندشان که پسر بود بدنیا آمد ، بازمردم تاج را از روی سر ما دربرداشتندوروی‌سر سلیم گذاشتند . چون هنوز چند ماهی از تولد منصور نگذشته بود که سلیم توانست با پولی که پس‌انداز کرده بود ، دکه‌چوبی کوچکی را خریداری کند و از آن به بعد کارش نه تنها شکل بهتری گرفت ، بلکه وسعت بیشتری نیز پیدا کرد . اگر چه بسیاری از اوقات به محض آنکه اضطراب و زندگی و ترس از فردا در آدمی فرومینشیند دیونفس سر از خواب بر میدارد و به آوازهای شیطان که پیوسته بیدار و مراقب است جواب مثبت میدهد و از این‌جاست که بامی چون موریانه‌ای در چوب کارش را آغازمیکند . مردم محله همیشه‌سلیم را به‌عنوان جوانی چشم پاك و امین میشناختند و با آمدن صنوبر و تولد منصور ، این معنی در مردم قوت گرفته بود . اگرچه‌سلیم که رفته رفته شوراولیه عشق درش فرو نشسته بود و عادت را جانشین هیجـــان میدید ، به دلخوشی‌هـــای دیگری روی میاوردو به‌قول رفقا دست‌به‌دلگی- هائی‌میزد که اگرفاش‌میشد ، اساس خوشبختی آن خانواده را درهم فرو میریخت . اما بااین همه تازمانی که طناز به‌آن محله اسباب کشی‌نکرده بود ، درصورت ظاهرهیچ حادثه‌ای فضای آرام آن خانواده را تهدید نمیکرد ، مخصوصاً که صنوبر برای باردوم‌باردار بودو به زودی دومین کودک آنها نیز به‌دنیا می آمد . طناز ، بیوه‌جوان هوس‌انگیزی بود که اگرچه هر حریم‌مادر زندگی میکرد ، اما به‌حریم دیگران اعتقاد زیادی نداشت وگرنه از لحظه اول با آن لوندی خاص به‌چشمان سلیم که از دکه چوبی به‌مغازه کوچکی که بایس‌اندازهای زنش خریداری شده بود نقل‌مکان کردو در سلک کاسب‌های محله درآمده بود ، خیره نمیشد . حتی خود سلیم هم نمیدانست توفان از کی آغازشد ، اما روزی به‌خود آمد که دست در دست طناز از محضر خارج میشدو اورا به‌عنوان زن دوم به‌عقد خود درآورده بود . اتوبوسلی که از چندمتری عمو وا لسی رد میشد ، چندبار بوق زدو پیرمرد باطناز از پله های محضرپائین آمدو آن شب برای اولین بار به‌خانه نرفت ....

پسر کی بایک جفت‌پوتین خشن‌سربازی جلوی بساط پیرمرد ایستادوآنها را برای‌وا کس روی بساط گذاشت‌وپس از چند لحظه رفت ... قلب‌عمو وا کسی مثل اسفنجی که‌فشار داده شود ، درد میکرد . سنی هم که صوت سحری را ... همین حال را داشت . زن جوانش ... که سراپا عشق و فداکاری و صمیمیت بود ... از شوهر جاسنگار عکس‌العمل حسی نشان نداد ، فقط دخلی که دانه‌های اشک ازمژه‌های ... فروسرخت . دم‌به‌دم صدای ... میشد :

چرا ، چرااین کاررو کردی . چرا ؟ چرا ؟

اما عیب کار این‌جاست که‌ماآدم‌ها ... که در دایره حادثه‌ای چرخ میزنیـــم ... نمیتوانیم ... ماهیت ... کرده‌ایم ... بی‌بریم و ... سحر ... اوقات‌خود ... آنچه کرده‌ایم‌ محو میشویم ، همچنان که ... میشویم . عامل اران که دارد بادستهای خود لانه‌خوشبختی خودو چندنفردیگر را خراب ... کرد . وعجب ان که بعد ازازدواج ... اوسه خودرا سرا از دست داد . دیگربه‌مهربانی سابق را داشت ، نه‌خداشناسی ومروت گذشته را . گناه را ازصواب ، خیررا ازشر و خوبی را از بدی تشخیص نمیدادو به‌همان نسبت کـــه جیبهایش از پول انباشته میشد ، وجدانش خواب آلود ترمیشدوآن صدای‌باطنی ، صدایی که‌هشداردهنده انسان‌هاست ، دراو خاموش‌شده بودو حتی چشم‌های خرمایی‌رنگ صنوبرهم که دیگر شادابی روزگار گذشته را نداشت ، نمیتوانست‌آن صفای دیرین را دراو زنده کند . طناز جسم‌اورا راضی و خوشحال نگاه میداشت‌و همین برایش کافی بودو دیگربه‌روح وآنچه روح را پاکیزه‌ترمیسازد ، توجهی نداشت . زندگیش را به نسبت‌مساوی بین‌دوزن ، که یکی معشوقه‌و دیگری مادر فرزندان او بود ، تقسیم کرده بود ، بدون‌آنکه دیگر نسبت‌به‌مادر فرزندان خودشوروحالی داشته باشد . اوهمه دنیا را برای طناز میخواست‌و به‌خاطربرآوردن خواستهای اوازقالب خود که‌قالب یک کاسب‌معمولی بود ، بیرون میجهیدوبازحمت قالب یک‌ثروتمند خراج فرومیرفت . چک‌میکشید سفته امضاء میکرد ، از بانک وام میگرفت ، وبه این ترتیب به‌طورناخودآگاه در سرانیب سقوط میلغزیدوپائین وپائین‌ترمیرفت ، تـــــا اینکه در یک آن با صدای مهیبی به پائین غلتید و صدای انفجار حادثه که برگشت یک چک بزرگ بود ، همه را ازآن‌چه برسرش آمده بود ، آگاه کرد ....

دیگرچیزی به ظهر نمانده بود . انجیرفروش دوره‌گردی که بی‌دربی کلماتی را تکرار می کرد با صدای چندش آوری چند با رزیر گوش عمووا کسی فریاد کشید و بازاو را ازگذشته به آینده واز رؤیا به واقعیت برگرداند . اگرچه این بازگشت بسیار کوتاه بود وعمووا کسی دومرتبه به زندان بازگشت و روز ... سلیم نشست . در روزهای آغاز گرفتاری ، هیچ راهی برای نجات او به چشم نمیخورد و هنوز یک ماه از زندانی شدنش نگذشته بود که طناز با یکی دیگر از کاسبهای محله گرم گرفت و در آغاز ماه دوم ، هنگامی که صنوبر مهربان و باوفا ، خود را برای تهیه پول مثل مرغ سر کنده به این طرف و آن طرف می کوفت ازسلیم تقاضای طلاق کرد . ضربه به موقع برسر کاسبکارغافل فرود آمد و چهرهٔ واقعی زنی را که مدتی دراز محبوب او شده بود ، برایش آشکار کرد ، اما به تقاضای طلاق او جوابی نداد ، مگر زمانی که صنوبر توانست پول لازم را برای آزادی او تهیه کند . و یک هفته بعد از آزادی با چشمان پراشک طناز را طلاق گفت . با این همه با صمیمیت روزگارگذشته به زندگی و به خصایص اولیه‌اش بازنگشت . با وجود فدا کاری صنوبر ، و باوجود چشمان مملو ازمحبت و گذشت او ، چیزی در

بقیه درصفحه ۸۳

یک مسأله:

درد دل خصوصی خوانندگان عزیز کارگر

تنظیم از: شمع

درست یک هفته پس از مرگ پدرم، در کارخانه را که بهمین مناسبت تعطیل کرده بودیم گشودم وبه اتفاق چند کارگر واستاد کاری که ازسالها پیش همکارمن وپدرم بودند کار خود را از سر گرفتم. از روزی که خودم را شناختم پدرم را صاحب این کارخانه موزائیک سازی دیدم و همواره به شغلی که او انتخاب کرده بود افتخار می کردم. روی همین اصل وقتی که پس از دریافت تصدیق سیکل اول متوسطه با پیشنهاد پدرم مبتنی بر به عهده گرفتن مسئولیتی در کارخانه روبروشدم با کمال میل دستورش را اجرا کردم. با اینکه در نخستین روزهای آغاز به کار برنامه‌های زیادی برای گسترش کارخانه داشتم. معذلک تا روزی که او زنده بود بخود جرأت ابراز نقشه‌هایم را ندادم. لیکن یکی دو ماه پس از درگذشت پدر، پروژه‌هایم را که در وهلهٔ اول تحکیم وضع کارگران و تأمین موقعیت آنان بود بمرحلهٔ اجرا درآوردم وبدین ترتیب آنها را آنچنان علاقمند بکار ساختم که توانستم در طول نشسماه رونق کارخانه را بوضع چشمگیری برسانم. ضمناً لیاقت و کاردانی من موجب شده بود که توجه همهٔ آشنایان و بستگان بویژه عمویم نسبت بمن جلب شود و او بطور یکجانبه دختر بزرگش را برای همسری من در نظر بگیرد، با اینکه من در این مورد همواره سردی نشان می‌دادم، معهذا عمو از هر وسیله و دستاویزی برای نزدیکتر شدن بمن بهره گیری می کرد وهر چند گاه به بهانه یی به دیدنم می‌آمد. یک روز که برای تعیین تکلیف قطعی خدمت وظیفه‌ام دیرگاه به کارخانه آمدم، پادو دفتر هراسان به دیدنم آمد و گفت:

- آقا عموتان از صبح تا حالا ده دفعه به اینجا آمد و با شما کار داشت. بنظر می‌رسید که اتفاقی افتاده است، چونکه خیلی ناراحت و پریشان بود. ممکن است همین حالا باز هم...

هنوز جمله‌اش تمام نشده بود که عمو بهت زده و سرآسیمه وارد دفتر شد. پسرک بی‌آنکه به انتظار اخطار ما بماند دفتر را ترک گفت ومن با دستپاچگی ولحنی استفهام‌آمیز عمو رامخاطب قرارداده وگفتم:

—چی شده، آقا عمو؟

—گوش کن ایرج، من دیشب توی حادثهٔ ابعی یک نفر زیر گرفتم و در رفتم.

من ناخودآگاه ازجاجستم وگفتم:

—چی عمو، دررفتین؟

—آره بابا، آخر میدانی که من تصدیق ندارم، از این گذشته طرف جابجامرد!

—از کجا فهمیدین؟

نگاهش را از من کشید و پس از آنکه پوزخند تلخی زد، گفت:

—از کجا فهمیدم؟ یارو بیست متر به جلو پرت شد و بعدهم رفت زیر هر دو چرخ! با این گفته منهم اطمینان یافتم که مصدوم کشته شده است. از این رومکثی کردم وگفتم:

—خب، حالا باید چکار کرد

—تو باید کمی فدا کاری کنی، بابا. میدانی؟ من اگر گیر بیفتم چون تصدیق ندارم و فرار کرده‌ام، حداقل پنج سال زندانی می‌شوم. بقیه‌اش را خودت بهتر می‌توانی حدس بزنی. من یک حقوق بگیر معمولیم با پنج سرعائله که مطمئناً با چنین پیش آمدی حقوقم قطع می‌شودو خانواده‌ام به سرگردانی می‌افتند. آیا می‌دانی سرگردانی یک زن تقریباً جوان وچهار دختر در حال رشدو برورودار یعنی چه؟

توضیح عمو آنچنان گویا بود که من در یک لحظه تمامی حوادث احتمالی را پیش بینی کرده و بلادرنگ جواب دادم،

—از لحاظ مخارج بچه‌ها نگران نباشید. همه چیزش با من.

او با بی حوصلگی سری تکان داد وگفت:

—مسأله اساسی بی سرپرستی است. تو که نمی‌توانی کار وزندگیت را وقف خانوادهٔ من کنی.

—خب بنابراین می‌گوئید که چه کنم؟

عمو کمی پاپیلشد وپس از اینکه لحظاتی دستهایش را بیکدیگر سایید، گفت:

—ازبچه‌ها چه کسی رانندگی می‌داند؟

—منظور؟

—منظورم اینست که با دادن پولی یکی از آنها را که تصدیق دارد، و اداری خودش را راننده معرفی کند! من که هیچگاه تصور بدبخت شدن کسی را بخود راه نداده بودم، با هیچ تأمل ودرنگی گفتم:

—نه نه آقا عمو، من چنین کاری نمی کنم. من حاضرم خودم....

در اینجا پنداشتی صدایی مجهول نهیبم زد که کمی بخود آیم، اما چون ذاتاً موجود فدا کاری هستم بدون در نظر گرفتن عواقب کار به گفته‌ام ادامه دادم و افزودم:

—من خودم این کار را می کنم، به شرطی که شما از کارخانه غافل نشوید. بهتر است دست از کار خودتان بکشید وضمن سرپرستی کارخانه، حقوقی را که حالا می‌گیرید از اینجا برداشت کنید.

آقا عمو ازشنیدن این حرف آنچنان به هیجان آمد که با جهشی صمیمانه وراستین دست به گردنم انداخت و مرا درآغوش کشید. بقدری خوشحال شد که فرصت نیافت برای حفظ ظاهر هم شده تعارفی بکند. اما همچنان که سر بر شانه‌ام نهاده بود، بی‌در پی می گفت: مطمئن باش بیشتر از سه ماه آنجا نمی‌مانی. قتل غیر عمد مجازات زیادی ندارد. اصلا تو که تصدیق داری نباید از هیچ چیز واهمه و پروا داشته باشی در مورد فرار هم می‌توانی بگویی که ترسیده بودی. ترس ات از این بوده است که در آن

عمویم، کارخا

ولی ست به حتک بستگان معدوم بیفی و جانت را از دست بدهی. آخر این کارها سابقه دارد.

عمو اس مصست ز بی‌درپی به لوسم سرمحت و مطلقاً فرصت فکر و تأمل را بمن نمی‌داد. امروز می‌فهمم که نقش‌های افسونساز عمو و سرو ... سی ... کاری، بطوری مرا از خود بی‌خود کرد... که حتی نتوانستم یک لحظه به دستور... که گرفته بودم بیندیشم ... تا بداند که رضا نداده سری به منزل بزنم و ساحری ... مادرم بکوشم. بی‌شک اگر این کار را می‌کردم، مادر با توجه به وقوع حوادث بعدی موجبات انصرافم را فراهم می‌ساخت. عمو وقتی آمادگی کامل مرا دید، قسمتی به ... رو ... داد و گفت

عموجان زود باش. هرچه دیرتر حودت معرفی کنی ... تو سخت‌تر می‌شود

...نه را از دستم بیرون آورد و ...

من که در دل به او حق می‌دادم، ازش خواستم اجازه دهد چنددقیقه‌یی با سرکارگر کارگاه صحبت کنم. ازاین رو در دفتر را گشودم و او را صدا زدم. سرکارگر موقعی که به کنارم رسید با خونسردی و واکنشی عادی به انتظار دریافت دستور ایستاد. من طی چند جمله خود را عازم سفری دوسه ماهه خواندم و از او خواستم که در طول غیبت من حداکثر همکاری را با آقا عمو داشته باشد. بدنبال صدور این دستور از او جدا شدم و به اتفاق عمو بطرف اتومبیل ارزانقیمت و فاجعه‌آفرین او رفتم. معرفی من به اولین پست ژاندارمری، تحویلم به دادسرا و زندان، انجام محاکمه و محکومیت سه ساله بیش از دو ماه بطول نیانجامید! بدبختانه استیناف و تمیز هم نتوانست میزان محکومیت مرا کاهش دهد و سرانجام من ناگزیر از پذیرش زندگی جدیدم شدم. شش هفت ماه اول محکومیت را با بیم و امید گذراندم. درطی این مدت آقا عمو و مادرم مرتباً به ملاقاتم می‌آمدند تا اینکه یک روز در اجرای این برنامه وقفه‌یی رخ داد و آنها نیامدند. متجاوز از یک هفته گذشت تا عاقبت صدای نگهبان زندان از بلندگو که نام مرا بر زبان میراند به گوشم رسید. شتابان بطرف درآهنی دویدم و به انتظار بازشدن آن ایستادم. در کریدور زندان با صدایی چندش‌آور گشوده شد و من همراه مأموری به اتاق ملاقات رفتم و از وراء پنجره توری عمویم را دیدم. او بمجرد دیدن من با گامهای سریع به پیش آمد و بدنبال لبخندی سرد و تلخ حویای حالم شد. من پیش از هرچیز سراغ مادرم را گرفتم. آقا عمو تا زمانی که سئوال از پریشانی درونش داشت خود را به من نزدیکتر ساخت من از دیدن این صحنه یکباره لرزیدم و دستخوش دلهره یی کشنده شدم. حسی مجهول خبر از فاجعه‌یی ناگوار می‌داد و سرانجام تصوراتم به حقیقت پیوست زیرا عمو با ... زبان و عبارتی ... مصیبت ... مرگ مادرم را اعلام کرد. حاصل این خبر ... که ... به ... سنگینی کوهی سر و عطیم ... روی قلبم. عمس اصل با بیچارگی ... کردم و شتابان بطرف سلولم دویدم. سه روز تمام ... گریه و خوراکم اشک بود. راس روز سوم عمو به دیدنم آمد و تاسرحد امکان به دلداریم پرداخت. از آن ببعد تا دو ماه مرتبا به ملاقاتم می‌آمد. یک روز که به ملاقاتم آمده بود به دنبال طرح مقدمه‌یی گفت:

- به تازگی قانونی گذشته است که بایستی کارخانه به خارج شهر منتقل شود. مدتی است به ما فشار می‌آورند که زودتر کارگاه را تخلیه کنیم. تنها راهی که به نظر من رسیده فروش ملک کارخانه و خرید زمینی در خارج شهر است. ما ناچاریم ماشین‌ها را به مکان دیگری منتقل کنیم. اما فروش کارخانه احتیاج به امضای تو دارد. که البته این کار خالی از دردسر نیست بنابراین تنها راهش است که توبمن وکالت بدهی.

من که این پیشنهاد را کاملا ساده و عادی می‌دیدم فوراً موافقت کردم و امکانش را هم در ... زیرا ... انجام ... کار در زندان ... بود. قرار شد آقا عمو دو روز بعد برای دریافت وکالتنامه مراجعه کند. راس موعد ... او به زندان آمد و کارها ... کاری که کرده بودم توهینی که ... را به ... یکی از ... که هم ... سینه ... کاری و خوش ... مورد ... و ... قرار ... وجود ... هرگز ... را به دل نگرفتم. اما ... که همه ... از عموجری ... به عمو فاجعه می‌برده و ... حاصل کرده که از ... ساحری ... خورده‌ام. معهذا ... به ... کارخانه به عمو ... نوشتم. اما توهین ... عکس‌العملی ندیدم. ... این بود که ... از کار ... کارخانه ... اگر ... داشت. وگرنه محال بود که حداقل سرکارگرم به دیدنم نیاید. ... دوران محکومیت را گذراندم و در یک روز سرد و ... زمستان از زندان خارج شدم. از آنجا مستقیما به منزل عمو رفتم و معلوم شد که مدتهاست آنجا را تخلیه کرده است. ناگزیر راهی کارخانه شدم و به دنبال ... طولانی از ... کارخانه جدید را به دست آوردم. با اینکه کاملا گرسنه و خسته بودم، معهذا بی هیچ تردیدی خودم را به کارخانه رساندم و با شتاب وارد دفتر شدم. وقتی آنجا را خالی دیدم با گامهای سریع بطرف سالن بزرگ کارگاه رفتم. اما هرچه چشم انداختم از همکاران ... حتی یک نفر را ندیدم. همچنان ... و در و دیوار ... نگاه می‌کردم یکباره سنگینی دستی که به پشتم خورد رشته افکارم را گسست و وادارم کرد که سرم را به عقب برگردانم. به مجرد انجام این کار، نگاهم به نگاه آقا عمو گره‌خورد و با تمامی بی‌لطفی‌هایی که ازش دیده بودم، ناخودآگاه برویش لبخند زدم. عمو بدون اینکه در نگاه سرد و بی‌تفاوتش تغییری ایجاد کند با لحنی خشک و عاری از طنین به داخل دفتر دعوتم کرد. من که همه چیز را فراموش کرده بودم، مانند بهت‌زده‌ها به دنبالش رفتم تا سرانجام وارد دفتر شدیم. آقا عمو درمیان سکوتی عذاب‌آور و کشنده در را بست و خاموش در برابرم

بقیه در صفحه

نامه به سردبیر

پرسش های دراز.و پاسخهای کوتاه

مشهد—آقای بهروز وفایی.

ماهم [illegible] و دماغان [illegible] کوچکترین تردیدی نداشته باشید. [illegible] هیچ کاری از ما برنیاید حداقل دعا کردن که برمی‌آید! باری، در اینجا لازم می‌دانم قلب پاك و نیت خیر جنابعالی را مورد تقدیر قرار دهم و درضمن از اینکه مجله ما را تا این حد جامع و جالب شناخته‌اید تشکر کنم. درباره نظر شما باید بگویم که به‌گواهی دوست و دشمن، دولت خدمتگزار کشور ما تا آنجا که امکان دارد وسائل آسایش مردم را فراهم می‌آورد و این مسؤولان و مقامات محلی هستند که باید از حسن نیت دولت حداکثر بهره را ببرند. اتفاقاً مقایسه شما کاملا مبین این مدعاست. زیرا همانطور که خودتان اشاره کرده‌اید با رفتن به اصفهان و دیدن وضع زندگی و مسکن یکی از دوستان که کارگر یکی از کارخانه‌های آنجاست، بخوبی دیده‌اید که مسؤولان شهر [illegible] خواسته‌های مردم تا چه حد فداکاری و ازخودگذشتگی نشان می‌دهند. آنجا که [illegible] خانه‌های خالی [illegible] بهرحال تردیدی نیست که وظیفه ما انعکاس نمودن و درخواست [illegible] موجود در محل [illegible] صفحات [illegible]

رشت—آقای جهانگیر یکه‌مرد

[illegible] جهانگیر [illegible] یکه مرد [illegible] خودت را روشن کرده‌ای و [illegible] کوچکترین [illegible] یکه‌مرد [illegible] درباره [illegible]

انتخاب شغل و حرفه پس از [illegible] به ذوق استعداد دارد و [illegible] در دوران [illegible] را دوست دارد [illegible] : [illegible] دوره راهنمایی به [illegible] شاهنشاهی بپیوندم و بدین‌وسیله [illegible] اما از سوی دیگر علاقمندم [illegible] را انتخاب کنم. لطفاً شما بگوئید [illegible] شغل بهتر است؟» ملاحظه کردی [illegible]؟ تو از کارهایی اسم برده‌ای که در [illegible] با یکدیگر کوچکترین شباهت یا قرابتی باهم ندارند: منظورم اینست که [illegible] اقیانوسها کجا؟ بهرجهت بهتراست پیش ازهرچیز به امکاناتی که دردسترس داری بیندیشی و [illegible] از دو شغل [illegible] اما اگر من بجای [illegible] دو کاره [illegible] جناب سردبیر را انتخاب [illegible]

[illegible] بهار [illegible]

[illegible] ملاحظه [illegible] نامه‌های [illegible] نامه [illegible] بهرحال [illegible] خوب و پردرآمد آرایشگری را [illegible] استخدام شوم. اما چون صلاح و مصلحت خود را در این دانسته‌اند باید به عرض تان برسانم که بنون تردید [illegible] نامه دوم [illegible]

وضع [illegible] ممکن است مسؤول [illegible] اداي پاسخي مانند «متأسفانه مفقود شده است!» قابل قبول نیست. زیرا هیچ مؤسسه‌ای نمی‌تواند این‌چنین بدون حساب و کتاب باشد. [illegible]

شهرصنعتی البرز- آقای محمد بهبودی

[illegible] اصلا [illegible] هرچند [illegible] باور کنید همین توجه و صمیمیت شماست که ما را [illegible] نگاری داده‌اند که [illegible] های لازم پیشنهادشان را با آغوش باز پذیرفته‌ایم. معهذا درحین عمل متوجه‌شده‌ایم [illegible]

*سردبیر محترم،

با عرض سلام و ابراز ارادت، آرزومندم که آنجناب و تمامی کارکنان مجله رستاخیز کارگران موفق و مؤید باشید. سرکار بخوبی اطلاع دارید که مسأله مسکن در شهر ها بصورت معمایی غیر قابل حل جلوه‌گر شده

[illegible] نحوی مطلوب حل.

*دوست [illegible] کاشان حسین طاهرزاده‌فرد

بطوری که ملاحظه [illegible] خواهیم بود. [illegible] ممکن است [illegible]

جناب سردبیر عزیز

[illegible] آموزنده ستایش کنم و از خدا بخواهم که همهٔ جانبازان عصر انقلاب و رستاخیز را در راه خدمت به وطن و شکوفان ساختن اصول مقدس [illegible] می‌رساند که بهتر است تمامی مطالب این صفحه مذهبی باشد و باتشریح انگیزهٔ ایجاد جشن‌ها و اعیاد مذهبی در شناساندن ائمهٔ اطهار و دیگر شخصیت‌ها و پیشوایان دینی [illegible]

[illegible]

[illegible]ماهی — ابوالقاسم نادری

[illegible] و برای عرضه چاپ [illegible] [illegible] برای اقراس صفحات [illegible] مطالب می‌شد. با وجود [illegible]

*آقای سردبیر عزیز

[illegible] جز این بود تمام صفحات [illegible] کارگری اختصاص نمی‌دادیم. [illegible] من سه خواهر دارم که دو تن [illegible] پرورش هستند و سومی [illegible] دبستانهای خصوصی است. [illegible] در طول زندگی خویش [illegible] می‌شوند که حل آنها [illegible] بنابراین لازمست [illegible] در رفع گرفتاریهای آنان [illegible] که بی‌تردید جامعه مطبوعات [illegible] مراجع صالح است. لیکن [illegible]

[illegible] سوی هم برای [illegible] و مشکلات فرهنگی [illegible] [illegible] سالهاست معلم [illegible] پرورش هستند، چگونه و [illegible] رسمی شوند. [illegible] و [illegible] کلمه و سلمبه خودداری [illegible] مطرح می‌شود [illegible]

اصفهان م — م

*دوست گرامی؛

[illegible] که برخلاف تصور شما، ما هرگز از وضع دوستان کارگر و موقعیت آنان غافل نیستیم و بهمین دلیل تا سرحد مقدور کوشیده‌ایم ارتباط خود را باشما صمیمانه‌تر کنیم. اما انصافا بپذیرید که گشایش صفحات یا ستون‌هایی برای تمامی مسایل زندگی کارگران امکان‌پذیر نیست. با وجود این با اطمینان باشد هیچ [illegible] را بدون جواب نمی‌گذاریم. روی [illegible] مشکل [illegible] [illegible] توضیح [illegible] [illegible] مهمتر از همه طی دورهٔ کارآموزی و داشتن تجربه [illegible] بی‌شک اگر [illegible] برای آنان [illegible] در آینده نزدیک [illegible] داریم.

بابل — آقای قربانعلی خوش‌مطلب

[illegible] قربانت بروم قربانعلی جان که هرچه عصبانیت توی وجــــود مبارک [illegible] [illegible]

[illegible] و جناب سردبیر چیست که [illegible] را بکشیم؟ بهر حال، همانطور [illegible] نوشته‌ای شهرستان زیبای بابل یکی از [illegible] [illegible] فردوس [illegible] [illegible] تا اینجایش را اسماً به نیست بقیه‌اش را هم [illegible] که در آسمان یادشده شهرسازی است.

[illegible] عزیز؟ باز هم می‌خواهی [illegible] جنابعالی به هموطنان [illegible] [illegible] عصبانیت حضرت اجل فراهم نشود، خودش هم توسط همشهری نازنین مخلص که سرکار تهرانی‌اش می‌دانی، حال آنکه از تهرانی های قدیمی حتی یک نمونه برای معالجه چشم نمانده است. باری، عرض شود بحضور مبارک عالی که [illegible] مازندران از طرف غرب تا شهرستان شهسوار است و از طرف شرق تا گنبد کاووس، از جنوب به سمنان و از شمال به دریای خزر. بهر حال و بهر ماضی و بهر مستقبل، عفو عالی [illegible]

تهران — دوشیزه فاطی — الف

و علیکم‌السلام الباجی فاطمه [illegible] هزار و یکشب! والله خواهر جان راجع به پیدایش تاریخ ایران، آنچه که کافی و وافی بوده در کتابهای درسی خوانده‌ایم. معهذا جان نثار بقصد کسب نان هم شده در اینجا زحمت [illegible] می‌شوم که حدود [illegible] میلاد مسیح، [illegible] [illegible] دانوب است رو به شرق به حرکت درآمدند و پس از رسیدن به سمرقند و بخارا و مرو، راهی بلخ و خراسان شدند. این اقوام پس از اطراف چندین ساله در مناطق مذکور، خواه و ناخواه سایر نقاط ایران را در پیش گرفتند که مهمترین آنها قوم ماد و پارس بودند. مادها در سمت کردستان، لرستان و جنوب آذربایجان ساکن شدند و پارس‌ها هم همانطور که از نامشان پیداست در حدود فارس مسکن گزیدند. پس از انقراض مادها توسط کوروش [illegible] صفحهٔ تاریخ [illegible] هخامنشیان گشوده شد. حالا تو در تشریح مطلب تا چه حد موفق بوده‌ام، خدا داند و

[illegible] — آقای اشرف خداپرست یکتا

[illegible]

اهواز — آقای پرویز [illegible]

[illegible] هوا و [illegible] [illegible] [illegible] متصاعد می‌شود دیگر تهران و اهواز [illegible] [illegible] می‌خورد [illegible]

اهواز — آقای غلامرضا تهرانی

آغلام جان، غصه نکن [illegible] تهران

[illegible] ستارهٔ پلوتون در [illegible] آمریکا، جدیدترین ستاره منظومه شمسی شناخته شد. ضمنا هیچ بعید نیست بار دیگر دانشمندان آمریکایی ستارهٔ دیگری پیدا کنند. بهرحال مدیر، عجالتا «پلوتون» [illegible] تا بعد! در ضمن الهی سایه مبارک [illegible]

[illegible]کرد — آقای اسماعیل سلطانیان

جنابعالی هم لطفا سلام گرم و جزغاله شدهٔ حقیر را بپذیرید تا به آگاهی سرکار برسانم که دو [illegible] [illegible] خاطره‌ای [illegible] [illegible] [illegible] همکاری شما را [illegible]

آبادان — آقای ابوالقاسم شیاسی

امیدوارم از بنده دلخور نشوید، آقی جان. زیرا هر کس بجای من بود با دیدن کلمه «شیاسی» که باید همان «سیاسی» باشد، به جنابعالی تهمت هایی می زد! بهرحال امیدوارم گرفتگی زبان سرکار که باعث شده است «س» را «ش» تلفظ کنید، یک رویداد مادرزادی باشد، نه آن چیزی که مخلص فکر کرده‌ام! باری، مطلب [illegible] جنابعالی که [illegible] آموزنده [illegible] [illegible]

مبارزان آنسوی رود

نوشته‌ی: فرناد

سرکوبی نهضت میهن پرستانه‌ی استاذسیس و کشتار وحشیانه‌ای که پس از آن منصور، خلیفه عباسی برای استقرار مجدد قدرت خود در سراسر ایران براه انداخت، کینه و نفرت شدیدتری در همه‌ی مردم ایران برانگیخت بگونه‌ای که از همه جا صداهایی بمخالفت برخاست و در هرگوشه‌ای شورشی برپا شد. مردم طالقان و دماوند بر ضد حکومت اعراب قیام کردند، مردم دیلمان وطبرستان قیام کردند و بخونخواهی هموطنان خود خونهای فراوانی از عمال خلیفه ریختند.

طبرستان، در دوره سلطه اعراب برایران، همیشه یکی از کانون‌های گرم وشعله‌ور نهضت های استقلال طلبانه‌ی ایرانیان بود و چون بدلیل وجود جنگلها و کوههای صعب‌العبور از دسترس اعراب بدور بود، پیوسته شاهزادگان ایرانی در آنجا حکومت داشتند که گاهی به خلفای عرب خراج می‌دادند و گاهی هم سر از اطاعت آنها می‌پیچیدند و برای خود حکومت مستقلی تشکیل میدادند.

در این زمان، که ما از آن بحث می کنیم، اسپهبد خورشید، شاهزاده طبری بر این سرزمین حکومت داشت. من در گذشته از این شاهزاده سخن گفته‌ام که سنباد وقتی از اعراب شکست خورد برای پناه جستن راهی سرزمین طبرستان شد تا از شاهزاده خورشید یاری بجوید. اسپهبد خورشید پسر برادرش طوس را به استقبال سنباد فرستاد اما طوس که انتظار تعظیم و تکریم فراوانی از سنباد داشت چون او را نسبت بخود بی اعتنا دید ناجوانمردانه از پشت سر براو خنجر زد و این سردار وطنپرست را کشت. اسپهبد خورشید از این جریان بسختی دلگیر و ناراحت شد وطوس را مورد خشم وسرزنش قرارداد.

وقتی نهضت استاذسیس نیز با شکست و ناکامی مواجه شد وعمال خلیفه عباسی باردیگر بیرحمانه دست به خون ایرانیان آغشتند، اسپهبد خورشید که هنوز از ماجرای سنباد احساس گناه می کرد، یاران خود را جمع کرد وگفت:

— ما اینجا درمیان کوهها و جنگلها پناه گرفته‌ایم و خوش می‌گذرانیم و به خلیفه‌ی شهوتران عرب نیز باج می‌دهیم و خود را هم ایرانی و وطنپرست می‌دانیم در حالیکه عمال خلیفه دارند هم‌میهنان ما را باقساوت و وحشیگری قتل عام می کنند. این کار ما بهیچوجه مردانه و شرافتمندانه نیست. ما هم باید دستی بالا بزنیم و کاری بکنیم.

یکی از سردارانش پرسید:

— تصمیم گرفته‌اید چه بکنید؟

— تصمیم گرفته‌ام سپاهی از همه‌ی جوانان طبرستان فراهم آورم و دست کم خطه‌ی مازندران، دیلمان و گیلان را از لوث وجود عمال خلیفه پاک کنم...

یارانش یکصدا تصمیم او را تأیید کردند و اسپهبد طبرستان گفت:

— پس از همین امروز کارمان را شروع می کنیم....

بزودی سپاه کوچک اما مصممی از جوانان طبرستان تشکیل شد و اسپهبد خورشید دستور داد یک روز صبح همه راه بیفتند و هرچه عمال خلیفه در طبرستان وجود دارد بکشند. این برنامه بخوبی اجرا شد و درعرض چند روز همه‌ی عمال خلیفه ساکن طبرستان بدست جوانان طبری کشته شدند و آنگاه اسپهبد خورشید و سپاهش در خطه‌ی شمال البرز به سوی غرب حرکت کردند اسپهبد خورشید می گفت:

— من به تقاص خون هر یکنفر ایرانی ده نفر از عمال خلیفه را خواهم کشت.

یکی از یارانش گفت:

— اما فکر نمی کنید ما داریم مردم بیگناهی را هم می کشیم؟

— اینها که بهوای قتل و غارت به ایران آمده‌اند همه گناهکار هستند...

خلیفه‌ی عباسی وقتی از قیام اسپهبد خورشید که پیش از آن خراجگزار حکومت عرب بود، آگاه شد فوری به فرماندهان سپاهش در خراسان که تازه از سرکوبی نهضت استاذسیس فارغ شده بودند پیام فرستاد که عازم سرزمین دیلمان و مازندران بشوند و جلو پیشروی اسپهبد خورشید به سوی آذربایجان را بگیرند. بدنبال این پیام، خود نیز سپاهی به سوی آذربایجان و دیلمان گسیل داشت.

اسپهبد خورشید و سپاه جوان و پر شورش در مرز سرزمین های دیلمان و آذربایجان بود که با سپاه بزرگ خلیفه رو به رو شد. تعداد مبارزان طبرستانی نسبت به سپاه عرب بسیار اندک بود باوجود این اسپهبد خورشید از جنگ بازنه ایستاد و با تمام نیرویش به سپاه عرب زد... یاران اسپهبد مردانه می‌جنگیدند و در لحظات نخست جنگ سرداران عرب را دچار حیرت و وحشت کرده بودند چون هر جوان طبرستان با ده سپاهی عرب برابر بودند و براحتی از عهده آنها بر می‌آمدند... اما متأسفانه تعداد آنها بسیار اندک بود و با هر یک نفر که کشته می‌شد سپاه اسپهبد خورشید بطور چشمگیری ضعیف و ضعیف‌تر می‌شد و اسپهبد خورشید این ضعف و ناتوانی را بچشم می‌دید... تاآنجا که احساس کرد دیگر شکست او قطعی است و کاری برای نجات افرادش نمی‌تواند بکند... او مرد فرار نبود و از اینکه تسلیم دشمن بشود نیز نفرت داشت. بهمین دلیل هم همیشه مقداری زهر در نگین انگشترش داشت تا وقتی همه‌ی راهها را بروی خود بسته دید با مکیدن آن بزندگی خود خاتمه بدهد... اینک آن زمان فرا رسیده بود. عربها او و یاران وفادار و جانبازش را درمیان گرفته بودند و با شقاوت تمام کشتار می کردند. اسپهبد خورشید دریچه‌ی انگشترش را گشود، زهر داخل آنرا مکید و با شمشیر آخته به سپاه عرب زد. فرمانده سپاه عرب که اسپهبد خورشید را می‌شناخت با فریاد به افرادش دستور داد:

— او را نکشید... او را زنده دستگیر کنید.. او را زنده دستگیر کنید!

اسپهبد خورشید قهقهه‌ای سر داد و در حالیکه با آخرین قوایش چپ و راست شمشیر میزد، فریاد زد:

— مگر خوابش را ببینی سردار! خورشید را هیچکس به اسارت نگرفته است و نخواهد گرفت!

و در همین لحظه زهر اثرش را کرد واسپهبد خورشید از اسب بزیر غلتید و درجا

جان سپرد. فرمانده عرب بخیال اینکه افرادش بدون توجه به فرمان وی اسپهبد را کشته‌اند با شتاب پیش آمد و بالای سر خورشید از اسب پائین جست و آماده بود که سپاهیانش را مورد خشم قرار دهد که یکی از آنها گفت:

— ما او را نکشتیم! او خودش از اسب فرود افتاد و مرد!

فرمانده عرب زانو زد و نگاهی به چشمهای کبود شده و دهن کف کرده‌ی اسپهبد خورشید کرد و با تأسف گفت:

— او با زهر خودش را کشته است حیف شد! چقدر دلم میخواست او را زنده اسیر کنم!

* * *

از نقاط ایران که سالهای سال در برابر عربها مقاومت کرد و به آسانی تن به حکومت اعراب نداد سرزمین های آنسوی رود جیحون بود که ماوراءالنهر خوانده میشد: بخارا، هرات، سمرقند، کش، نخشب که هر کدام در مقاومت بر ضد عمال خلفای عرب داستانهای شیرین و دل انگیزی ساخته‌اند.

در بخارا زنی شیردل بنام «خاتون» سالها در برابر خلفای اموی مقاومت کرد بطوریکه چند ــــ بن سردار عرب، بجنگ او رفتند و هیچکدام کاری از پیش نبردند و این شهر تا عهد حجاج بن یوسف آزاد ماند... حجاج قتیبه بن مسلم باهلی را که مردی خشن و بیرحم بود امیری خراسان داد و او را با سپاهی فراوان به ماوراءالنهر حمله کرد و پس از ویرانیها و کشتارهای بیرحمانه توانست شهر بخارا را بگشاید:

سمرقند نیز شهر دیگری از ماوراءالنهر بود که عمال خلفای عرب مدتها برای فتح آن پافشاری کرده و عاقبت نیز بحیله بر آن دست یافتند و این نیز در زمان حجاج و بوسیله‌ی قتیبه باهلی بود. داستان فتح سمرقند را عیناً از کتاب «دو قرن سکوت» نوشته‌ی استاد عبدالحسین زرین کوب (با اجازه‌ی استاد) برایتان نقل می کنم:

«... اما فتح سمرقند آسان دست نداد. قتیبه یکچند آن را در حصار گرفت و مردم شهر مقاومت بسیار نمودند و قتیبه با سپاه خویش، زمانی دراز بر در شهر بماند. در باب فتح سمرقند، که ناچار با غارت و کشتار بسیار توأم بوده است، در بعضی تاریخها داستانی آورده‌اند که افسانه‌های هومیروس و شهر تروا را بخاطر می آورد. نوشته‌اند که چون قتیبه یک چند سمرقند را در حصار گرفت و مقام او در شهر بدرازا کشید، دهقان سمرقند وی را پیام داد که اگر همه‌ی عمر بر در این شهر بمانی آنرا گشودن نتوانی که در کتاب‌های پدران ما چنان است که بر این شهر کس دست نتواند یافت الا مردی که نام او «پالان» باشد و نام تو پالان نیست و این شهر نتوانی گشود. قتیبه و یارانش چون این سخن بشنیدند بانگ تکبیر برآوردند و یاران قتیبه شادیها کردند و گفتند سمرقند بر دست ما گشوده آید که امیر ما را نام پالان بوده است و قتیبه را معنی چنان است...

باری، چون مقام قتیبه بر دروازه‌ی سمرقند به درازا کشید، در صدد برآمد تا بحیله و چاره بر شهر دست یابد. پس بفرمود تا صندوقها ساختند که درهاشان از درون گشوده و بسته میشد، و در هر صندوق مردی شمشیرزن بنشاندند. و آنهم را فروبستند و کس نزد دهقان سمرقند فرستاد و پیام داد که من بر در سمرقند بیش نتوانم بود. از اینجا خواهم رفت و آهنگ چغانیان دارم. اما پاره‌ای اموال و سلاحها با من هست که بردن آنها را روی نیست. اگر آنها را از من بپذیری و در پذیری، همه را در صندوق ها گذارده و نزد تو فرستم تا اگر از چغانیـــان بسلامت، بازگشتم همچنان بمن سپاری.

دهقان سمرقند که از این خدعه غافل بود، این خواهش قتیبه را بپذیرفت. و قتیبه مردان را که در آن صندوق ها بودند، فرمان داد که چون شب درآید صندوق ها را بگشایند و بیرون آیند و دروازه‌ی سمرقند را بر روی سپاه مسلمانان باز کنند تا این فتح بر دست آنها برآید.

پس از آن، صندوق ها را که دهقان سمرقند بپذیرفته بود هم بر آن قرار که رفته بود، نزد دهقان بفرستاد.

چون شب درآمد و شهر خلوت گشت، آن مردان از صندوق های خویش برآمدند و شمشیرها بکشیدند و هر کس را که پیش ایشان رفتی می کشتند تا به دروازه رسیدند. پس دروازه‌بان را بکشتند و دروازه بگشودند... و قتیبه با سپاه خویش بدرون شهر آمدند و دهقان را تاب مقاومت نماند و بگریخت و برفت و سمرقند بدست تازیان افتاد...»

شهرهای آنسوی رود جیحون در سالهای بعد و در عهد خلافت عباسیان نیز یکی از کانون‌های گرم مبارزات استقلال‌طلبانه ایرانیان و ضد خلفای عرب بود... گروه کثیری از مردم این نواحی به سیاهجامگان ابومسلم پیوستند و همراه او و یارانش تا اعراب جنگیدند... بعد از ابومسلم نیز این مبارزات ادامه داشت که نمونه‌ی درخشان آن قیام استاذسیس سغدی بود.

مبارزه بزرگ دیگر خطه‌ی آنسوی رود، هاشم پسر حکیم معروف به المقنع بود که از سرزمین نخشب برخاست و داستان شگفتی با کارها و مبارزات خود آفرید که سخت دل‌انگیز و شورآفرین است و ما از شماره‌ی آینده به آن خواهیم پرداخت.

داستان بعدی:

نقابدار نخشب

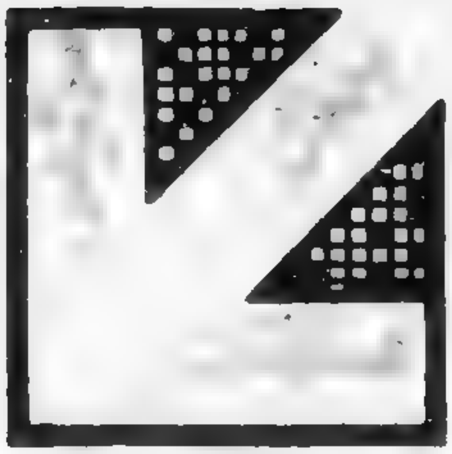

جدول کلمات متقاطع

از: جهانگیر پارساخو

۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ٦ ۵ ٤ ۳ ۲ ۱

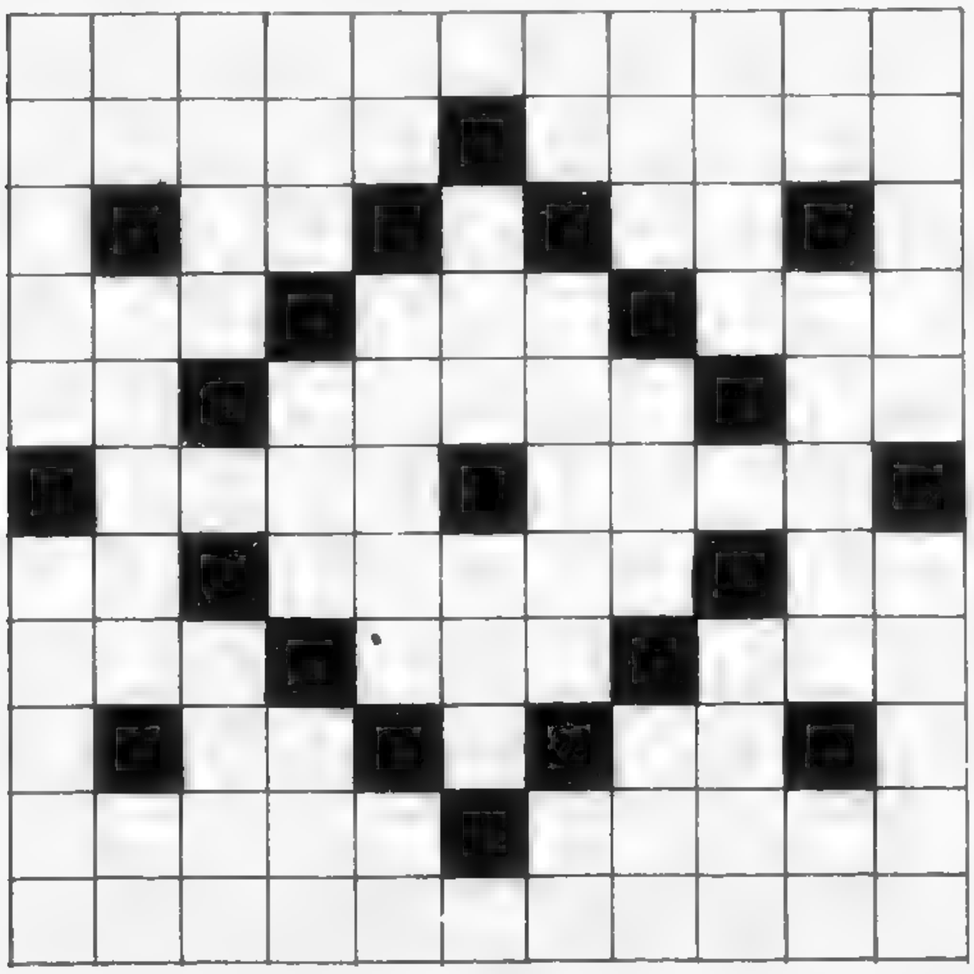

۱ — اثری از جان استاین بک ۲ — حیوان مکار — میوه ایکه روغن آن مصرف داروئی دارد ۳ — دست برکها — علامت نفی زبان عربی در الفبای موسیقی ۴ — نامی برای آقا پسرهای خارجی — بهشت — گدرگاه ۵ — بوی رطوبت — نخنی از کرمان — علامت جمع در زبان عربی ۶ — روش — روزهای عید بیش از هر وقت دیگر رد و بدل میشود ۷ — نیمی از تک خوراک — برادر — مثل و مانند ۸ — شیرعربی — ریسمان — جلوی آن از هر کجا گرفته شود منفعت است ۹ — دوستی — تصدیق روسی . ۱۰ — رودی در جنوب — و اینهم نامی برای آقا پسر های خودمان ۱۱ — نویسنده عشق هرگز نمیمیرد.

۱ — ستارسینمای ایران در دریا — نویسنده مسخ ۲ — تکرار یکی از حروف الفباء — مشهورترین دائرة المعارف فرانسوی — مادر اعراب ۳ — چوپان — شاعر عاشق از آن مینالد ۴ — قسمتی از ساختمان — پسوندی است — دولت جمع شده ۵ — باید در بساط باشد تا با ناله سودا کرد — گنجایش بسیار دارد — نوعی قلم ۶ — سال نازی — بالای خودش بسیار است ۷ — ما به حات - روشن و درخشان — علامت صفت تفصیلی ۸ — حرف دلالت کننده — گوارا — موجود ی افسانه ای ۹ — همیشه — گاهی بی جهت خود را به دردسر میاندازد . ۱۰ — علامت جمع — دستگاهی ازموسیقی ایرانی — تو برگشت ۱۱ — حکمرانی — نامی برای دخترخانمها.

پاسخ جدول کلمات متقاطع شماره هفدهم

	۱	۲	۳	٤	۵	٦	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱	ب	ر	ا	ن	ث	ی	ک	ا	ف	ک	ا
۲	■	ب	ه	ت	■	ا	■	ل	ی	ر	■
۳	ا	■	ن	■	ع	ر	ق	■	ش	■	ن
٤	ن	ج	■	م	ب	ا	ر	ز	■	ل	ی
۵	گ	و	ن	ی	ا	■	ا	ت	ج	ی	ر
٦	ل	ا	■	■	ر	ف	و	■	■	د	و
۷	■	ن	ب	ا	ت	■	ل	م	ب	ر	■
۸	م	■	ا	ب	■	ع	■	ل	و	■	ت
۹	ی	و	ر	ی	گ	ا	گ	ا	ر	ی	س
۱۰	ن	■	ه	ا	■	م	■	ی	د	■	ی
۱۱	ا	ن	ا	ت	د	ل	ف	ر	ا	ن	س

برندگان مسابقات شماره هفدهم

۱ — بیلموت ، آقای بیژن منصوری ۲ — اطلو ، آقای بهمن کلشانیان ۳ — بخاری ، بانو نادره صفاری ۴ — دوربین ، آقای پرویز الماسی ۵ — ترموس ، دوشیزه شوکت عشقی ۶ — ساعت ، آقای علی اکبر کاظم زاده ۷ — جعبه ابزارفنی ، دوشیزه گلزار خدادوست ۸ — رادیو ، دوشیزه سیمین توانا ۹ — فلاسک ، آقای بهروز نافع ۱۰ — نوارکاست ، بانو طیبه عظیم پور .

جوایز مسابقات:

۱ — بیلموت ۲ — اطلو ۳ — بخاری ۴ — دوربین ۵ — ترموس ۶ — ساعت ۷ — جعبه ابزارفنی ۸ — رادیو ۹ — فلاسک ۱۰ — نوار کاست.

ده جایزه و هر جایزه برای یکنفر که بحکم قرعه به شرکت کنندگان درمسابقات که پاسخ صحیح بدهند تعلق میگیرد ، مشروط براینکه نام ، نام خانوادگی ، تاریخ تولد ، شغل ، و آدرس دقیق خود را در زیر پاسخ و نام مسابقه و شماره مجله را دربالای پاسخ ورق یاکت قید نمائید.

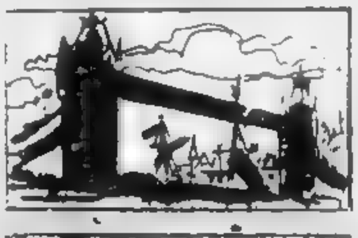

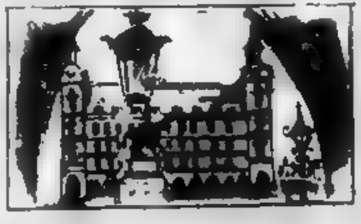

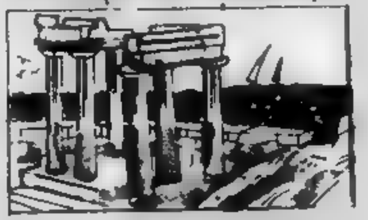

در این شکل که پنج تصویر از پنج پایتخت مشهور جهان مشاهده میشود. شما بگوئید ، هر تصویر نمودار کدام پایتخت است؟

اتومبیل شناسی

در این عکس قسمتی از جلوی هفت نوع اتومبیل نسبتاً قدیمی چاپ شده است ، مارک هر اتومبیل چیست؟ برای شرکت در قرعه کشی و بهره گیری از جوایز کافی است مارک هر اتومبیل را صحیح بنویسید.

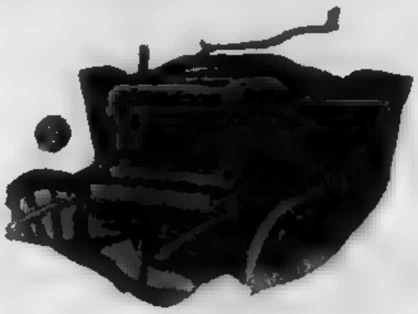

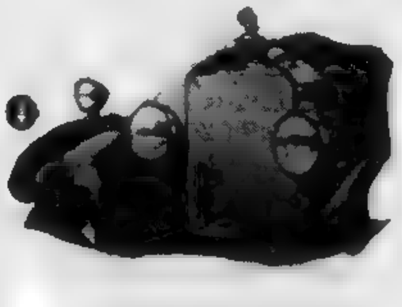

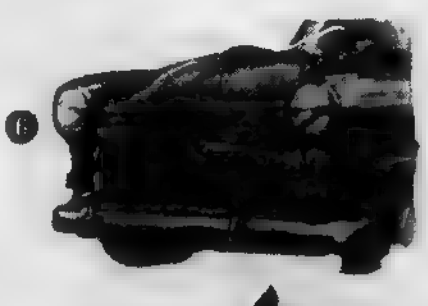

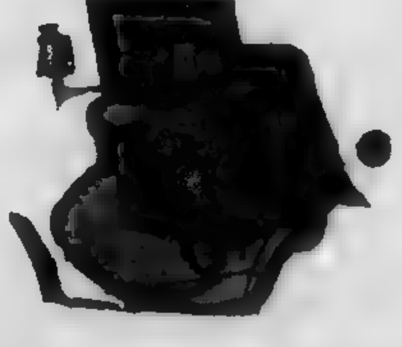

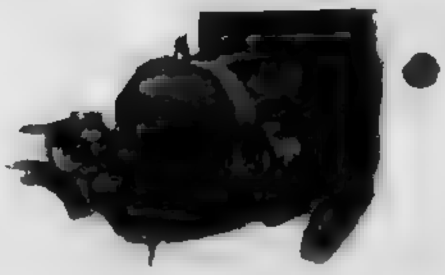

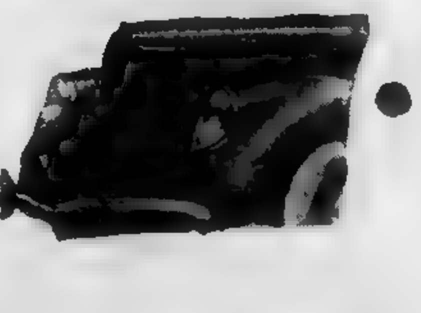

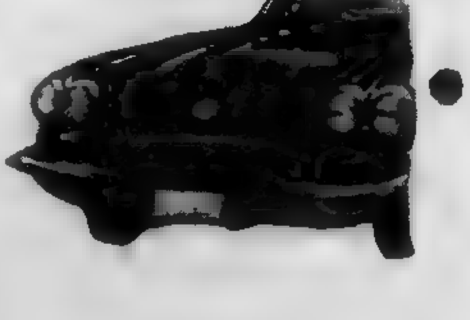

فال

ستارگان درباره حوادثی که در دو هفته آینده در انتظار شماست چه میگویند.

فروردین

روزهای خوشی درپیش خواهید داشت. اینقدر برای مسائل بی‌اهمیت ناراحت نباشید. همچیز بخوبی و خوشی حل خواهد شد. یک خبرخوش مدتی شما را به‌خود مشغول میکند. اگر قصدخرید چیزی را دارید، بازهم‌عجله نکنید.بدون مشورت دکتر از هیچ داروئی استفاده‌نکنید.

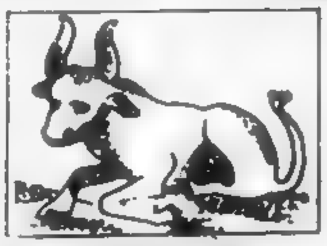

اردیبهشت

خودتان را زیاد درگیرکار کرده‌ایدواین سبب بگو-مگوهائی در خانوادهمیشود. دوستان خوبی پیدا میکنید که باحمایت‌آنها درکارها موفق میشوید. به نصیحت یکی از اعضای خانواده گوش کنید که صلاح شما را میخواهد. بفکر اوضاع مالی خود باشیدو ازولخرجی بپرهیزید.

خرداد

دراواسط هفته‌آینده امکان زیادی وجود دارد که‌پول زیاد بدست‌بیاورید. اگرفکر میکنید اشتباهی درکارتان رخ داده، بفکر جبران آن باشید. مسائل عاطفی خودرا بیشترمراقبت کنید. اگرازدواج کرده‌اید، از شریک‌زندگی خود فداکاری‌و خدمت فوق‌العاده‌ای میبینید.

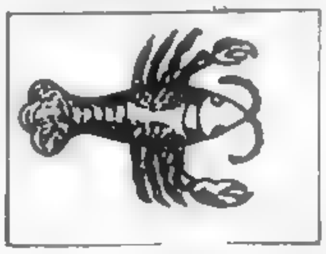

تیر

شانس مسافرت زیاد دارید. بهشما توصیه می‌شود ازهوای آزادو طبیعت کهمدتی دوراز آن بوده‌اید، استفاده کنید. در اواسط هفته چنانچه مجرد هستید، بطور جدی برای ازدواج فکر خواهید کرد،و اگر متاهل هستید، راجع‌به زندگی خانوادگی تصمیماتی میگیرید.

مرداد

به تغییرشغل‌فکرمیکنید،ولی صلاح شما دراین است که‌فعلا این‌فکر را از خودتان دور سازید. با شخص‌مهمی‌آشنا میشوید. بیشتر مراقب برخوردهای خود باشید.یکی از دوستان به شما خیلی‌محبت میکند. قدرش را بدانید. نامه‌ای از یکی از دوستان دریافت‌می کنید.

شهریور

پس از تعطیل‌آخرهفته، احساس‌میکنیدهم مجبورید کارهای نیمه تمام شغلی را

انجام دهیدوهم مایلید با دوستان‌وفامیل دورهم‌باشید. روز یکشنبه حرفهای زیادی درامور تعویض‌خانه یااسباب آن خواهد شد.

مهر

تنها بودن بصلاح شما نیست. باید بفکر همدمی برای خود باشید. برای رفع دلتنگی معاشرت بادوستان‌و فامیل بهترین راه است. دراواسط هفته، خبرهای خوشی دریافت میکنید. اگر تا بحال ازدواج نکرده‌اید، روز جمعه باشخص عزیزی آشنا میشوید، که درهای خوشبختی را برروی شمامی‌گشاید.

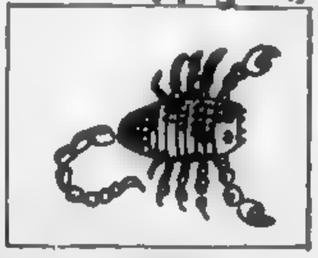

آبان

ازمحبوبیت‌خود دربین‌دوستان در اواخر هفته‌آینده‌بیش‌از پیش خوشحال می‌شوید. در کارتان اخیراً فراغتی‌حاصل شدهو فرصت‌های خوبی‌برای استراحت بدست می‌آورید. به یک‌میهمانی دعوت‌میشوید بهتراست دعوت را ردنکنید که بسود شماست. خریدسناسبی درپیش دارید.

آذر

دراین‌هفته احساس خواهید کرد که زندگی جلوه‌های زیبائی دارد. روز یکشنبه دوستی برای رفع مشکلی به‌شما مراجعه میکندو شما بهترین راه‌حل را پیش‌پایش‌میگذارید در روزهای آخرهفته‌دوستی ناراحتی برای شما بوجود میاورد که بعداً شدیداً از کارش پشیمان میشود.

دی

کارهای نیمه‌تمام را به‌پایان برسانید. این روزها احساس خستگی میکنید. کمی‌ورزش کنید تا سلامت خودرا دوباره بدست بیاورید. در روزهای آینده درگیرکارهای زیادی خواهید بود، اما بدانید که نتیجه همهٔ‌آنها برای شمامثبت خواهد بود.

بهمن

در بحثی شرکت میکنید که شخص مهمی از نظریات شما خیلی استقبال میکند. یک آشنای قدیمی بدیدن شما میاید،و از خبرمهمی باین وسیله‌آگاه میشوید. بیشتربا فامیل معاشرت کنید. یکی از دوستان آنقدرهاهم که فکر میکنید باشما یکرنگ نیست.

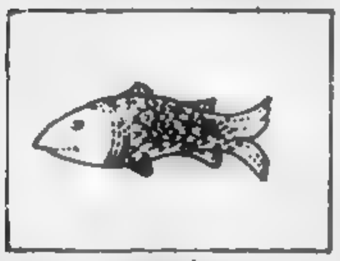

اسفند

مجردها به زندگی زناشوئی فکر می کنند،وهمسردلخواه خود را بزودی پیدا خواهند کرد. خیلی غمگین نباشید که همه ابرهابه کنارخواهد رفت. مراقب وضع تغذیه خود باشیدو از خوردن غذاهای غیرمطمئن برای سلامتی‌خود، پرهیزکنید.

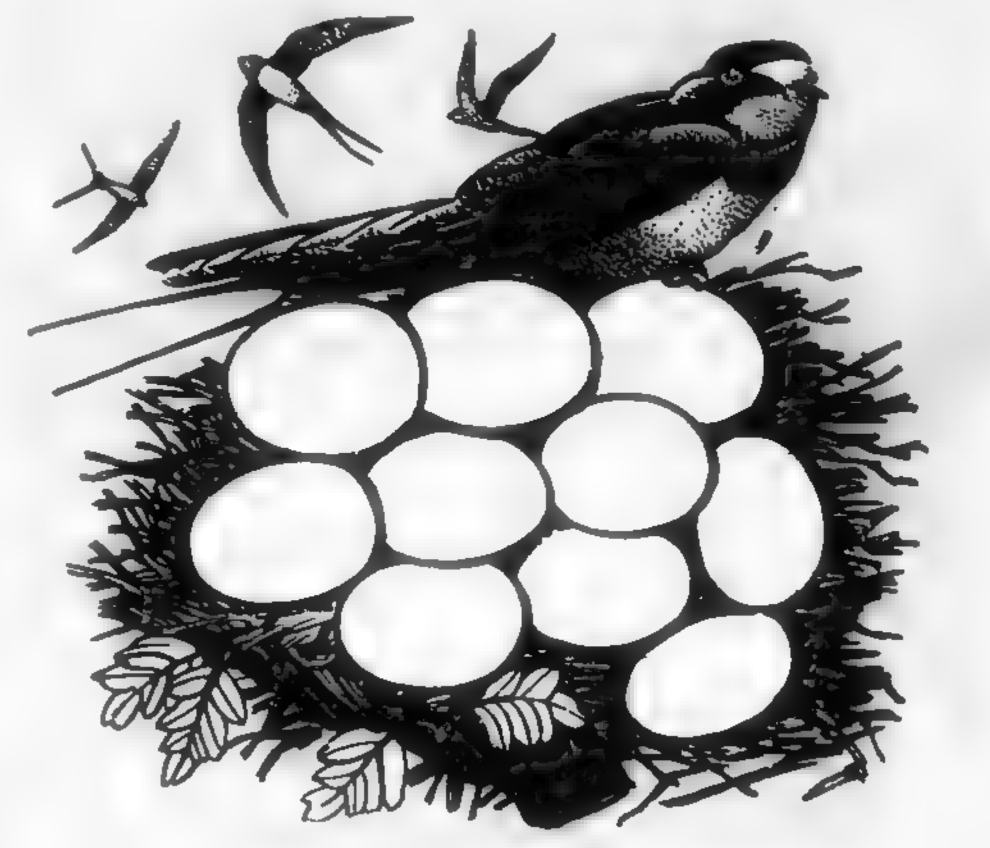

پرندگان‌وسابقه‌ما

پرنده‌ای رانام ببرید که تخم نمیگذاردوبچه‌میزاید.

اگر این قطعات بهم متصل سود، چه تصویری بدست میاید؟ پاسخ را به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسیدوجایزه بگیرید.

اعدادمرموز!

دراین‌شکل هرمربع نقش عددی را بازی میکند که شما این اعداد رااز روی علائمی که دراطراف آنها مشاهده مینمائید، میتوانید پیدا کنید.

اگرموفق شدید پاسخ را به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسیدوجایزه‌بگیرید.

تلاش کودك

مادری بود و دختر و پسری
پسرک از می محبت مست
دختر از غصهٔ پدر مسلول
پدرش تازه رفته بود از دست
یکشب آهسته با کنایه طبیب
گفت با مادر: این نخواهد رست
ماه دیگر که از سموم خزان
برگ ها را بود بخاک نشست
رحمی ای باغبان که برگ امید
خواهد از شاخه حیات گسست
پسر این حال را مگر دریافت
بنگر اینجا چه مایه رقت هست
صبح فردا دو دست کوچک طفل
برگ ها را به شاخه هامی بست

از شهریار

نای شکسته

برنمی آید، نوای دلکش از نای شکسته
آری از بشکسته ناید، غیر آوای شکسته
درخور شادی نمی باشد دل بشکسته من
می نشاید ریختن هرگز به مینای شکسته
گوی سبقت را ربود، از عاشقان با برد باری
آن که راه عشق را پیمود با پای شکسته
می کند صورت تفاوت، ورنه پیش اهل معنی
هست یکسان پای نستعلیق با پای شکسته
وصلت پیر و جوان بسیار دو راست، ازمروت
زشت باشد پیش زیبا چهره، سیمای شکسته
ازشکستن اوفتد هرچیزی ازقیمت بجز دل
آری این بشکسته ممتاز است زاشیای شکسته
چون خلیل و نوح «رنجی» زآب وآتش نیست باک
تا رسم از سیلاب اشک وآه دلهای شکسته

رنجی

هنوز

آنکه این چشم سیه داد، ترا تا بفریبی
بی گمان نیک خبر داشت که دلها بفریبی
وان که افشاند، برآن شانه سر زلف دوتا را
تاب برد از دل من تاش بدان تا بفریبی
دل که ازسر توبه بپیچد به چه کار آیدم آن دل؟
دل بپای تو نهم تا ببری، تا بفریبی
خستهٔ کوی توام، یا بزنی، یا بنوازی
بستهٔ موی توام یا بکشی، یا بفریبی
شهرآشوب منا، گرچه کنون شهرهٔ شهری
شهرهٔ شهری ازاین کاین دل شیدا بفریبی
نازدر پیش من آوردی و ناز تو خریدم
نازکن جوی سبکسایه! که دریا بفریبی
پرسی ازمن که شدم پیرو هنوزت بفریبم؟
ها، هنوزم بکدازی و دلم ها، بفریبی!

دکتر مهدی حمیدی شیرازی

«حدیث نامکرر»

آیاطلوع می کندآن عشق
باردگر
ازچشمهای تو
ـآن چشمهای آهوانه ی بیدار
آیادوبارمی شنوم ازتو
آن نکته ای که تابه ابدنامکرراست
وعطرها کشوآبی آن می برد،
دوباره سرا
باخویش
میان همهمه ی عاشقانه گلهای
سرخ وفصل

از: صادق همایونی

«وصل» در شعر فارسی

* بکاخ وصل تو پر میفشاندم از سر شوق
کنون ز سنگ جدائی شکسته بال شدم
«شهریار»

*روا مدار خدایا، که در حریم وصال
رقیب محرم و حرمان نصیب من باشد
«حافظ»

*طمع وصل همی دارم و اندیشه هجر
دگر از هر دو جهانم، نه امید است و نه بیم
«سعدی»

* یا مرگ، یا وصال، که فرهاد کوه کن
در عاشقی جز این دو خیال دگر نداشت
«ملک الشعرا بهار»

* دامن وصلی بدست آور بهرصورت که هست
گرگل دامن نباشی، خار دامنگیر باش
«اوجی نطنزی»

* با صبح بگوئید که بی وقت مزن دم
امشب شب وصلت نگهدار نفس را
«کمال خجندی»

* تمنای وصالم نیست، عشق من مگیر ازمن
بدردت خوگرفتم، نیستم در بند درمانت
«شهریار»

چند ترانه از کویرنشینان

دونا لیمو فرستاده ول مو
برای صبر و آرام دل مو
محبت کردی و زحمت کشیدی
ول بالا بلند خوشگل مو

.*.

دلم دیوانه بود، دیوانه تر شد
لباسم کهنه بود، پوسیده تر شد
ازآن روزی که یارم درسفر رفت
خوراکم روز و شب خون جگر شد

.*.

سرم درد میکنه ازکینهٔ تو
ببوسم دگمه های سینه تو
به حمام میروی صابون نداری
لبم صابون زبونم کیسهٔ تو

.*.

بقربون قد سرو رسایت
بدوزم چادری تا پشت پایت
بدوزم چادری کوتاه نباشه
بشینم تا قیوست در ولایت

.*.

در خونت بیایم در زنم من
زبون خود صدا دلبر زنم من
اگر دونم که دلبر خواب ناره
کبوتر شم به دورش پر زنم من

.*.

گلم حالا شدم دیوونهٔ تو
توخود گفتی نیایم خونهٔ تو
توخود گفتی برم، صحرا نشینم
خودم صحرا دلم در خونهٔ تو

با اوامری که شاهنشاه صادر فرموده‌اند... بقیه از صفحه ۲۳

راجع به قانون کار است که بزودی به مجلس خواهد رفت.

کارگر گرداننده چرخ اقتصاد کشور است. باید به او کار ارجاع شود. کارگر باید به وظیفه خود عمل کند. دستمزد هم در حد استحقاق او، به او پرداخت شود. از نمایندگان مجلس که در این جلسه حضور دارند استدعا دارم در این مورد نظرات ما را به اطلاع مقامات مسؤول برسانند.

موضوع دیگر اینکه ادغام وزارت بهداری و وزارت رفاه اجتماعی یکی از اقدامات بسیار خوبی بود که انجام شد. و امیدواریم گرفتاری درمانی کارگران در سیستم درمانی جدید بکلی مرتفع گردد. مطلب دیگر اینکه شرکتهای تعاونی مصرف بدان گونه که مورد نظر بوده نتوانسته‌اند نقش خود را ایفا کنند، چون شرکت امکان که فراهم آورنده تسهیلات لازم برای تعاونیها است، نتوانسته با مقتضیات کنونی بطور کامل خود را وفق دهد.

همه میدانیم که این تعاونیها از محل ده درصد بخشودگی مالیات ها بوجود آمده‌اند، پس دلیلی ندارد که اگر کارگری از جائی بجای دیگر منتقل شد، نتواند سهم خود را نیز به محل جدید کارش منتقل سازد. در این خصوص تعاونیها پاسخ قانع کننده‌ای نمی‌دهند و چنانکه در بالا اشاره کردم، شرکت امکان نیز با توجه به گسترش فعالیت های شرکتهای تعاونی هنوز نتوانسته آنگونه که لازم است، خود را با این شرایط هماهنگ کند، حال آنکه می بایستی این شرکت، تعاونیهای تابع را ارشاد کند و اجناس مورد نیاز تعاونیها را به قیمت ارزان دراختیار آنها گذارد.

مسکن، مشکل دیگر کارگران ما است که با اوامری که شاهنشاه آریامهر صادر فرموده‌اند، تردید نداریم که این مشکل بزودی حل خواهد شد.

فتح‌الله حاتمی (**نماینده مجلس شورای ملی از گروه کارگر**) : راجع به تعاونیها و نارسائیهای آن باید گفت البته وجود دارد، تعاونیها شرکتهائی هستند که متعلق بخود ما است، اداره کننده آن هم خود ما هستیم، پرسنل آن مربوط به خود ماست و دولت هم مبلغی کمک بلاعوض کرده است تا این تعاونیها پا بگیرد، بنابراین گلایه‌ها وارد است، ممکن است نقص را متوجه مدیریت بدانید، مگر چه تعداد مدیر میتوان تربیت کرد؟ ... البته ناگفته نگذارم که در بعضی جاها رضایت وجود دارد و بعضی‌ها هم راضی نیستند، این بستگی به مدیریت دارد. شاید بعضی تصور کنند اگر بیائیم شرکتها را منطقه‌ای کنیم، کار بهتر میشود، مثلا اگر در جاده کرج فقط چند شرکت تأسیس کنیم و همه شرکتها را در این چند شرکت ادغام کنیم، کارها درست میشود، این صحیح است که وضع شرکتها بصورت شرکت تعاونی شهر و روستا در می‌آید، ولیکن این وضع فعلا مقدور نیست، مگر اینکه برای این امر قانون جدیدی بتصویب برسد.

مژده میدهم که قانون کار هم بزودی به مجلس خواهد آمد و تغییراتی که در آن داده شده بنفع کارگران است.

رحیم پور برد باری(نماینده مجلس شورای ملی از گروه کارگر)، همه کارگران علاقمندند که قانون کار مورد تجدید نظر قرار گیرد، ولو این تجدید نظرها خیلی محدود و کم باشد، میخواهم بشما اطمینان بدهم که بهر صورت قانون مورد نظر شما به مجلس خواهد آمد و خوشبختانه تمامی نمایندگان مجلس از گروه کارگر عضو کمیسیون کار هستند و بدون شک نظراتی را که از سوی کارگران میرسد، مورد توجه قرار خواهند داد.

یکی از دوستان راجع به ۶۰ یا ۷۰ درصد ارزش خانه هائی که خریداری میشود صحبت کرد، باید عرض کنم زمینی را که مثلا ۱۲۰۰ تومان قیمت میگذارند، این با استاندارد دولت مغایرت دارد، به سخن دیگر، دولت خود قیمت جداگانه‌ای دارد که بروی این قبیل خانه‌ها میگذارد، در نتیجه خانه‌ای را که مثلا شما ۲۰۰ هزار تومان خریده‌اید، با ضوابط دولتی ممکن است ۱۵۰ هزار تومان در بیاید. در این صورت فقط دو اقدام میتوان کرد. اول اینکه از بانک بخواهیم تمام پول مورد احتیاج کارگر را در اختیار او بگذارد ویا اینکه تسلیم قیمت شما بشود واین هر دو امکان ندارد و با موازین قیمت گذاری دولت مغایر است. درعین حال در جلسه قریب الوقوعی که خواهیم داشت، این پیشنهاد را مطرح میسازیم.

دکتر مرتضی روحانی (مدیر کل پاسخگوئی امور درمانی سازمان تأمین خدمات درمانی و نماینده این سازمان): مسائلی که در این جا مطرح میشود، مسائلی است که کم و بیش با آن آگاهی داریم. ما نمیتوانیم روحیه افراد را عوض کنیم، باید بتدریج آنها را آموزش دهیم. این موضوع را باید نسبت به طبیب و پرستار نیز سرایت داد، مسائل شما بعضی خصوصی است که بارها گفته‌ایم شکایت بکنید، مورد رسیدگی واقع خواهد شد. برای اشکالات خصوصی شما من شخصاً حاضرم پاسخگو باشم، مطالب مربوط به دفترچه‌ها و غیره را نیز برایتان تشریح خواهم کرد، اگر کسی را در آزمایشگاهی بپذیرند و شکایت تسلیمی او مستند بدلیل باشد، رسیدگی خواهیم کرد. دوستان کارگر، مادام که دفترچه نگرفته‌اند، ما را در فشار میگذارند که دفترچه بدهید. وقتی دفترچه گرفتند، مساله دارو و درمان جهره خواهد نمود. در جلسه‌ای که د اورژانس داشتیم، مدیر عامل سازمان، تمام نمایندگان کارگران درمجلس شورای ملی و نمایندگان آنها در کارگاهها و کارخانجات حضور داشتند، این مسائل را من خودم شخصا درآنجا مطرح کردم.

با همه مشکلاتی که از نظر چاپ در مورد دفترچه‌ها داشتیم، تا کنون توانسته‌ایم به بسیاری از کارگران دفترچه بدهیم مشکل مهمی که درمورد این دفترچه‌ها مطرح است، [illegible] بعضی هم مراجعه میکنند که ما را معرفی [illegible] این دفترچه ها خود معرفی نامه‌است که در دسترس کارگران قرار دارد.

بد نیست درمورد چگونگی توزیع دفترچه ها هم توضیحی بدهم این دفترچه ها بتدریج و با رعایت اولویت ها داده شده است. باین معنی که مثلا کسانی را که ۱۵۰۰ تومان حقوق میگیرند چون بیمه هستند فعلا از گرفتن دفترچه معاف کرده و نوبت‌شان را برای بعد گذاشته‌ایم و ترجیح داده‌ایم فعلا به کسانی دفترچه داده شود که حقوقشان کمتر از این مبلغ است.

هم اکنون دست اندر کار ساختمان یک پلی کلینیک هستیم که وقتی یک کارگر بیمار وارد آن شد، همه نوع دکتر، رادیولوژی و دیگر وسائل لازم در آن باشد، نه اینکه بیمار مثلا برای یک عکسبرداری یک روز وقت صرف کند و همچنین یک روزش برای آزمایش صرف شود.

درمورد نقش هیات همکاری هم لازم است اشاره بکنم هدف از انتخاب هیات همکاری این بود که مشکلات بصورت کلی تر و عمومی تر مورد بحث و توجه قرار گیرد، نه اینکه مثلا شکایت شود که فلان پرستار به فلان بیمار احترام نگذاشته است بهر تقدیر تصور میکنم مساله دفترچه مشکلی نباشد، داروخانه هم مساله‌ای نیست، چه تمامی داروخانه ها مستقیم و غیرمستقیم با ما همکاری دارند، بجز معدودی که خود ما با آنها قطع رابطه کرده‌ایم بعضی از اقلام داروها را واقعا ممکن است بعضی ازداروخانه ها نداشته باشند.

سادات حسینی : مساله‌ای که از بابت دارو بچشم میخورد، موضوع پائین بودن استاندارد داروها است.

دکتر رحمانی : بزودی فارما کوپه ملی خواهیم داشت، فارما کوپه ما [illegible] که در ایران هست بالاتر است. در مورد پرداخت فرانشیز و مجانی شدن نسخه هم باید به استحضار برسانم که متد درمانی ایران بهترین متد صحیح دنیا است زیرا مجانی بودن درمان و عدم پرداخت فرانشیز سلب اعتماد میکند.

انشاالله فارما کوپه ملی نوشته میشود که مربوط بهمه کشور است یعنی ۸ یا ۶ هزار قلم [illegible] بدون جهت وارد کشور نمیشود این اقلام به ۵۰۰ یا ۶۰۰ قلم محدود میشود فارما کوپه درمان هم عین فارما کوپه ملی خواهد بود.

با ادغام وزارت بهداری و رفاه اجتماعی، مشکلات عمومی در این زمینه در سطح کشور حل خواهد شد سیاست عدم تمرکز در این مورد [illegible] خواهد بود.

[illegible] توجه واقع شده و در قانونی که بزودی از تصویب میگذرد، پیش بینی شده است و همه اینها از مظاهر سیاست عدم تمرکز است که در برنامه آتی دولت قرار دارد.

به کمبود دارو در داروخانه ها اشاره کردید، اگر در یک داروخانه داروی شما نبود، میتوانید بداروخانه دیگری مراجعه کنید تقریبا تمام داروخانه ها با سازمان طرف قرارداد هستند بیمارستانها هم یکی بعد از دیگری دارند مجهز میشوند، همه بیمارستانهائی که اخیرا مجهز شده به بیمارستان [illegible] دیگر افتتاح میشود و ۷۰۰ تختخواب بر تعداد تختهای موجود اضافه میگردد، بیمارستان دروس تا چهار، پنج ماه دیگر آماده گشایش خواهد شد و .... گشایش این بیمارستانها تا حدودی مشکلات ما را حل میکند فعلا نمیتوان در هر بیمارستانی بستری شد، بلکه بیمارستانهای طرف قرار داد فعلا محل رجوع ما هستند. در بیمارستانهای بهآورو دادگستری تعدادی از پزشکان تحصیل کرده با ما همکاری دارند و در دفترچه هائی که بزودی دراختیار شما قرار می گیرد نام تمامی این پزشکان قید شده است. اگر درسال جاری شما بدکتری مراجعه کردید که طرف قرار داد با سازمان باشد، نباید پول بدهید و اگر طرف قرار داد نباشد، چه پزشک وچه بیمارستان ارتباطی با ما ندارد.

کارپروژه‌ها هم درمورد کارگران رو به اتمام است. در این خصوص هم سؤال بسیار میشود، اطلاع بدهید که تقریباً تمام شده‌است.

شرکتهای تعاونی... بقیه از صفحه ۴۲

را بطریق ذکرشده تهیه کند، چیست؟

۴۲ بجز خرید و توزیع کالاهای مصرفی آیا شرکت توانسته است خدمات جنبی دیگری از نظر فنی، اداری، مالی، خانوادگی، تربیتی، آموزشی، وغیره به عضو یا اعضاء خود بدهد؟

۴۳ ما در عصر اقتصاد پرمصرفی زندگی میکنیم، سیستمی که از هر جهت برای نود و پنج درصد از مصرف کنندگان مبهم و پیچیده‌است. آیا شرکت تعاونی توانسته است طی مدت فعالیت، اعضاء خود را که مصرف کننده هستند باچگونگی این سیستم اقتصادی آشنا سازد وبرای شناخت آن معلومات و دانش لازم را دراختیار اعضاء قرار دهد؟

۴۴ در هر جامعه و محیط اجتماعی بدون شک منابع سرشاری از امکانات مادی و ونیروی فعال انسانی وجود دارد. شرکت‌های تعاونی کار خود را معمولا باحداقل سرمایه مادی و انسانی شروع میکنند و سالها طول میکشد تا بتوانند امکانات مالی و انسانی کافی و مشتری بسوی خود جلب کنند. اما اگر یک شرکت تعاونی از همان ابتدای کار اقدام بهشناخت محیط زیست خود کند بطور حتم بعوامل مؤثری از امکانات مالی و انسانی دست خواهد یافت و سپس طبق یک برنامه طرح جامع میتواند از منابع یاد شده در جهت پیشبرد هدفهای خود و بهنفع مردم محل اقدامات و برنامه های باارزشی را بمرحله اجرا گذارد. باتوجه به این مسئله آیا شرکت تعاونی شما در این جهت هیچ تدارکی دیده است یا نه؟

۴۵ آیا درباره عده جمعیت، وضع درآمد، نوع نیازها، امکانات مالی و اقتصادی، تنگناهای زندگی زمینه مشارکت در کارهای جمعی مردم محل مطالعه شده و شناخت لازمی ازاین بابت بدست آمده است یا خیر؟

۴۶ آیا شرکت اطلاع دارد که اعضاء در درجه اول و افراد غیر عضو در مرحله بعد بجز کارهای موظف اداری و کارگری از چه نوع ذوقیات برخوردار هستند و بهچه نوع فن و هنر و کارهای حرفه‌ای و هنری آشنا و علاقمند هستند؟

۴۷ آیا بررسی شده است که حداقل مزد و درآمد اعضاء و افراد غیر عضو حوزه فعالیت شرکت چقدر است؟

مطالب این سری از مقاله‌ها چون سایر نوشته‌هائی که در ین رشته تحریر شده و میشود همه برای این است که در کار تشکیل و عضویت در شرکت تعاونی آگاه باشیم و خطا نکنیم وبه بیراهه نرویم ودر نتیجه شرکت تعاونی خود را تقویت کنیم.

بشرکت تعاونی خود خدمت کنیم تا شرکت نیز بهما خدمت کند و آنچه دراین جا آمده است گوشه‌ای از خدمات بشرکت تعاونی است که اگر توسط هریک از اعضاء صورت گیرد ازچه خدمات متقابلی که برخوردار نمیشویم؟

کارگاه خنده

— در مجلسی مردی پس از رقصیدن با خانم جوانی رو به پسرش کرد و گفت : پسر جون ، این پنج تومانو بهت میدم بشرطی که به مامانت نگی من با این خانم رقصیدم.
پسرك فکری کرد و جواب داد : چشم بابا ، ولی اگه ده تومان بدی نمیگم که شما این خانم روهم بوسیدین !

[illegible]
[illegible]
آخه می‌خوام زود ترسبز بشه !

اولی — جان [illegible] زن بداخلاق و پرمدعائی شدم که جونم به لبم رسیده !
دومی — دلت می‌خواد خبرشو برات بیارن ؟
اولی — نه بابا خدانکنه ، چون می‌ترسم ازشدت خوشحالی خودم سکته کنم !

— مامان ، چی شده ، امروز خیلی خوشحالی ؟
— برای اینکه امروز بابات از مسافرت بر میگرده و من دیگه مجبور نیستم ظرفهارو بشوره !

قاضی [illegible]
متهم فکر کردم [illegible] خودمه.
قاضی [illegible]
متهم: [illegible] زن خودمه !

معلم: [illegible] روی [illegible] داد دومرتبه مشق ننویس ، پس [illegible]
شاگرد : آقامعلم ، آخه نونوائی سر کوچمون رو به‌جرم گرانفروشی بستن ! واسه همین بابا بهمون جای نون پلو میده !

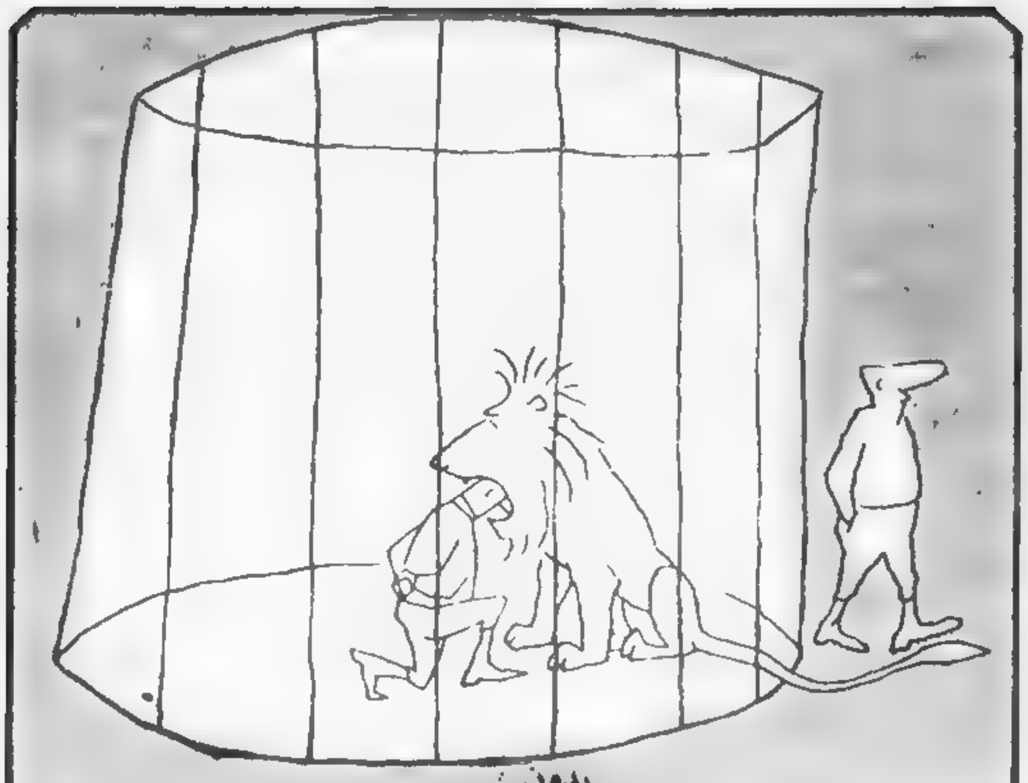

بدون شرح

فرمودید کدوم دندونتون درد می‌کند !

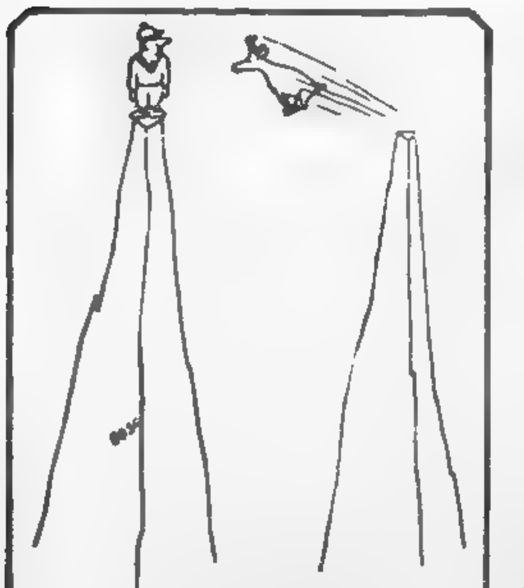

بربباری !

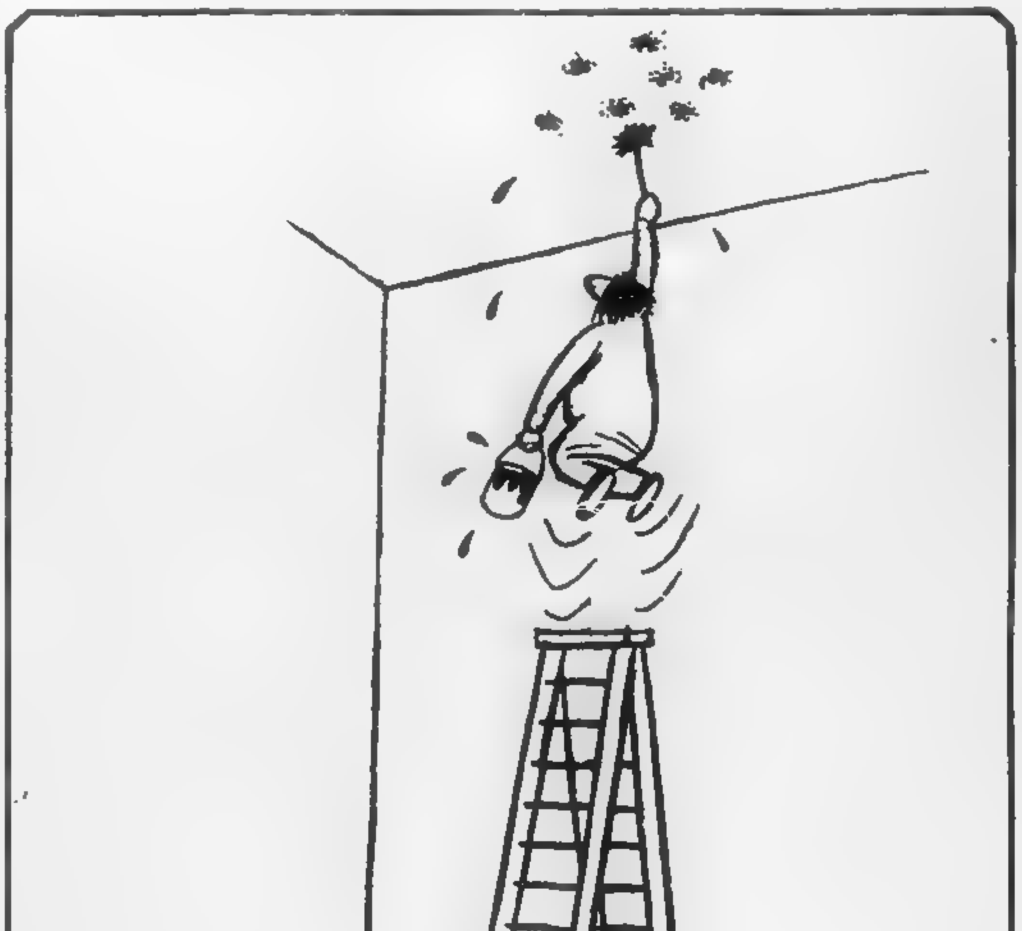

نقاش ماهر !

دو نفر شرطبندی کرده بودند که هر کدام دروغ شاخدارتری بگوید شرط را برد . اولی شروع کرد :
— یه روز من تصمیم گرفتم یک حرف راست بزنم که ...
دومی حرف اولی را قطع کرد و گفت : دیگه بقیه‌اشونگو...... توشرط روبردی......

مردی که میخواست نسیه خرید کند ، وارد خواربارفروشی شد ، ولی چشمش به تابلو یی افتاد که روی آن نوشته شده بود : « امروز نقد ، فردا نسیه » ، مرد رو کرد به فروشنده و گفت :
— پس آقا لطفاً دو کیلو قندوشکربدین به حساب فردا !

انسان باادب !

متاسفیم .... بقیه از صفحه ۷۱

سلیم مرده بود که نه خود میتوانست نامی برآن بگذارد، نه دیگران. تنگ‌خلق، عصبانی، و بهانه‌گیر شده بود. در چیزی با زیبایی برخورد نمیکرد و از زاویه خوبی به دنیانگاه نمیکرد. حتی دیگر در قلبش هم رحم و عطوفتی وجود نداشت، وگرنه اشتباه دوم ازاوسر نمیزد.

پیرزن فقیری که با صدای بلند از عابرین کمک میخواست، از کنارعموا کسی گذشت. صدای پیرزن طنین صدای دیگری را در او زنده کرد. صدای پیر مرد نابینایی که یک روز نزدیک ظهر وارد مغازه او شده، و با صدای خسته‌ای تقاضای کمک کرده‌بود.

سلیم آن روز با تندی و خشونت [illegible] از مغازه بیرون راند. [illegible] و در مغازه را با صدای [illegible] بست. از این وقایع روزانه بارها و بارها در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد، ولی تأثیر آن در همه حال به یک وضع نیست و هر عملی عکس‌العمل به خصوصی دارد. شاید هم فقط وقتی که صبر خداوندی به پایان میرسد، عکس‌العمل تمام بدی‌ها آشکار میشود.

به هر حال یک هفته بعد، منصور پسر بزرگ سلیم که در خیابان به جای دوچرخه‌سواری دوچرخه بازی می کرد با پیرزن نحیفی تصادم کرد و از بخت بد پیرزن در راه بیمارستان فوت کرد. صورت فاجعه کاملا معلوم است. پسرک بی‌گناهی در یک‌آن به صورت یک‌قاتل درمیآید. این یک ضربه، ضربه دیگر پیدا کردن راهی برای نجات قاتل کوچک است. و این تنها با پول، [illegible] پول کم، بلکـــه با پول نسبتاً زیادی بدست می‌آمد. صنوبر که هنوز نتوانسته بود پولی را که برای نجات شوهر دست و پا کرده بود بپردازد، در اندوه‌دیگری فرو رفت. و شوهر که مثل پلنگ زخم خورده عصبانی بود، به ناچار مغازه را گرو گذاشت و خون مقتول را خرید. و به این ترتیب حادثه درصورت ظاهر حل شد. اگرچه بدبختی که تازه از راه رسیده بود به آن زودی خیال رفتن از آن خانواده را نداشت. صنوبر هر چه می کوشید با با محبت و مهربانی نیروی گذشته را در سلیم بوجود بیاورد و دستهای او را باشوق دیـــــرین به کار مشغول سازد، نتیجه‌ای نمیگرفت وسلیم در شکاف اعمال خود فرو رفته بود، روز به روز غرق‌تر و غرق‌تر میشد. تا سرانجام مغازه سر سال حراج شد، وسلیم در یک چشم به هم زدن، از قالب کاسبی بیرون‌آمد ودومرتبه کارگشته خود که پینه‌دوزی بود بازگشت. واقعا که زندگی زیروبمهای عجیبی دارد، و به‌آسانی هر لحظه به‌شکلی درمیآید. شاید هم‌شانس سعادت فقط یکبار به‌آدمها داده‌میشود و بعد از آن دیگر هرتلاشی بیهوده است. همان طور که سلیم دیگر به گذشته بازنگشت و در همان حال باقی ماند. عده‌ای ازاهل محل میگفتند: «چه‌حیف! سلیم را چشم زدند.» ولی عده‌ای دیگر که حقیقت را می‌شناختند و اشک‌های چشم صنوبر را دیده بودند، ناآگاه ازرفتارخشنی که یک‌روز سلیم با پیر مرد فقیری انجام داده بود، میگفتند:

این تقاص خداوند است. مگر یادتان رفته است سلیم با زن نازنین فداکارش چه رفتاری کرد؟

وصنوبر واقعاً نازنین وفداکار بود. چون با وجود تحولی که درزندگی‌شوهررخ داده بود، با وجود فروغلتیدن از اوج رفاه وآسایش به‌دره تنگدستی، و با وجود زخم عظیمی که بردل داشت، با سکوت و ملایمت، بدون آن که اندک تغییری در او به‌وجود بیاید، به‌زندگی در کنار صنوبر ادامه میداد و هرگز آنتی که در چشمانش میدرخشید، خاموش نمیشد. روزها میگذشت. جوانی میرفت و پیری عصا زنان ازراه میرسید و برموهای سیاه آن، برف میپاشید. سلیم بازهم بداخلاقتر وناراحت‌تر وبهانه‌جوتر میشد و بی‌اعتنا به‌موهبتی که در [illegible] زندگی را با اخمهای درهم کشیده میگذراند و هرگز با روی خوش به‌آنچه در اطرافش میگذشت، نگاه نمیکرد، تا اینکه بیماری سنگ کلیه به‌سراغش آمد و او را در بستر درد انداخت. مردم‌محل صنوبر را به‌عنوان نمونه‌ای ازقهرمانان زندگی شناختند، چون وقتی سلیم در بیمارستان بستری گردید، صنوبر [illegible]

[illegible]

بود که صنوبر همه آن دردها را به‌حضور او می کشید. بیماریش شش ماه طول کشید و وقتی از بیمارستان مرخص شد، [illegible] از سلیم [illegible]

[illegible]

عموا [illegible]

دیگر آفتاب به‌میانه آسمان رسیده بود و گرما بیداد میکرد. دستش را روی قلبش گذاشت. فشاری که ان یک تکه گوشت بازو بسته‌میکرد دم به دم بیشتر و بیشتر میشد. ازجای بلند شد.

[illegible]

... مناسفم، عمو [illegible] مرده‌است.

مهری‌خانم....بقیه از صفحه ٦٦

شوهرش اصلا اعتنائی به اونها نکرده و اونها قهر کردن ورفتن.

— وای! .. اگه من جای اعظم بودم دق می کردم. طفلکی علی وقتی واسش مهمون میرسه، سر ازخودش نیست. چه فامیل خودش باشه، چه فامیل من!

تازه‌این گوشه‌ای ازناراحتی‌های اعظمه. می‌گفت: شوهرم قدغن کرده که دیگه دختر بزرگم مدرسه نره. میگه مدرسه اخلاق بچه‌ها رو فاسد می کنه. دختره هم دو روزه که اعتصاب غذا کرده!

— خدا مرگم بده. واسه چی اینطور در حق بچه‌هاش ظلم میکنه!؟، طفلکی علی میگه: اگه خودم مجبور بشم بیست و چهار ساعت کار بکنم نمیذارم بچه‌ها از تحصیل عقب بمونن.

— تازه همه اینا بکنار، آقا بازم هوس زن گرفتن کرده، مرتب به‌اعظم خانم میگه باید رضایت بدی، وگرنه روزگار تو و بچه‌ها روسیاه‌میکنم!

— واه واه چه غلطها! مردک یه‌لا قبا تا به‌پول و پله‌ای رسیده، چه پررو شده! بمیرم واسه اعظم خانم. چه زندگی سختی داره! یک هوو کم بود، حالا مردک خیال داره یکی دیگه‌م سرش بیاره. عجب دوره وزمونه‌ای شده، آخه آدم به کی می‌تونه اعتماد بکنه، دماغ مردک روبکیری جونش بالا میاد! طفلکی علی با اون قد رشیدش، بااون چشمهای سیاهش، قیافه خوشگلش سرشو بالا نمیکنه، تا حالاتوچشم‌یه‌زن نگاه نکرده. اون دختره و مادره که پارسال اومده بودن تو محله ما یادته؟ دختره خیلی چشم وابرو نازک میکرد. معلوم بود دلش واسه علی رفته. خودم مراقبش بودم، ولی علی بخداوندی خدا، اصلا متوجه نشده بود که این ناز و غمزه‌ها واسه اونه. آدم از نجابتش حظ می کنه. اگه یه شوهری مثل شوهر اعظم خانم گیر من میفتاد، سکته میکردم. خوب طفلکی علی زیاد کارمی کنه، کارشم یه کار فکریه، این بچه‌های منم که ماشاالله خیلی شیطونن، مگه یه دقیقه آروم میگیرن. تا باباهه رو می‌بینن، ازسر و کولش بالا میرن. نمیذارن خستگی راه از تنش بدر بره، پارسال جات خالی من و بچه‌هارو برد به‌پا بوس حضرت رضا. نمیدونی چه مرد خوش سفریه! از این جا ماشینو پر از خوراکی کرد چقدر تفریح کردیم، چقدر سوغاتی واسه آقا جونم و داداش‌هام خرید. نذاشت من دست به‌سیاه و سفید بزنم. بااینکه چراغ خوراک پزی و وسایل کافی همراه برده بودیم حتی نذاشت من یه آبگوشت بار کنم. می گفت آوردمت مسافرت که بهت خوش بگذره نیاوردمت که کار کنی.

راستش باید قبول کنم که از چند ماه قبل که خانم جانش عمرشو داده بشما یه کمی اخلاقش عوض شده، آخه دوراز‌حالا، خیلی مادرشو دوست داشت، خدا بیامرزدش، زن نازنینی بود. میدونی مرده، خود داره، نمی‌تونه مثل ما گریه کنه، توخودش میریزه. راستی ساعت چنده؟

باید نزدیکهای [illegible] باشه.

وای خدا مرگم بده، الان طفلکی علی خسته و مونده میاد، هنوز فکر شام شبو نکردم، باید بچه‌ها هم ازگرسنگی دارن هلاک [illegible] [illegible] خوردن. [illegible]

[illegible] ... مهری خانم و بچه‌ها باخنده وشوخی میرفتند... و من به‌این فکر میکردم که اگر آدم بتواند به‌خوبی‌ها هم فکر کند و تنها نقاط ضعف اشخاص را در نظر نداشته باشد، زندگی چقدرشیرین و لذت‌بخش خواهدشد!..

مهری خانم داشت بدون دوراندیشی، از روی خشم، آینده خود و بچه‌ها و شوهرش را خراب می کرد... اما وقتی مشکلات خیلی بزرگتر از خودش-مشکلات اعظم خانم را دید، تازه متوجه شد چقدر در مورد شوهرش اشتبـــــاه می کند و از کاهی، کوهی می‌سازد...

عمویم، کارخانه‌را ...

بقیه از صفحه ۷۳

ایستاد. ازاین سکوت مرگبار بیش ازچند لحظه نگذشته بود که او با لحنی کوبنده‌تر از پتکی آهنین وگران گفت:

— ببین ایرج، تو مدتی است که اینجا هیچ سهمی نداری، یا شاید اصلا توی دنیا چیزی نداری. بهمین علت بهتراست بدون اینکه سروصدا راه بیندازی در را بازکنی و بروی، چرا که طبق سند رسمی تمام این تأسیسات بمن تعلق دارد. ضمناً این را هم بدان که اثاثه‌خانه وخرت و پرت‌های دیگری که پیش مادرت بود همه‌اش خرج دفن و کفن اوشد!

وی دراین هنگام دست به جیب برد و پس ازاینکه ازمیان دستهٔ اسکناس یک قطعه صد تومانی راجدامی کرد، افزود:

— بیا، اینهم برای خرج چند روزت تا کاری پیدا کنی!

من ازاین برخورد بطوری گیج و بیخود شده بودم که تصورمی کردم اسیر کابوسی هولناک شده‌ام. ازاین روحتی ناخودآگاه دستم را برای گرفتن پول به جلو بردم. لیکن موقعی که وجود اسکناس را در میان انگشتانم حس کردم، یکباره بخود آمدم و به دنبال فریادی جگرخراش به عموحمله کردم. کشمکش ما بیش ازچند لحظه ادامه نیافت که من ناگهان عمو را دیدم که مانندستونی عظیم نقش برزمین شد. آنچنان جلو چشمانم را خون گرفته بود که سرتاسر چشم اندازم بسان ابری سیاه‌خود نمایی می کرد. تنها هنگامی بخود آمدم که دیدم چند نفر بازوهایم را ازپشت گرفته و یکی ازآنها چکشی را ازدستم خارج می کند. درهمان حال دیگربار به عمو نگریستم وآنچه دیدم جمجمه شکافته در میان دریایی ازخون بود!

بدین ترتیب آزادی چند ساعته‌ام پایان گرفت و من مجدداً به زندان برگشتم. لیکن این بارقضاوت دادگاه با توجه به عواملی که منجر به قتل شده بود بیشترین ارفاق را درحقم روا داشتند. درمدتی که محکومیتم رامی‌گذراندم، تنها دخترعموی بزرگم مرتباً به دیدنم می‌آمد. معهذا وقتی که آزاد شدم هرگز نتوانستم رضا دهم که با او زندگی جدیدی را آغاز کنم. زیرا هیچگاه مایل نیستم انگیزه وعاملی یادگذشته‌ها را دروجودم زنده کند. با تمام این احوال او همچنان در تعقیب من است و می‌خواهد با بکاربردن بزرگترین فداکاریها گناهان پدرش را بشوید. بی‌شک آینده نشان خواهد داد که او در اجرای برنامه‌اش تا چه حد موفق خواهد شد. آینده‌یی که معلوم نیست چه سرنوشتی به انتظارمن نهاده‌است؟!

پایان

دراینجا، دخترها وزنها....

بقیه از صفحه ۱۳

که من همه ساله سراسر ماه مبارك رمضان را روزه میگیریم و در شبهای ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ ماه مبارك رمضان هم تا صبح بیدار میمانم و با یاد خدا و ذکر نام امیرالمؤمنین تا ماه رمضان سال بعد سلامتی خود و خانواده‌ام را با شفاعت آن بزرگوار به پیشگاه خداوند تضمین و بیمه میکنم و این از عقاید شخصی من است.

پیشنهاد کارگران

فریدون رئیس و محمد ملکی، کارگران قسمت پرس و ماشین کاری از نقل مکان کارخانه به یکی از شهرستانها که در سال آتی انجام خواهد گرفت، صحبت میکردند....

محمد ملکی عقیده داشت که اصولا باید قبلا موقعیت جغرافیائی هرشهر را بررسی کرد تا نتیجه بدست آید که آن شهر پذیرای چه نوع صنعتی است و بعد کلیه صنایع متفرقه را از آنجا دور کرد و فقط آنجا را اختصاص به یک نوع صنعت داد. مثلا دریک شهرفقط صنایع شیشه‌سازی دایر کرد و در شهر دیگر، تنها صنایع لاستیک‌سازی و در شهر بعدی صنایع ماشین‌سازی در این صورت ضمن اینکه با این عمل کارگران متخصص بیشتری آماده و جذب بازار کار میشوند، از پراکندگی صنایع مختلف در گوشه و کنار مملکت جلوگیری میشود. هم‌چنین با این عمل از کاهش تولیدات و ضایع شدن مقداری از مصنوعات تهیه شده جلوگیری خواهد شد.

فریدون رئیسی، درجواب او عقیده داشت که پیاده کردن چنین طرحی میلیارد ها تومان هزینه دارد و اصولا اجرای آن عملی نیست. هرچند چنین کاری دراکثر کشورهای بزرگ صنعتی جهان شده است ولی برای کشور ما اجرای چنین طرحی احتیاج به زمان دارد.

نزدیک ظهر بود و کارگران برای خوردن غذا دست از کار میکشیدند و بطرف سالن غذاخوری میرفتند. در قسمت غذاخوری، همهمه و سر و صدای زیادی شنیده میشد. کارگران درصف بلندی به نوبت غذای خود را ازمتصدی توزیع غذا گرفته و کنارمیز مینشستند دراینجا نیز زن ومرد، و پیر وجوان در کنار هم بصرف ناهار مشغول بودند و هر کسی بنوعی برای همکاران خود لطیفه و داستان واحیاناً درد دل میکرد.

یوسف مقیمی یکی از کارگران با سابقه این واحد تولیدی سعی داشت سربسر ابراهیمی، آشپز کارخانه بگذارد. او همینکه غذای خود را گرفت، به ابراهیمی گفت: چکارمیکنی که دست‌پخت تو این همه خوشمزه میشه. من هروقت از غذائی که تو پخته‌ای میخورم، فوراً ۲ کیلوچاق میشم!

ابراهیمی درجواب او گفت: «پس مواظب باش کمتر غذا بخوری، چون این روزها چاقی مد روز نیست و اونوقت از گردونه مسابقه های زیبائی خارج میشی.» درقسمت دیگری ازسالن غذاخوری منیژه حیدری، با فاطمه طریقی، از لباسی که جدیداً خریده بود، تعریف میکرد. منیژه میگفت: خیلی وقت بود دلم چنین لباسی را میخواست. بالاخره دو روز پیش اون رو خریدم. هرچند که قیمتش بنظر من کمی گرونه، ولی انقدر از دوخت و مدل اون خوشم آمده که به گرونیش اهمیت نمیدم.»

خانم عفت مقامی، با مهری شیروانی، در مورد روش تربیت صحیح بچه صحبت میکردند. خانم مقامی عقیده داشت به بچه از همان دوران کودکی باید آموخت که چگونه متکی بخود بزرگ شود و خانم شیروانی در تایید گفته های او جواب داد: «من تعجب میکنم که بعضی از مادر ها چه اندازه نسبت به ین مسئله مهم بی‌توجهند و در تربیت بچه های خودشون بقدری رویه ناقص و غیراصولی در پیش میگیـــرند کـــه بچه هـــای

آنها در جوانی و وقتی میخواهند وارد اجتماع شوند مثل آدمهای عقب افتاده، همیشه احتیاج به کمک و راهنمائی دارند، درصورتیکه امروز دیگه همه میدونیم بچه را نباید گنگ و بی‌ثبات بزرگ کرد، باید به او آموخت که چطور در زندگی خودش رو با شرایط زمان و برای مشکلات ومسائلی که درپیش داره، آماده بکنه.

زهرا محمودی کارگر جوانی که در قسمت مونتاژ تلویزیون کار می کند با «حلیمه مابلی» در کنار هم غذا میخوردند. این دو نفر گاهگاه در گوش هم نجوا میکردند و بعد میخندیدند. خیلی سعی کردم بفهمم راجع به چه مطلبی با هم حرف میزنند، اما نشد. وقتی از آنها خواستم که خاطره‌ای برایم تعریف کنند، زهرا گفت: «تنها خاطره من در زندگی عروسک قشنگی است که ۴ سال است آنرا دارم وبا هیچ چیز دردنیا عوض نمیکنم!

جلوه‌ای از کارسازندگی زنان

وقت ناهار تمام شده بود و کارگران گروه گروه بقسمت‌های مربوط به خود مراجعه میکردند تا مجدداً تلاش ثمربخش خود را آغاز کنند به سالن مونتاژ تلویزیون رفتم در اینجا عده زیادی زن و دختر جوان در کنار هم با دستهای ظریف خود مشغول سوار کردن قطعات مختلف تلویزیون بودند و براستی که سرافرازی زنان ایران در اینجا جلوه‌گر بود. ازطوبی حسنی سرپرست کارگران قسمت مونتاژ تلویزیون که ضمناً عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران این کارخانه نیز هست پرسیدم چه خاطره‌جالبی از کارخود دارد؟

طوبی با زبان‌ساده‌یی گفت: «بهترین خاطره من در اینجا شاهد بودن تشکیل زندگی مشترك و خوشبخت شدن عده زیادی از پسرها و دخترهائیست که دراین کارخانه کارمیکنند. ازاو توضیح بیشتری خواستم، طوبی گفت:

— همانطوریکه میبینید، دراین کارخانه تعداد زیادی دختر و پسر جوان کارمیکنند و اغلب اتفاق افتاده که دو نفر از آنها تصمیم به ازدواج باهم گرفته‌اند و بعد ازمراسم قانونی ازدواج کرده و زندگی مشترکی را شروع کرده‌اند. ازوقتی که من دراین کارخانه مشغول کار شده‌ام تا بحال، چندین بار شاهد چنین مراسمی بوده‌ام و شاید بیش از ۵۰ بار در عروسی کارگران جوان این کارخانه شرکت کرده‌ام. باور کنید هربار که دوتن ازهمکارانم ازدواج می کنند، قلبم پر از شادی میشود و از خدای بزرگ آرزوی خوشبختی برای آنها میکنم. من امید دارم که همه جوانها با تشکیل زندگی مشترك خوشبخت وسعادتمند شوند. فکرمیکنم این آرزوی قلبی همه انسانهای خوشبین وخوش نیت است.

خانم منظر رضوی، ناظر بخش مونتاژ تلویزیون میگفت: «۷ سال است که دراین کارخانه مشغول کار هستم.» او با افتخار میگفت: «اگر کسی قصد پیشرفت و ترقی داشته باشد، دراین دوره‌سازندگی کاملا زمینه برایش مهیاست. خود من ۷ سال پیش با شغل کارگری ساده در این کارخانه شروع بکار کردم، اما با تلاش وجدیتی که ازخود نشان دادم اندك اندك در کارم پیشرفت کردم، بطوریکه امروز بعد از ۷ سال تلاش و فعالیت بسمت ناظر بخش این قسمت مشغول کار هستم.» از او پرسیدم: «در زندگی چه آرزوئی داری؟» با اندکی مکث جواب داد! «تربیت صحیح فرزندم که از همه چیز برایم عزیزتر است.»

مادر کارگران

درقسمت دیگر این سالن دو کارگر کنار هم مشغول کار بودند. نحوه همکاری این دو کاملا شباهت برفتار مادر و دختر را داشت. ابتدا تصور کردم آندو واقعاً مادر و دختر هستند، اما بعد دریافتم که خانم معصومه حیدر اصفهانی، بزرگترین و دیگری ربابه صادقی، کوچکترین کارگران این کارخانه هستند، معصومه خانم را همه کارگران دوست دارند و بچه‌ها او را در محیط کار بجای مادر خود میدانند. معصومه خانم زن مهربان و دلسوزیست. او همیشه راهنمای خوبی برای جوانترهاست. وقتی که به نزدیکشان رسیدم، او برای ربابه صادقی، کارگر جوان، از زندگی گذشته خود تعریف میکرد. گویا ربابه اخیراً درتشکیل زندگی مشترك با شکست مواجه شده بود و معصومه خانم به او نصیحت میکرد که تشکیل خانواده برای یک دختر فهمیده و خوب آنهم به این جوانی، دیر نیست، بلکه هر چه زمان بگذرد، انسان فهمیده‌تر وپخته‌ترخواهدشد ودرآن صورت زمانی که تشکیل خانواده داد از تجربه بهتری برخورداراست. معصومه خانم به ربابه میگفت «تو هنوزخیلی جوانی و تازه اول راه هستی، دختر من از تو بزرگتر است و لیسانس خودش را هم گرفته، اما هروقت راجع به ازدواج با او صحبت میکنم، درجواب من میگوید مادر من هنوزآمادگی ازدواج ندارم. حالا تو ازاینکه درمرحله اول خواستگاری با شکست روبروشدی نباید زندگی خود را تمام شده بدانی، بلکه باید از این شکست تجربه بیاموزی که خود را برای زندگی بهتری درآینده‌آماده‌سازی.»

انتقادازمزاحمین

درگوشه دیگری ازسالن مونتاژ تلویزیون، اقدس عمادی با حلیمه مابلی، در باره گردشگاههای عمومی صحبت میکردند. اقدس عمادی معترض بود که چرا بعضی ازمردها در تفریحگاههای عمومی رعایت حال‌زن و بچه دیگران را نمیکنند. او تعریف میکرد چندی قبل که با شوهر و فرزندش یکی از تفریحگاههای عمومی رفته بود، چند مرد بظاهرآراسته دربرابر سایر خانواده‌ها حرفهائی می‌زدند و حرکاتی از خود نشان میدادند که حقیقتاً زننده و زشت بود و اصولا این آقایان بهیچ وجه رعایت نزاکت عمومی را نمیکردند. حلیمه مابلی در تائید گفته‌ی او ادامه داد: «واقعاً که راست گفتی. من خودم یکبار شاهد بودم که دریکی ازهمین تفریحگاههای عمومی ۳ نفر مرد، خیلی سخت مزاحم خانواده‌ای که متأسفانه مرد با آنها نبود، شده بودند، آنهم با چه طرز وحشتناکی. این آقایان بقدری کلمات زشت و رکیک گفتند و حرکات ناشایستی انجام دادند که سرانجام آن خانواده مجبور شدند تفریح خود را ناتمام گذاشته وبمنزل برگردند.»

اقدس گفت: «جداً نمی‌فهمم چرا هنوز عده‌ای ازما مردم طرزمعاشرت درجامعه وانظار عمومی را یاد نگرفته‌ایم؟»

دراین موقع «عشرت علاماتی» بجمع آنان اضافه شد و در تایید گفته های آندو ادامه داد:

— من هیچوقت برای تفریح وگردش تنها نمیروم، چون چند بار نظیر همین صحنه‌هائی را که گفتید بچشم خود دیده‌ام. بهمین علت همیشه جانب احتیاط را رعایت میکنم. هرچند که اگر یک روزچنین مزاحمان بی‌ادبی سرراه من قرار بگیرند حتماً آنها را با مراجعه به پلیس ادب میکنم وحقشان را کف دستشان میگذارم، اما با این وصف سعی میکنم کمتر در این راه دچار دردسرشوم......

من بهمین ترتیب ضمن گردش درکارخانه گفتگوهای کارگران را می‌شنیدم و با عقاید و افکارشان آشنامی‌شدم....

کم کم ساعت پایان کار کارخانه رو بپایان میرفت وما هم لازم بود خود را بــرای خداحافظی از کارگران آماده کنیم و از آنجا خارج شویم.

پایان‌روز

درمحیطی که بیش از یکهزار نفر کارگرو کارمند را در دل خود جای داده بود تا بدست آنان قسمتی ازچرخهای عظیم صنعت را بحرکت درآورند، سوت پایان کار کشیده شد و مجدداً دستشوئی و رخت کن‌ها شاهد هیاهوی کارگران شد. درمیان همهمه و صحبت‌های متفرقه صدای بعضی از کارگران شنیده‌میشد که دوستان خود را بسینما و یا شام درمنزل دعوت میکردند.

این گروه عظیم با اینکه کار سنگینی را انجام داده بودند، معهذا در قیافه‌هایشان هیچگونه‌آثار خستگی و کوفتگی دیده نمیشد. گوئی صبح اول وقت است و کارگران تازه بسر کارمی‌آمدند. روحیه قوی و دلهای گرم آنان بارقه امید فردای بهتری را برای این مملکت و مردم وطن ما نویدمیداد.

اراده قوی و روحیه شاد این خواهران و برادران کارگر را دردل ستایش کردم. ستایش برای سازندگیشان، ستایش برای تلاش آنان، ستایش بخاطر رضایتی که ازوضع زندگی‌خود در سایه‌عدالت شاهنشاه آریامهر داشتند.

ولتی باتفاق علی‌اکبر رهبر ازمحیــــط کارخانه خارج میشدیم، آخرین اتوبوس سرویس کارگران هم بدنبال ما از کارخانه بیرون‌می‌آمد....

مستمری بازماندگان بیمه....

بقیه از صفحه ۳۹

در قانون جدید تأمین اجتماعی در مقایسه با قانون سابق بیمه های اجتماعی، امتیاز دیگری هم به بیمه‌شدگان مستمری بگیر (از کارافتادگان و بازنشستگان) و نیز بازماندگان مستمری بگیر بیمه‌شدگان متوفی داده شده است که از لحاظ بیمه‌شدگان، از جمله کارگران، در حد خود یکی از برجسته ترین خصوصیات این قانون بشمار میرود. این امتیازجدیدعبارتست‌ازاینکه مستمری‌بگیران صندوق تأمین اجتماعی بطور کلی مانند زمان اشتغال بیمه‌شده از خدمات درمانی برخوردارند. لازم بتوضیح نیست که این کمک یعنی تأمین خدمات درمانی بیمه‌شده در زمان پیری و بازنشستگی وازکارافتادگی و همچنین عرضه خدمات درمانی به خانوادهٔ تحت تکفل او و بازماندگان او تا چه حد قابل ملاحظه واهمیت است.

در زمان پیری وکهولت است که انسان بیش از هر زمان ازعمر خود به مراقبت‌هـــای پزشکی وخدمات درمانی نیاز دارد وبحمدالله در قانون تأمین اجتماعی بااین واقعیت توجه گردیده وچنین حقی برای بیمه‌شدگان شناخته‌شده است.

ادامه دارد

تغییرات وتحولات شیشه ایران از ۳۷ سال قبل تاامروز

آقای مهندس محسن نیکپور در مراسم نثار تاجگل به آرامگاه رضاشاه کبیر

کارخانه بلورسازی وشیشه ایران طی ۳۷ سال دوبار دچار تعطیل گردید

حجم تولیدات شیشه ایران امروزبه ۱۶ هزار تن رسیده است

●   ●

مهندس محسن نیکپور گفت:

موفقیتهای امروزمامرهون اقدامات رضاشاه کبیر است

کارکنان شرکت شیشه ایران در سالروز تاسیس این واحد آرامگاه سردار بزرگ ایران راگلباران کردند

آقای مهندس محسن نیکپور ، رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت شیشه ایران ، باتفاق کارکنان این واحد تولیدی درصحن آرامگاه رضاشاه کبیر . سردار بزرگ تاریخ ایران

روز پنجشنبه یازدهم شهریور ماه ، بمناسبت سالروز افتتاح کارخانجات شیشه ایران بدست توانای اعلیحضرت رضاشاه کبیر در سال ۲۴۹۸ شاهنشاهی (۳۷ سال قبل) آقای مهندس محسن نیکپور رئیس هیئت مدیره ومدیر عامل شرکت شیشه ایران باتفاق کارکنان این واحد تولیدی، طی مراسم باشکوهی آرامگاه سردار بزرگ تاریخ ایران، رضاشاه کبیر را گلباران کردند .

اعلیحضرت رضا شاه کبیر ، بنیانگزار ایران نوین ، در روز جمعه دوازدهم شهریور ماه ۲۴۹۸ شاهنشاهی ،پس از افتتاح سیلوی تهران ، بمحل کارخانه بلورسازی ایران (کارخانجات شیشه ایران فعلی) تشریف فرما شدند و این واحد تولیدی را افتتاح فرمودند .آنروز شاهنشاه آریامهر نیز در مقام و لایتعهدی همراه پدر تاجدارشان درمراسم مذکور حضور داشتند .

★ **سخنرانی مدیر عامل شرکت شیشه ایران**

درمراسم گلباران آرامگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر توسط مدیران و کارکنان شرکت شیشه ایران، آقای مهندس محسن نیکپور رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل کارخانجات شیشه ایران ، طی سخنانی مبسوطی ، ضمن تجلیل و ستایش از خدمات و اقدامات ارزشمند اعلیحضرت رضاشاه کبیر ، پیشرفت های کشور طی پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی را تشریح کرد و اظهار داشت :

آنروز کارخانه بلورسازی ایران (شیشه ایران فعلی) با یک کوره کوچک دستی آغاز بکار کرد . محصولات کارخانه آن زمان استکان ،لیوان، لوله های چراغ، قندان ، تنگ آبخوری ،بطری، انواع حباب های چراغ و محصولاتی از این قبیل بود . مجموع محصولات کارخانه در سال ۲۴۹۸ تا آغاز جنگ جهانی دوم به یکهزار تن در سال می‌رسید اما بافرا رسیدن شهریور شوم ۲۵۰۰ بدلیل اخراج متخصصین آلمانی ، چکسلواکی ولهستانی، کارخانه ناگزیر تعطیل شد .لیکن پس از یکسال کارخانه به همت ،مهندسین و کارگران ایرانی مجددا آغاز بکار کرد و تا سال ۲۵۰۵ بکار خود ادامه داد که در این زمان با پایان یافتن جنگ وورود کالای خارجی مشابه ، کارخانه نتوانست برقابت با اجناس خارجی بپردازد و ناگزیر مجددا دچار تعطیل شد .

اما از آنجاکه از همان نخستین سالهای سلطنت پرافتخار شاهنشاه آریامهر توجه خاصی به رشد و توسعه صنایع مبذول گردید تحت ارشاد و رهنمود های خردمندانه معظمله صاحبان صنایع بمنظور مقابله با اجناس خارجی بصرمت و نوسازی و تجدید ماشین آلات برآمدند وسهامداران کارخانجات شیشه ایران نیز از کشور آمریکا مبادرت بوارد ساختن ماشینهای شیشه جام بطور خودکار و ماشین آلات خودکار بطری سازی نمودند. همزمان با رشد وتوسعه صنایع در دوران سلطنت پرخیرو برکت شاهنشاه آریامهر کارخانجات شیشه ایران اقدام بوارد ساختن ماشین آلات بلورسازی خودکار نمود که این نوسازی و بخدمت گرفتن ماشین آلات جدید خود کار و مدرن تا سال ۲۵۱۲ ادامه یافت و ازاین سال ببعد کارخانجات شیشه ایران روز بروز گامهای بلندی در جهت پیشرفت برداشت که بویژه این پیشرفتها با فرارسیدن عصر انقلاب شاه و ملت ابعاد گسترده و وسیعی یافت و نه تنها بیش از پیش برکیفیت و مرغوبیت محصولات کارخانه افزوده گشت میزان حجم تولیدات و محصولات این واحد تولیدی نیز فزونی گرفت تا آنجا که گذشته از اینکه توانست برقابت و برابری با محصولات مشابه خارجی بپردارد بلکه هم اکنون در پرتو دگرگونیهای بنیادی ناشی از انقلاب شاه و ملت حجم تولیدات خود را در سال به ۱۶۰۰۰ تن رسانده است و در حال حاضر انواع واقسام شیشه های درو پنجره و بلورآلات و ظروف کمپوت و کنسرو را کهبا مرغوبترین محصولات کشور های پیشرفته خارجی رقابت میکند استحصال می‌نماید و با تولید سایر کارخانجات کشور را از ورود اجناس و محصولات مشابه خارجی بی‌نیاز ساخته است. موفقیت های امروز ما بی‌گمان مدیون سردار بزرگ اعلیحضرت رضا شاه کبیر است که سی و هفت سال قبل کارخانجات شیشه ایران را افتتاح فرمودند و ما امروز بپاس قدردانی و تجلیل از اقدامات گرانبها و ارزنده رضا شاه کبیر بنیانگذار ایران نوین به روان آن رادمرد بزرگ درود میفرستیم و در این مکان مقدس در برابر روح پرفتوح سازنده ایران امروز سرتعظیم فرود می‌آوریم.

آرام در فیلم های جدید

« آرام » بازیگر فیلم های فارسی که با فیلم « گرگه بیزار » به سینما راه یافت ، بازی در فیلم های جدید سینمائی را آغاز کرد ، آخرین فیلم آرام « صبح خاکستر » نام دارد که در کنار یک ایمانوردی و تقی مختار ظاهر شده و نیز در یک مجموعهٔ تلویزیونی با نام « دائی‌جان ناپلئون » بازی کرده است.

سینما گران قبلا از این بازیگر تنها به عنوان یک هنرپیشه سکسی استفاده میکردند که بعد از تغییرات اخیر در کار سینما ، آرام تصمیم گرفت تنها در فیلم هائی ظاهر شود که برای او بازیگریش بیشتر از همه فنون اهمیت داشته باشد ...

آخرین ملاقات

عبدالله عباتی فیلمساز موج نوی سینما بعد از ساختن دو فیلم سینمائی اینک سومین فیلم خود را با نام « آخرین ملاقات » بپایان رسانیده است . در این فیلم سینمائی که حوادث آن در لرستان میگذرد ، بازیگرانی چون پوری بنائی ، منوچهر فرید ، منوچهر احمدی و عنایت بخشی بازی دارند تهیه کننده و فیلمبردار « آخرین ملاقات » بارید طاهری است که خود در حال کارگردانی بخش بعدی سمک عیار برای تلویزیون است . فیلم آخرین ملاقات را در مزون سینمائی امسال تماشا خواهیم کرد .

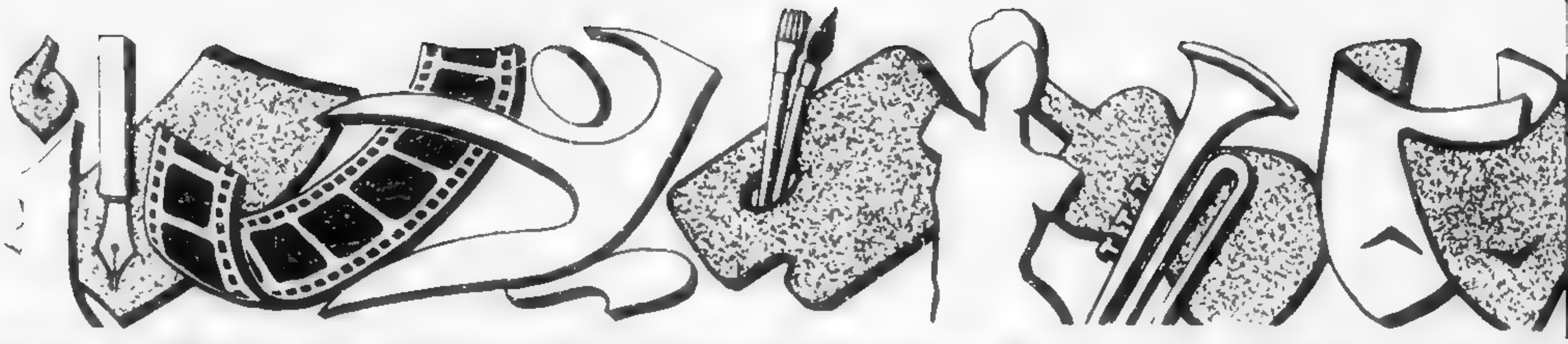

مینوابریشمی دریک فیلم تازه

مینوابریشمی، بازیگر مجموعه های تلویزیونی که تا بحال بازی درفیلم ها تن در نمیداد، عاقبت درمقابل وسوسه بازیگری درفیلم، تسلیم شد و درجدید ترین فیلم فرزان دلجو که در استودیو میثاقیه تهیه میشود، مشغول بازی گردید. دراین فیلم که بیشترمسائل جوانان را دربر دارد، همراه بامینو ابریشمی .فرزان دلجو، مجاهد وایلین ویگن بازی دارند و تهیه کننده‌آن مهدی میثاقیه است که پس ازسالها دوری ازسینما، اقدام دوباره‌ای به تهیه فیلم سینمائی کرده است.

هنرپیشه‌ای درراه

با کمبود هنرپیشه زن درسینمای فارسی فیلمسازان سخت در تلاش پیدا کردن چهره‌های جدید هستند، و ازطرفی، گروهی اززنان و دختران خود را کاندیدای جایگزینی هنرپیشه های قدیمی کرده‌اند. ازچهره‌های جدیدی که به‌سینما راه باز کرده، باید از«شیوا» نام برد که‌قبل از این بعنوان رقصنده درفیلم ها فعالیت داشت و اینکه برای اولین بار در یک فیلم سینمائی بکارگردانی سیروس قهرمانی، نقش اول فیلم را بعهده دارد. حالا تا چه حد این بازیگران جدید میتوانندجای قدیمی ها را پر کنند، باید فیلم رادید و نحوه پیشرفت آنان راسنجید.

قدم دردنیای موسیقی

محمد هوشمند را تا قبل از این بعنوان یک خبرنگارمیشناختیم تا اینکه خبرشدیم دراستودیو یک شعروآهنگی ضبط شده با نام «فصل پنجم» که شعرش ازبهمن طوسی، یکی دیگر از نویسندگان مطبوعاتی است. بعبارتی حالا دیگر مطبوعاتی‌ها میخواهند دنیای ترانه را آزمایش کنند. بهر حال با این پیش گفتار محمد هوشمند نیز آمد توی صف خوانندگان با دو ترانه دیگر یکی با نام «مرغ پر سیاه» با شعر فرهمنش و «مرد خسته» با شعری ازلیلی گلزارو در هفته های آینده نیز شاهد شنیدن این ترانه ها ازرادیو و تلویزیون خواهیم بود. تا ببینم دوستان مطبوعاتی در دنیای هنرچه خواهند کرد.

کارتازه نادرابراهیمی

نادرابراهیمی قصه نویس وفیلمسازایرانی که آخرین بخش «آتش بدون دود» او را از تلویزیون تماشا کردیم درحال حاضر، سرگرم آماده‌سازی مجموعه جدیدی بنام «حامی‌و کلمی» است. دراین مجموعه ازوجود دو بازیگرخردسال استفاده‌شده بنام های «حامی» و «کلمی» که دریک سفر دردور ایران به حوادث وبرخورد های تازه‌ای میرسند. ابراهیمی اینبار دو باره به سوی قصه بچه ها رفته است و با تجربه‌ای که از فیلم سینمائی و مجموعه تلویزیونی بدست آورده بر بانی این مجموعه جدید را باعث شده است. احیاناً ازآغاز فصل زمستان شاهد تماشای این مجموعه خواهیم بود

اکبرآقا

در لندن فیلم

اکبرآقا جهانگرد میشود (۷)

محمدعلی عرفی نژاد

اگر قبلا نخوانده‌اید، این مقدمه را بخوانید

اکبرآقا یک کارگر است و در یک تعمیرگاه کار میکند و از صبح تا غروب سرش توی موتور و گیربکس و دیفرانسیال است. یک مادر دارد که از جان عزیزترش میدارد و یک خانه‌دانی که برای خودش ناپلئون زمانه است. لطف زندگی اکبرآقا ما، در اینست که هرگز از پای نمی‌افتد. هرچیز را به نوبه خود تجربه میکند و هربار بقول خودش (خیطی) بالا می‌آورد. اما بهر حال او میخواهد همه چیز را یاد بگیرد و همه چیز داشته باشد. مشکل دیگر اکبرآقا انتخاب همسر است. در بدر دنبال دختری میگردد که زندگی او را بشناسد، بروحیه‌اش وارد باشد و بعبارت دیگر درکش کند. چندبار تا پای سفره عقد رفته‌و ناکام برگشته. یا دخترها او را میخواسته‌اند و او نخواسته و یا او خواسته ولی مشکلاتی وجود داشته است که ازدواج نکرده در این رفت و برگشتهای زندگی، اکبرآقا درجریان تازه‌ای افتاد و یکدفعه زد به کله‌اش که برود یکسفری به خارج از ایران بکند. دیدن آثار باستانی، دخترهای لندن و پاریس، تعمیرگاهها و کارخانه‌ها...و...و

این بود که راه افتاد بطرف لندن، آنهم قسطی با یک تورمسافرتی، با کلی ترس و لرز سوار هواپیما شد و رفت روی هوا و بقول خودش با کبوتر آهنین بال بطرف کشورهای خارجه براه افتاد، اما از بخت خوش یا ناخوش، از همان آغاز راه دخترکی چشم سیاه بنام «بنفشه» کنار دستش نشست و حال اکبرآقا را گرفت... در فرانکفورت یک توقف کوتاه کردند و دو باره بطرف لندن پرواز کردند و عاقبت درفرودگاه لندن از هواپیما پیاده شدند. مشکل تازه در اینجا آغاز شد که اکبرآقا همراه خودش یک قلیان برده بود که درفرودگاه توقیف شد و عاقبت بهنگام خروج تازه غم عشق «بنفشه» و دوری از او، روی دلش نشست. بهرحال در هتل اتاق گرفت و با اصغرآقا هم اتاق شد.

نزدیکی‌های غروب اکبرآقا که بنفشه را پیدا کرده بود همراه با اصغرآقا به یک بوتیک رفتند و اصغرآقا همان جا دخترک فروشنده ایرانی را نام... کرد...

تاریکی روی زمین نشسته بود که اکبرآقا و اصغرآقا و بنفشه آماده برای رفتن به یک رستوران شدند، هر سه به خیابان آمدند و اکبرآقا با دلخوری گفت:

روز ازنو، روزی ازنو، بازگرفتار پیدا کردن تاکسی میشیم.

اما هنوز جمله‌اش را تمام نکرده بود که یک تاکسی زرد جلوی پایش ترمز کرد و اکبرآقا مثل برق گرفته‌ها ازجا پرید.

—جل الخالق، تاکسی

—راننده تاکسی باسرسلام کرد و گفت:

—تاکسی، فوریو....

اکبرآقا هول زده در تاکسی را باز کرد و هر سه سوار شدند، بنفشه آدرس یک رستوران را داد. اکبرآقا غرق درشادی بود و از خوشحالی درپوست خود نمی‌گنجید. خیابانهای روشن، — چراغ های نئون رنگارنگ و مردان و زنان انگلیسی و ایرانی که در پیاده‌روها حرکت میکردند او را غرق شادی کرده بود، بالاخره پس از حدود بیست دقیقه تاکسی جلوی یک رستوران ایستاد و آنها پیاده‌شدند اصغرآقا دست به جیبش کرد و اکبرآقا محکم زد روی دست او:

—امشب مهمون ما هستی

اصغرآقا با ناراحتی گفت:

—ول کن که دلخورمیشم، شماها مهمون من هستین.

اکبرآقا دوباره دست او را عقب زد و با ناراحتی گفت:

—گفتم که نه، من باید بدم....

راننده که عصبانی‌شده بود، گفت:

—آقا زودشد....

اکبرآقا با تعجب برگشت به راننده نگاه کرد و گفت:

—دهه، اینم که فارسی بلده!

در همین وقت اصغرآقا یک اسکناس یک پوندی انداخت روی تشک و گفت:

—بقیه‌ش

راننده به تاکسی‌متر اشاره کرد و با خنده گفت:

—پنج پوند...

اکبرآقا با عصبانیت گفت:

—چی‌چی‌رو پنج پوند، غریب گیرآوردین؟

بنفشه که از این جریان خسته شده بود با ناراحتی گفت:

—بابا تاکسی متره دیگه، اینجا که مثل تهرون نیست دوسه تومن بدی بری اونورشهر، هر کورسی حدود هفتاد هشتاد تومن میشه، اکبرآقا که ازحرف بنفشه خجالت کشیده بود دست کرد به جیبش تا پنج پوندرا بدهد و اصغرآقا هم از فرصت استفاده کرد و یک پوند خودش را برداشت. بهرحال پول تاکسی را پرداختند و اکبرآقا باتفاق بنفشه به رستوران نزدیک شد ولی ناگهان دوباره برجای ایستاد. نام رستوران به فارسی نوشته شده بود، تخت— جمشید، اکبرآقا تعجب زده برگشت، اطراف را نگاه کرد و گفت:

—نکنه ما تو تهرون هستیم؟

بنفشه با خنده گفت:

—این رستوران مال یه ایرونیه که اسمش اسدالله کچله، تلی هم هواخواه‌داره.

بعد وارد رستوران شدند و بنفشه گفت:

—اگه برنامه رقص‌مقص دوست دارین، باید بریم پائین که کابارس ولی اگر غذا میخورین بریم توی رستوران و اکبرآقا باشنیدن نام رقص حالی‌به حالی شد و گفت:

—بابا اومدیم لندن کیف کنیم، بریم پائین، خواستند از پله‌ها بروند پائین که اصغرآقا ناگهان کوبید توی مخ خودش و با ناراحتی گفت:

—بابا دستخوش، خیلی وفادارین

...زی میکند! ...

اکبرآقا ، در مجموعه داستانی «اکبرآقا»

اکبرآقا حیرت زده گفت :
— دیگه چی شده ، چه مرگته ؟
اصغرآقا با عصبانیت گفت :
— تا سلامتی ما مهمون داشتیم ، سرمون رو انداختیم پائین و آمدیم اینجا !
اکبر آقا و بنفشه ناگهان زدند زیر خنده و اصغرآقا با دلخوری گفت :
— خیلی خوب بابا شما برین پائین من میرم لاله رومی آرم .
بعد بطرف بیرون راه افتاد که بنفشه گفت :
— پس وقتی خواستی بیای اینجا به تاکسی بگو (الس کورت) که بیارتت اینجا
اصغرآقا همانطور که میرفت گفت :
— بابا ما که خر پول نیستیم ، کی بـــا تاکسی میاد !
اکبرآقا با بنفشه تنها شد و دوتائی رفتند ، داخل کاباره ، شف گارسون بسرعت برای آنها یک میز مهیا کرد ، با دو صندلی اضافه برای اصغرآقا و لاله .
محیط کاباره کاملا بسبک ایرانی تزیین شده بود ، پیشخدمت یک شمع روی میز گذاشت و در روشنائی رؤیایی شمع بنفشه و اکبرآقا کنار هم نشسته ، سکوتی میانشان حایل شد و بعد دست گرم بنفشه آرام روی دست اکبرآقا سرخورد و گفت :
— چه شب خوبی
اکبرآقا که حالی به حالی شده بود توی چشم‌های بنفشه خیره شد و آرام نوک انگشت های دست او را بوسید
— اصلا فکر نمی کردم تو لندن ، شهر غربت با تو روبرو بشم . این کنده‌ترین شانس زندگی من بود .
بنفشه با خنده گفت :
— خوشحالم که بزرگترین شانس زندگیت هستم !
اکبرآقا که دید اشتباه لپی کرده بظاهر زد زیرخنده و در همین وقت ناگهان متوجه شد یک مرد انگلیسی روی صندلی کنار دستش نشسته و با ولع به بنفشه خیره شده است ، اکبرآقا خوب او را ورانداز کرد و بعد گفت :
— هوی مستر ، چه خبره ، لوک میکنی تا «لوپرت» رونشکستم لیست رو کم کن) .
(ترجمه — هی آقا ، چه خبره ، نگاه میکنی ، تا دماغت رو نشکستم روتو کم کن) .
مرد انگلیسی برو بر به اکبرآقا نگاه کرد و با فارسی ، انگلیسی دست و پا شکسته گفت :
— نوپرابلم ، آی ام دایرکتور ، شی ایز وری نایس ، ایز سوپر استار ،
(ترجمه — مانعی نداره ، من کارگردان هستم ، این خانم خیلی زیباست ، یک ستاره خوب سینماست .
بنفشه زد زیر خنده ، کارگردان دوباره ادامه داد :
آی شل بی گلاد ، یو تو پلی ات مای مووی پیکچر
(ترجمه — من خیلی خوشحال میشم اگر شما توی فیلم من بازی کنید)
اکبرآقا با ناراحتی گفت :
— چی میگی ، انکل ، یو خیلی تاک ، یو ماست گو
(ترجمه — چی میگی عمو ، خیلی حرف میزنی ، تو باید بری) .
بنفشه درحالی که می خندید گفت :
— بابا چرا ناراحت میشی ، این بیچاره از من خوشش اومده که برم تو فیلمش بازی کنم ، خوب منم میگم نه ، اونم میره .
اکبرآقا که داشت از عصبانیت خفه میشد گفت :
— چی چی رو خوشش اومده ، دیده اینجا رستوران ایرانیه ، خیال کرده ایرانه .
در همین وقت کارگردان که از لحن حرف زدن اکبرآقا پی به عصبانیت او برده بود شروع کرد با بنفشه حرف زدن و بنفشه نیز مرتبا تصدیق میکرد ، اکبرآقا با عصبانیت گفت :
— بابا ، ما اینجا مگه دوغیم ، چی میگین .
بنفشه با خوشحالی دست اکبرآقا را فشرد و گفت :
— گوش کن ، این آقا از فرم حرف‌زدن و قیافه تو خوشش اومده میگه حاضره تورو تو فیلمش شرکت بده و یه هنرپیشه بین‌المللی بشی اکبرآقا گل ازگلش شکفت .
— یعنی ... میخواد من هنرپیشه فیلمش بشم .
— آره خیلی خوشحال میشه .
اکبرآقا بادی به غبغب انداخت و گفت :
— منم وری گلاد ، ولی فعلا تایم نداشت
(ترجمه — منم خیلی خوشحالم ، ولی فعلا وقت ندارم)
کارگردان دست اکبرآقا را گرفت و شروع کرد به انگلیسی صحبت کردن و بعد بنفشه گفت :
— میگه هفته‌هاست در همه جای لندن می گرده تا یکی روشکل تو گیر بیاره .
حالا خواهش میکنه ، این رل وقبول کنی ، اگر هم من بازی نکنم ناراحت نمیشه
اکبرآقا خندید و گفت :
— وری گود
(خیلی خوب)
کارگردان دست او را فشرد ، و به سرعت یاداشتی نوشته به دست بنفشه داد و خداحافظی کرد بنفشه یادداشت را گرفت و برای اکبرآقا خواند .
— فردا رأس ساعت هشت بامداد در استودیو آرمسترانگ حضور داشته باشید یادداشت را به اسیستان من بدهید او ترتیب کارها را خواهد داد ،
اکبرآقا یاداشت را گرفت و محکم بوسید و گفت :
— اینه‌ها ، هنر و جوهر آدم اینجاها معلوم میشه ، من آدم کنده‌ای بودم ، هنرپیشه کنده‌ای که استودیوهای خارجی ازم دعوت می کنند و خودم خبر نداشتم .
بنفشه با خنده گفت :
— معلومه که تو آدم بزرگی هستی ، هنرپیشه بزرگ ....
اکبرآقا که باز اشتباه کرده بود گفت :
— اگه شد این لفت کنده از دهن من بیفته !
بنفشه که از بازیگری اکبرآقا خوشحال شده بود ازجا پرید و او را بوسید و در همین وقت اصغرآقا و لاله از راه رسیدند و موزیک نیز شروع شد . سرهایشان گرم شده بود و اکبرآقا رفته بود توی رویا با خودش می گفت :
— تصمیر کاری که یک هنرپیشه بزرگ میشه ، آخ مادرجون کجائی که ببینی پسرت چه سر بلند شده فردا پس فرداس که تو مجله رستاخیز کارگران اسم و عکس منو با تفصیلات بعنوان یک کارگر خودساخته چاپ کننـــد

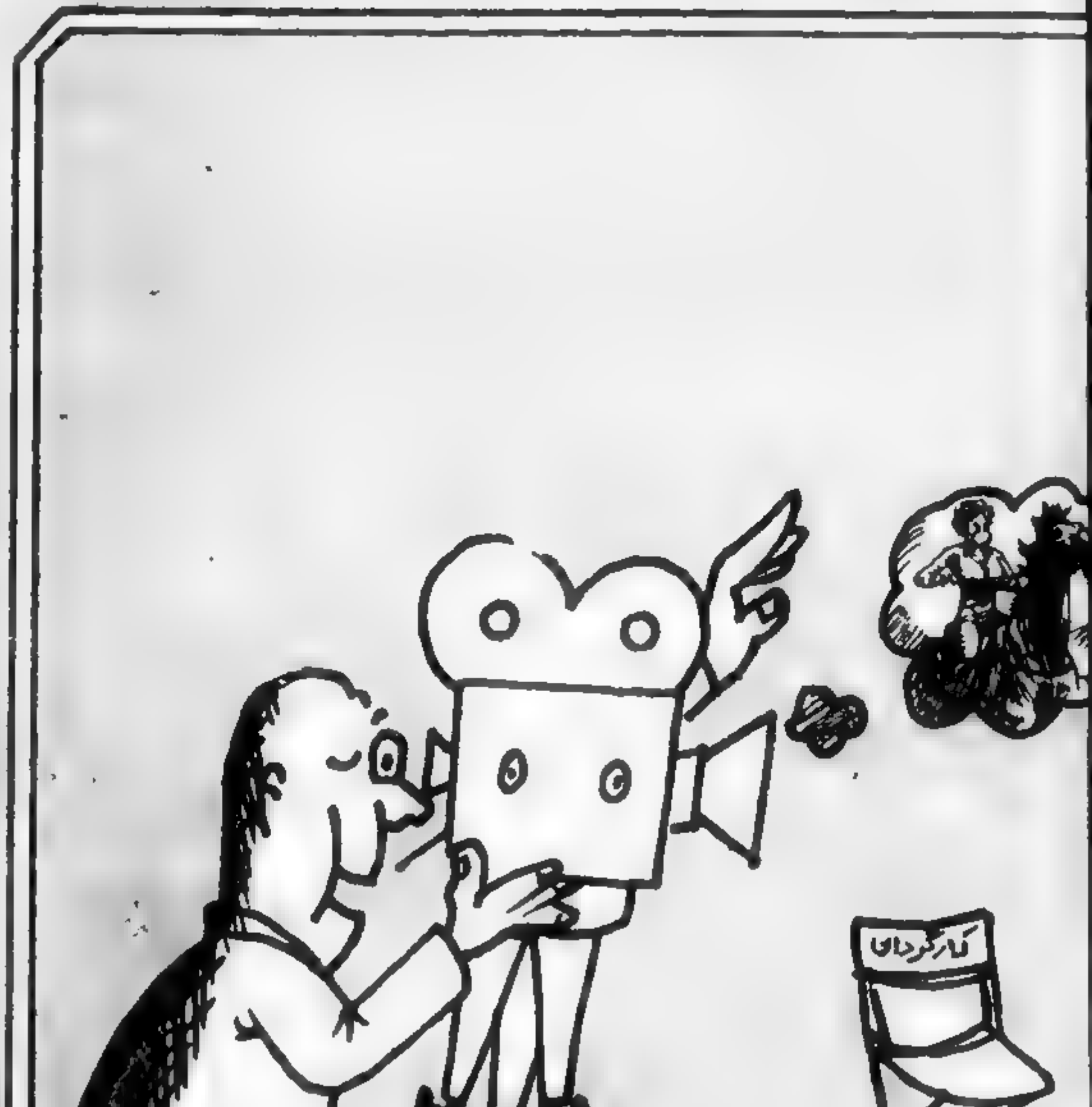

شرکت صنعتی کفش وین
پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی را با...

کاخ نیاوران پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

اکنون که کارگران، کارمندان و مدیران گروه تولیدی کفش وین پنجاه سال شاهنشاهی پرافتخار و غرورآمیز پهلوی را با مسرت جشن گرفته‌اند، چاکر بنمایندگی از طرف همه کارکنان این گروه تولیدی مراتب حق شناسی و سپاس خود را از رهبری های داهیانه و مواهبی که در پرتو انقلاب شاه و ملت نصیب ملت ایران گردیده است به پیشگاه شهریار عدالت گستر تقدیم و دوام سلطنت اعلیحضرت همایونی و سعادت و سلامت و عزت شهبانوی گرامی و والاحضرت ولایتعهد را از درگاه باریتعالی خواستارم.

جان نثار، مصطفی حسین زاده

امسال ... [illegible] ملت ایران ... [illegible] حصت وسکوه و ... [illegible] در دوران شاهنشاهی پهلوی ... [illegible] غرور در ... [illegible] ایران ... [illegible] و سرور ... [illegible] داریم.

امروز ملت ایران پنجاه سال شاهنشاهی ... [illegible] دوران حیات زندگی خود ... [illegible]، طبقات مختلف مردم این مرز و بوم از دهقان و کارگر که گرداننده چرخهای اقتصاد مملکت است و کارمند، از زن و مرد، از کوچك و بزرگ همه و همه که با رهبریهای مدبرانه پدر تاجدار خویش به عظمت و استقلال دست یافته‌اند شادمانه پای می کوبند و پنجاه سال شاهنشاهی شکوهمند دودمان پهلوی را گرامی می‌دارند امروز بهر گوشه‌ای از کشور قدم می‌نهیم فریادهای مردم را بوضوح خواهیم شنید که می‌گویند، جاوید باد شاهنشاه، جاوید باد دودمان پهلوی، درود به خاندان جلیل پهلوی. این فریادهای حق شناسی ملت ایران است که بپای مبارك شاهنشاه آریامهر نثار میشود. ما از شروع سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی ... [illegible] طبقات مختلف مردم ... [illegible] بهمین مناسبت ... گردهمآئی و تشکیل ... [illegible] و هرچه بیشتر پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی بوده‌اند اینك طنین شادی از همه اطراف و اکناف مملکت بگوش میرسد و پایکوبی دهقانان کارگران — کارمندان و همه همه دشمنان این مرز و بوم را ... [illegible] خلاف ... [illegible]. ولی این شادی و سرور روز بروز ... [illegible] ... [illegible] مرز و بوم را ... [illegible] کارگران و ... [illegible] کفش وین ... دیگر خواهران و برادران ... [illegible] روز دوشنبه اول شهریور ... [illegible] جشن و سرور در محل کارخانه ... [illegible] بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی ادا کردند.

در حالیکه محل برگزاری جشن مملو از جمعیت بود و محوطه ... [illegible] ... [illegible] سرود شاهنشاهی ... حاضران ... [illegible] سرود ملی آقای علیرضا عاملی مدیر عامل کارخانجات ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible] دوستان و همکاران عزیز...

از اینکه ... [illegible] ... [illegible] ... سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی ملت ایران ... [illegible] پهلوی را جشن می گیرد و میهن عزیز و ... [illegible] نیم قرن افتخارآمیز ... [illegible] خود را که با بزرگترین تحولات و پیشرفتهای ملی و غرورآمیز همراه بوده، پشت سر میگذارد ... [illegible] ایران ... [illegible] علاقه و سپاس ... [illegible] خود را به پیشگاه رهبر بزرگ و عالیقدر خود — شاهنشاه آریامهر ... [illegible].

جشن امشب ما ... [illegible] بزرگداشت نیم قرن شاهنشاهی پهلوی برپا شده ومدیران، کارمندان و کارکنان کفش وین، با غرور و افتخار، آغاز نیم قرن دوم شاهنشاهی پهلوی‌را به ملت عزیز ایران تبریك عرض نموده وبقاء و پایداری جاوید سلطنت پر افتخار دودمان جلیل پهلوی را از خداوند متعال مسئلت دارد.

مدیر عامل کارخانجات کفش وین، درپی این خوش آمد گوئی و مقدمه، دنباله سخنان خویش را چنین ادامه داد:

درباره پیشرفت ها و ترقیات ایران، در دوران شاهنشاهی پهلوی و سلطنت پر افتخار اعلیحضرت رضا شاه کبیر و فرزند برومندشان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر ... [illegible] ... [illegible] اما در این مورد هر ... [illegible] بود، بازهم کم است وبخصوص جا دارد که نسل امروز و طبقه جوان با اوضاع و احوال مملکت در ایام قبل از شاهنشاهی پهلوی ... [illegible] مواهبی را که در پرتو پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی ... [illegible] بیشتر بدانند.

پس از ظهور سلسله پهلوی در ایران ناامنی ... هرج و مرج، آشوب و آشفتگی و پریشانی و ... [illegible] براین کشور سایه افکنده بود. از هرسو ... [illegible] اوباش و عمال بیگانه و مشتی وطن فروش ... [illegible] دامن میزدند. اکثریت ... مردم در فقر و بی‌خبری و ناتوانی زندگی می کردند. دولت مرکزی نیرومندی در کار نبود. سیاست های خارجی به میل و اراده خود در کشور ما اعمال نفوذ میکردند و منابع ملی ما را به یغما میبردند. درچنین اوضاع پریشان و آشفته‌ای بود که تفضل الهی بصورت قیام مردانه سردار بزرگ تاریخ ایران رضاشاه کبیر، شامل حال ملت ایران شد و موجبات نجات ایران و ایرانی را فراهم ساخت.

با آغاز سلطنت پرافتخار اعلیحضرت رضا شاه کبیر و شروع دوران شاهنشاهی پهلوی در ... [illegible]، دوران ... [illegible] و عقب ماندگی و فقر ... [illegible] ملت ایران ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible]

خویش گفت:

... [illegible] مواهب ... [illegible] که در پرتو ... اندیشه های والای اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر نصیب ما شده است، همه مردم ایران، مخصوصاً طبقه شریف و زحمتکش کارگر، در پیشگاه رهبر خردمند و عالیقدر خود سر تعظیم فرود می آوریم و ما کارکنان کفش وین به خود میبالیم که در این عصر ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible] ... [illegible] و شاهنشاه بزرگ خود ... [illegible].

آقای مصطفی حسین زاده مؤسس کارخانجات کفش وین

آسوده به آموزش و کسب علم و معرفت مشغولند.

درتمام جهان بیسابقه است

آقای علیرضا عاملی — مدیر عامل کارخانجات کفش وین — سپس چنین اظهار داشت:

دوران سلطنت پرافتخار رضا شاه کبیر و فرزند برومندشان شاهنشاه آریامهر را باید مرحله تازه‌ای در حیات ملت ایران بشمار آورد.

بزرگترین رویداد زندگی ساز در حیات ملت ایران، یعنی انقلاب شاه و ملت، به فرمان شاهنشاه آریامهر شکل گرفت.

این انقلاب دگرگون کننده، نظام های کهن و پوسیده اجتماعی را در کشور ما بهم ریخت، کشاورزان از یوغ اسارت و بندگی آزاد شده صاحب آب و زمین شدند و فئودالیسم از پای درآمد.

در پرتو اصول مقدس انقلاب شاه و ملت، در تمام شئون و زمینه ها، پیشرفت های چشمگیر وشگرف صورت گرفت، صنایع مملکت روز بروز رشد و توسعه بیشتری پیدا کرده، بطوریکه هم‌اکنون ما شاهد ثمرات و نتایج درخشان این پیشرفتهای سریع هستیم و اینها همه مواردی است که نه فقط در قاره آسیا بلکه در تمام جهان بی نظیر است و سابقه ندارد که ملتی در مدت فقط نیم قرن از آنهمه عقب ماندگی به اینهمه پیشرفت و ترقی نایل آید.

* برخود می بالیم

مدیر عامل کارخانجات کفش وین، آنگاه به توجهات خاص شاهنشاه آریامهر به طبقه کارگر اشاره کرد وضمن برشمردن اقداماتی که بفرمان ملوکانه در زمینه بهبود وضع زندگی کارگران صورت گرفته است، در پایان سخنان

* پیشرفتی که تا تمدن بزرگ ادامه خواهد یافت

بدنبال سخنرانی آقای علیرضا عاملی مدیر عامل کارخانجات کفش وین که با کف‌زدن‌های ممتد و ابراز احساسات پرشور حاضران نسبت به شاهنشاه آریامهر بپایان رسید، آقای اکبر تسکری نماینده کارگران کارخانجات کفش وین پشت تریبون قرار گرفت و چنین گفت:

مهمانان گرامی، دوستان کارگران عزیز..

از شرکت شما در این جشن فرخنده که بمناسبت بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی در خانواده گروه تولیدی کفش وین برپا گردیده است صمیمانه تشکر میکنم و از جانب تمام کارگران وطن پرست و شاهدوست این واحد تولیدی، مقدم شما عزیزان را گرامی میدارم.

امروز ما در این مکان گرد آمده‌ایم تا احساسات پاك و بی شائبه قلبی خود را نثار دودمان جلیل پهلوی کنیم که در تاریکترین و بحرانی‌ترین روزهای این کشور هدایت سرپنجه لیاقت و تدبیر گرفتند و ملتی را از سیاه روزی و فقر و فلاکت و عقب ماندگی کشتی توفانزده وطن را به تا سرحد کمال و پیشرفت در عرصه گیتی رهبری نمودند.

سردار نامی ایران، اعلیحضرت رضا شاه کبیر، سردودمان شاهنشاهی پهلوی وبنیانگزار ایران نوین، با عزمی راسخ و اراده‌ای استوار و خلل ناپذیر، درمیان انبوهی از نابسامانیها و گرفتاریهای ناشی از جهل وعقب ماندگی واعمال

شکوه هر چه تمامتر جشن گرفتند

گوشه‌ای از اجتماع پرشوری که بمناسبت بزرگداشت ۵۰ سال شاهنشاهی پهلوی در کارخانجات کفش وین تشکیل شد .

علی رضا عاملی ـ مدیر عامل

خود سیاست های خارجی مردانه با جاسه و پایه‌های محکم ، کشور ایران نوین را بنهادند و فرزند برومند آن سردار بزرگ ، شاهنشاه آریامهر ایران را بمرحله پیشرفت و ترقی امروز رسانیدند ... پیشرفتی که تا رسیدن به دوران تمدن بزرگ تحت رهبریهای داهیانه و خردمندانه شاهنشاه آریامهر همچنان ادامه خواهد یافت.

نیروی کارگر پرثمرترین نیروی ملی

آقای اکبر تشکری ـ نماینده کارگران کارخانجات کفش وین ـ در ادامه سخنان خویش اظهار داشت :

دوران سلطنت پر افتخار شاهنشاه آریامهر را باید مرحله تازه و درخشانی در حیات ملت ایران دانست بفرمان شاهنشاه آریامهر انقلاب شاه و ملت ، چهره مملکت را در تمام شئون و زمینه ها دگرگون ساخته است آزادی کشاورزان از اسارت و بردگی ، برچیده شدن فئودالیزم ، پیشرفت و توسعه صنایع کشور ، به کار افتادن صنعت ذوب آهن تبدیـــل موسسات و کارگاه های کوچک به واحدهای بزرگ صنعتی ، مالکیت مطلق ایران بر ذخایر نفتی ، شکوفائی و باروری اقتصاد سالم کشور ، افزایش درآمد عمومی ، پیکار با بیسوادی ، اعزام سپاهیان دانش ، بهداشت و ترویج و آبادانی به روستا های سراسر کشور ، رایگان شدن آموزش در سراسر کشور ، سهیم کردن کارگران در سهام کارخانه ها و اجرای قانون گسترش مالکیت صنعتی که بصورت یکی از اصول مقدس انقلاب مقدس شاه و ملت در آمده است و اجرای هزاران طرح عمرانی در کلیه نقاط کشور ، همه و همه از اثرات و ثمرات دوران پر افتخار سلطنت شاهنشاه آریامهر است که ملت ایران را بصورت یک ملت پیشرفته و سربلند در کنار سایر ملل جهان قرار داده است.

برای ما کارگران که سربازان از جان گذشته انقلاب شاه و ملت هستیم ، همین افتخار بس که در دوران شکوهمند سلطنت شاهنشاه آریامهر و در سایه رهنمودها و توجهات معظم له در سطحی قرار گرفته ایم که امروزه نیروی کارگر در کشور ما یکی از پر ثمر ترین نیروهای ملی به حساب می آید. نگاهی به گذشته تاریک دوران زمانی که نیروی کار ایران کارگران در خدمت سود جویان قرار داشت و کارگر ایرانی در تاریکی و محرومیت بسر میبرد و فرزندان آنان در اجتماع افرادی وازده بحساب می آمدند ، نشان میدهد که امروز در سایه حمایت های بیدریغ رهبر خردمند ملت ایران ، چهره فرزندان کارگران در دانشکده ها و مدارس و مراکز عالی آموزشی ، چون چراغی تابناک بر پیشانی آموزش و پرورش مملکت میدرخشد و کارگر ایرانی افتخار میکند که همپای دیگر طبقات ملت ، در بازآفرینی ایران عزیز و سربلند سهمی بس موثر و مقامی بس والا و ارجمند دارد.

همه این مواهب ، همه این نعمت ها ، همه این درخشندگی ها را طبقه کارگر فقط و فقط از شاهنشاه خود دارد و بحق باید بگوئیم این همه

اکبر تشکری نماینده کارگران

آوازه‌ها از شه بود.

نماینده کارگران کارخانجات کفش وین در پایان سخنان خویش اظهار داشت :

ما افتخار داریم که در دورانی زندگی می کنیم که تمام امکانات در خدمت طبقه شریف کارگر قرار گرفته است و از صمیم قلب از خداوند میخواهیم تا بنا بر فر و شکوه و عظمت شاهنشاهی پهلوی را ... مستدام و جاودانه بدارد.

باید به صادرات خودمتکی باشیم

پس از سخنرانی نماینده کارگران ، آقای مصطفی حسین زاده ، رشته سخن را بدست گرفت و ضمن خیر مقدم به حاضران ، به تفصیل پیرامون اوضاع و احـــوال مملکتی در ایـــام قبل از شاهنشاهی پهلوی و دگرگونیها و پیشرفت های کشور در طول پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی سخن گفت و نتایج حاصله از سلطنت پر افتخار دودمان جلیل پهلوی در ایران را برشمرد .

آقای مصطفی حسن زاده در ادامه سخنان خویش اظهار داشت : همانطور که شاهنشاه آریامهر رهبر خردمند ملت ایران بارها فرموده‌اند نفت یک منبع تمام شدنی است . ما باید سطح تولیدات خود را تا حدی بالا ببریم که بتوانیم به بازارهای جهانی دست پیدا کنیم و صادرات قابل توجهی داشته باشیم . در جهت اجرای منویات شاهنشاه آریامهر است که گروه تولیدی کفش وین با تلاش و کوشش شبانه روزی توانسته بالاترین رقم صادرات کفش در ایران را داشته باشد . البته ما همچنان به تلاش و کوشش خود ادامه خواهیم داد و امیدواریم در سایه رهنمودهای خردمندانه شاهنشاه آریامهر ، صنایع ایران و بطور کلی تولیدات کشور ما به مرحله‌ای برسد که بتواند تکیه گاه محکم و استواری برای اقتصاد مملکت باشد.

تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران

آنگاه پس از سخنرانی آقای مصطفی حسن زاده ، کیک چهار طبقه بسیار زیبائی که روی آن پنجاه شمع به نشانه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی روشن شده بود ، توسط خانم پیله باف بریده شد.

بدنبال بریدن کیک ، یکی از کارگران کارخانجات کفش وین بنام آقای بکازاده قطعه شعر میهنی و جالبی را که سروده بود قرائت کرد که مورد توجه قرار گرفت.

سپس آقای محمد تقی فاضل رئیس اتحادیه سندیکای کفش های ماشینی نیز ضمن خوش آمد گوئی به حاضران ، پیرامون دگرگونی های مملکت و پیشرفت های همه جانبه کشور و موفقیت های ملت ایران در طول پنجاه سال شاهنشاهی پر افتخار پهلوی به تفصیل سخن گفت و به تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران که به فرمان شاهنشاه آریامهر صورت گرفته است اشاره کرد و در پایان سخنان خویش اظهار داشت :

تشکیل حزب سیاسی واحد ایران ، یکی دیگر از ابتکارات ارزنده و از نتایج افکار بلند پایه شاهنشاه آریامهر است که گرد آورنده کلیه طبقات ملت ایران در یک صف واحد میباشد و تمام ملت ایران در کنگره حزب رستاخیز ملت ایران پاسدار نگهبان نظام شاهنشاهی ، انقلاب شاه و ملت و قانون اساسی هستند و برای حفظ این سه اصل از بذل جان نیز دریغ ندارند.

آخرین سخنران مراسم پرشکوه بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهـــلوی در کارخانجات کفش وین آقای پروفسور روشن ضمیر استاد دانشگاه بود که درباره ترقیات کشور طی نیم قرن شاهنشاهی پهلوی سخن گفت و دگرگونیها و پیشرفت های مملکتی را در پنجاه سال اخیر بررسی و تشریح کرد.

پس از سخنان پرفسور روشن ضمیر و بریدن کیک پنجاه سال شاهنشاهی بدست بنیانگذار گروه تولیدی کفش وین مدعوین بشام دعوت شدند. این جشن تا ساعت ۱۱/۳۰ دقیقه ادامه یافت و در حالیکه فریادهای زنده باد شاهنشاه آریامهر ، جاوید باد دودمان پهلوی سرفراز باد میهن گرامی ایران و نغمه محبوب فضای محوطه و اطراف را پر کرده بود خاتمه یافت و همه مردم با دیگر شاهد یکپارچگی و حق شناسی ملت بودیم که خالصانه ترین احساس خود را بپای رهبر عالیقدر خویش نثار میکرد.

کارنامه پنجاه سال افتخار

بقیه از صفحه ۹۳

از دلوهای آبکش، تا عظیم ترین سدهای مهار کننده آب

به لحاظ موقعیت جغرافیائی و وضع خاص طبیعی ایران...
پیوسته آب و آبیاری یکی از مشکلات این کشور بوده است.
در برنامه ریزی های درازمدت که در آن افزایش جمعیت
ایران به ۶۰ میلیون نفر برآورد شده، به ذخایر آب کشور
توجه خاصی مبذول شده است.

حاضر ۴۰ هزار هکتار از زمین های کشاورزی دشت قومن را آبیاری میکند و در آینده نزدیکی به ۶۰ هزار هکتار افزایش خواهد یافت

لازم به یادآوری است بمنظور جلوگیری از هرز رفتن از طریق نفوذ به زمین در این شبکه آبیاری از کانالهای پیش ساخته شده استفاده میشود و بدین منظور کارخانه کانال سازی رشت ایجاد شد تولید سالانه این کارخانه در حال حاضر ۱۲۰ کیلومتر کانال پیش ساخته شده است. اینگونه آبیاری در اراضی زیر کلیه سدهای کشور آغاز و مورد بهره برداری قرار گرفته است.

مقدار ذخایر آب کشور

حجم نزولات جوی کشور بصورت برف و باران درسال ۳۸۰ میلیارد مترمکعب است که ۳۲ میلیارد متر مکعب آن مربوط به آبهای سطحی کشور است که توسط ۱۲ سد مخزنی ذخیره و مورد بهره برداری قرار میگیرد و انتظار میرود تا دوسال دیگر با پایان سدهای در دست ساختمان این رقم به ۲۷ میلیارد متر مکعب افزایش یابد.

۱۹ میلیارد متر مکعب از نزولات جوی بصورت باران و برف نیز بصورت آبهای زیرزمینی در می‌آید که از طریق حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و احیای قناتها مورد بهره برداری قرار میگیرد. انتظار میرود این رقم با گسترش حفر چاههای عمیق به ۴۰ میلیارد متر مکعب درسال افزایش یابد.

استفاده مجدد از آبهای مصرفی

در برنامه ریزی های درازمدت که در آن افزایش جمعیت ایران به ۶۰ میلیون نفر برآورد شده است به ذخایر آب کشور توجه خاصی مبذول شده است و راههای متعددی در دست مطالعه است از جمله استفاده مجدد از آبهای مصرف شده در امر کشاورزی است. مثلا آب مصرفی تهران درحال حاضر ۳۰۰ میلیون متر مکعب درسال است که قسمت عمده آن از آبهای ذخیره شده در سد های مخزنی تامین میشود ولی با توجه به افزایش روزافزون مصرف آب در تهران اخیراً مبادرت به حفر چاه های عمیق و نیمه عمیق شده است که درحدود ۴۰ میلیون مترمکعب آب مصرفی تهران از این چاهها تامین میشود و درآینده این رقم به ۱۲۰ میلیون مترمکعب خواهد رسید. برای استفاده مجدد از آبهای مصرفی نظر براین است که پس از هدایت آبهای مصرف شده به آب گیر ها و مخزن های متعدد و انجام یک سری عملیات تصفیه فیزیکی وشیمیائی این آب ها در امر کشاورزی و آبیاری مزارع مورد استفاده مجدد قرار گیرد.

نمودار آبهای مهار شده در
پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی

سال	آب مهار شده
۲۴۸۳	۷ میلیارد متر مکعب
۲۵۰۰	۸ میلیارد متر مکعب
۲۵۳۴	۳۲ میلیارد متر مکعب

در آغاز شاهنشاهی پهلوی قسمت اعظم آبهای کشور هدر میرفت و تنها در حدود ۷ میلیارد متر مکعب آن بوسیله قناتها، چشمه سار ها و بهره‌برداری محدود در سواحل رودخانه ها بمصرف کشاورزی و آشامیدنی مردم میرسید.

در دوران سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر این رقم به ۸ میلیارد مترمکعب افزایش یافت و ازسال ۲۵۰۰ (۱۳۲۰ خورشیدی) با گسترش عملیات سدسازی این رقم ۳۲ میلیارد مترمکعب افزایش یافت و انتظار میرود تا پایان برنامه عمرانی ششم این رقم به ۷۰ میلیارد مترمکعب افزایش یابد و بدین ترتیب میتوان گفت با اجرای اصل دهم انقلاب شاه و مردم «اصل ملی کردن منابع آبهای کشور» عملا تمامی آبهای سطحی زیر زمینی کشور مهار و مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت.

تاریخچه برق قبل از سلطنت اعلیحضرت
رضاشاه کبیر

درسالهای قبل از ۲۴۵۰ شاهنشاهی واحد های کوچک تولید نیروی برق، روشنائی کاخهای سلطنتی را در تهران تأمین مینمود و کارخانه کوچک دیگری که دیگ آن با سوخت هیزم کارمیکرد، در زابل نصب بود ولی بهره‌برداری از نخستین کارخانه برق کشور در سال ۲۴۵۰ شاهنشاهی با ظرفیت ۴۰۰ کیلووات آغاز گردید.

حدود هفتاد سال پیش در سرتاسر ایران فقط یک مولد ۴۰۰ کیلوواتی برق بود که آنهم شخصی ومتعلق بمرحوم حاج امین الضرب بود، که درآنزمان امتیازش را از دولت وقت گرفت و برای اداره‌ی آن درحدود ده نفر کارمند داشت. درآنزمان معابر فاقد چراغ بود وفقط سردر جلوی منزل اعیان و اشراف دو پایه آهنی بنام «لنتی» دیده میشد که شبها چراغ نفتی در داخل آن میسوخت ... در چهارسوق بزرگ و چهارسوق کوچک و راسته بازار چون محل کسب و انبار ثروت تجار بود، ازسوراخهای سقف بازار، طنابی آویزان نمود و در سر قلابی که در انتهای آن قرار داشت، فانوسی آویزان میکردند. در زبان آنروز، مردم تهران به این چراغها، چراغ بادی میگفتند.

در همانزمانها بود که چند نفر پسر بچه صبح ها تا ظهر با دو پیت حلبی سیاه از کوچه و خیابان عبور میکردند وفریاد میزدند: آی نفت... آی نفت، وآنها که دستشان بدهانشان میرسید، برای چراغهای منزل که عبارت از لامپهای شیشه‌ای گردسوز برنجی و یا ورشوئی وبلوری از نمره ۶ تا ۲۰ بود نفت میخریدند، ولی طبقه معمولی مردم قادر بخرید نفت نبودند واز روغن چراغ استفاده میکردند این دسته ازمردم کاسهٔ مخصوص را پر از روغن نموده و یک فتیله‌ی پنبه‌ای وسط آن میگذاشتند و روشن میکردند این چراغ که معروف به چراغ موشی بود، شبها تا صبح روشنی بخش خانه های آنان میشد.

روشنائی گرمابه ها بوسیله همین چراغهای موشی یا چراغ نفتی تأمین میشد وشکل چراغ نفتی عبارت از یک لوطی حلبی در دار بود که وسط آن سوراخی ایجاد کرده وفتیله‌ی گردی از آن عبور میدادند و داخل لوطی را پر از نفت میکردند. از این گونه چراغهای نفتی درمساجد نیز استفاده میشد.

مشعل کشها

شبهای چراغانی همین چراغ موشی‌ها را که دارای یک رکاب کوچک بود به بند کشیده از این سوی خیابان به آن سو وصل میکردند و در ایام سوگواری از همان چراغ نفتی یا لوطی حلبی مشعل درست کرده واز یک فتیله تاچهل فتیله درآن گذارده وروشن میکردند جوانهای محل مشعل کش بودند و دنبال گروههای سوگواری حرکت میکردند.

روحانیون و رجال آنزمان یا گروهی از مردمی که شبها ازشب نشینی بخانه برمیگشتند یکنفر جلودار داشتند باسم «فانوس کش». این شخص با کلاه ماهوتی مشکی مقوائی و بدون لبه جلوی اسب یا الاغ بندری حرکت میکرد: در دست این مستخدم یک فانوس بزرگ استوانه‌ای کاغذی بطول یکمتر که داخل آن شمع میسوخت دیده میشد که بدینوسیله راه را روشن میکرد و موجب میشد مثلا بانوان که با «روبند» و یا «پیچه» بودند به چاله سرنگون نشوند. میزهای شام عروسی رجال و یا مهمانیهای دولت و یا چراغانی جلوی مجلس شورایملی درشبهای جشن مشروطه و چراغانی تولد حضرت صاحب الزمان (ع) بوسیله یک یا چند چلچراغ بلور کریستال گران قیمت که پایه‌دار و یا محوری آویزان بود تامین میشد. شمعهای گچی بزرگی دراین چلچراغها میسوخت در آن ایام مقامات انتظامی بمردم سفارش میکردند که جلوی منزلشان هنگام شب یک چراغ فانوسی روشن کنند ولی بعلت فقر وسکنت عمومی کسی قادر به‌انجام این دستورات نبود. معابرمهم شهر بوسیله چراغ فانوسی که به تیر کنار خیابان نصب بود روشن میشد و هرمحل یک چراغچی داشت که هزینه‌ی نصب فانوس واجرت اورا بلدیه پرداخت میکرد.

اولین کارخانه برق

بالاخره همانطورکه گفته شد در حدود هفتاد سال قبل مرحوم حاجی‌حسین‌آقا امین‌الضرب با جلب موافقت بلدیه‌ی وقت در اول خیابان امیرکبیر فعلی کارخانه‌ی برقی دایر کرد که چهارصد کیلووات نیرو داشت و دارای دویست ترانسفورماتور بود که یکی دراول خیابان چراغ برق و دیگری درمحل فعلی چهارراه سیدعلی قرار داشت.

وقتی که برق به پایتخت رسید، آنقدر آنرا بااهمیت تلقی کردند که خیابان امیرکبیر فعلی بنام خیابان «چراغ برق» نامیده شد. نام قبلی این خیابان «چراغ گاز» بود، زیرا قبل از این که برق بتهران بیاید، حاج امین‌الضرب یک کارخانه گاز بتهران آورده بود و شبها این خیابان با کورسوز چراغهای گاز روشن میشد شعله‌های بی‌نور این چراغها در اثر وزش نسیم دائماً لرزان بودومرتبا سوسو میزد، تاسحرگاهان که‌مامورین میرسیدند وخاموششان میکردند.

بعد از آمدن کارخانه برق چهارصد کیلوواتی، چندخیابان عمده‌ی تهران، یعنی لاله‌زار، چراغ برق، خیابان لختی (سعدی فعلی) خیابان‌شاه‌آبادو اسلامبول‌و محلهای اطراف آن دارای برق‌شد. درچنین زمانی‌امیریه، محله‌ی رجال‌نشین بودواهالی آن‌معتقدبه‌داشتن برق نبودندو خانه‌هایشان اغلب به‌وسیله‌ی چراغهای بزرگ زنبوری که با تلمبه‌باد میشد وداخل لنتی‌سقفی قرارمی‌گرفت روشن‌می‌گردید.

مامور جمع‌آوری بهای برق دونفر بودند که یک کیف چرمی با کمربند زیرکت یا لباده‌ی خود می‌بستندو از اول‌هرخیابان بدر مغازه‌ها مراجعه‌می کردندو شعله شمار پول می‌گرفتند. کنتور درکار نبود، معمولا برای هرچراغ شصت‌وات، سی‌دینار گرفته میشد و مامورین برحسب موقعیت کسب‌ومحل‌صاحب مغازه درآن شب‌هرچند چراغ روشن‌می کرد فی‌المجلس محاسبه‌می کردند.

امور مربوط به‌کارخانه‌ی شخصی امین‌الضرب در اداره‌ای به نام روشنائی شهر زیر نظر بلدیه‌ی سابق که شهرداری امروز است اداره‌میشد.

صنعت برق در دوران شاهنشاهی اعلیحضرت
رضاشاه کبیر

باآن که صنعت برق در ایران حدود ۳۰ سال قبل ازشاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه کبیر سابقه داشت، ولی ارزش واهمیت واقعی آن بعنوان یک‌عامل زیربنای اقتصادی‌و رفاه اجتماعی تا آن زمان شناخته نشده بود و نیروی برق بعنوان یک وسیله تجملی فقط به‌مصارف روشنائی معابر در ساعات اول شب و آنهم به‌مقیاس بسیار محدود میرسید، بنحوی که فقط تهران و درچند شهر کوچک جمعاً حدود ۶۰۰ کیلو وات قدرت تولید نیروی برق وجود داشت که مهمترین آنها چنانچه اشاره رفت متعلق به‌حاج امین‌الضرب بود وبقیه بطور پراکنده دربوشهر، مشهد، رشت، پهلوی، لاهیجان وزابل جمعاً حدود ۲۰۰ کیلووات دیگربود.

شروع دوران پهلوی، عصر ترقی و تعالی ملت ایران و آغازگر دوران سازندگی ایران نوین بود. درسالهای ۲۴۸۰ تا ۲۵۰۰ شاهنشاهی به‌علت اشکالات متعدد، باوجود نصب کارخانه‌های جدید در تهران وسایر شهرهای کشور هنوز مردم استقبال فراوانی برای مصرف برق بعمل نمی‌آوردند. رشد این صنعت از سالهای ۲۴۸۵ — ۲۴۸۶ شروع شد. زیرا این سالها به‌تشویق سر سلسله دودمان پهلوی تجار و سرمایه‌گذاران داخلی و همچنین شهرداری‌ها برای رفاه مردم اقدام به‌تاسیس نیروگاه‌های برق در شهرها نمودند که استقرار امنیت ملی را در شروع سرمایه‌گذاریهای صنعتی نمی‌توان ازنظردورداشت.

در گیلان سال ۲۴۸۵، آذربایجان و اصفهان درسال ۲۴۸۶ شیراز و مازندران و خراسان سال ۲۴۸۷، خوزستان، کرمانشاه

سال ۲۴۹۲ و ۲۴۹۳ شاهنشاهی هر کدام اقدام به‌نصب مولدهای جدید کردند و همچنین برق شهر آبادان نیز از طریق نیروگاه برق پالایشگاه آبادان تأمین میشد، علاوه براینها سفارشات زیادی در سالهای آخر برای خرید مولدهای برق داده شده بود که متاسفانه باشروع جنگ جهانی دوم تحویل اغلب این سفارشات غیر ممکن شد.

ایجاد اولین نیروگاه بخاری تهران

در سال ۲۴۹۳ شاهنشاهی به‌فرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر کمیسیونی مأمور رسیدگی به‌مسئله برق شد وطی گزارشی میزان احتیاجات برق پایتخت را شش هزار کیلو وات برآورد نمود، که البته این رقم در آن زمان بس بزرگ و شگفت‌انگیز جلوه کرد. در اجرای تصمیمات متخذه در این کمیسیون هیئت وزیران در ۱۸ اردیبهشت همان سال خرید یک کارخانه ۶۴۰۰ کیلو واتی اشکودا را که شامل چهار واحد ۱۶۰۰ کیلو واتی بود تصویب نمود. این کارخانه که می‌توانست بادونوع سوخت متفاوت یعنی گرد ذغال سیاه ونفت سیاه کار کند در سال ۲۴۹۶ شاهنشاهی تحویل گردید و برای استفاده از نیروی حاصل از آن ایجاد شبکه توزیع شهر و کابل کشی لازم بعمل آمد. بدین ترتیب باآغاز بهره‌برداری از این نیروگاه گامی مهم واساسی در راه توسعه صنعت برق برداشته شد. قدرت نصب شده برق، که در آغاز شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه کبیر بسیار ناچیز و فقط حدود ۶۰۰ کیلووات بود، در اثر عنایت خاص معظم‌له به‌گسترش این صنعت جهت تأمین رفاه هرچه بیشتر مردم بحدود ۱۲۵۳۰ کیلووات رسید، که بدین‌ترتیب بملاحظه میشود طی شانزده‌سال قدرت نصب‌شده بیش از ۲۰ برابر گردیده است.

توسعه صنعت برق در دوران سلطنت شاهنشاه آریامهر

در اولین سالهای بعد از سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی نظر به اشغال ایران توسط قوای بیگانه و اثرات نفی آن توسعه صنعت برق به کندی صورت گرفت. تا این که درسال ۲۵۰۵ بنابفرمان شاهنشاه آریامهر و تصویب هیئت دولت یک کارخانه بظرفیت ۸ هزار کیلووات از کمپانی وستینگهوس امریکا خریداری شد.

درتاریخ دهم آذرماه سال ۲۵۰۸ شاهنشاهی طبق تصویب نامه شماره ۱۳۲۷۵ دولت، اداره کل برق که ازسال ۲۵۰۴ امور مربوط به برق تهران را بعهده داشت بصورت بنگاه مستقل برق تهران درآمد. و در سال ۱۳۵۱ کلمه مستقل از آن منتزع و بنام بنگاه برق تهران زیر نظروزارت کشوروشهرداری قرارگرفت.

در برنامه‌ی اول عمرانی مبلغی معادل دویست و پنجاه میلیون ریال جهت خرید مولد های نیرو بمصرف رسید. در اواخر برنامه اول قدرت نصب شده برق کشور به چهل هزار کیلو-وات رسید. در برنامه عمرانی دوم، براثر بوجود آمدن سدهای بزرگ ازقبیل سدمحمدرضاشاه پهلوی — سدامیر کبیر و سدشهبانو فرح قدرت هیدروالکتریک کشور که بسیار ناچیز و غیر— قابل ذکر بود به ۲۵۰ مگاوات رسید.. درسال ۲۵۱۴ قرار داد خرید و نصب یکواحد تولید نیروی برق بخار به قدرت ده‌هزار کیلووات با کمپانی وستینگهاوس آمریکا بسته شد که در سال ۲۵۱۶ بهره‌برداری از آن آغازگردید و در همین دوران قرار داد نصب نیروگاه طرشت با کارخانه آلستوم فرانسه منعقدگردید که کارخانه ۵۰ هزار کیلوواتی طرشت مشتمل بر چهار واحد ۱۲۵۰۰ کیلوواتی نصب و درسال ۲۵۱۵ بهره‌برداری ازاولین واحد آن آغاز و سپس بتدریج از واحدهای دیگر بهره‌برداری بعمل آمد.

در برنامه سوم عمرانی همزمان با رفع رکود اقتصادی و تقارن با تحولات چشمگیر انقلاب شاه و ملت اعتبارات نسبتاً زیادی در راه تقویت نیروی برق بعمل آمد.. وزارت آب و برق در برنامه سوم، ابتدا با شناسائی ومطالعاتی که درسراسر کشور درمورد گسترش جمعیت، وضع اقتصادی، منابع و امکان توسعه آن، نیازمندیهای کشاورزی، مصارف خانگی و بالاخره فواصل مراکز جمعیت بعمل آورد، کشوررا به دمنطقه توزیع ومصرف برق تقسیم نمود و اداره این مناطق را ازطریق تأسیس شرکتهای برق منطقه‌ای به مدیران مسئول محول ساخت. بعلاوه برای استفاده از انرژی آبی و بخاری در داخل کشور یک شبکه بهم پیوسته برای انتقال ورساندن نیرو به نقاط مصرف به نسبت نیازمندیهای هر منطقه، امر تولید وانتقال نیروی برق درسراسر کشوررا به شرکت واحدی بنام تولید و انتقال نیرو «توانیر» سپرده شد.

در برنامه چهارم، موفقیتهای قابل توجهی نصیب صنعت برق گردید، اعتبارات برنامه چهارم برق ۵۷ میلیارد ریال بود که حدود ۳۸ میلیارد ریال آن ازمحل اعتبارات برنامه چهارم و بقیه از محل درآمد شرکتها و موسسات برق کشورتامین شد.

در برنامه پنجم توسعه برق به تبعیت از توسعه سریع اقتصاد کشور درقالب یک برنامه بلند مدت بیست ساله تنظیم گردید، تا از رشد شایانی متناسب با رشد اقتصادی کشور، برخوردار بوده و بتواند نیازهای انرژی‌بخشهای مختلف مصرف را تأمین نموده و مدیریت و بهره‌برداری در سازمان صنعت برق کشور را بهبود بخشند. در برنامه پنجم عمرانی کشور پیش بینی گردیده است که ضمن تأمین برق روستا های اطراف شهرها برق ۱۱۸۰ مرکز حوزه عمران روستائی و روستاهای اقمار آنها و همچنین ۲۰۰ روستای منفرد، دیگر که‌ضروری تشخیص داده‌شود تامین گردد.

سرمایه‌گذاری درصنعت برق در دوره‌برنامه پنجم معادل ۱۱۹/۵ میلیارد ریال برآورد شده است و پیش‌بینی میشود که شرکتهای برق منطقه‌ای و میلیارد ریال آن را از محل درآمد فروش و هزینه استهلاک سرمایه‌گذاری نمایند و ۳۵/۵ میلیارد ریال بقیه از محل اعتبارات عمرانی تأمین گردد

کارنامه پنجاه سال افتخار

در اواخر سال ۲۵۳۳ به منظور ایجاد هماهنگی در امر تولید و مصرف انرژی کشور «وزارت نیرو» با وظایف جدیدی در زمینه‌ی انرژی کشور جانشین وزارت آب و برق گردید.

در پایان سال ۲۵۳۴ شاهنشاهی ظرفیت نصب شده نیروگاههای تحت مدیریت «وزارت نیرو» به ۳۳۵۰ مگاوات رسیده است که معادل ۲۲ مگاوات (۶/۸ درصد) نسبت بسال قبل افزایش داشته است. همچنین درسال مذکور قدرت قابل بهره‌برداری نیروگاهها به ۲۳۹۶ مگاوات رسیده است که معادل ۱۴۱ مگاوات (۶/۳ درصد) نسبت بسال گذشته افزایش نشان‌میدهد.

از ۲۳۹۶ مگاوات قدرت قابل بهره‌برداری نیروگاههای تحت مدیریت «وزارت نیرو» حدود ۱۶۹۰ مگاوات درسیستم بهم پیوسته برق کشور درحدود ۷۰۶ مگاوات درخارج از سیستم بهم پیوسته مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

بطور خلاصه صنعت جوان برق در اثر درایت داهیانه شاهنشاه آریامهر باردیگر احیاء و پس از آغاز انقلاب شاه و ملت از جهش فوق‌العاده سریعی برخوردار گردید بنحوی که تولید نیروی برق در اولین سال شاهنشاهی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر حدود چهل میلیون کیلووات درساعت بود و درسال ۲۵۳۴ به ۱۵۷۰۰ میلیون کیلووات بالغ گردید بدینترتیب تولید برق کشوردراین‌دوران بیش از ۳۹۰ برابر گردیده است. بطورخلاصه بررسی سیر تحولات صنعت برق از آغازسلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر بنیان‌گذارایران نوین نشان میدهد که در طول دوران پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی این ملت ازمرحله تولید بسیار ناچیز قبلی به مرحله شگفت‌انگیز رسیده ودر این دوران پنجاه ساله تولید انرژی برق ۱۵۷۰۰ برابر گردیده است و امروز بعنوان یکی ازعوامل زیربنائی و سازنده اقتصاد کشور نقش مهمی را ایفامینماید.

پیشرفتهای آب و برق درپنجاه‌سال گذشته همگام‌باسایر پیشرفتهای مملکتی است، مواهب ارزنده‌ایست که درسایه رهبریهای خردمندانه شاهنشاهان بزرگ پهلوی نصیب ملت ایران گردیده‌است.

....و این روز نشاندار تاریخ ما

بقیه از صفحه ۳

مشکلات و مسئولیت های سنگین تر از سنگین میداد .... مردمی که در دریائی از گرفتاریها و دلهره های ناهنگام دست وپامیزدند وبرای از دست دادن آرامش و ثبات مملکت و استعفای رهبر و سرپرستی مقتدر همچون رضاشاه اشک تاسف میریختند ، به تماشای موکب شاه جوان به خیابان ها آمده بودند . ومقدمش را باگل و کف زدن ، و لبهای خندانی که از زیر چشمان اشکبار بوسه نثار راهش میکردند ، گرامی میداشتند.....

..... ابراز احساسات عمیق و بی ریای آنروز مردم برسر راه شاهنشاه جوان درواقع اولین نشانه پیوند ناگسستنی بین شاه جوان ومردم بود ،

که خوشبختانه باگذشتن روزگاران آن پیوند هرچه محکم تر و استوارتر وجاودانه ترگردید......

اعلیحضرت محمد رضا شاه از همان لحظه که سوگند یاد کرد وبعنوان شاهنشاه ایران بکاخ سلطنتی بازگشت با کوهی ازمشکلات ومسائل روبرو گردید که بجز خدا کسی نمی توانست پایان آن نبرد باسختی ها را بفهمد وبداند......

توقعات بیگانگان گوناگون از حکومت ایران ،بیگانگانی که ناخوانده و بزور وارد وطن ما شده و بساط زندگی آرام وصلحجویانه ما را بهم ریخته و بر هم زده بودند ،از یکسو خود را غالب وحاکم میدیدند و از سوی دیگر ادعای دوستی و همکاری داشتند راههای مملکت را در اختیار گرفته بودند ،ازحمل و نقل مواد غذائی از نقاط غله خیز کشور به نقاط نیازمند جلوگیری می کردند ،دست اعمال دزد و پست و بیگانه پرست خود را دانسته وفهمیده بازگذاشته و باصطلاح سگ‌ها را گشوده و سنگ‌ها را می‌بستند ،دزدان و غارتگرانی که در زمان رضاشاه کبیر به بیغوله‌ها پناه برده وعزلت گزیده بودند سر ازلاک های خود بدر آورده و بساط خانخانی و چپاول گسترده بودند ،بعضی از سوداگران بی‌رحم و فرصت طلب مواد مورد نیاز ملت را احتکار کرده وخلق خدا را درفشار قرار میدادند ،نظم اداری مملکت ازهم گسیخته بود و کمتر مأموری وظیفه خود را بدرستی انجام میداد ،بیماریهای گوناگون ناشی ازجنگ درمملکت پیدا شده وبا کمبود پزشک و دارو فاجعه‌های دردناکی درگوشه و کنار کشور پدید میآمد ،و خلاصه اینکه براستی کشتی حیات مملکت درگرداب زوال وفنا گرفتار بود.....

ولـــی ایـن ابـر مـرد تـاریـخ ایـران، فـــرزند بـــرومنـــد و جانشیـــن لایـــق و تـوانائی رضاشاه کبیر تمام این مشکلات را بقوه تدبیر و اندیشه وذرسایه درخت برومندی که ازهمان ۲۵ شهریور ۲۵۰۰ پیوندشاه وملت خورده وباروروتناور شده بود ، کشتی طوفان زده را همچون ناخدائی که فقط از قدرت خدائی الهام بگیرد بتدریج به ساحل نجات رهبری کرد و از سقوط شاهنشاهی پرافتخار دوهزارو پانصد ساله ایران و ازانقراض ملیت اهورائی این ملت باستانی با مهارت و قدرت جلوگیری نمود ......

امروز که درموضعی آسوده (و بیک تعبیر آزاد برای هر نوع حرکت و خودشناسی) قرارداریم و میتوانیم و فرصت آنرا داریم که آزادانه به پیش و پس و براست وچپ خود بنگریم ، بی هیچ گزافه‌گوئی می‌بینیم که براستی آن روزگاران تیره و تار ازما بسیار دورشده‌اند و اگر بهتر بگوئیم برای همیشه از ما جدا شده وما را به حال خود گذاشته‌اند براستی می‌بینیم که نیروی یزدانی در مبارزه با نیروی اهریمنی پیروزشده و هنوز پرچم این مبارزه را بردوش رهبر بزرگمان آریامهر می‌بینیم که دراحتزازاست....

براستی می‌بینیم که ایران تحت فرماندهی شاهنشاه بزرگ خود ازموقعیت مصیبت بار دوران گذشته بعد ازجنگ بعنوان یک سکوی پرتاب و یک سکوی جهش بهره‌برداری کرده و اینک در مسیری افتاد که مورد رشک و حسد خودی و بیگانه و دوست و دشمن شده است براستی می‌بینیم که سرزمینی که در دام استعمار رنگارنگ قرار گرفته و در ارتجاع داخلی بکمک استعمارگران خارجی گاهی بصورت فئودالیسم و گاهی بصورت ارتجاع سیاه و عقب‌ماندگیها و گاهی بصورت نبردهای طبقاتی وحتی دزدیها و راهزنی‌ها وچپاولگری‌ها آزادیهای مردم این سرزمین را در معرض نابودی قرار میداد اکنون از تمام مواهب آزادی و پیشرفت برخوردار بوده و در راهی پیش می‌رود که انتهایی به جز رسیدن به تمدن واقعاً بزرگ و افتخارآمیز نخواهد داشت ...

و همچنان که فرا رسیدن روز تاریخی ۲۵ شهریور امسال را درروبارؤی خود می‌بینیم بحق و براستی فرارسیدن روزهای بازهم افتخارآمیزتر و زندگی بازهم درخشان‌تر را نیز پیش روی ملت سربلندمان مشاهده می کنیم ....

و این همه بدان‌نشان است که شاهنشاه وملتی دست در دست هم بدان سوبی که سرنوشت والای انسانها و تاریخ پرشمره ملتهای زنده رقم خورده است به جلو میروند و به حیاتی که خدای بزرگ در دسترس ما گذاشته است ارج می‌نهند و سپاس می‌گذارند .... سپاسی به نشانه هرچه افزونترشدن مهرشاه ومهرملت ومهرمیهن ..

بی احتیاطی

بقیه ازصفحه ۴۱

بستری شدم ، چون بطور کامل معالجه نشدم و نگران بودم که مبادا دچار قطع پا شوم ناگزیر بتهران آمدم ابتدا در مرکز شماره ۵ سازمان تامین خدمات درمانی بستری‌شدم وسپس خودم را به مرکز شماره ۲ منتقل کردم . در اینجا الحمدالله بوضعم رسیدگی میشود . از رسیدگیهای مداوم پزشکان و توجه پرستاران در مدتی که در این مرکز بستری هستم متشکرم.پزشک معالج علی حنائی درمورد مداوا و امکان بهبودی او گفت : « قرار است یک پزشک متخصص جراحی پلاستیک پای این کارگر را ویزیت کند. فعلا چون پای او درگچ است ، نمیتوان باقاطعیت اظهارنظر کرد »

درمورد علت حادثه ، از کارگر یاد شده سئوال شد که آیا بی احتیاطی ازسوی کارفرما بوده است یا ازطرف خود او،در پاسخ گفت : « اتفاقی است که افتاده نه میتوان کارفرما را مقصر دانست، نه خودم . »

این کارگر شریف در پایان گفتگو از مجله رستاخیز کارگران سپاسگزاری کرد و ادامه داد آرزویم فقط اعاده‌سلامتی است و دیدن خانواده‌ام.

حادثه‌در کنارجاده

سومین کارگری که با گزارشگر ما بــه گفتگو پرداخت بیمار مصدومی بود از شرکت واحد اتوبوسرانی . او عباسعلی یزدانی ، راننده شرکت‌واحد اتوبوسرانی ۹ سال‌سابقه کاردارد و روزانه ۴۴۵ ریال حقوق می گیرد. آقای یزدانی گفت : « کارگر بیمه ای هستم ، متاهل شده‌ام و دو فرزند دارم روز جمعه بعد ازظهر رفتم ماشین شیفت‌صبح را درجاده‌مخصوص تحویل بگیرم . ماشین خراب بود وامکان حرکت دادنش نبود و میبایستی بکسل می‌شد . در کنار ماشین ایستاده بودم تا وقتی وسائل لازم برای بکسل فراهم شد ، اقدام به بردن‌ماشین کنم درهمین حال که ایستاده بودم ، موتورسواری کــه یک‌نفر را به ترک خود نشانده بود ، ازراه رسید و بشدت بامن تصادف کرد .... چیزی نفهمیدم . وقتی بخود آمدم که خود را بروی تختخواب بیمارستان‌شماره ۲ احساس کردم .شاید‌سئوال کنید بی احتیاطی در این تصادف بمن مربوط میشد ، یا موتورسوار که باید بعرض برسانم هیچ بی احتیاطی در این حادثه متوجه من نیست ، تصور می کنم اینکه مدتی به انتظار بکسل ماندم وسرانجام هم پس ازآن همه معطلی‌موفق به بکسل کردن ماشین هم نشدم موجب این حادثه‌شده‌باشد ! »

پزشکان درمورد این بیمار اظهارنظر کردند که مچ دست این کارگر دچار شکستگی شده و قسمتی از آن جابجا گردیده است ، فعلا پای بیمار درگچ است پس از برداشتن گچ وانجام فیزیوتراپی معلوم خواهدشد که نیاز به جراحی دارد، یانه .

این بیمار از وضع بیمارستان،پزشکان ، پرستاران وبیماران اظهاررضایت‌میکرد.

کمک های اولیه

کننده باید کمک گرفت. سپس باآتو خشک کردودرروی زخم گذاشت و زخم‌بندی کرد.

۲ — پلاسترهای‌چسبان

این نوع پانسمان که چسبنده است و گاز دارند، ممکن است بصورت انفرادی باشند که برای یک موضع زخم استفاده گردد و گاز این نوع پلاستر ممکن‌است آغشته به‌مواد داروئی باشد، یا نباشد.

نوع دیگر پلاستر برای استفاده یک وهله نیستند، بلکه هر مقداریکه مورد نظر باشد میشود ازلوله پلاستر برید،ومصرف کرد واسروزه در زخم‌بندی از این وسیله رضــــایت بیستری دارند ونتیجه بهتری نیز عاید بیمار میگردد . البته استفاده باند بستن روی پلاستر جهت‌جلوگیری از کثیفی توصیه میشود.

۳— پنبه

اصولا استفاده از پنبه در کمکهای اولیه زیاد است .مثلا جهت پاک کردن زخمها و جلوگیری از حرکات عضوشکسته وجمع‌آوری ترشحات زخمها ومانع‌شدن از پخش ترشحات‌به اطراف زخمها وغیره ، درچنین موقعی‌پنبه زخم را ازعوامل خارجی حفظ میکند. درجعبه‌های کمک‌های اولیه باید پنبه هیدروفیل (آب کش) واستریل به مقدار کافی موجود باشد . البته اگر از بسته‌های کوچک پنبه استفاده شود ، بهتر است ، زیرا پس از رفع نیاز ، چیزی ازآن باقی نماند تاآلوده شود . امروزه بهتر میدانند که پنبه‌های استریل را بصورت نوار درآورده‌ومصرف کنند. آنچه‌مهم است اینستکه روی زخم پنبه یا گازی گذاشته شود که استریل (ضدعفونی‌شده) باشد وبرای بی‌حرکت نمودن عضومجروح ،میتوان پنبه غیراستریل بکاربرد.

۴— بانـد

طول وعرض مختلف در داروخانه‌ها موجود است . باندهای معمولی درحدود ۵ متر درازا و ۲ تا ۱۲ سانتی‌متر عرض دارند. قابل ذکراست که درباندپیچی دستوراتی را باید رعایت نمودو عملا دریادگیری‌طرزباندپیچی اقدام کرد.

نکات زیر در باند ویا نوارپیچی قابل دقت است:

۱ — دستهارا قبل از باندپیچی تمیز کرد و اصول پاکیزگی را درکلیه‌مراحل بخاطرداشت.

۲ — ازباند دروضع پیچیدن استفاده کرد و آن را بطور کلی بازنکرد.

۳— باند را ازنوک اندام به بالا پیچید تاباز نگردد.

۴— درهردوربستن آن را اندکی کشید تا محکم شده‌و بازنشود.

۵— درمصرف باند دقت داشت وزیاده ازحد لزوم باندمصرف نکرد.

۶ — اگرمحل زخم دارای قطر زیاد باشد، بهتراست باند را باسنجاق‌قفلی به بقیه قسمتهای پیچیده‌شده ثابت ومحکم کرد.

جودو کاران در یک‌مسابقه تماشائی

در روزجشن ۲۸ امردادماه، بین تیم‌های جودوی ورزشگاه کارگران تهران و چهارمحال بختیاری یک‌مسابقه جالب در ورزشگاه کارگران (جنوب تهران) برگذار شد. درمسابقـــه‌هـــای وزنی، دو تیم با سه برد و سه باخت مساوی شدند. درمسابقه وزن آزاد، کارگران جودو کار تهران با سه برد و دو باخت بردوستان چهارمحالی خود پیروز شدند. در پایان یک سری نمایش‌های جالب جودو ومبارزات تن به‌تن از طرف ورزشکاران عضو ورزشگاه کارگری تهران انجام‌شد که‌سخت‌مورد توجه تماشاگران ومدعوین قرارگرفت.

قابل توجه‌مشترکین ومتقاضیان‌اشتراک

نشریه رستاخیز کارگران

کلیه‌وجوه‌بابت‌اشتراک‌مجله «رستاخیز کارگران» رافقط بحساب‌شماره (۱۴۴۴) بانک‌ملی ایران‌شعبه‌خیابان‌سپند (فیشرآباد) منظورفرمائیدو فیش بانکی وآدرس خود رابدفترمجله ارسال دارید

بقیه از صفحه ۲۲

۷ — در استفاده از باند برای بستن به انگشتان دست ویا که قطر کمتری دارند ، میشود انتهای باند را درحدود ۲۰ سانتی‌متر اروسط پاره‌کرد وپس‌از گره‌زدن درجهت مخالف ، دوقسمت موضع رابست توجه شود که گره روی زخم قرار نگیرد وخیلی‌محکم باشل بسته نشود .

۸ — جهت بازشدن نقطه گره خورده ویا سنجاق ، اغلب ترجیح میدهند بالکوپلاست محل را بپوشانند .

دربعضی از موارد احتیاج است که از دستمالهای سه‌گوش ویا باند مثلثی شکل استفاده شود . بنابراین وجود آنها درجعبه‌های کمک‌های اولیه لازم بنظر میرسد . این نوع باندها یا دستمالها معمولا ازچلوار یا پارچه‌های کتانی تهیه میگردد . (معمولا اندازه قاعده آن ۱۳۰ ، ودوضلع آن‌حدود ۹۲ سانتی‌متراست) .

از باند مثلثی در هنگام ضرب دیدن یاشکستگی و دررفتگی اعضای بالای بدن ودر حقیقت جهت بی‌حرکتی عضو استفاده میشود . ساده‌ترین راه استفاده‌آن این است که دستمال را لوله کرده ، مثلا روی شانه طرف مجروح قرار دادوسرآزادش رامحکم باید نگاه‌داشت وقسمت پیچیده را رها کرد که پائین افتاده وبازگردد تا بشود به‌قسمت دیگردستمال گره زد .

پانسمان توری روغنی

این نوع پانسمان که مدتی است رایج شده ،درمواردی بکارمیرود که لازم است‌وسیله به زخم پیچیده شود .بخصوص در مورد سوختگیها بسیارمفید است ،بدین معنی که روی باند توری آغشته به مواد روغنی وازلین ضد عفونی شده است .این تورو باند بوسیله دو تکه بهم وصل است که رویه را گرفته (با دست تمیز)سپس پانسمان توری روغنی را در محل مورد نظرقرارمی‌دهیم .

در کلیه موارد باید دقت شود که جهت زودتر التیام پذیرفتن زخمها و جلوگیری از حساسیت‌ها ،از تماس زخمها با مواد روغنی جلوگیری کرد .

آتل

آتل که به آن تخته بند نیز گفته میشود . به اشکال مختلف ومناسب با اندام هاست و از مواد مخصوصی ساخته شده و باید در کارگاه موجود باشد .این وسیله جهت حفاظت عضو شکسته شده بکار میرود و یکی از وسایل کم خرج وسبک ومهمی است که وجودآن در کارگاه بسیارلازم است .درسابق آتـــــل را ازمواد مختلف میساختند .مثلا هنوزآتل های گچی — فلزی — مقوائی — پوشالی و حتی حصیری در بعضی از نقاط مرسوم است ،ولی امروزه وسیله شکسته بندی که بنام اسپلنت میباشد ،در بازار موجود است .

اتومبیل سازی

بقیه از صفحه ۹

بدنه میباشد و با ابزارهای بادی کارگران کارهای لازم را انجام میدهند . بدنه خیس داخل کوره خشک کن و مجدداً جهت خنک کردن داخل کابین شماره ۱۷ ، میشود . درطول مسیر شماره ۱۸ ، کنترل نهائی زیرسازی رنگ انجام میگیرد . درصورت مرغوب بودن آن وارد اتاق رنگ اصلی میشود . دراین قسمت ۷ رنگ‌مختلف از مرکز رنگ تهیه کنی توسط لوله‌های مخصوص هدایت میشوند و رنگ‌آمیزی بدنه شروع و بلافاصله با کنوایرهای مخصوص به‌اتاق تبخیرو کوره‌دوبل واتاق‌سرد کن حمل شده‌وبا کنوایرهای جداگانه‌ای اززمین برداشته و به سالن تزئینات انتقال مییابد و دراتاق رنگ سیاه قسمتهائی مثل داشبورد و یا جای چراغها با رنگ مشکی مات رنگ‌آمیزی میشوند . عمل کنوایر هوائی شماره ۴۲ که طول آن ۴۰۰ متر و سرعت آن برای حمل ۵۵ بدنه درساعت قابل تنظیم است بازگرداندن اسکیدهای خالی بمحل اولیه میباشد . در اینجا لازم است توضیح دهم پیش از اینکه بدنه وارد اتاق رنگ اصلی بشود ، توسط قسمت برنامه‌ریزی ، شماره‌رنگ بدنه بر روی آن نصب و توسط دستگاههای تله‌پرینت به‌قسمت [illegible] داده میشود .

سالن تزئینات

بعد از رنگ زنی تزئینات شروع میشود . وصل قطعات تزئینی با حساب دقیق انجام میگیرد . وبرای تزئین این مراحل پیموده‌میشود بدنه رنگ آمیزی شده روی کنوایر زمینی شماره یک که طول آن ۱/۱ کیلومتر و سرعت آن برای ساخت ۶۰ دستگاه در ساعت قابل تنظیم است قرارمیگیرد . درطول این مسیر تمام قطعات تزئینی بدنه روی آن نصب میشوند این را هم بدانیم که قبل ازقرار گرفتن بدنه روی این کنوایر ها قسمت برنامه ریزی فرمانهای لازم را به چهار قسمت سالن توسط دستگاههای تله پرینت مخابره می کند و دستورهای لازم را در مورد تعیین نوع موتور(دولوکس ، جی تی یا کار) وتعیین نوع و رنگ تشک وهمینطورنوع لاستیک(جی تی ، دورسفید ، سیاه) به قسمت های مختلف مخابره‌می کند .

در روی کنوایر شماره ۲ داشبورد مونتاژ میشود و بدنه تقریباً آماده شده توسط کنوایر هوائی بلند میشود و در طول مسیر آچار کشی زیر بدنه و یا قسمتهائیکه بایستی قلاویز بخورند انجام میگیرد . کنوایر شماره ۴ مربوط بـــه مونتاژ موتورو گیربکس میباشد که درانتهای خط آن توسط کنوایر تک ریلی دیگری موتورو گیربکس برداشته میشود و روی کنوایر شماره ۱ [illegible] میگیرد .

در طول این مسیر [illegible] و [illegible] نصب میشوند و بطور خودکار [illegible] زیر بدنه تمام شده حمل و در این محل بدنه روی [illegible] قرار میگیرد .

دستگاه شماره ۸ مربوط به جا زدن لاستیک است که بطور اتوماتیک کار میکند و توسط دستگاه دیگری لاستیکها با [illegible] الکترونیکی بسیار دقیق بالانس میشوند و لاستیکهای بالانس شده توسط کنوایر هوائی بسوی طرف خط حمل شده و به اتومبیل نصب میشوند . در روی [illegible] شماره ۱۱ اتومبیل [illegible] دری و آب [illegible] تنظیم میشود و راننده‌ای [illegible] آزمایش به قسمت شماره ۱۲ آزمایش فرمان وشماره ۱۳ ، میزان چرخهای جلو، و بالاخره شماره ۱۴ ، اطاق تست آب و کوره خشک کن شماره ۱۵ ، میرساند . در صورتیکه بدنه هیچگونه نقصی نداشته باشد، آنرا روی باندهای شماره ۱۶ ، میفرستند . در این محل صندلیها و [illegible] . لاستیک زاپاس و [illegible] بر روی اتومبیل نصب میشوند . شیوه‌های کنترل ترمز و فرمان با مدرنترین دستگاهها و به دقت [illegible] صورت میگیرد . اتومبیل بعد از [illegible] به کنوایر شماره ۱۱ و ۱۸ و ۱۹ ، [illegible] و [illegible] های لازم و [illegible] چراغها و کلیه کارهای جزئی دیگر در طول [illegible] مسیرها انجام میگیرد [illegible]

تولید داخلی

در ایران [illegible] ۳۱۵ [illegible] دستگاه اتومبیل تولید میشود و [illegible] :

[illegible] ، دستگاه تولید [illegible]

[illegible] دستگاه تولید [illegible]

[illegible] ۵۲ دستگاه تولید [illegible]

[illegible] ۵۶ دستگاه تولید [illegible]

درحاشیه

* حدود ۳۵۰۰۰ نفر کارگر درصنعت اتومبیل سازی درایران کارمی کنند ، که تنها در یک واحداتومبیل سازی ۷۲۰۰ کارگربکارمشغولند .
* کمترین مقدار دستمزد ماهانه کارگران اتومبیل‌سازی درماههای اول ۱۵۰۰ تومان است وبیشترین مبلغ به هشت هزار تومان‌میرسد .
* ایجاد واحد های مسکونی در مجاورت کارخانه ، موجب شده که چند هزار نفر کارگران صنعت اتومبیل‌سازی ، دارای آپارتمان درمجاور کارخانه‌یی که درآن کارمی کنند شوند . البته این کارگران اجناس مورد احتیاج خود را ازفروشگاههای تعاونی مربوط به خودشان بطور اقساط خریداری‌میکنند ، که البته ازتخفیف قابل توجهی برخوردار است .
* ۲۰ درصد ازسهام کارخانجات صنایع اتومبیل‌سازی متعلق به کارگران است .
* بعضی از کارخانه های اتومبیل‌سازی ، تأسیسات ورزشی دارند ، که کارگران در اوقات فراغت به‌ورزش میپردازند .

تأثیرشگرف اصل چهارم

بقیه ازصفحه ۵۹

روبهای زیر زمینی مشهوریه وی از آنجا که در این کشورها تولید صنعتی وجود ندارد واز طریق گسترش صنایع قادر به افزایش تولید هستند . نمی‌توان این کشورها را درزمره کشورهای صنعتی و پیشرفته تلقی کرد . پس بنابراین ،تنها ازطریق افزایش تولید و بهبود کمی و کیفی آن ممکن است ، رشد اقتصادی کشوری فزونی پذیرد و سهیم شدن کارگران در سود کارگاههای تولیدی این امر را امکان پذیر میسازد .

ادامه دارد

جواهرسازها

بقیه ازصفحه ۱۷

دستبند ۵۵۰۰ ریال میشود از طرفی حدود ۳۰۰۰ ریال هم بعنوان کارمزد باید در نظر گرفت .

باین ترتیب هزینه درست کردن این دستبند حدود ۵۸۰۰۰ ریال میشود . بر این مقدار حدود ۱۰ درصد هم به عنوان سود فروشنده باید افزود که درنتیجه قیمت تمام شده به حدود ۶۳۸۰۰ ریال بالغ می‌شود . درحالیکه دربعضی ازمواقع می‌بینیم چنین دستبند گران‌تر ازآنچه حساب شد ، بفروش می‌رسد . و همین امر دلیل اصلی گله بعضی از خریداران مبنی بر گران فروشی جواهر فروشان است . مرحله « پرداخت » نیز درواقع آخرین کاریست که بر روی زیست آلات انجام می‌شود . در این مرحله کارگر با استفاده ازدستگاه صیقل ، انگشتری یا هرشیئی زینتی دیگر را تراش می‌دهد و به اصطلاح آن را « برق » می‌اندازد بعد از این مرحله است که شیئی زینتی برای فروش آماده می‌شود .

جواهرسازان

جواهرسازان ، یا به اصطلاح بهتر، جواهر تراشان از کارگرانی بشمارمیروند که کارشان در واقع مکمل کارزرگر است . هرچند کار این گروه‌ساده‌تر از کارزرگر ها است ، اما چگونگی هنر آنها هم در زیبائی شیئی تاثیر اساسی دارد .

این گروه ، یعنی جواهر تراشان هم کار خود را با استفاده ازطرح هائی که بوسیله خریداران در اختیار آنها قرار میگیرد ، انجام میدهند . سنگ هائی که آنها میتراشند ، بعد از خاتمه کار بر روی انگشتر ها یا گلوبند های طلائی که زرگر ها ساخته‌اند ، سوار میشود ، چرا که طلا و سنگهای قیمتی در واقع مکمل زیبایی یکدیگر هستند .

حسین شیرازی ، یک کارگر جواهر ساز است . او درمورد طرز کارش میگوید : « هر ذره ازسنگهای قیمتی مانند الماس ، فیروزه ، عقیق و امثال آن ارزش زیادی دارد . اینست که یک جواهرساز باید ضمن کار تمام فکرش را به حرکت دست هایش مشغول کند ، زیرا ساییدن نیم میلیمتر بیشتر یا خرد شدن یک ذره سنگ قیمتی ممکنست صدها هزار ریال به صاحب آن زیان وارد کند . »

مراحل دشوار

دشوارترین کار درجهت تراش جواهر ، شکل دادن سنگ بصورت منشوری شکل است یک جواهر تراش باید بقدری در کارش مهارت داشته باشد که مثلا بر روی یک قطعه سنگ با حجمی معادل یک‌سانتیمترمکعب ، بتواند حدود ۲۰ یا ۳۰ بعد بوجود آورد . بدون اینکه هیچکدام ازاین ابعاد درهم بریزد .

سنگهای قیمتی کجا هستند ؟ ...

درحال حاضر سنگهای قیمتی گوناگونی در ایران و دیگر کشورها وجود دارد .

این گونه سنگها به حدود ۵۰ گونه بالغ میشود . اما درایران انواع مانند برلیان ، فیروزه ، عقیق ، الماس زرد ، یاقوت قرمز ، لعل ، یاقوت کبود و صدف ، نسبت به بقیه مصرف بیشتری دارد .

برای اینگونه سنگها هم هیچگونه قیمت معینی وجود ندارد و نرخ آن درواقع بر پایه هنری که درآن بکاررفته استواراست . ولی در حال حاضر بطور کلی بهای هر قیراط از این سنگها بین [illegible] ۵۰۰ الی ۵۰۰۰ ریال در نوسان [illegible]

تقلب ورباکاری

[illegible] عرضه طلا بوده است . هرچند اکنون با اندازه‌ای ازاینگونه سوءاستفاده ها جلوگیری میشود ، اما درگذشته موارد زیادی ازآن دیده میشد .

کسانی که باین کار اقدام میکنند ، معمولا طلای خالص را آب میکنند و مقداری اضافه برآنچه لازم است مس با آن مخلوط میسازند که درموارد بسیارتغییر رنگ چشمگیر طلا باعث رسوائی فرد متقلب میشود .

مدرسه ها و کارخانه ها

دو معدن سرشار و دست نخورده استعداد ها

المپیک مونترال، نقطه برگشتی در تاریخ ورزش ما بود.

شکست های پیاپی ورزشکاران، و بدتر از آن، بی میلی اغلب آنان در پیکار ولی مردانه با حریفان، بهمراه نداشتن روحیه و خصلیات ورزشی، فضای خاص ورزش بعد از المپیک را بدنبال آورد.

رویدادها و پی آمدهای کاروان بزرگ، ولی بی هدف و شکست خورده ایران در مونترال که در قالب «ماجرای المپیک» می توان گنجاند، لزوم دگرگونی بنیادی ورزش و زیرورو شدن اساس و پایه نظام ورزشی کشور ایجاب می کرد. فرمان انقلابی شاهنشاه آریامهر دائر بر انحلال تربیت بدنی و تهیه مقدمات وزارت ورزش و جوانان نیز بخاطر انقلاب ورزشی شرفصدور یافت.

شاهنشاه در مراسم معرفی معاون ورزشی وزارت آموزش وپرورش خطوط اصلی سیاست وشیوه ورزشی آینده را ترسیم فرمودند:

هر ورزشکار ایرانی باید سعی کند تا جائیکه قدرت دارد در مسابقات ابراز لیاقت و غیرت کند، والا ما نمیخواهیم به یک نفر کمک مالی بدهیم که یک روز قهرمان شود و روز دیگر نه. آن دوران گذشته است. بعد از این روی عموم مردم تکیه خواهد شد. برای پیشرفت ورزش کشور باید به امر تغذیه کودک از دوران جنینی توجه شود و مادر نیز در این مدت باید تحت مراقبت های پزشکی قرار گیرد تا اینکه کودک بدنیا بیاید. تا دو سالگی نیز استفاده بنماید.

حتی در کودکستان نیز کودک باید لااقل یک وعده صبح ها غذای مجانی بخورد همانطور که با تغذیه صحیح کودک باید با ورزش آشنا شده و بمیدان ورزشی برود و دوران ۱۵ — ۲۰ سالگی است که آنوقت می تواند خودش را نشان بدهد.

شاهنشاه آریامهر در جای دیگر می فرمایند: «من فردا از شما قهرمان نمیخواهم، من اساس کار را می خواهم که ملت ایران با ورزش آشنا شود و ورزش بکند و لذت ورزش را ببرد و سلامتی از ورزش بدست بیاورد.»

حقیقت اینست که مسئولان ورزشی ما تا کنون مفهوم واقعی «ورزش» و پرورش تن را درک نکرده بودند، و یا می دانستند و قادر به انجام آن نبودند.

قهرمان پروری و مدال بگیری در ورزش ما پایه و اساس بود.

هر مسئولی پیش از هر مسابقه به تعداد مدالها و امتیازات تیم می اندیشید، چرا که رنگ مدالها و میزان امتیاز را برای بقای خود ضروری می دانست.

ورزش ما بیش از هر کس به افراد متخصص و کاردان نیاز دارد. افرادی که پست های ورزشی را بوسیله تفنن نخواهند. افرادی که از سرسیری به فدراسیونها و مشاغل آب و نان دار دیگر چنگ نیاندازند، افرادی که احساس مسئولیت کنند و در برابر مسئولان بالاتر جوابگو باشند. امروز، ورزش علم است، تکنیک است. تا پایه و اساس ورزش بر شالوده علم و دانش ورزشی استوار نباشد، هیچ است و این کاری نیست که با چند آدم دلسوز و یک ضرب الاجل معین امکان پذیر باشد. مسئولانی که در دوره جدید ورزشی بکار گمارده شده، و یا در آینده به خدمت فرا خوانده شد، راه دشوار و صعب العبوری پیش روی دارند باید اساس و پایه ورزش دگرگون شود، و افکار قدیمی و بی دانش ورزشی، در پشت درهای قفل شده تربیت بدنی مدفون شود.

مسئولان تازه ورزش کشور — که در آینده نزدیک در تشکیلات یک وزارتخانه نوپا فعالیت گسترده تری آغاز خواهند کرد — برای تدوین برنامه ورزشی باید از همه امکانات داخلی و خارجی سود ببرند. باید روشهای خوب و قابل تقلید کشورهای پیشرفته را در قالب تجربه ها و دانسته های ورزشی خود بریزیم و آنرا بدست افرادی با کفایت و دلسوز که در برابر شاهنشاه و ملت و میهن احساس مسئولیت کنند، بسپاریم. آغاز ورزش از دوره پیش از کودکستان است. از زمانیکه طفل مرحله جنینی خود را می گذراند. و این مراقبت و پرورش تا مرحله نوجوانی امری ضروری است.

ما در کشور خود، دو معدن سرشار استعداد داریم که متأسفانه تا کنون دست نخورده باقی مانده اند: مدرسه ها و کارخانه ها...

تا کنون برنامه های ورزشی ما در مدرسه ها چیزی در حد هیچ بوده و در کارخانه ها نیز، ورزش، با همه ی مراقبت های سالیان اخیر و بهبود وضع اجتماعی کارگران چندان تعریفی ندارد......

المپیک مونترال، عرصه دانش و تکنیک ورزش بود جلوگاه فن و هنر ورزش بود. و چان— کلام اینکه ملت های موفق در «مونترال» نشان دادند. که از چه راه به سامان رسیده اند و چه سان با بهره گیری از نعمت دانش و تکنیک «ورزش» را به مسیر شگفتی زای کنونی آن سوق داده اند.

این راه، راه علمی کردن ورزش، راه بهره— گیری از همه ی امکانات و استعدادها، راه آینده ورزش ماست. راهی که میدانهای جهانی را از کودکستان و مدرسه و کارخانه ها بسوی ما می گشاید.

اسماعیل یگانگی

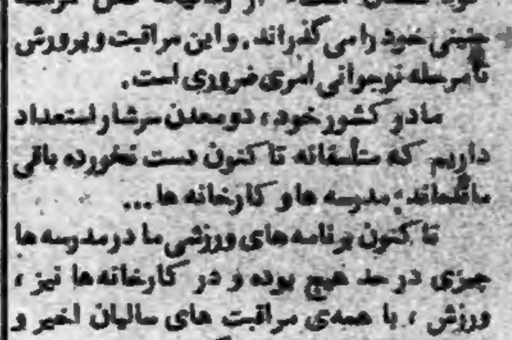

انتصاب این همکار را صمیمانه تبریک می گوئیم و توفیق بیشترایشان را آرزو داریم.

انتصاب

از سوی آقای دکتر محمدحسین رهنوردی، معاون وزارت آموزش وپرورش در امور ورزش، آقای ناصر انقطاع، به مدیر کلی اطلاعات و روابط عمومی و سرپرستی دبیرخانه تشکیلات ورزشی کشور برگزیده و سرگرم کارشد.

ناصر انقطاع که از همکاران ما و نویسندگان پر سابقه مطبوعات است، تحقیقات وسیعی درباره زبان فارسی داشته و با فرهنگستان زبان ایران، همکاری نزدیک دارد. او سالها قهرمان پرورش اندام بود و هم اکنون نایب رئیس فدراسیون آسیائی پرورش اندام و تنها داور بین المللی این ورزش در ایران است.

ورزش کارگر

۲۱۲ کارگر ورزشکار در مسابقه های قهرمانی کشور
تبریز در دوچرخه سواری، استان مرکز در بسکتبال و تهران در والیبال به مقام قهرمانی رسیدند

صحنه یی از مسابقات بسکتبال کارگران که در رضائیه برگزار شد.

هفتمین دوره مسابقه های کارگران کشور در رشته های دو میدانی، دوچرخه سواری، والیبال و بسکتبال در رضائیه انجام گرفت. در این مسابقه ها، که در ماه جاری انجام گرفت، مجموعاً ۲۱۲ نفر کارگر ورزشکار از مناطق تهران — خوزستان — اراک — مشهد — تبریز — کرمان و کرمانشاهان شرکت داشتند و پس از هفت روز مسابقه، قهرمانان هر رشته به این شرح معرفی شدند:

دوچرخه سواری

در این رشته دو مسابقه (۲۰ کیلومتر استقامت و یک کیلومتر سرعت) برگزار شد که تیم تبریز در مجموع با ۱۶ امتیاز اول شد و خوزستان و کرمان به ترتیب با ۱۲ و ۸ امتیاز دوم و سوم شدند.

در ۲۰ کیلومتر استقامت، علی زنگی آبادی از کرمان اول شد و محمد لایموت و سینشکور آلامالی (از تبریز) دوم و سوم شدند. در یک کیلومتر سرعت نیز ارسلان فقیهی (از کرمانشاه) اول و سینشکور آلامالی و محمد لایموت (از تبریز) بمقام های بعدی دست یافتند.

دو و میدانی

مسابقه های دو و میدانی قهرمانی کارگران در ۱۵ رشته انجام شد که کارگران ورزشکار تهران در مجموع بمقام نخست رسیدند. نتایج انفرادی رشته های مختلف از این قرار است:

۱۰۰ متر: ۱ — جواد عسگری (تهران) ۲ — داوستانی (تهران) ۳ — بیگلری (خوزستان)

۲۰۰ متر: ۱ — هاشم عضراوی (خوزستان) ۲ — حسن کیا (تهران) ۳ — سید قربان حسینی (مشهد)

۵۰۰۰ متر: ۱ — وجدان زاده (رضائیه) ۲ — معصومی (استان مرکز) ۳ — بهرامی (استان مرکز)

۱۵۰۰ متر: ۱ — علی عبدوئی (رضائیه) ۲ — محمد معصومی (استان مرکز) هاشم عضراوی (خوزستان)

پرتاب وزنه: ۱ — عبدالعلی خلقی (خوزستان) ۲ — رضا شیرازی (استان مرکز) ۳ — محمدعلی عظیمی رستمی (مشهد)

پرتاب دیسک: ۱ — محمد حمامی (رضائیه) ۲ — رضا شیرازی (استان مرکز) ۳ — رحیم علی پناه (رضائیه)

پرتاب نیزه: ۱ — ویکتور بکوسی (رضائیه) ۲ — غلامعلی حسن گودرزی (تهران) ۳ — عبدالعلی خلقی (خوزستان)

پرش طول: ۱ — بهمن جوانشیر (رضائیه) ۲ — داوستانی (تهران) ۳ — خلقی (تهران)

پرش ارتفاع: ۱ — بهمن جوانشیر (رضائیه) ۲ — عبدالزاهد خلقی (خوزستان) ۳ — نجفی (رضائیه)

پرش سه گام: ۱ — بهمن جوانشیر (رضائیه) ۲ — هاشم چهاربند (رضائیه) ۳ — غلامحسین گودرزی (تهران)

بسکتبال: تیم استان مرکز مقام اول را بدست آورد و تیم های اصفهان و مازندران دوم و سوم شدند

والیبال: در مسابقه های والیبال نیز تیم تهران بمقام نخست رسید و تیم مشهد دوم شد و تیم رضائیه سوم.

قهرمان پرتاب نیزه کشته شد

هفته گذشته، ویکتور بکوسی، قهرمان ۲۷ ساله پرتاب نیزه، که در مسابقات کارگری که در رضائیه برگزار شد، با رکورد ۵۰/۶۱ متر عنوان قهرمانی کشور را بدست آورد، در یک حادثه اتومبیل جان سپرد.

«رستاخیز کارگران» درگذشت این کارگر قهرمان را به جامعه ورزش بویژه کارگران، و بازماندگان آن مرحوم صمیمانه تسلیت می گوید.

این کار خوب را دنبال کنید

خردسالان را بمیدانهای ورزشی بکشانید

برندگان مسابقات تشویقی شنای فرزندان کارگران ، جوایز خود را دریافت کردند.

در مسابقه شنای زیر ۸ سال محمدعلی گیلانی اول و غلامرضا عظیم‌وند و محمد کاظم جانی دوم و سوم شدند.

یک کار خوب و یکقدم آگاهانه در تعمیم ورزش بین نوجوانان توسط تربیت‌بدنی وزارت کار وامور اجتماعی بین فرزندان کارگر عملی شد. این کار خوب ، این برنامه قابل تحسین ، انجام مسابقه‌های شنای تشویقی بین فرزندان خردسال کارگران بود ، که هفته پیش در ورزشگاه کارگران انجام شد و با اقبال کارگرزاده‌های خردسال قرار گرفت. این کار باید در همه‌ی رشته‌های ورزشی ، و در سطح کشور دنبال شود و به راههای مختلف خردسالان را به‌ورزشگاهها کشاند.

در این مسابقه‌ها که بمنظور بزرگداشت سالروز قیام ملی ۲۸ مرداد انجام گرفت ، نتایج زیر بدست آمد:

۵۰ متر پروانه : (۱۴ سال به بالا) ۱ — قاسم دل‌برده ۲ — احمد احمدوند — ۳ — ابراهیم صدری

۵۰ متر آزاد (۱۰ تا ۱۲ سال)
۱ — چنگیز فوج ۲ — محسن گودرزی
۳ — احمد مؤمنی

۱۰۰ متر قورباغه (۱۲ تا ۱۴ سال)
۱ — احمد گیلانی ۲ — باقر خصوصی
۳ — اسدالله زمردی

۵۰ متر کرال سینه (۱۲ تا ۱۴ سال)
۱ — شعبان شکروی ۲ — مصطفی کاظمی
۳ — رحیم شریفی

۱۰۰ متر کرال سینه (۱۴ سال به بالا)
۱ — جعفر خصوصی ۲ — ابراهیم صدری
۳ — رضا ابوالحسنی

۲۰۰ متر قورباغه (۱۴ سال به بالا)
۱ — غلامرضا رضائی ۲ — حسن اقبالی
۳ — جهانپور یوسفی

۲۰ متر آزاد (زیر ۸ سال)
۱ — محمدعلی گیلانی ۲ — غلامرضا عظیم‌وند ۳ — محمد کاظم جانی

در پایان مسابقه‌های خردسالان یک مسابقه جالب نمایشی بین‌عده‌ای از شناگران (بالباس کامل) انجام شد که در نتیجه دل برده — خصوصی و احمدوند مقام‌های اول و سوم را بدست آوردند و جوایزی دریافت کردند.

یک مویز و چهل قلندر!

یک خبر از اراک

شهر بزرگ کارگری و صنعتی اراک که روز بروز درحال گسترش می‌باشد، تنها یک استخر دارد، که آنهم متعلق به باشگاه ورزشی کارگران این شهرستان می‌باشد، ولی به همت مسئولان باشگاه از این تنها استخر، روزانه در سه نوبت صبح وعصر بیش از ۵۰۰ نفر از جوانان کارگر، دانشجو و دانش‌آموز استفاده می کنند. از آنجا که استخرهای دیگر شهر بسته است، هیات امناء باشگاه کارگران موافقت کرد که غیر از کارگران و فرزندان آنان، دیگر جوانان و نوجوانان شهر از این استخر استفاده کنند. گذشته از این، کلاسهای آموزش شنا نیز جهت استفاده علاقمندان تشکیل می گردد ، که درعکس صحنه‌ای از این کلاس دیده‌میشود.

کلاس هدایت مربیان پیشاهنگی کارگران

کلاس هدایت مربیان پیشاهنگی کارگران اراک، باشرکت ۲۲ نفر از کارگران واحدهای مختلف صنعتی، درمحل باشگاه کارگران این شهرستان تشکیل گردید.

در این کلاس که رویهمرفته سی ساعت ادامه داشت، کارگران داوطلب بطور تئوری وعملی فنون پیشاهنگی را آموختند.

در آزمون نهائی کلیه شرکت کنندگان در کلاس موفق به کسب گواهینامه شدند. این عکس گروهی ازشرکت کنندگان در کلاس را نشان میدهد.

چرا از ۲۰۰۰ کارگرا
فقط ۱۵۰ نف

از باشگاههای ورزشی کارگری دیدن کنیم

کشتی‌گیران جوان کارخانه در سالن تمرین

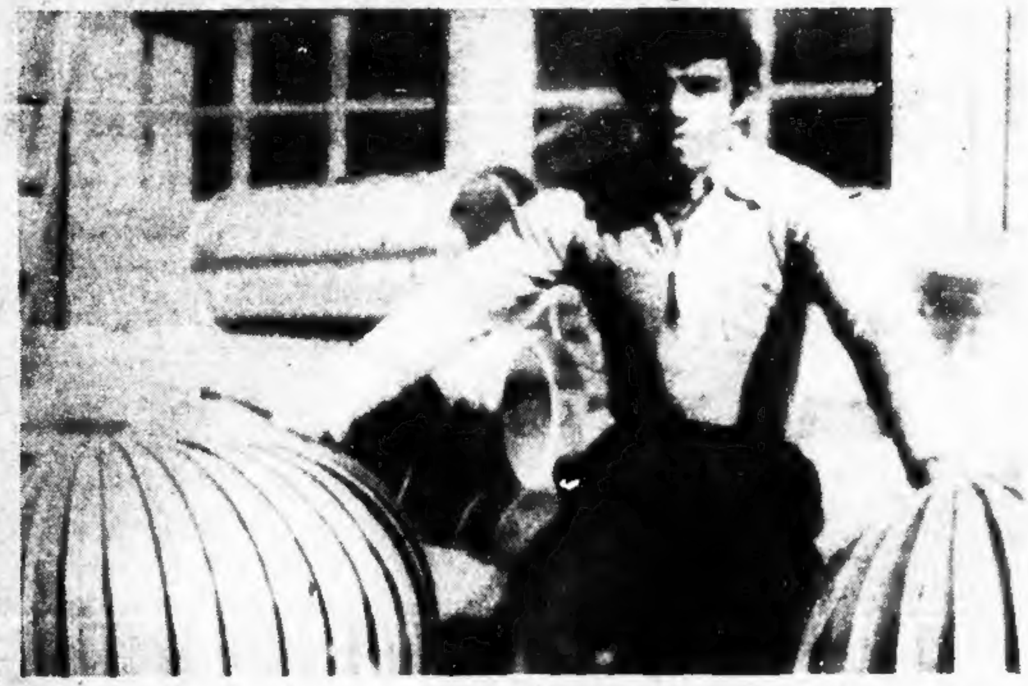

حبیب فتاحی، عضو تیم کشتی ایران در المپیک مونترال. کارگر تعمیرات کارخانه اتومبیل سازی خاور

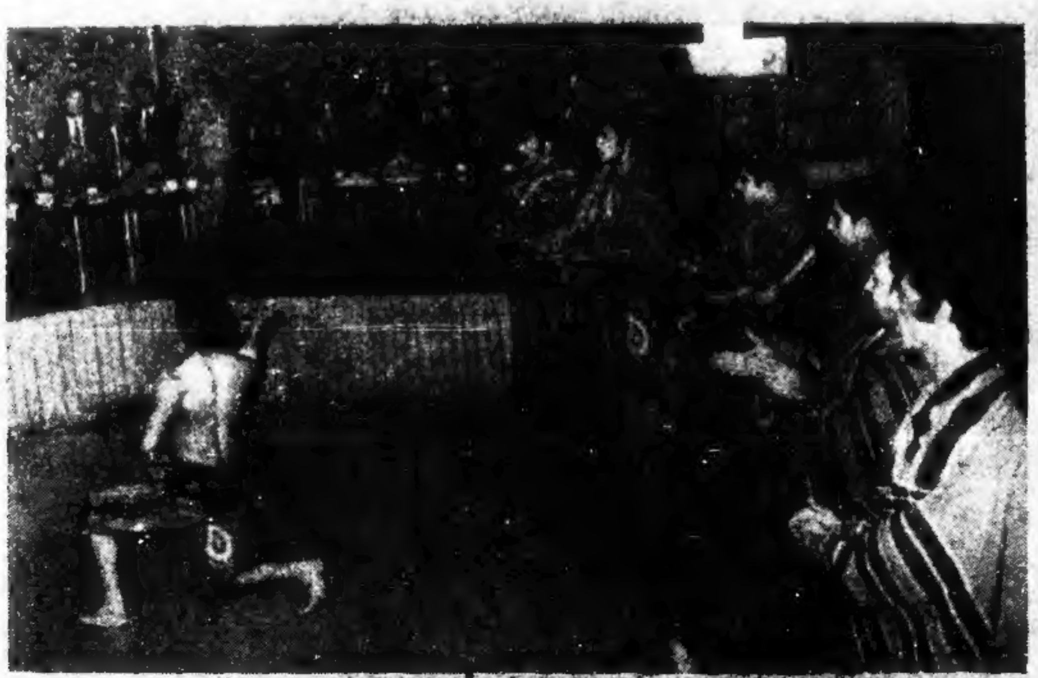

ورزش باستانی نیز از ورزش‌های مورد علاقه ورزشکاران باشگاه خاور است.

کشتی گیران باشگاه خاور که در مسابقه‌های قهرمانی کارگران کشور به مقام نخست رسیده‌اند در یک مجلس جشن در کارخانه که به افتخار آنان برپا شده است.

المپیک مونترال، در میان هزاران نکته جالب و آموزنده‌ای که برای ورزش ما داشت — که بزرگترین آن تحول انقلابی و بنیادی تشکیلات و سازمانهای ورزشی کشور ما بود — یک شانس بزرگ نیز به معدود منتقد و مفسر ورزشی ایرانی داد تا از نزدیک و به شیوه‌ای تحقیقی و علمی پیشرفتهای حیرت‌انگیز برخی از ممالک کوچک را در ورزش های بنیادی و قهرمانی بررسی کنند و اگر مسئولان تازه ورزشی کشور، بخواهند به انجام وظیفه تاریخی خود مطمئن باشند، بی‌شک، تجارب گرانبهای این تحقیق می‌تواند گره‌گشای بسیاری از دشواریها باشد.

یک بررسی اجتماعی در شیوه ورزشی و نحوه پرورش استعدادها در کشور نسبتاً کوچک جمهوری دمکراتیک آلمان نشان می‌دهد که یکی از محورهای اصلی ورزش در این کشور، کارخانه‌ها و باشگاههای کارگری است. و این، همان نکته قابل توجهی است که سرویس ورزشی مجله «رستاخیز کارگران»، به شهادت نوشته‌ها، یادآوری‌ها و گزارشهای خود، همیشه بدان توجه داشته است. ما معتقد بوده و هستیم، که ورزش کارگران می‌تواند و باید در مرکز ثقل ورزشی کشور قرار گیرد و مانند مدارس، زمینه های بکر و بسیار پرنعمتی برای ورزش کشور باشد. حتی، ورزش کارگران با آن منابع عظیم انسانی، و به اعتبار قدرت جسمانی و سن و سال کارگران نوجوان، می‌تواند زودتر و سریع‌تر از ورزش مدارس، در یک برنامه کوتاه مدت، برای ورزش ما کارساز و مددکار باشد.

و این در صورتی است که مسئولان ما در تهیه برنامه ها و تقویم ورزشی، ورزش کارگران را در جای والا و شایسته خود جا دهند. ما طرح این مساله بسیار حیاتی و بحث‌انگیز را به همراه ادامه بحث قدیمی خود پیرامون «ورزش ضمن کار» و لزوم توجه به تخصص ورزشی در طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارخانه‌ها» به فرصت مناسب وامی گذاریم و اینک به دنباله بررسی‌های خود از باشگاههای کارگری کشور ادامه می‌دهیم.

از ترافیک خیابان، تا ترافیک بیابان

ترافیک تهران، با همه نابسامانیهای خود، لااقل این حسن را دارد که آدم برای فرار از آن گاه می‌تواند با استفاده از خیابانهای فرعی و یا توقفگاهها، از بند مراکز «ترافیک خیز» برهد. و تازه در زنجیر ترافیک تهران، از خودروهای بزرگ بیست و چند چرخ و تراکتور و دیگر ماشین‌آلات سنگین، خبری نیست، ولی در ترافیک جاده ساوه، علاوه بر این دشواریها، مفری نیست و راننده جز اینکه صبر ایوب داشته باشد و با احتیاط یک رویاه براند، نمی‌تواند به رسیدن به مقصد مطمئن باشد.

برای رفتن به باشگاه ورزشی خاور — که در جاده ساوه واقع است — ما چنین کردیم. از ترافیک سردرگم جاده ساوه گذشتیم، و در اواسط آن، در میان انبوهی از آهن آلات و قطعات سوار نشده اتومبیل، ساختمان باشگاه ورزشی جلب‌نظر می کند که ساختمانهای بزرگ و کوچک آن را در میان گرفته‌اند. این، باشگاه ورزشی خاور است. کارخانه اتومبیل‌سازی نوپائی که به «ورزش کارگران» نیز سهمی داده است. باشگاه خاور، پنج سال است پاگرفته، و چنانکه از مختصات باشگاههای کارگری است، بیش از همه در رشته کشتی فعالیت دارد. باشگاه، محل زیبائی است با یک معماری زیباتر. سوای کشتی، پینگ‌پنگ، بکس، پرورش اندام و فوتبال نیز از ورزشهای رایج این باشگاه است. مسئولان کارخانه چنانکه آقای علی عبادی، سرپرست باشگاه نقل می کرد، برای جلب

...ن کارخانه ...ورزش می کنند؟

تا اساس ورزش قهرمانی ما بر این پایه استوار است، امید موفقیت نیست !
مدال بیار، پول بگیر ! !

از نقش کارخانه ها در توسعه و تعمیم ورزش کشور غافل نباشیم...

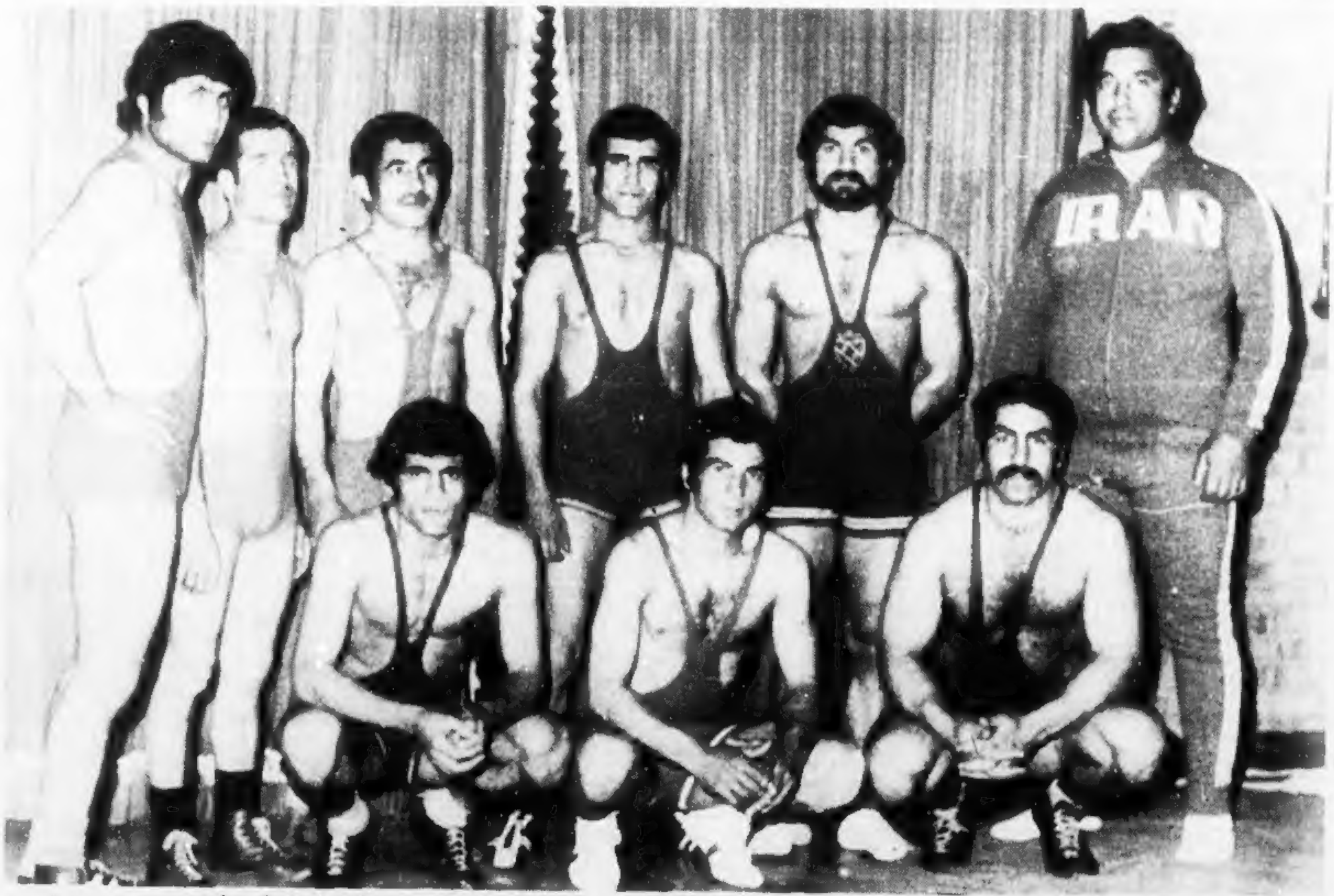

تیم کشتی کارگران باشگاه خاور، قهرمان مسابقه های قهرمانی کارگران در سال گذشته. از راست به چپ (ایستاده) علی عبادی، سرپرست— عباس شیخی ـ صفر کاکاوند ـ محمد کرمانی ـ هاشم بیاتی ـ علی کریمیان (نشسته) محمود زینعلی ـ اکبر قربان ـ جهانشاه کریمی.

نوجوانان کارگر به ورزش تدابیر خاصی به کار می‌گیرند که از آنجمله می‌توان از تشکیل کلاس آموزش ورزشی برای کارگران ۱۶ سال نام برد. این کلاسها هر روز به مدت دو ساعت (اغلب صبحها) تشکیل می‌شود. اگر چه بازدید ما از این باشگاه، عصر بود و نتوانستیم در یکی از این کلاسها شرکت کنیم، ولی تشکیل این کلاسها، می‌تواند راهی به سوی «ورزش ضمن کار» بگشاید. از آقای عبادی سرپرست باشگاه، که خود از کشتی‌گیران قدیمی است و حالا از داوران کشتی است، از تعداد ورزشکاران باشگاه سئوال می‌کنم.

می‌گوید «قریب ۱۵۰ نفر عضو داریم که در رشته های کشتی، بکس، پینگ‌پنگ و پرورش اندام فعالیت دارند. این رقم با توجه به تعداد کارگران کارخانه (۲۰۰۰ نفر) چیزی است در حدود ۷ درصد که این رقم نمی‌تواند چندان رضایت‌بخش باشد. باشگاه، از ساعت ۲/۵ بعدازظهر به روی کارگران باز است.» مسئول باشگاه می‌افزاید: «برای بازگشت کارگران و ورزشکار به شهر، اتوبوس گذاشته‌ایم»

صحبت بر محور مسابقه های کارگری می‌چرخد. سرپرست باشگاه می‌گوید: «ما، در مسابقه های کارگری شرکت می کنیم و سال گذشته (سال ۲۵۳۴ شاهنشاهی) در مسابقه‌های کشتی کارگری تهران و ایران، بمقام قهرمانی رسیدیم و امیدواریم بتوانیم امسال نیز امتیازات جالبی کسب کنیم.

کشتی‌گیران باشگاه خاور، هفته‌ای سه روز، روزهای زوج، به تمرین می‌پردازند.»

ورزشکاران ملی پوش

قدم زنان به سالنی می‌رسیم که تأسیسات ورزش باستانی دارد. سالن زیبا و جمع و جوری است. معلوم می‌شود کارگران ورزشکار کارخانه خاور، مثل اکثر کارگران، بـه ورزش باستانی نیز سخت علاقه دارند وعصرها، باستانی کاران، وارد گود می‌شوند.

زیر بنای باشگاه، حدود ۶۰۰ متر است و شامل سالن کشتی— با تشک‌های خوب— پینگ پنگ و گود و محوطه ورزش باستانی است.

وقتی صحبت از ورزش و ورزشکار ایـن کارخانه در سطح ملی می‌رسد، سرپرست باشگاه با غرور می‌گوید: «خیلی خوشحالیم کـه فعالیت‌های ما بهدر نرفته است. چون افتخاراتی که ما در این باشگاه کسب کرده‌ایم، شاهد این مدعاست. کشتی‌گیران صاحب نـام ما عبارتند از صفر کاکاوند— کشتی‌گیر ۵۲ کیلو— حبیب فتاحی عضو تیم کشتی المپیک مونترآل، که مکانیک قابلی است— هاشم بیاتی، محمد کرمانی و...»

از سرپرست باشگاه می‌پرسم: «راست و حسینی بگو، آیا کارگران ورزشکار در ازاء امتیازاتی که برای باشگاه کسب می کنند، توقع مالی هم دارند؟ پولی می‌گیرند و یا بشکل دیگر مثلا «اضافه کار» وغیره....؟.»

سر درد دل باز می‌شود و اینکه اصولا پایه «ورزش قهرمانی» در کشور ما براساس «مدال بیار» پول بگیر! ! استوار است.... و بالاخره چنین اعتراف می کند. «اگر چه ورزشکاران ما در ازای امتیازاتی که در مسابقه های کارگری و یا کشور بدست می‌آورند بشکلی مورد تشویق قرار می‌گیرند، ولی رویهمرفته، توقعات آنان بیش از این «تشویق» هاست و بعضی ها، خیلی جدی می گویند اگر بابت فلان مدال فلان مبلغ ندهید، دیگر در این باشگاه ورزش نمی کنیم ! ! خلاصه آنکه، علیرغم وسایل مدرن و سالن های خوب، برخی از قهرمانان و ورزشکاران ما به زور ورزش می کنند، چون مطمئن نیستند در ازاء امتیازاتی که کسب می کنند، پاداش نقدی مورد نظر را دریافت کنند ! ؟»

وی می‌افزاید: «با وجودیکه رئیس کارخانه واقعاً به ورزش ما کمک می کند، ولی اگر این کمک بیشتر شود راحت‌تر به فعالیت خود ادامه خواهیم داد. مثلا به کارگرانی که در ساعات غیر کار، برای کسب افتخارات برای کارخانه، تمرین می کنند امتیازاتی از قبیل «اضافه کار» در نظر بگیرند.»

این کارخانه چون کارگر زن ندارد، بنا بر این از ورزش زنان نیز در اینجا خبری نیست. تازه، به فرض اینکه کارگران زن در ایـــن کارخانه کار می کردند، آیا ورزش زنان کارگر مسأله قابل بحث بود؟ مگر در کارخانه هائی که زنان کارگر دوش به دوش مردان، در گرداندن چرخ های صنعت کشور می کوشند— جز یکی دو کارخانه— از ورزش زنان خبری هست؟ و اصولا مگر در ورزش ما، زنان ورزشکار آنچنان که میبایست جـــائـــی بـــرای خود باز کرده‌اند؟ ! ولی میتوان و باید امیدوار بود در دگرگونی عمیق ورزشی که پس از ماجرای المپیک مونترآل در ورزش ما صورت خواهد گرفت، برای ورزش کارگران، منجمله نوجوانان و زنان کارگر نیز سهم درخور و شایسته‌ای قائل شوند، چرا که چنانکه در آغاز مطلب اشاره کردیم تجربه کشورهای موفق مونترآل نشان داد که کارخانه‌ها، از جمله منابع سرشار استعداد ورزشکاران و قهرمانان هستند.

در خاتمه اسامی کارگران ورزشکار این باشگاه به شرح زیر در اختیار ما قرار گرفت:

کشتی گیران

آقای هاشم بیاتی	کارگر تعمیرات
آقای محمد کرمانی	کارگر اطاق‌سازی
آقای ساویز	کارگر مکانیک
آقای کاکاوند	کارگر تلیسلت و تعمیرات
آقای شیخی	کارگرد یفرانسیال
آقای نریمان	کارگر اطاقسازی
آقای فتاحی	کارگر در قسمت تعمیرات
آقای زینعلی	کارگر اطاقسازی
آقای خرسند	کارگر اطاقسازی
آقای قربانی	کارگر کانال‌سازی

پینگ پنگ بازان

آقای تاج
آقای قوچانی
آقای عبادی
آقای پورحیدری
آقای ساویز

باستانی کاران

آقای عباس نادری (سرپرست باستانی کاران)
آقای عباس عباسی
آقای سید کریم
آقای اکبر
آقای رضا فراهانی
آقای یونس نوروزی
آقای سیدحسین میرنظری
آقای خلیل
آقای مسلم سهرابی
آقای یعقوب پارزاد